

علوم سیاسی جهانی ضد کشتار

اثر: گلن د. پیج



Center *for* Global Nonkilling

Translated by Arezou Milani آرزو ميلانى
and Ivo Sobral ايوو سوبرال



Center *for* Global **Nonkilling**

Post Office Box 12232
Honolulu, Hawai'i 96828
United States of America
Email: info@nonkilling.org
<http://www.nonkilling.org>

ریچارد سی. اسنیدر

۱۹۹۷-۱۹۱۶

اچ. هاربرت ویلسون

۱۹۷۷-۱۹۰۷

محققان علوم سیاسی ، استادان و دوستان

علم و دانشی که بنیان گذارانش را فراموش کند ، از بین رفتنی است^۱
(آل‌فردنورت وایت هد)

^۱ Alfred North Whitehead

فهرست

پیشگفتار

قدردانی و تشکر

فصل ۱

آیا یک جامعه ای که در آن کشتار وجود نداشته باشد امکان پذیر است؟

فصل ۲

مهارت و توانایی درخواست شده برای یک جامعه ضد کشتار

فصل ۳

مفهومی برای علوم سیاسی

فصل ۴

معنی و استنباط حل مسئله - problem solving

فصل ۵

معنای ضمنی و استنباطی سازمان

فصل ۶

علوم سیاسی جهانی دور از کشتار

ضمیمه ۱

ضمیمه ۲

ضمیمه ۳

ضمیمه ۴

توضیح و یادداشت (Notes)

بیوگرافی

پیش‌گفتار

این کتاب را تقدیم می‌کنم به تامل و انعکاس اندیشه‌های انتقادی؛ در وهله اول به پژوهشگران علوم سیاسی تمام جهان، از دانش‌جویان گرفته تا استادان دانشگاه. به نظر می‌رسد نه سن و نه دانش و علم در ایده حاکم که در آن کشتن یک قسمت اجتناب‌ناپذیر شرایط زندگی است، تفاوتی ایجاد کند. به گونه‌ای که این مطلب مورد قبول تئوری و پراتیک علوم سیاسی قرار گرفته است. امید است که خوانندگان، فرضیه‌های این کتاب را مورد پرسش قرار دهند و بتوانند، اگر که کوچک، سهمی در زمینه و تفکر برای رسیدن به آینده‌ای به دور از کشتار داشته باشند.

این کتاب می‌تواند اولین کتاب به زبان انگلیسی باشد که عنوان اصلی و نام آن حاوی کلمه «دوری از کشتار nonkilling» می‌باشد. متأسفانه این لغت زیاد به کار برده نمی‌شود. این کتاب سعی دارد از طریق «صلح» و همچنین «دوری از خشونت» بر مساله مهم از بین رفتن زندگی بشری تمرکز بیشتری کند. به اعتقاد برخی افراد لغت «دوری از کشتار» لغت بسیار منفی و بسیار محدود است و باعث چشم‌پوشی و کوتاهی کردن در برابر مسائل مهم‌تر می‌شود. کسانی که اینگونه انتقاد می‌کنند می‌توانند چند کمک در هشدار و تذکر گانندی در تعریف «آهیزما» پیدا کنند (دوری از خشونت: صدمه نرساندن و آسیب نرساندن از طریق فکر، زبان و عمل است) همان‌گونه که دوری از کشتار که خشونت را کاهش می‌دهد.

شاید اگر گانندی یکی از تنظیم‌کنندگان این کتاب بود قانع می‌شد که تمرکز در رها شدن از کشتار می‌تواند، در زمینه علوم سیاسی دوری از کشتار و عبور از سیاست کشتار انسان به عمل حمایت از زندگی انسان، به معنی یک گام به جلو باشد.

ایده و عقیده این کتاب، در تائید به اینکه یک جامعه جهانی بدون کشتار امکان‌پذیر است و تغییر در زمینه علوم سیاسی و در نقش اجتماعی آن می‌تواند به ایجاد این جامعه نوین کمک کنند، بیان شده است. این کتاب اعتقاد به این مطلب را که کشتار سهم اجتناب‌ناپذیری در زندگی انسانها و در جامعه دارد و اینکه باید مورد قبول تئوری و پراتیک سیاست باشد را زیر سوال می‌برد. در اول این مطلب که انسانها از نظر زیستی، زیست‌شناختی

قادر به کشتار و یا دوری از کشتار هستند مورد قبول واقع شده است. دوم اینکه ثابت شده است که با وجود قدرت کشتار، اکثریت انسانها قاتل نیستند و قتلی انجام نداده اند. سوم اینکه قدرت دوری از کشتار در تعداد زیادی سازمانها و نهادها که خلاقانه می‌توانند در ایجاد یک جامعه به دور از کشتار سهم داشته باشند، نشان داده شده است. چهارم، با وجود پیشرفت های حال و آینده علم در زمینه علل کشتار، علل دوری از کشتار و همچنین عوامل گذر از کشتار به دوری از کشتار، چه در زمینه روانی و چه در زمینه اجتماعی، امکان شرکت کردن در تغییر در عملکرد کشتار وجود دارد. پنجم، نقش مهلک بودن در طبیعت انسان، مانند یک اصل برای قبول خشونت در علوم سیاسی، باید به اساس و پایه این زمینه تبدیل شود. ششم، برای پیشرفت و گذر به سمت حذف جهانی کشتار و هلاکت از زندگی بشری، دانشمندان علوم سیاسی به ادامه دادن آنالیز این موضوع مانند معظلی که بر اساس فرضیه و یا تئوری، با هم پیوستن عناصر و اصول قیاسی و استنباطی جستجو می‌شود دعوت شده اند. آنالیز فرضی و نقش افرادی که شک دارند و آنهایی که امکان ایجاد دوری از کشتار را قبول دارند، می‌توانند در پیشرفت این رشته و علوم سهم داشته باشند. همان طوری که مدافعان جلوگیری از اتمی شدن و دیگر منتقدان در به پیش بردن در زمینه تئوری و شبیه سازی اثر جهانی و منطقه ای جنگ اتمی موفق شدند؛ پژوهشگران علوم سیاسی نیز، چه معتقدان به کشتار و چه معتقدان به دوری از کشتار، می‌توانند برای آنالیز و تجزیه و تحلیل در نتیجه دوری از کشتار از زندگی جهانی متحد شوند.

این کتاب همچنان برای آنهایی که مطالعه یا تحقیقاتی را در زمینه علوم سیاسی انجام می‌دهند نوشته شده است. مسلم است که یک جامعه بدون کشتار بدون کشف و سهم دیگر علوم و دیگر زمینه ها نمی‌تواند ایجاد شود. یک نمونه مهم جامعه شناس معروف دانشگاه هاروارد (پیتیریم سوروکین) با اثر معروف خود «راهها و قدرت عشق» در سال ۱۹۵۴ است. نمونه دیگر «گزارش جهانی در مورد خشونت و سلامتی»^۱ در سال ۲۰۰۲ است. طبق نظر این گزارش «خشونت در انسان مانند یک بیماری است که قابل پیشگیری است». به علوم طبیعی و زیستی بنا شده بر دوری از کشتار، علوم اجتماعی دوری از کشتار و انسانهای وابسته به دوری از کشتار در هر زمینه از زندگی نیاز داریم. همچنین برای درک قدرت انسانها در گذشته و حال، باید دانش ها و تجارب را در ماورای

^۱ WHO World Report on Violence and Health (2002).

مفهوم و فرهنگ محلی تقسیم کنیم. دقیق بودن و حساس بودن در عمل . علوم سیاسی برای اینکه تبدیل به جهانی شود باید از اساس درک شود. از اولین انتشار این کتاب در سال ۲۰۰۲، تئوری دوری از کشتار در فرا خواندن و ترقی دادن پاسخ های شگفت انگیز خوانندگان ادامه داشت است . به عنوان مثال می توان از پژوهشگر علوم سیاسی پرفسور « ویلیام ایسمیرنو» یاد کرد که به نظر او: “ ایده اصلی این کتاب باید به اصول و ارزشهای همگانی در قرن ۲۱ تبدیل شود ”. رئیس جمهور سابق هند « ای.کی. گوجرال) به من این توصیه را داد: “ این کتاب باید در تمام موسسات علوم سیاسی خوانده شود و همچنین باید در اختیار همگان قرار گیرد”.

تعمق و تفکر خوانندگان و ترجمه آن به ۳۰ زبان (که تا کنون ۲۰ عدد از آنها به چاپ رسیده است) این پیش بینی را می کند که اندیشه و تامل جهانی دوری از کشتار در حال به وقوع پیوستن است.

قدردانی و تشکر

هیچ تشکری و قدردانی قادر به بیان سهم زیاد و عمیق آنهایی که در گذشته و حال، شناخته شده و ناشناس، که در ایجاد این کتاب سهم داشته اند، نیست. باید از مردمان هاوایی و کارمندانی که امکان مسافرت برای پژوهش آکادمیک را به وجود آوردند، تشکر کنم، باید از دانشجویان دانشگاه هاوایی که از مکان های مختلف می آیند تشکر کنم، همچنین کسانی از کسانی که در تهیه و تنظیم «راه های جایگزین سیاست دوری از کشتار» در سمینارهای دوره لیسانس و بعد از لیسانس از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲ همکاری کردند و یاری رساندند، پژوهشگران دوره دکترای دوری از خشونت که راه های آکادمیک من را مانند «فرانسین بلومه»، «کایوات ساتها-آناند» و «مکاپادو ای. سلیم» ادامه دادند.

در معرفی این کتاب متوجه اثر و نقش ۲ پرفسور آکادمیک علوم سیاسی پرینستون «ریچارد ایسنایدر» و «هوبرت ویلسون» شدم. از «ایسنایدر» احترام به علم، قدرت بین علوم را آموختم و همچنین درک و فهم این مطلب را که اساس سیاست در قدرت انتخاب در بین راه های مختلف، نگرانی برای آموزش در سطح های مختلف و دانستن این موضوع است که ارزش ها می توانند در رسیدن به هدف کمک کنند، همانند قانونی که راه را برای رسیدن به هدف نهایی روشن می کند، راهی که انسانهایی که دارای این ارزشها نیستند، قادر به دیدن آن نخواهند بود. به «ویلسون» بدهکارم به این دلیل که از او آموختم که نمونه یک جامعه درست و آزاد به افراد آکادمیک و شهروندانی نیاز دارد که برای حرف زدن برای حقیقت آماده هستند و آن را می بینند، هر چند این برایشان گران تمام شود.

مانند دیگر افراد آکادمیک از مباحث و لوم در داخل و خارج جامعه آکادمیک بهره بردم و الهام گرفتم. قدردانی می کنم از آکاریاس تولسی و ماهاپراگایا، رابی فیلیپ، جی. بنتلی، دایساکو ایکدا، لامادبوم تولکو، جورج زابلکا و عبدالرحمان وحید. همچنین قدردانی می کنم از دانشمندان علوم اجتماعی و بیولوژیک مانند آهن چونگ-سی، چونگ یون - لی، جیمز ای. داتور، جان گالتونگ، پیرو جورجی، هونگ سونگ - چیک، لی جی

- بونگ، برایان مارتین، رونالد ام - مک کارتی، بروس مورتون، کینماید
 موشاکوچی، ارمری پانونو، ای پریگو جین، توماس رامسی، ری یونگ-
 پیل، هیرو هارو سکی، ویلیام ایزمیرنو، لسلی ای. اسپونسل، جین شارپ،
 رالف ساهی و جان ترنت. در این میان از دانشمندان علوم سیاسی مانند، آ-
 ال. هرمان، ریچارد ال. جانسون، چامان ناهال، جورج سیمسون، تاتیانا
 یاکوشکینا و مایکل ترو. از کتابدارانی چون، روت بینز و بروس دی.
 بونتا. از رهبران سیاسی و اجتماعی مانند، ام. آرام، ای. تی. آریبارانته، دانیلو
 دولچی، گینفر اوانس، هوانگ یانگ- یوپ، پترا کلی، جین سادکوکینگ،
 میرید کوریگان ماگویر، عبدالسلام المجالی، رونالد مالون، اورسولا مالون،
 آندره پسترانا، اوا کیستروپ، شی گی، اکرام ربانی رانا، سولاک سیوا
 راسکا و، تی. کی. ان. اینتن. همچنین از آموزگاران و معلمانی چون خوزه
 آبووا، رادماکریشان، جی. راماناندرا، ژوکین اورا، و ریتا وهل استروم.
 مربیان دوری از کشتار مانند، دارماناندا، چارلز ال. آلفین، برنارد لافایت.
 همچنین متخصصان روح و جسم مانند، تیونگ اچ. کام، جین ار. لدوک،
 رامون لوپز- ریز، ولسلی فنگ، ری دونگشیک، و، رو چئونگ- وو.
 همچنین قدردانی می کنم از مدافعان نوآوری مانند، ویجی کی. باردواج،
 کارن کروس، لری ار-کروس، وانس انگلمن، اس. ال. گاندی، لوآن اهنو
 گوانسون، مانفرد هنینگسن، تئودور ال. هرمن، سزمیان لئونگ، آنتونی
 مارسلا، ریچارد مورس، رومولا مورس، اسکوت مک وی، گدونگ
 باگزاوگا، جوانا تاجیبانا، ولد مور تومسوک، و، آوارو وارگاس.
 همچنین با تمام وجود تشکر می کنم از نویسندگانی، با دیدگاه های متفاوت،
 که سخاوتمندانه در تنظیم و تهیه این کتاب سهم داشته و من را یاری داده اند:
 آهن چونگ- سی، ای. بی. آریارننه، جیمز مک گرگور برانز، چایوات ساتا-
 آناند، وانس انگلمن، جون گالتونگ، لوپز خاویر، بوترو، آمدنو کوتینو،
 الیزابتا فورنی، لو آن ها- اهنو گوانسون، کای هربرت، تئودور ای. هرمن،
 هونگ سونگ- چیک، اندوارد ای. کولدزی، رامون لوپز- ریز، کایشانا لو،
 مارید کوریگان ماگ گویر، مونی ها هندرا کومار، وینسنت کی. پولارد، ایلینا
 پریگوچین، ان. رادهاکاریشان، فرد. وی. ریگز، جیمز ای. رابینسون،
 بارتون ام. اسپاین، نامراتا شارما، جورج سیمسون، دیوید سینگر، چانسو
 سونگ، رالف سامی، کونستانین نیوسوو، ولد مار تومسوک، میشل ترو،
 اس. پی. اودایاکومار، تی. کی. ان اورنیتهان، آوارو وارگاس، و، بائوشو
 زاو. نظر و رای آنها باعث تاکید کردن بر باروری ایده ها و شکستن سد
 های مقابل آن شد. همچنین مسئولیت نامناسب بودن این کتاب را برای
 جوابگویی به پرسشها و سوالات خردمندانه ایجاد شده را به عهده می گیرم

عمیقا از جیمز رابینسون ، اولین تنظیم کننده این کتاب در فوریه سال ۱۹۹۹ ، برای پیشنهاد و فراهم کردن سخاوتمندانه تشکر می کنم ، برای روح ریچارد ایسنایدر در سهم داشتن در مقدمه کتاب دعا می کنم و همچنین تشکر می کنم از « ژوام اوانس پیم» برای نشر و چاپ و ویرایش این کتاب در مرکز جهانی دوری از کشتار در سال ۲۰۰۹ ، همچنین متشکرم از « کلاندا هاتسوکو نایتو پیج» همسرم، به خاطر تایپ نوشته های من و تمام کارهایی که در این ۲۵ سال اخیر برای نوشته های من انجام داده است و برای همکاری و همراهی در مسافرت های مربوط به دوری از کشتار به بالی، بانکوک، پکن، برلین، بریسان، هیروشیما، کراچی، لندن، مسکو، دهلی نو، نیویورک ، پاریس، پیونگ یانگ، سئول، توکیو و اولان باتور. همچنین تشکر می کنم از مرکز چاپ دانشگاه کلمبیا برای اجازه چاپ دوباره کتاب « جان بورگس» با عنوان « خاطرات یک متخصص آمریکایی-۱۹۳۴».

ف اصل

آیا یک جامعه ای که در آن کشتار وجود نداشته باشد امکان پذیر است؟

“فلسفه آنجا شروع می شود که کسی یک سوال برایش پیش می آید و به همین طریق هم علم به وجود می آید”^۲. (برنارد راسل)

سوالاتی که یک دولت و کشور از خود می کند نشان دهنده پیشرفت سیاسی آن کشور است. خیلی وقتها شکست سیاسی یک کشور نشان دهنده این است که آن مملکت هیچ گاه از خودش سوال اصلی و اساسی نکرده است^۳. (جواهر لعل نهرو)

آیا امکان یک جامعه بدون کشتار وجود دارد؟ اگر نه چرا؟ اگر آری چگونه؟

هدف از جامعه بدون کشتار چیست؟

آیا آن جامعه ای است که چه کوچک چه بزرگ، چه جهانی و چه غیر جهانی، بدون وجود سلاحهایی با هدف کشتن انسان و عاری از تهدید به مرگ عاری از هر گونه جنگ افزار باشد زیرا هیچ نیازی هم به ساخت و استفاده از آنها نیست؟ و هیچ شرایط و موقعیتی هم برای این چنین جوامعی که به عنوان بقای خود دست به تهدید و یا استفاده آن سلاحهای کشتار جمعی می زنند، وجود نداشته باشد.

^۲ Bertrand Russell

^۳ Jawaharlal Nehru

در جوامع مدنی، کشتار انسانها و هیچ تهدیدی برای کشتار آنها وجود ندارد. این گونه اندیشه را می توان برای دیگر موجودات زنده نیز به کار برد ولی اولین هدف از نکشتن، انسان است. در این مدینه فاضله تهدید به مرگ حتی وجود خارجی هم ندارد و قانون عدم کشتار هم از یک کشور دیکتاتوری به دیگران تحمیل نمی شود.

سلاحهای کشتار جمعی و جنگ افزار ها دیگر وجود ندارد (به غیر از استفاده آنها در موزه ها برای فراموش نکردن جنایات انجام شده) و همگی از بین رفته اند فقط مشت و لگد باقی مانده که هدف آن استفاده برای خشونت و یا پیشرفته کردنش از طریق تکنولوژی نیست. در این جامعه ادیان مختلف کشته شدن و مهلک بودن را مقدس نمی دانند و دستورات دینی حکم به کشتن نمی دهند. دولتها آن را قانونی و مشروع نمی دانند و پارتیزانها به دنبال آن نبودند و انقلابیون آن را توصیه نمی کنند. روشنفکر ها و هنرمندان برایش جشن نمی گیرند و ارزش آن را بالا نمی برند و شعور همگانی و حس مشترک آن را توصیه نمی کند. اگر بخواهیم این طرز فکر را با تکنولوژی کامپیوتری مقایسه کنیم میتوان گفت که شکل بندی جامعه بستگی به مهلک بودن آن ندارد. روابط اجتماعی برای بقای خود و یا تغییر خود بستگی به تهدید و یا کشتار ندارند. روابط برتری سلطه و یا محروم کردن دیگران وجود ندارد و هیچ دولت و کشوری " نرم افزار" و یا " سخت افزار" کشتار را در اختیار نمی گذارد. مالکیت ، نژاد ، اصالت و سیستم و اعتقادات مذهبی یا غیر مذهبی وجود ندارد. البته این بدان معنا نیست که یک جامعه بدون کشتار عاری از روابط یا تفاوت ها و یا اختلافات باشد اما به این معنا است که ساختار آن و پیشرفت آن وابسته به کشتار نیست.

به این صورت زندگی و حیات در یک جامعه مخالف کشتار در نکشتن انسان توصیف شده است و عاری از تهدید به مرگ و عاری از تکنولوژی کشتار است و چنین جامعه ای برای بقای خود دلیلی برای کشتن ندارد.

آیا یک جامعه ای بدون کشتار می تواند وجود داشته باشد؟

جوابی که ما به این سوال می دهیم بستگی به تجربه شخصی ، فرهنگی و معلومات ما دارد ، همچنین تمام عواملی که دانشمندان و پژوهشگران علم سیاست برای توجیح طرز رفتار دیگران از آن استفاده می کنند ، بر

رفتارهای شخصی ما اثر می‌گذارد و خود ما نیز از تاثیر آن در امان نیستیم دارد.

در یک سمینار تابستانی در سال ۱۹۷۹ که اسپانسر آن « سازمان وقف و اعطا انسانیت^۱ بود و جمعی متشکل از ۲۰ نفر از دانشمندان و محققان علوم سیاسی آمریکایی که برای تجدید نظر افکار کلاسیک غرب و استفاده آن در دانشگاه‌ها شرکت داشتند این سوال را مطرح کردیم که آیا مکان یک جامعه بدون خشونت و کشتار می‌تواند وجود داشته باشد؟ جواب قاطع و یک صدای آنها این بود: غیر ممکن است! در این سمینار به طور مساوی از ۴ عرصه مهم سیاست آمریکا شرکت داشتند: تئوری سیاسی، نماینده دولت آمریکا، روابط بین‌الملل و سیاست نسبی. در بین این محققان تنها یک زن وجود داشت و اکثریت مرد بودند.

در آخر سمینار سه موضوع سوال ما را تبدیل به یک بحث کرد: اولین مطلب این بود، یکی از محققان این برداشت را داشت که کشتار یکی از گزینه‌های بشر است چون انسان غریزه حیوانی دارد و همیشه آماده کشتار است. دومین موضوع مینا بر این بود که تدریجاً با کمتر شدن ذخیره و سرمایه طبیعی و اقتصادی بشر را به مجادله، رقابت و کشتار سوق می‌دهد و در نهایت سومین مطلب مبتنی بر این بود که با بیشتر شدن تجاوز و جنایت، جنس مذکر آماده کشتار و دفاع از جنس مونث است. این موضوع که از طرف تنها زن سمینار هم تأیید شد مبتنی بر این بود که به گفته ایشان « اگر کسی زندگی فرزندان مرا به خطر بیندازد او را خواهم کشت». ، اکثراً هنگامی که درباره جامعه بدون خشونت صحبت میشود این سوال مطرح می‌شود که چگونه ممکن است در برابر هیتر و جنایات او بدون خشونت مقاومت کرد. مطالب سه گانه ای که در بالا به آن اشاره شد به حد کافی پیچیده هستند که حتی عمل و دانش علوم سیاسی ضد کشتار را غیر قابل تصور و اجرا می‌دانند.

مطلب آنقدر واضح بود که هیچ احتیاجی به اشاره ای از گفتارهای شخصیت‌های کلاسیک علوم سیاسی غرب نبود. معلومات این متخصصین به همان نتیجه‌گیری قانون‌گذاری جزایی سنتی در چین و کائوتیان در هند می‌انجامد. به صورت واضح و غیر واضح آنها معتقدند که آمادگی برای کشتار برای به وجود آوردن یک مدینه فاضله و دفاع از آن مهم است.

^۱ National Endowment for the Humanities

افلاطون در شاهکار خود به نام (جمهوری)^۲ می نویسد « فلاسفه ای که قدرت را در دست دارند از جانب جنگجویان انتخاب و استخدام می شوند و بر رعیت ها حکم می کنند». همان گونه که « لئون هارولد کریگ»^۳ معتقد است: «یک بیننده بدون تعصب و پیشداوری در کتاب جمهوری افلاطون به سختی می تواند به این نتیجه نرسد که جنگ جز اصلی زندگی است و شاید خود زندگی و هر تصمیمی که در امتداد آن گرفته شود باید این اصل را در نظر بگیرد». ارسطو (۳۱۲-۳۸۴ قبل از میلاد) در کتاب خود (سیاست)^۱ می نویسد که در شهر ها چه حکومت در دست یک نفر باشد و چه در دست تعداد بیشتری ، مالکان زمینها باید مسلح باشند و یک ارتش، لازمه تحت نفوذ قرار دادن بردگان است تا بردگان به دشمن تبدیل نشوند. نه افلاطون و نه ارسطو در احتیاج به یک ارتش کشنده و مرگ آور لحظه ای تردید ندارند.

(ماکیاولی)^۲ در شاهکار ادبی خود "شهریار یا شاهزاده"^۴ کشتار را برای در دست نگه داشتن قدرت ، شهرت و شرافت مملکت توجیح می کند. او همچنین تاکید می کند «که در بیشتر موارد بهتر است مانند یک روباه زیرک حکومت کرد اما در هنگام لزوم باید مانند یک شیر کشنده عمل کرد. او همچنین استفاده از شهروندان مسلح را برای هر چه بیشتر قوی کردن جمهوری پیشنهاد می کند.

توماس هوببیس^۴ (۱۵۸۸ - ۱۶۷۹) در اثر خود « لویتیان»^۵ کشتار را به گونه ای دیگر توجیح می کند: « ممالک و کشور ها برای نظم اجتماعی و پیروزی در جنگ نیاز به کشتار دارند». او معتقد است که کشتن در نهاد انسان وجود دارد و اگر همه انسان ها تحت یک قانون نباشند و به حالت طبیعی رها شوند جامعه تبدیل به هرج و مرج می شود ، وی تاکید می کند که برای در نظم نگه داشتن این جامعه نیاز به یک قدرت مرکزی است که آنها را تحت سلطه خود داشته باشد و از این طریق مانع هرج و مرج جامعه شود و امنیت کشور را تضمین کند، با این وجود هر انسان برای دفاع جان خود حق کشتن دارد.

۲ Republic

۳ Leon Harold Craig

۱ Politics

۲ Machiavelli

۳ The Prince

۴ Thomas Hobbes (1588-1679)

۵ Leviathan

این موضوع و طرز فکر در دنیای مدرن و معاصر امروز نیز وجود دارد به عنوان مثال در ایالت متحده آمریکا برای مبارزه با قتل های خانگی پلیس مسلح دولت آمریکا وجود دارد که متشکل از پلیس فدرال، پلیس دولت و محلی را در بر می گیرد. در سال ۱۹۹۹، تعداد مأموران به ۶۴۱۲۰۸ می رسید هر ۲۵۰ پلیس برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر شهروند. ۴۲ نفر از این مأموران در سال ۱۹۹۹ کشته شدند.^۶

در صورت نیاز این یگانها از محافظان ملی و از نیروی انتظامی فدرال ایالت متحده آمریکا نیز پشتیبانی می شوند. نگهداران زندانها، محافظ بیش از یک میلیون و هشتصد هزار زندانی که متهم به جنایات مختلف هستند که ۳۲۱۹ نفر از آنها در سال ۱۹۹۹ منتظر اجرای حکم اعدام خود بودند.^۱

ایالت متحده آمریکا دارای ۵۰ دولت است که در ۳۸ ایالت حکم اعدام جاری می شود. تعداد افراد اعدام شده از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۷۷ در کل ۳۵۸ نفر بوده است. در حالی که قرن بیستم در حال اتمام است و در حالی که آمار جنایات روز به روز افزایش می یابد و غیر قابل کنترل است افرادی هستند که خواستار افزایش آمار اعدام و اجرای آن هستند و خواستار افزایش مدّت زندان و ساختن زندانهای بیشتری هستند.

در آمریکا خشونت را می توان در جامعه و از جامعه یاد گرفت و روز به روز در چهار چوب فرهنگ جای باز می کند. به صورت رسمی و غیر رسمی، قانونی و غیر قانونی به انسان کشتن آموزش داده می شود. در ایالت متحده آمریکا تعداد کسانی که حرفه آنها کشتن است به بیش از ۲۴ میلیون نفر می رسد که متشکل از سربازان قدیمی و شرکت کننده در جنگهای گذشته بوده اند (۲۵,۵۵۱,۰۰۰ در سال ۱۹۹۷). از هر ۴ نفر مرد بالغ، یکی از آنها جزو سربازان قدیمی است. خیلی از مدارس، دانشگاه ها و ... آموزش نظامی ابتدایی را می آموزند. خیلی دوره ها وجود دارند که دفاع شخصی را آموزش می دهند. نیروهای شبه نظامی و غیر دولتی کلاسهایی را برای چگونه جنگیدن فراهم می کنند و زندانها مانند مدارس هستند که ربودن رامی آموزند. مجلات و روزنامه ها تکنیک های کشتار را به مزدوران یاد می دهند و اسلحه می فروشند و در این را به وضوح می توان در تبلیغات شان دید. ویدیو ها و بازی های کامپیوتری جوانان را با بازی هایی چون شبیه سازی کشتار چه در مبارزه های خیابانی و چه در مبارزه ها در زمین و فضا سرگرم می کنند. تجارت «حقیقت مجازی» تجربه افزایش آدرنالین را می فروشد که

^۶ Federal Bureau of investigation 1998:28

^۱ (Bureau of Justice)1998;1997

در آن «اگر نکشی کشته می شوی». در یک برهه از زمان در محوطه دانشگاه ها و کالج ها بازی کامپیوتری که بیشترین طرفدار را داشت «کشتن هم دانشگاهی»^۲. این گونه به نظر می رسد که قتل های مجازی ادامه طبیعی اسلحه های پلاستیکی بودند که در کودکی از آنها استفاده می شد. رساناهای گروهی به طور غیر مستقیم تامین کننده آموزش های کشتن و کم کردن ارزش حیات انسان هستند. آموزگاران و معلمان، کارتون ها، فیلم ها و برنامه های تلویزیونی، رادیویی، موزیک و تبلیغات همگی در افزایش این خشونت نقش دارند. از کودکی تا بلوغ هزاران صحنه خشن در ذهن حک می شود، در حالی که صحنه هایی را نشان می دهند که در آن افراد، اشیا و حیوانات و طبیعت توسط قهرمانان خوب و یا بد از بین می رود. روزبه روز صحنه هایی از قتل و عام سببیت یک در میان و پشت سر هم با صحنه هایی که مربوط به تمایلات جنسی، به خصوص در تبلیغات های فیلم ها، به صورت ناخود آگاه جاذبیت و شیوا گری را به کشنده بودن نزدیک می کنند.

هیچ کس در تاریخ این تعداد صحنه های مرگ بار در ذهنش حک نشده بود. یک تکنیک نظامی که برای تشکیل دادن کماندوها و افراد نیرو های مخصوص و قاتلان استفاده می شود این است که، برای از بین بردن اکراه از کشتن، آنها را مجبور به نگاه کردن فیلمهای خشونت بار و چندش آور می کنند. در این حالت گویی تمام مردم (ملت) با پشت سر گذاشتن احترام و ارزش به زندگی که بر پایه همدلی بنا شده بود به سوی بی ثباتی و قبول کشتار می روند. قضات بر این عقیده هستند که قاتلان که زیر ۱۸ سال دارند هر روز بیشتر از دیروز به وضوح بی احترامی و اعتنایی خود را به ارزش جان نشان می دهند. همگانی شدن خشونت از طریق وسایل ارتباط جمعی، هر چند که برای جامعه مدنی خطرناک است، ولی برای یک دولتی که احتیاج به قاتلان حرفهای دارد مورد نیاز است. برای مثال، در یک آگهی بازرگانی که هزینه آن ۱ میلیون دلار است، در بازیهایی نهایی یک مسابقه فوتبال در آمریکا در تلویزیون: میلیونها بیننده یک شوالیه قرون وسطی (که از یک بازی کامپیوتری الهام گرفته شده بود) شمشیر خود را رها می کند و به شکل یک «تفنگدار دریایی»^۱ در می آید که با شمشیر خود به مردم سلام می کند. زبان هم کشتار و مرگ را منعکس و آن را قوی تر می کند و به آن یک حالت طبیعی و عادی می دهد. اقتصاد آمریکا بر پایه سرمایه گذاری آزاد

^۲ assassination of fellow students

^۱ Marine

بنا شده است. آنها حتی در بازار اقتصادی و بورس از کلمه « کشتن- شکار کردن در بازار بورس»^۲ استفاده می کنند ؛ در بورس « وال استریت»^۳ یک جمله معروف است که می گوید «موقع خرید مناسب وقتی است که خون در خیابان ها جاری است ” و دنیای تجارت نیز در یک جنگ قیمت با هم مسابقه می دهند.

سیاست آمریکا بر پایه دموکراسی “ انتخاب آزاد ” بنا شده است . افرادی که در کمپین های انتخاباتی شرکت می کنند اسمشان « یگان ها»^۴ و یا « سربازان پیاده نظام»^۵ است ؛ در مجلس پروژه های قانون اسمشان « مقتول»^۶ است ؛

” دولت با فقر و مواد مخدر می جنگد”^۱. ورزش ملی آمریکا « بیس بال» است که در آن هنگامی که تماشاچیان از بازی راضی نیستند فریاد می زنند : “ داور را بکش “ ، مجریان برنامه های ورزشی گروه فوتبالی را که قوی هستند قاتل خطاب می کنند ؛ بازیکنان به اسم “ اسلحه ”^۲ خطاب می شوند . وقتی توپ پاس داده می شود می گویند “ بمب بلند ”^۳ و حریف ضعیف که بازی را باخته است می گویند که قادر به کشتن نیست! از آزادی مذهبی خود مغرور هستند و در دعای خود هنگامی که شاهزاده صلح را صدا می زنند اینگونه می خوانند “ به جلو بیایید سربازان مسیح ” و سربازان کشته شده در جنگ های صلیبی را به سربازان به صلیب کشیده شده تشبیه می کنند.

“Onward Christian soldiers” and reflecting the spirit of the Christian Crusades and Reformation chorally climb “Jacob’s ladder” as “soldiers of the Cross.”

در مواقع بی کاری و هنگامی که حوصله شان سر رفته از عبارت (کشتن زمان)^۴ استفاده می کنند .

در حالی که روز به روز آگاهی از خطرناک بودن زبان و گویش نژاد پرستی بیشتر می شود، آمریکایی ها به صحبت کردن به صورت مرگ

۲ making a killing on the stock market

۳ wall street

۴ Troops

۵ Foot soldiers

۶ killed

۱ wages war

۲ weapons

۳ long bombs

۴ killing time

آور بدون هیچ نگرانی ادامه می دهند. زبان انگلیسی آمریکایی لبریز از واژه های است که در آن انواع سلاح هایی که در تمام تاریخ استفاده شده وجود دارد. به عنوان مثال خیانت (از پشت خنجر زدن)^۵؛ نان باگت (با تیر بریده شده)^۶؛ سعی و کوشش کردن در کاری (بهش شلیک کن)^۷؛ ایده ها (اژدر)^۸؛ و اقلیت در مجلس (ضد هوایی)^۹؛ نتیجه کار (باران رادیو اکتیو)^{۱۰} است؛ وکلا (اسلحه اجاره ای)^{۱۱} و ستاره زیبایی سینما (بمب مو طلایی).

از سوی دیگر عمل حقیقی کشتار حسن تغییر را وانمود می کند. "پسر کوچک" به معنی ، اولین بمب اتم در جهان است که از طریق بمب افکن «ب-۲۹» که به اسم مادر خلبان اسم گذاری شده است بر روی هیروشیما انداخته شده است. بعد بمب "چاق دیوانه" بر روی ناکازاکی پرتاب شد. موشک های اتمی قاره پیما که قادر به کشتار توده انبوهی از مردم و خرابی شهرها است "صلح دهندگان"^۳ نام گذاری شده اند. از سوی دیگر در شرایط جنگ از کلمات و عبارات ورزشی نیز استفاده می شود: تمرین های نظامی برای آماده کردن برای کشتن (مسابقه) نام گذاری شده و کشتار غیر نظامی ها و یا سربازهای خودی در جنگ " آسیب موازی و یا به پهلو"^۴ و یا "صدمه جانبی" نام دارد. با این وجود رونالد ریگان آمریکا را یک کشور صلح طلب و به دور از جنگ در عصر مدرن توصیف کرده است.^۵

عوامل خشونت در زندگی عادی و روزمره آمریکا چه در بین شهروندان و چه شهروندان و پلیس نیز وجود دارد. در سال ۱۹۹۲ در جواب بدرقتاری و سببیتی که پلیس با یک شهروند سیاه پوست کرده بود ، در تیراندازی ، ربودن و آتش سوزی ، ۵۲ نفر کشته شده ، ۲۰۰۰ نفر زخمی و ۸۰۰۰ نفر در منطقه مرکزی جنوب لوس آنجلس دستگیر شدند. در دو ماه بعدی به شهروندانی که در آن منطقه و نزدیکی های آن زندگی می کردند بیشتر از

۵ a stab in the back

۶ axed

۷ to take a shot at it

۸ torpedoes

۹ flak

۱۰ fall-out

۱۱ hired guns

۱ little boy

۲ "fat mad"

۳ Peacemakers."

۴ "collateral damage"

۵ PBC 1993

۷۰۰۰ اسلحه فروخته شد. قتل و عام و کشتار های شبیه به آن در مکانهایی مانند « والتس»^۶، ۳۴ نفر در سال ۱۹۶۵، « نیوارک»^۷ ۲۶ نفر در سال ۱۹۶۷ و دیترویت ۴۶ نفر در سال ۱۹۶۷ در نتیجه ۶۷ به وقوع پیوستند و همچنین شورش بردگان در قرن ۱۸ و ۱۹. برای برقراری نظم در دیترویت در سال ۱۹۶۷، ۴۷۰۰ چتر باز نظامی ۱۶۰۰، گارد ملی و ۳۶۰ سرباز دولت میشیگان به خدمت گرفته شد.^۸

نتیجه سعی در به هم پیوستن معنی دولت از نظر « هوبس »^۹ و « وبر »^{۱۰} و آنچه از دومین لایحه « لوک » به جای مانده، در قتل و عام در (واکو/تگزاس)^{۱۱} و در « اوکلاهاما سیتی» در سال ۱۹۹۵ نشان داده شده است. در « واکو» پلیس تلاش به اجرا در آوردن قانون و نظم در برابر یک فرقه مذهبی مسلح می کرد: ۴ پلیس مسلح کشته شدند، نزدیک به ۱۲ نفر زخمی و ۸۹ نفر از اعضای این فرقه که شامل زن و بچه نیز می شد در یک آتش سوزی بزرگ کشته شدند. در دومین سالگرد این فاجعه یک مخالف دولت یک بمبی را که در کامیون جاسازی کرده بود منفجر کرد، این انفجار باعث ویران شدن یک ساختمان اداری در اوکلاهاما سیتی شد و در نتیجه آن ۱۶۸ نفر شامل زن و مرد جان باختند.

آمریکایی هایی که به آن سوی مرزهای خود نگاه می کنند بر اعتقاد خود، که یک جامعه بدون کشتار نمی تواند وجود داشته باشد، تاکید می کنند. قرن بیستم یکی از خونبارترین قرون بشر بود که نشان دهنده قابلیت وحشتناک انسان در کشتار به نوبی فجیع و دسته جمعی است. پژوهش انجام شده از « رودولف ج. رامل »^۱ جای گرفتن قتل و عام را در یک دورنمای تاریخی و جهانی را نشان می دهد. با مجزا کردن بین دولتی که مردم خود را از طریق «دموسید»^۲ می کشد و کشته شده های دوران جنگ (جنگ های محلی، انقلابی و چریکی)، شماره کشتارهای تاریخی را این گونه محاسبه می کند.

^۶ Watts, Los Angeles

^۷ Newark

^۸ Locke, 1969

^۹ Hobbes

^{۱۰} Weber

^{۱۱} Waco

^۱ Rudolph J. Rummel

^۲ Democide = قتل و عام و اعدام

جدول شماره ۱:

(کشته شدگان نسل کشی و قتل و عام و جنگ در سال ۱۹۸۷)^۳

	۱۹۰۰-۱۹۸۷	قبل از ۱۹۰۰	
دموسید	۱۶۹,۱۹۸,۰۰	۱۳۳,۱۴۷,۰۰۰	۳۰۲,۳۴۵,۰۰۰ در کل
جنگ	۳۴,۰۲۱,۰۰۰	۴۰,۴۵۷,۰۰۰	۷۴,۴۷۸,۰۰۰
در کل	۲۰۳,۲۱۹,۰۰۰	۱۷۳,۶۰۴,۰۰۰	۳۷۶,۸۲۳,۰۰۰

از این آمار می توان نتیجه گرفت که شاید به غیر از تعداد انسان هایی که به نحوه متفاوت به قتل رسیده اند ، تعداد زیادی نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر را می توان قربانیان کشتارهای سیاسی در تاریخ بشریت نامید. رامل بیشترین دموسید را از نظر طبقه بندی به رژیم کمونیست (در واقع تمام حکومت های مطلقه و دیکتاتوری) و در آخر به دموکراسی نسبت می دهد. در ذهن آمریکایی ها هنوز خاطر نسل کشی یهودی ها که به فرمان هیتلر انجام شد و کشتارهای استالین ، تعرض ژاپنی ها و قتل های مائو ایست ها هنوز زنده است. «ویلیام اکارد»^۴ و جانشینان او تعداد کشته شدگان جنگ را بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۹۵ در حدود ۱۰۶ میلیون و ۱۱۴ هزار نفر تخمین زده اند که از آنها ۶۹ میلیون و ۱۹۴ هزار نفر غیر نظامی ۴۳ میلیون و ۹۲۰ هزار نفر قربانی های نظامی را در بر می گیرد (سیوارد ۱۹۹۶: ۱۹). تخمین زده می شود که تعداد افرادی که حتی بعد از جنگ سرد قتل و عام شدند یعنی در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۹۲ تقریباً ۲۲ میلیون نفر بین ۱۴۹ جنگ که ۱۴ میلیون و ۵۰۵ هزار نفر آن غیر نظامی و ۷ میلیون و ۵۵۲ هزار نفر آن نظامیان را در بر می گیرد. (سیوارد ۱-۲۰: ۱۹۹۳) در ۱۹۹۶ حداقل ۳۰ جنگ اتفاق افتاده است.

تلویزیون ها به طور متناوب صحنه های قتل و عام از هر گوشه جهان را پخش می کنند که برخی از آنها در یک دشمنی دیرینه ریشه دارد و عدم صلاحیت و ناتوانایی خواسته های طرفین باعث، تشدید سبعیت و بی رحمی آنها می شود. بحران های هولناک یکی بعد از دیگری اتفاق می افتد در حالی که رسانه ها برای مدتی فقط بر روی یکی از آنها و بعد بر روی دیگری تمرکز دارند . قتل و عام شکل های گوناگون دارد و همه آنها ریشه در آمادگی برای کشتن دارد: جنگهای بین المللی ، جنگهای قبیله ای ، انقلاب ها ، تجزیه طلب ها ، تروریست ها کودتای نظامی ، نسل

منبع: رامل ۱۹۹۴. جدول ۶.۱ (۷۱-|۶۶) ۳

۴ William J. Eckhardt

کشی ها ، قتل و عام ها ، جنگ های نژادی و قبیله ای و مذهبی و دخالت های دولت های خارجی و ... دلیل کشتار هستند. بعضی مواقع خصومت کشور های خارجی باعث مرگ شهروندان آمریکایی در خانه هایشان شد، همان طور که در سال ۱۹۹۳ بمب هایی که در **world trade center** در نیویورک کار گذاشته شده بود باعث مرگ ۶ نفر و ۱۰۰۰ زخمی شد ، این بمب ها توسط مخالفان دولت به دلیل حمایت آمریکا از اسرائیل ، کار گذاشته شده بود. دشمن های کشور های خارجی نیز باعث مرگ شهروندان آمریکایی و دیگر شهروندان در کشور های دیگر شد ، به عنوان مثال انفجار بمب هایی که در دو کامیون جاسازی شده بود و در مقابل سفارت آمریکا در ناپروبی و در دارالسلام قرار گرفته بود باعث مرگ ۱۲ آمریکایی و ۳۰۰ آفریقایی و ۵۰۰۰ زخمی شد.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ، ۱۹ نفر از اعضای القاعده با تسخیر ۴ هواپیمای مسافری و انحراف مسیر دست به عملیات انتحاری زده و این هواپیماها را که حاوی سرنشین بود به سوی دو برج **World Trade Center** در نیویورک و یکی دیگر را به پنتاگون در واشنگتن هدایت کردند که در اثر این حملات ۲۹۸۶ نفر کشته شدند. در پی این حملات دولت آمریکا در اکتبر ۲۰۰۱ به افغانستان که در آن پایگاه القاعده وجود داشت حمله کردند و در ادامه آن در سال ۲۰۰۳ جنگ با عراق را شروع کردند.

اندیشمندان با یک نگاه به قرن بیستم و با در نظر گرفتن نوشته های "هوبس" با او در این گفته هم نظر هستند که " بیرون از اینجا یک جنگل است"^۱ و اصل و بنیان امپراطوری روم را که بر این قاعده بنیان گذاری شده بود تحسین میکنند: " اگر صلح را می خواهی آماده جنگ شو"^۲. در یک زمینه و سابقه ای که از فلسفه و همه گیر شدن میهن دوستی و قوی شدن وسایل ارتباط جمعی و در شرایط فرهنگی و کشتار های خون بار برجا مانده تعجب آور نیست که قسمت اعظم دانشمندان علوم سیاسی آمریکا و دانش آموزان آنها به صورت قاطع امکان جامعه ای بدون کشتار را رد می کنند.

وقتی در محیط های دانشگاهی این سوال مطرح می شود که آیا جامعه بدون کشتار ممکن است یا نه، چه دانشجویان سال اول و چه دانشجویان دوره های بعد از لیسانس جواب منفی می دهند و دلیل آنها " طبیعت انسانها ، وضعیت اقتصادی ، دفاع شخصی و... " است. اگر چه پاسخ

^۱ It's a jungle out there

^۲ si vis pacem para bellum

های آنها برگرفته از الگوهای فرهنگی آنها است اما وسعت آن واقعاً پایان ناپذیر است. اما گاهی اوقات تفاوت هایی در دلایلی که می آورند وجود دارد. عده ای معتقدند که انسانها به دنبال قدرت هستند، خودخواه، حسود و بی رحم هستند و یا دیوانه و در آخر اینکه دفاع شخصی حق لایتنجرا و جدا ناپذیر انسان است. بشر حریص قدرت، مال و رقابت است، تفاوت های طبقاتی و منافع مختلف، کشتن را اجتناب ناپذیر می کند. بعضی چیزها حتی از کشتن هم بدتر است: مانند سو استفاده روانی و ذهنی و محروم بودن از ثروت. یک جامعه ضد کشتار یک جامعه مطلقه و دیکتاتوری خواهد بود و آزادی از بین خواهد رفت و از جانب بیگانه مورد حمله قرار گرفته خواهد شد. کشتن در یک جامعه از نظر اصل و پایه سیاسی خلاف اخلاق است؛ کشتن به منظور نجات دادن جان قربانیان تجاوز و تهاجم باید منصفانه در نظر گرفته شود. کشتن یک جانی و گناهکار به عنوان تنبیه و مجازات مزایایی را برای جامعه به همراه دارد. سلاح ها را نمی توان از بین برد و تکنولوژی مهلک و مرگ آور همیشه وجود خواهد داشت. در تاریخ هیچ جامعه و کشوری وجود ندارد که در آن کشتن نباشد و چنین جامعه ای بدون آن قابل تصور نیست.

البته همه آنچه گفته شد مستلزم این نیست که همه دانشجویان دانشگاه با این نظرات موافق بودند. بعضی از دانشجویان آمریکایی عقیده دارند که انسان قادر به خلاقیت و ابداع و رحم و شفقت است، یک جامعه ضد کشتار را می توان از طریق تعلیم و تربیت به وجود آورد. دیگر دانشجویان معتقدند که شرایط نکشتن را می توان در جوامع کوچک ایجاد کرد ولی وجود آن در جوامع بزرگ و جهانی غیر ممکن است. البته با این گفتارها نمی خواهیم به طور ضمنی بفهمانیم که طرز فکر دانشجویان آمریکایی خشن تر از دانشجویان و استادان دانشکده های سیاسی دیگر نقاط جهان است. برای نشان دادن آن احتیاج به یک پژوهش نسبی سپس تماتیک است. احتمالاً فلسفه بدبینی در علوم سیاسی تمام دنیا مسلط است.

در هر حال هنگامی که در فرهنگ های سیاسی متفاوت سوال « آیا جامعه بدون کشتار می تواند وجود داشته باشد» مطرح می شود جواب های جالب متفاوت پدید می آید.

در یک میتینگ که در سال ۱۹۸۰ در استکهلم که از جانب « آینده گرا ها»^۱ برگزار شده بود تا درباره یک جامعه بدون خشونت بحث کنند از یک همکار سوال مورد نظرمان را مطرح کردیم: و جواب او این بود " هیچ وقت به این سوال فکر نکرده بودم و کمی وقت لازم دارم تا به این

۱ Futurists

سوال جواب دهم " . به طور غافلگیرانه ای نه جواب منفی و نه مثبت با آن داد و به این تاکید کرد که احتیاج به زمان برای پاسخ گویی دارد. به همان طریق در ۱۹۹۷ در یک میتینگ (مجمع) بین المللی « دانشمندان سیستم»^۱ در سئول یک پژوهشگر برنده نوبل جواب داد: «نمی دانم». در نتیجه تمام افراد کنفرانس را دور هم جمع کرد و این سوال را به طور جدی مطرح کرد زیرا علم و تمدن وقتی پیشرفت می کنند که چیزی که به نظر غیر ممکن می آید را مورد بحث قرار دهی.

قابل تصور است ولی...

در یازدهمین کنگره جهانی (انجمن بین المللی علوم سیاسی) که در مسکو در سال ۱۹۷۹ برگزار می شد دو پژوهشگر روسی که درباره مقاله "علوم سیاسی ضد کشتار" بحث می کردند این سوال (که آیا جامعه بدون خشونت و کشتار می تواند وجود داشته باشد) را خیلی جدی گرفته بودند. هر دو آنها معتقد بودند که هدف علم سیاست به وجود آوردن یک جامعه بدون خشونت است. یکی از آنها می پرسد: کدام پایه و اساس اقتصادی برای یک سیاست و علوم سیاسی ضد کشتار وجود دارد؟ و دیگری می پرسد : در مقابل شرایط کشور شیلی که یک کودتای نظامی به یک دولت سوسیالیست که به صورت دموکراتیک انتخاب شده بود غلبه می کند چه باید کرد و یا در نیکاراگوئه در برابر صحنه هایی از سرکوب خشن و آشوب در شهر کدام اقدامات را باید انجام داد و در یا در کامبوج در حالی که بیش از یک میلیون نفر در دوران انقلاب و نسل کشی طبقاتی کشته شده اند؟.

به راستی کدام نوع اقتصاد از کشتن دفاع نمی کند و یا حداقل وابسته به آن نیست؟ چگونه سیاست ضد کشتار می تواند از اثرات مهلک و سببیت و قساوت قاتلان جلوگیری کند؟ تصور یک جامعه ضد خشونت سوالهای را پیش روی می گذارد که نیاز به تحقیق علمی دارد.

امیدواریم که بشر ذاتاً و طبیعتاً خشن نباشد اما...

وقتی در سال ۱۹۸۱ سوال خود را در مورد علم سیاست ضد خشونت را در یک گروه از دانشمندان علوم سیاسی غرب و پژوهشگران مدیریت اجتماعی در اردن مطرح می کنیم یکی از استادان آنجا که نظر اکثریت را

^۲ systems scientists

بیان می کند می گوید: " می دانیم که بشر ذاتاً خشن نیست اما برای دفاع شخصی باید جنگید". اگر می توانستیم استدلال بنیادی که به این تکیه دارد که بشر ذاتاً خشن است را زیر سوال ببریم این امکان به وجود می آید که شرایطی که در آن انسان قادر به کشتن نیست را به دست آوریم.

این امکان پذیر است اما...

در جشن دهمین سال تاسیس انجمن « علوم صلح » در دانشگاه هیروشیما در سال ۱۹۸۵ شرکت کنندگان به خصوص ژاپنیها به طور مساوی به کسانی تقسیم می شدند که معتقد به جامعه ضد کشتار هستند و آنهایی که نیستند. یک استاد علوم تربیت اینگونه پاسخ می دهد: « غیر ممکن است ولی امکان دارد قابل اجرا باشد » وی معتقد بود که باید قبول داشت که یک جامعه ضد کشتار به زودی قابل ایجاد نیست ولی با این نظر که هیچ وقت قابل اجرا نخواهد بود نیز مخالف بود. همان استاد این سوال را مطرح کرد که « چه نوع تربیت و آگاهی برای ساختن یک جامعه بدون خشونت و کشتار نیاز است؟ »

آن کاملاً امکان پذیر است...

در دسامبر سال ۱۹۸۷ یک استاد اهل کره شمالی رئیس مؤسسه محققان علوم اجتماعی کره و رهبر سیاسی در پیونگ یانگ به طور غیر منتظره جواب داد: « کاملاً امکان پذیر است ». چرا؟ اولاً برای اینکه انسان ذاتاً برای کشتن زاده نشده است. بشر دارای « شعور خلاقیت و عقل » هستند که او را وادار به نفی خشونت و کشتار میکند. « دوماً کیمیایی سرمایه های اقتصادی نباید دلیلی برای کشتن باشد زیرا انسانها برده مادیات نیستند. کمبود را میتوان با بهروری، خلاقیت و از همه مهمتر تقسیم برابر شکست داد. « تجاوز و هتک حرمت را نباید به عنوان یک عامل برای کشتن دانست بلکه میتوان آن را با القای تربیت مناسب و درست و خلق یک محیط اجتماعی مناسب که جوابگوی احتیاجات انسان باشد از بین برد. » در فوریه سال ۲۰۰۰ همین سوال را : که آیا امکان یک جامعه بدون کشتار وجود دارد؟ را در یک مجمع که ۲۰۰ نفر از رهبران انجمن ها در "مانیزالس"^۱، در کلمبیا در آن شرکت کرده بودند مطرح کردیم. به طور شگفت آور کسی دستش را بلند نکرد و این به آن منظور بود که از نظر تمام حاضرین یک جامعه عاری از کشتار میتواند وجود داشته باشد.

۱ Manizales

جواب های گوناگون از جوامع متفاوت

وقتی این سوال که آیا امکان یک جامعه بدون کشتار و خشونت وجود دارد را بین گروهها و ممالک و با فرهنگ های مختلف و بدون هیچ سابقه بحث و گفتگو در این مورد مطرح میکنیم زمینه های مختلف اجتماعی به وجود می آید که با این موضوع موافق یا مخالف هستند. بسیار واضح است که احتیاج به یک پژوهش در سطح جهانی است.

همین سوال را در ویلنیوس (لیتوانیا)^۲، در ماه می سال ۱۹۹۸ در یک سمینار با موضوع (مطالعه علوم سیاسی نوین) که اسپانسر آن «انجمن جامعه آزاد»^۳ بود و در آن دانشمندان سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سابق شرکت کرد بودند، پرسیدیم. ۸ نفر آنها جواب منفی و ۱ نفر جواب مثبت داد. در مارس ۱۹۹۹ در یک سمینار مقدماتی علوم سیاسی برای دانشجویان دانشگاه ملی سئول، ۱۲ نفر جواب منفی و پنج نفر آنها جواب مثبت و دو نفر جواب هم آری و هم نه دادند.

در فوریه ۱۹۹۸ در مجمع نمایندگان مجلس ساکن همسایگان اقیانوس آرام^۴ که در هونولولو (هاوایی)، از طرف یک بنیاد ژاپنی، برای حمایت از سازمان ملل برگزار شده بود، شش نفر جواب مثبت، پنج نفر جواب منفی و دو نفر جواب هم آری و هم نه دادند؛ و در یک گروه ناظر که متشکل از زنان ژاپنی بود، ۱۲ نفر جواب نه، ۱۱ نفر جواب آری و ۱ نفر جواب آری و نه داد.

در مدلین^۱ (کلمبیا) نوامبر ۱۹۹۸، در یک کنفرانس ملی مریبان با عنوان «آینده آموزش و پرورش»، ۲۷۵ نفر جواب مثبت و ۲۵ نفر جواب منفی دادند. در بین یک گروه مدد کاران اجتماعی در مدلین، ۳۰ نفر جواب مثبت و ۱۶ نفر آنها جواب منفی دادند.

در یک گروه کوچک از جوانان که به اسم (چاقوهای کوچک)^۲ شناخته شده اند که شامل قاتلان پولی یا مزدورین^۳ هم هستند سوال مورد نظر را مطرح می کنیم، ۱۶ نفر آنها جواب منفی میدهند و ۶ نفر جواب مثبت. وقتی از آنها دلایلش را میپرسیم یکی از آن آدمکش ها جواب میدهد:

^۲ Vilnius, Lithuania,

^۳ Open Society Institute

^۴ Pacific parliamentarians

^۱ Medellín

^۲ little knives

^۳ Sicarios

«مجبور به کشتن هستم چون برای بزرگ کردن دو دخترم احتیاج به پول دارم و بازار کار کساد است». یکی از آنها که جواب مثبت داد بود میگوید: «اگر روزی تفاوت مالی از بین برود ما دیگر مجبور به کشتن نمیشویم».

در ادمنتون^۴ (کانادا) اکتبر سال ۱۹۶۷ از بین یک گروه از دانشجویانی که در یک کنفرانس با نام (ارزشها و قرن بیست و یکم)^۵ که اسپانسر آن بنیاد کانادایی (ماهاتما گاندی برای صلح در دنیا)^۶ بود ۴۸ نفر جواب منفی و ۲۵ نفر جواب مثبت دادند. در آتلانتا (جورجیا) در کنفرانس بین المللی ضد خشونت در آوریل ۱۹۹۹ که اسپانسر آن (مرکز تغییرات اجتماعی ضد خشونت مارتین لوتر کینگ بود)^۷ چهل نفر جواب مثبت و سه نفر جواب منفی دادند و بالاخره در روسیه، فوریه سال ۲۰۰۰ از بین دانشجویان ادبیات که سئ آنها بین ۱۷ تا ۲۶ سال بود ۱۲۱ نفر جواب منفی ۳۴ نفر جواب مثبت و ۳ نفر هم آری و هم نه میدهند.

آیا واقعاً امکان یک جامعه بدون کشتار وجود دارد؟^۸ در نظر گرفتن که در پایان قرن بیستم هستیم و با در نظر گرفتن خشونت های گذشته و آنهایی که در تمام جهان در حال اتفاق است مسلماً خیلی دلایل برای پژوهشگران سیاسی و دانشجویان وجود دارد که به این سوال جواب منفی بدهند! ولی از سوی دیگر این گرایش برای جدی گرفتن این سوال وجود دارد همان گونه که عده ای به قابل اجرا شدن جامعه بدون کشتار جواب مثبت دادند و در حال حاضر با توجه به تمام موضوعاتی که در مورد تهدیدهای متفاوت که بقای بشر را به خطر می اندازد بحث و گفتگو شد میتوان گفت که هنوز منابعی وجود دارند که آن تهدیدها را در روح علم و تجربه خنثی میکنند. آنها اعتقاد را قوی تر می کنند که بالاخره یک روزی جامعه بدون خشونت و کشتار وجود خواهد داشت.

^۴ Edmonton, Canada,

^۵ "Values and the 21st Century"

^۶ Mahatma Gandhi Canadian Foundation for World Peace,

^۷ Martin Luther King, Jr. Center for Nonviolent Social Change

فصل ۲

مهارت و توانایی درخواست شده برای یک جامعه ضد کشتار

“اگر واقعاً خواستار رسیدن به اهداف دیگر هستیم به اندازه کافی دانش اندوزی خواهیم کرد تا زمانی که انسان به دوران خشونت خود پایان دهد”^۱.

چه دلایلی برای تصوّر یک جامعه بدون کشتار میتواند وجود داشته باشد؟ و چرا این اندیشه که بشر قادر به احترام به حیات است را میتوان باور کرد و پذیرفت؟

طبیعت انسان در نکشتن

بحثمان را میتوانیم با بیان گفتارهایی که پایه در معنویت و روحانیت دارد آغاز کنیم اما ترجیحا از یک بحث لایک و غیر مذهبی شروع میکنیم: اکثریت انسانها دست به کشتن نمی زنند. بر حسب آمار، قاتلانی که در بین انسانهایی که در این زمان زندگی میکنند و چه آنهایی که در گذشته زندگی کرده اندر قسمت کمی از آنها قاتل و آدمکش بودند و یا هستند. به مرگ هایی که در جنگ ها اتفاق میافتد فکر کنید. موزه های جنگ و قوم نگاری^۲ در جهان نشان میدهند که زنها که نیمی از بشر را تشکیل میدهند تقریباً هیچ گاه در مبارزه های مهلک شرکت نکرده اند؛ گر چه برخی از زنها و کودکان در آئین شکنجه و کشتن دشمنان شکست خورده شرکت می کنند و هر چند در ارتشهای مدرن کنونی زنان هم به خدمت

^۱ David N. Daniels and Marshall F. Gilula, Department of Psychiatry, Stanford University, 1970

^۲ Ethnography

سربازی فرا خوانده می شوند با وجود این اکثریت زنان ، مبارز و یا قاتلان نظامی نبوده اند. در نظر باید گرفت که اقلیت مردان در جنگ شرکت می کنند و از این اقلیت فقط قسمت کوچکی کسی را مستقیماً میکشد. در بین قاتلان و آدمکش ها اکثریت با بی میلی و اکراه این کار را انجام میدهند و بعد از آن احساس ندامت میکنند. شاید فقط ۲٪ با بی تفاوتی و بدون هیچ احساسی قادر به کشتن متداوم باشند. همان گونه که سرهنگ «دیو گروسمن»^۱ در یک پژوهش در مورد اکراه مردان از کشتن در جنگ اینگونه توضیح میدهد: «جنگ دارای یک محیطی است که ۹۸٪ از کسانی که در آن شرکت میکنند را از نظر روانی ضعیف میکند. احتمالاً ۲ در صد باقی مانده که در جنگ روانی نمیشوند به این علت است که آنها قبل از رسیدن به میدان جنگ بیماری روانی و یا خشونت در وجود شان بوده است.» «کافی است به این بیاندیشیم که بر خلاف آنچه در علم سیاست پنداشته میشود که انسانها ذاتاً قاتل هستند، در درون هر شخص یک نیروی مقاومت عمیقی وجود دارد که آن را از کشتن باز می دارد.» (۲۹۵)

وجود خانواده هم خود یک دلیلی است که گنجایش و استعداد انسان را برای نکشتن نشان میدهد. اگر انسان ذاتاً قاتل و آدمکش بود و یا حتی نیمی از انسانها قاتل و آدمکش بودند ، خانواده به شکلهای مختلف خود نمیتوانست وجود داشته باشد؛ والدین قصد جان یکدیگر را می کردند ، فرزندان ، والدین خود را میکشتند و بالعکس. متأسفانه همه اینا اتفاق می افتد اما وجود آورنده یک قانون طبیعی کشتار که بتواند سرنوشت بشر را کنترل کند نیست. اگر چنین بود انسانها رو به انقراض میرفتند. بر عکس با وجود شرایط دشوار محرومیت مالی و دیگر سوءاستفاده ها، خانواده انسان به درجه ای غیر قابل سابقه ای از رشد و تکامل و حمایت از زندگی رسیده است.

محاسبه تعداد انسانهایی که تا به حال زندگی کرده اند و تعداد کسانی که دست به قتل زده اند دور از حد استعداد و احتیاج ما برای پیدا کردن یک راه حل است.

یک آمار از تمام کسانی که از ۱ میلیون سال قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ سال بعد از میلاد زندگی کرده اند تقریباً ۹۱۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر است (با جمع ارقام “ کیفیت”^۲ در سال ۱۹۹۶ با ارقام به دست آمده از “ ویکس”^۳ در سال

^۱ Dave Grossman, 1950

^۲ Keyfitz

^۳ Weeks

۱۹۹۶ همانگونه که “رامسی”^۴ در سال ۱۹۹۹ محاسبه کرد). اگر ارقام محاسبه شده “رامل” را که بر حسب کشته شدگان جنگ و “دموسید” تخمین زده شده را ۵۰۰ میلیون در نظر بگیریم و باور داشته باشیم که هر قاتل فقط یک نفر را کشته است و آنرا به ۶ ضرب کنیم تقریباً میتوان گفت که از هزار سال قبل از میلاد تا کنون ۳ میلیارد قاتل وجود داشته است (به این علت هزار سال قبل از میلاد را مد نظر گرفته ایم زیرا از تعداد درست یک میلیون سال قبل از میلاد را در دست نداریم). با وجود این آمار نسبی به ما نشان می دهند که ۹۵٪ انسانها تا کنون دست به کشتار و یا قتل نزده اند. اگر درصد قتلها در ایالت متحده آمریکا از هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۰ نفر باشد فقط یک در صد مردم هر سال آدم می کشند. و اگر این افراد را ۵۰۰ نفر در نظر بگیریم از هر ۱۰۰ هزار نفر فقط پنج درصد آدم کشان حقیقی و یا کسانی که قصد به کشتن داشته اند، شاید فقط ۱ یا ۲ درصد از «انسان هوشمند»^۱ قاتل انسانهای دیگر بودند. مسلماً در صد قاتلها و آدم کشها نسبت به فرهنگ و زمان و دوره ای که در آن اتفاق می افتد متفاوت است.^۲ بقای بشر و افزایش تعداد آن تا کنون نشان دهنده برتریت نیروی حیاتی بر مهلک بودن نهاد بشر است.

ریشه های معنوی و مذهبی

سنن معنوی و مذهبی بشریت امکان پذیر بودن زمینه ایجاد یک جامعه بدون کشتار را به وجود می آورند. هر چند این حقیقت وجود دارد که مذاهب برای توجیح کردن و تبرئه کردن قتل و عام ها (از قربانی کردن انسان در بعضی اعتقادات مذهبی قدیمی گرفته تا نسل کشی) به وجود آمده اند. اما پیغام اصلی خداوند دعوت به کشتار و مرگ نیست بلکه بالعکس «احترام به حیات است و دوری از کشتار».

در تمام مذاهب و ادیان دنیا احکام و دستورات دوری از خشونت و کشتار وجود دارد. به همین دلیل “ماکس وبر” افکار معنوی و دینی را نامناسب و بر خلاف ضروری بودن سیاست کشتار می داند. “جاینیزم”^۳ (دین برهما بودا، که یک نوع دین در هند می باشد که میانه دین برهما و دین بوداست)

^۴ Ramsey

^۱ homo sapiens

^۲ Keeley 1996

^۳ Jainism

و «اَیندویزم» (دین هندوها) در محتوی «آهیزما پارانو دارما»^۴ (اساسی ترین قانون زندگی بشر نفی خشونت است) هم عقیده هستند.

در دین بودایی یکی از اولین سوگندها «خودداری کردن از گرفتن جان هر موجود زنده است». یهودیت، مسیحیت و اسلام در دستورات دینی «نکشتن» هم عقیده هستند. یکی از دستوره‌های یهودیت این است که «هر کس زندگی کسی را نجات دهد گویی زندگی چندین نفر را نجات داده و هر کس انسانی را از بین ببرد گویی تمام جهان را از بین برده است»^۵. مشابه همین دستورات دینی را می‌توان در دین اسلام یافت: «اگر کسی انسان دیگری را بکشد باستثنای قصاص (به عنوان تنبیه یک قتل انجام شده و یا توسعه فساد و رشوه خواری در جهان) گویی تمام بشریت را از بین برده است و هر کس یک انسان را نجات دهد گویی تمام بشریت را نجات داده است»^۱. در دستورات بهائیت که الهام گرفته از یهودیت، مسیحیت و اسلام است بیان شده: «از خدا بترسید و از ریختن خون دیگران خودداری کنی»^۲.

رسوم و سنت‌ها نیز از هدف به وجود آوردن یک جامعه بدون کشتار حمایت میکنند. «کونفوچاپیزم»^۳ تاکید می‌کند که اگر در بین فرمانروایان اخلاقیات رعایت شود و در صدر هر چیز قرار گیرد احتیاج به مجازات اعدام نیست. «تائوئیسم» معتقد بر این است که اگر انسانها به سادگی و با هماهنگی و هارمونی با طبیعت زندگی کنند، اگر هم وسایل کشتار جمعی وجود داشته باشد هیچگاه از آن استفاده نمی‌کنند.

یک اندیشه سوسیالیست مدرن هم تاکید کننده این است که هر گاه کارگران از کشتن یکدیگر سر باز زنند جنگ‌ها تمام خواهد شد. یک اعلامیه مخالف جنگ جهانی دوم این طور بیان می‌کند:

تمام اعضای کارگران صنعتی جهان، با آگاهی تمام مخالف خونریزی و قتل و عام بشر هستند، این مخالفت نه بر پایه اعتقادات مذهبی، همانگونه که «جامعه کواکر»^۴ و دوستان^۵ عمل می‌کنند، بلکه بر اساس رفاه

^۴ ahimsa paramo dharma

^۵ (Eisendrath : 144

^۱ قرآن، ۵:۳۲

^۲ (Bahá'u'lláh 1983: 277

^۳ Confucianism,

^۴ Quakers, Society of Friends, Religious Society of Friends, Christian sect founded in England in 1652 by George Fox having no formal sacraments

و آسایش تمام کارگران باید یکسان و برابر باشد؛ همچنین مخالفت شدید خود را با دولت امپریالیسم و سرمایه داری آلمان اعلام می کنیم و مخالفت خود را در برابر قتل و عام کارگران هر کشوری ابراز می کنیم.^۶

در هیچ جامعه ای آدم کشی و قتل قابل قبول نیست. احترام بشردوستانه به زندگی، مانند احترام مذهبی و معنوی به زندگیست. برای تحقق یک جامعه ضد کشتار حضور اصول اخلاقی ضد کشتار در رسوم مذهبی و یا انسانگرایانه در جهان چه مفهومی دارد؟ از یک طرف نیت الهی را آشکار می کند که یک احترام عمیق به زندگی را در وجدان هر بشر نهادینه کرده و نشان دهنده قدرت انسان در دریافت این پیغام احترام به زندگی است. اگر بشر طبیعتاً قاتل بود یک چنین اصلی نه قابل قبول و نه قابل انتقال بود. اگر هم بر فرض محال این اصل روحانی و معنوی ضد کشتار از جانب قدرت حاکمه و یا طبقه ممتاز هر جامعه برای تحت سلطه نگه داشتن آشوب ها و کم کردن قدرت ستمگران به وجود آمده و استفاده می شود نشان دهنده این است که انسانهایی که هدف این پیغام هستند آن را قبول کرده و قادر به دریافت و پذیرش آن هستند. روحیه ضد کشتار چه قبل، چه در حین و چه بعد از خونریزی های هولناک تاریخ، شکوفا شده است. این در واقع در زمان حال ما نیز وجود دارد و به الهام گرفتن از رهایی از هلاکت در مسیحیت بعد از جنگهای صلیبی، در اسلام بعد از فتوحات، در یهودیت بعد از هول کاست و بعد از کشتار نظامی در بودیسم و رسوم بومی، ادامه می دهد. روحیه ضد کشتار را میتوان در مسیحیانی چون تولستوی و مارتین لوترکینگ و هندوهای چون گاندی و مسلمانانی مانند عبدالغفار خان و یهودیانی مانند "ژوزف آبیلا"^۱ و بودست هایی هم چون دالای لاما و از "گرین پدرا کلی"^۲ و کسان دیگری مشهور و غیر مشهور یافت که سهم بدون هراس خود را برای به وجود آوردن یک جامعه جهانی بدون خشونت در قرن بیستم که در آن خونریزی فراوان شده، دریغ نکرده اند.

or priesthood and opposing violence (the basic belief of the Society of Friends is that divine revelation is instantaneous and individual)

^۵ Quakers and Friendly Societies

^۶ (True 1995: 49; for a courageous example, see Baxter 2000).

^۱ Joseph Abileah

^۲ Green Petra Kelly

حضور روحیه ضد کشتار در هر دین و افراد گوناگون که برای رسیدن به این هدف تلاش می کنند و راه را برای بیداری و تاکید این هدف و پای بندی به این اصول مهم برای صدها میلیون نفر باز می کنند. دلایل لازم برای یک تغییر فردی و اجتماعی به سوی یک جامعه بدون کشتار، از جانب تنش های نا هنجار بین احکام و دستورهای نکشتن و شناسایی عوامل کشتار و هم چنین نتایج کشتار تامین شده است. در حالی که میتوان ریشه های نکشتن را در هر رسم و آیینی یافت، ارثیه معنوی بشر مانند یک سیستم با ریشه های چند شکلی است که حامی و پشتیبان درخت (انجیر معابد)^۲ است. معنویت و الهام می توانند از طریق ریشه ها جذب درخت شوند. حقیقت احترام به زندگی در ادیان و اعتقادات بشری سازنده یک اساس و پایه معنوی است برای اعتقاد به اینکه یک جامعه بدون کشتار می تواند وجود داشته باشد.

ریشه های علمی

«هیچ گاه فقط از طریق مذهب به ضد خشونت دست نخواهیم یافت» این هشدار «آچارها ماهابراگیا»^۱ یکی از برجسته ترین رهبران مذهبی هندی و وارث رسوم قدیم «جایینیزم» در ضد خشونت است. در اندیشه «جایینیزم» «آهیمسا»^۲ قلب و مرکز زندگی است، هسته تمام احکام دین است و پایه تمام مقدسات و فضیلت است.^۳ از نظر «آچارها ماهابراگیا» برای به وجود آوردن یک جامعه بدون خشونت باید به افراد این امکان را داد که نفی خشونت را در درون خود پیدا کنند و آن را در جامعه به مانند یک پیوند و وحدت بین علم نوین «عصب شناسی»^۴ و حقیقت معنوی بیان کنند. او بر این معتقد است که خشونت از طریق غدد مترشحه داخلی ایجاد شده که بر روی سیستم «همردی و دلسوزی» و «پاراسمپاتی»^۵ اثر

^۲ Banyan tree.

^۱ Acharya Mahapragya

^۲ Ahimsa (Hindu and Buddhist philosophy and principle of nonviolence and revering all living creatures and refraining from harming any living thing)

^۳ (Jain and Varni 1993: 139

^۴ neuroscience

^۵ parasympathetic. (Anatomy, Physiology) وابسته به دستگاه عصبی نباتی) pertaining to the parasympathetic nervous system (part of the

می‌گذارد و به تغذیه ما بستگی دارد. از طرفی دیگر با توجه به آشنایی علم عصب‌شناسی انسان، می‌توانیم از انرژی مغزمان استفاده کرده و آن را با تمرینهای آسان عبادت، تفکر و تعمق برای تغذیه ضد خشونت در ما و فعالیت برای زندگی بدون خشونت عادت دهیم^۶.

بر پایه کدام علم می‌توان به قدرت انسان در نکشتن باور داشت؟ منظور از علوم به طور کل تمام فرمهای مختلف از آشنایی و شناخت که از طریق بحث و گفتگو و آزمایش به دست آمده است: عملکردها، تئوری‌ها و متد‌های مختلف برای تعیین صحت و اعتبار. یک انقلاب علمی وقتی به وجود می‌آید که یک فیلسوف شروع به زیر سوال بردن یک تئوری و تفکر که قبلاً تأیید شده است، می‌کند.

همان کاری که «آ. ریچارد کونراد»^۷ با زیر سوال بردن این تئوری «آمادگی برای گشتار تنها راهی برای مقابله با هر نوع خشونت است (از تجاوز گرفته تا هول کاست)» را زیر سوال برد. به نظر «کونراد» کسانی که خشونت را تنها راه حل برای مبارزه با خشونت و تجاوز فرض می‌کنند و هیچ راه حل دیگری را نمی‌توانند جایگزین آن کنند و برای آن این ۳ دلیل را می‌آورند: «اینکه تمام راه‌های پیشنهادی دیگر همگی شناخته شده‌اند، همگی آنها امتحان شده‌اند و همگی با شکست مواجه شده‌اند»؛ کونراد این را قبول ندارد زیرا به نظر او راه‌های دیگری برای ضد خشونت بی‌شمار است؛ کمبود منابع اقتصادی و غیره مانع از آزمایش راه‌های دیگر است؛ به همین دلیل نمی‌توانیم به طور حتم بپذیریم که تنها راه از بین بردن خشونت، خشونت است و به همین دلیل وی از احتیاج به گذشتن از یک زمینه فلسفی که خشونت را قبول می‌کند به یک زمینه‌ای دیگر که به دنبال ایجاد و امتحان راه‌های غیر خشونتی است پشتیبانی می‌کند. این‌گونه دیدگاه به آسانی ما را به سوی یک کشف علمی می‌برد که ضرورت مهلک بودن انسان را زیر سوال می‌برد و همچنین این اندیشه را که انسان ذاتاً و طبیعتاً دست به کشتن می‌زند را زیر سوال می‌برد.

روانشناس نامی «لو تسنگ تسای» (۱۹۶۳)^۸ از دانشگاه «تولان»^۹ به وضوح نشان داد که با آموزش میتوان به یک گربه و یک موش در یک ظرف غذا داد. در آغاز دو حیوان که به وسیله یک دیوار شیشه‌ای از

autonomic nervous system which works in opposition to the sympathetic nervous system)

^۶ (Mahaprajna [sic] 1987 and 1994; Zaveri and Kumar 1992

^۷ A. Richard Konrad (1974)

^۸ Loh Tseng Tsai (1963)

^۹ Tulane

هم جدا شده بودند آموزش می دهند که اگر هر دو همزمان اهرمی موازی موجود در قفسشان را با هم فشار دهند، غذا وارد ظرف شان می شود. بعد از، ۷۰۰ بار تکرار این عمل، دیوار شیشه ای از میان برداشته شد بدون اینکه خطری موش را تهدید کند.

«تسای» این گونه ادامه می دهد:

“ برای اولین بار در تاریخ علم نشان دادیم که دو دشمن جاودانه (موش و گربه) می توانند با هم همکاری کنند. این کشف عقاید راسخ و قدیمی و سنتی روانشناسانی که به این معتقد بودند غریزه جنگجویی در حیوانات طبیعی است و نمی توان آن را از بین برد را، خنثی می کند”^۳.

“ تسای ” آغاز کننده یک فلسفه ای است که بر پایه زنده ماندن از طریق همکاری پایه گذاری شده است و با این بیان که به نظر او، پژوهشش یک تحولی در علم بیولوژی است. بدون اینکه در نظر بگیرد که گاهی اوقات کشتن و مهلک بودن در حیوانات از روی اجبار است.

فیزیک دان و تاریخ شناس علوم « آنتونیو دراگو ۱۹۹۴ »^۴ در یک زمینه متفاوت که بر پایه “همکاری برتر”^۵ بنیان گذاری شده است با آزمایش کردن شباهت و تفاوت ها بین استدلال های “ کارنوتین”^۱ در مقابل مکانیک نیوتونی برای پیدا کردن راه حل تعارض (کشمکش)، به نتیجه مشابهی رسیده است. همین کار را یک روانشناس به نام « جروم د. فرانک»^۲ انجام می دهد که آن را برای حل کردن خصومت های مخرب، همکاری کردن و هدف مشترک داشتن را که به نفع طرفین است توصیه می کند.

پژوهشگران برای نقض این فرضیه که “مهلک بودن در پروسه تکامل انسان ریشه دوانده است و انسانها در دوره تکامل خود همیشه مهلک بوده اند”، تحقیقات مختلفی بر روی نخستین پستانداران که شباهت زیادی با انسان دارند انجام داده اند. این تحقیقات شامل شامپانزه های « بونوبو»^۳ که در آفریقای مرکزی زندگی می کنند، می شود. اهالی « مانگانندو»^۴ که

^۳ (1963:4)

^۴ Antonino Drago

^۵ transcendent cooperation

^۱ the implications of Carnotian

^۲ Jerome D. Frank (1960.261-262;1993:294-5)

^۳ bonobo

^۴ The Mangandu people

در جنگل با این حیوانات زندگی می کنند به شدت مانع از کشتن این حیوانات می شوند زیرا بر طبق افسانه ای که رایج است اجداد آنها و این شامپانزه های با هم و در کنار هم مانند یک خانواده زندگی می کردند^۵. طبق این تحقیقات دیده شده است که این شامپانزه ها بر خلاف آنچه در بین گوریلها و انواع دیگر شامپانزه ها اتفاق می افتد همدیگر را نمی کشند^۶. علاوه بر این تحقیقات جدیدی در مورد « صلح دوستی» و نوع دوستی و بشر دوستی متقابل در بین « نخستین انسانها»^۷ انجام گرفته شده، که گرایش به در نظر گرفتن مهلک بودن در تکامل انسان را بدون در نظر گرفتن امکان و قدرت نکشتن در وجود انسان مورد بحث قرار می دهد. در حیوانات یک نوع نوع دوستی وجود دارد و همان طور که “ کروپتکین (۱۹۱۴)^۸، سوروکین (۱۹۴۵)^۹ و آلفی کون (۱۹۹۰)^{۱۰} در تحقیقات خود نشان دادند همان گونه همکاری و نوع دوستی، در طبیعت انسان نیز وجود دارد.

در یک تحقیق نسبی در مورد خشونت در حیوانات و بشر یک انسان شناس و محقق کردارهای جانوران « ایرناوس ایبل- این اشفلت»^{۱۱} به این نتیجه رسید که برای نکشتن احتیاج به یک پایه زیست شناسی است. با در نظر گرفتن اینکه در انواع حیوانات خشونت به گونه ایست که برای آنها خسارت بدنی و جانی ایجاد نمی کند، او معتقد است که تکنیک های استفاده شده در انسانها برای مانع شدن از خونریزی، به رفتارهای حیوانات شباهت دارد و وی این گونه خاتمه می دهد که “در فرمان نکشتن یک قانون زیست شناسی وجود دارد”. به نظر « ایرناوس ایبل- این اشفلت»^{۱۲}، “ در جنگ، انسان بر سر دو راهی و کشمکش بین اصول و هنجارها قرار می گیرد و از طریق وجدان خود زمانی به آن آگاهی می یابد که دشمن را اسیر می گیرد و با آن مانند انسان رفتار می کند و بر اساس تجارب گوناگون دیده شده است که سربازان بعد از جنگ و کشتن دشمن، احتیاج به تطهیر و زدودن افکار بد از خود را دارند.”

^۵ (Kano 1990: 62)

^۶ (Wrangham and Peterson, 1990; Waal 1997)

^۷ primate species

^۸ Kropotkin (1914),

^۹ Sorkin (1954)

^{۱۰} Alfie Kohn (1990)

^{۱۱} Irenäus Eibl-Eibesfeldt (1979: 240-1)

^۱ (Grossman 1995: 4).

^۲ Eibl-Eibesfeldt (1979: 240-1)

نظریه « ایبن اشفلت» را « گروسمن»^۱ نیز تایید می کند ، او به این نتیجه رسیده است که بیشتر کسانی که در جنگ شرکت کرده اند در میدان جنگ قصد کشتن دشمن را ندارند بلکه خواستار نجات جان خود و دوستانشان هستند. به نظر « گروسمن» سربازانی که در جنگ دست به کشتن زده اند بیشتر از بیماری روانی رنج می برند تا سربازانی که کسی را نکشته اند. یافته های « گروسمن» و « ایرناوس ایبل- ایبن اشفلت» فقط از نظر دلایل سیاسی با هم فرق دارند. از نظر « گروسمن» هدف ، آموزش لازم برای از بین بردن خصلت کشتن است^۲ و به نظر « ایبن اشفلت» « مشکل هم شکل کردن سطح فرهنگی و تربیتی با بیولوژی انسان برای نکشتن است»^۳ او این چنین ادامه می دهد:

ریشه آرزوی صلح جهانی، در یک تعارض بین هنجارهای فرهنگی و زیست شناسی واقع شده است که انسانها را آرزومند رسیدن به یک توافق بین این دو هنجار می کند. وجدان ما امیدی است که داریم و یک تکامل که بر این امید پایه گذاری شده و به طور صحیح راهنمایی شود می تواند ما را به صلح برساند. این در بر گیرنده این است که قبول کنیم که جنگ بر انگیزنده اعمالی است که باید به صورت دیگر و بدون خون ریزی انجام شود.^۴

علم عصب شناسی هم با نشان دادن دلایل مختلف، به پتانسیل و استعداد درونی بشر به نکشتن تاکید می کند. یکی از استادان علم عصب شناسی " بروس ای. مورتون"^۴ "تئوری « مدل کوادبراین دوگانه در برتری جانی»^۵ را ارائه می کند که به وسیله آن پایه های عصب شناسی کشتن و یا نکشتن را توضیح می دهد. چهار قسمت این مدل به صورت دو نوع از یک سیستم واحد چهارگوش کار می کنند.^۱ آنها متشکل هستند از سیستم مرکزی مغز «غریزه»^۲ سیستم حاشیه ای و یا اطراف مغز «احساسات»^۳ ، نیم کره راست و چپ «تخیل و هوش»^۴، و مخچه «فراست و شم»^۵ ؛

^۳ (1979: 241).

^۴ Bruce E. Morton (2000)

^۵ Dual Quadbrain model of behavioral Laterality

^۱ The four parts of the model "function in two modes of a single tetradic system."

^۲ instincts

^۳ emotions

^۴ imagination and intellect

«مورتون» وجدان و ضمیر روحی و اجتماعی را در سیستم مخچه «فراست و شم» جای می دهد. «آن سر چشمه و منشا «حقیقت، خلاقیت و خویشنداری، نوع دوستی، تعاون و ضد خشونت است.» آن زنده ماندن یک گروه را در یک مدت طولانی امکان پذیر و آسان می کند و این پدیده ای است که به مغز مربوط میشود و در دسترس همه است.» به ۳ طریق می توان هوشیاری و حس آگاهی را از دست داد: یک ضربه روحی و آسیبی متشابه مرگ (کما)، دیگری از طریق بعضی انواع مواد مخدر و از همه مهمتر مراقبه و عبادت. در زندگی روزمره اجتماعی از طریق درک مستقیم، «منشا و سرچشمه»^۵ مزایا و اثرات ناشی از همکاری «برای به دست آوردن یک جامعه بدون خشونت» آسانتر می شود. این منبع و مبدا در پروژه زنده ماندن و از بین بردن تهدیدات مهلک شرکت می کند و خود نیز از آن بهره می گیرد.

این عصب شناسی واقع گرا، زمینه ای برای فعال کردن هر شخص برای اجرای تعهدات خود و تغییر جامعه که آگاه به ارزش نکشتن و اکراه و بی میلی به کشتن باشد، ایجاد می کند. عصب شناسی واقع گرا موافق با بینش هندو «ویوه کاناندا»^۶ است که معتقد به این است که هدف رهبران مذهبی صحبت کردن در مورد خدا از بیرون نیست بلکه یاری دادن هر شخص برای یافتن الاهیات و خدانشناسی در ضمیر خود است. تولستوی نیز با این تئوری هم عقیده است: «خداوند در درون ما است». هم چنین می توان نظراتی که در بالا ذکر شد را با بینش «کبیر (عارف معروف هندی در قرن پانزدهم)» مقایسه کرد:

«در بین دو چشمانت رهبر و پیام آور خداوند قرار دارد و در وجود تو خدای تو قرار گرفته، برای یافتن او چه نیازی به باز کردن چشمهایت و نگریستن به بیرون است»^۸.

فرض کنیم که بد کار کردن مغز به دلایل بیولوژی، زمینه ای را مهیا می کند که عده ای از افراد به قاتل تبدیل شوند. اگر این گونه مهلک بودن علت زیست شناسی داشته و حاصل عوامل فرهنگی مختلف نباشد مهارت و ابتکار علمی تضمین می کند که قادر به درمان این قاتلان و رها

^۵ neocerebellar

^۶ the "Source

^۷ Vivekananda

^۸ Sethi 1984: 56-7).

کردن آنها از احتیاج و اجبار به کشتن خواهد بود. علم، نیز هم چنین تاکید می کند که بدون به خطر انداختن طبیعت و نهاد انسان قادر به این کار است. با به وجود آمدن علم عصب شناسی مدرن و علم ژنتیک و " بیوشنس " نمی توان برای مدّت مدیدی بر این فرض بود که مهلک بودن در طبیعت انسان اجباری و ناگزیر است .

برای تأیید این گفته ها می توان به پژوهشی از روانشناسی عصب شناسی «جیمز پراسکوت»^۱ و روانپزشکی عصب شناسی « روبرت ج. هلنس»^۲ اشاره کرد که هر دو از برجستگان این علم هستند. آنها بر این فرضیه معتقدند که گرایش به کشتن در بعضی افراد بستگی به وخیم شدن و از بین رفتن "جریانات الکتریکی"^۳ است که قسمت های مغز را که مربوط به احساسات می شود^۴ را به حرکت جسمانی^۵ متصل می کنند. آنها معتقدند که رشد یافتن و یا از بین رفتن این جریان ها بستگی به "حرکات مدور بدن"^۶ در زمان کودکی و رشد کردن دارد، بر طبق آزمایش های انجام شده بر روی شامپانزه هایی که از کودکی بزرگشان کرده بودند در حالی که سر آنها را در یک کیسه کرده و یا آنها را در یک صندلی چرخ دار نشانده و آن را می چرخاندن به این نتیجه رسیدند که شامپانزه هایی که حرکتی نداشتند خیلی خشن تر و آنهایی که قادر به حرکت بودند اجتماعی تر بودند. «هلنس و پراسکوت» این را بر روی قاتلان نیز آزمایش کردند. آنها یک الکتروود در قسمت عقب سر آنها نصب کردند و یک " تحریک کننده " که در شانۀ کسی که قصد کشتن داشت نصب شده بود و می توانست آن را کنترل کرد. به این صورت هنگامی که این احساس و ناآرامی برای کشتن پدید می آید این شخص می تواند برای از بین بردن این حالت دستگاه کانالهای (مجرا) را فعال کند. در بعضی از اشخاصی که از نقطه نظر پزشکی (جنایت کاران روانی) تشخیص داده شده بودند بعد از استفاده از این دستگاه تغییرات مثبت زیادی را مشاهده کردند. عده دیگر از بین رفتن تدریجی ضمیر آدم کشی و خود کشی را آزمایش کردند. البته در بعضی مواقع این آزمایش بدون نتیجه و یا با نتایج منفی مواجه شد. در مورد یک زندانی، کابل الکتروودی که به دور مچ او اش بود پاره شد و بیمار بلافاصله یک پرستار را با چند قیچی کشت. با

۱ James W. Prescott

۲ Robert G. Heath (Restak 1979: 118-133).

۳ electrical circuits

۴ (limbic system)

۵ bodily movement (cerebellum).

۶ circular bodily movement

این وصف نتایج مثبت گرفته شده باعث می شود که محققان به دنبال راه های جدید و تکنولوژی های نوین برای آزاد کردن انسان از بدبینی به اینکه "انسان طبیعتاً آدمکش است"، باشند.

دلایل دیگری نیز برای خوش بین بودن به امکان «نکشتن» (که با بد بینی علوم سیاسی مغایرت دارد) وجود دارد که حاصل نتیجه گیری ۲۳ روانپزشک دانشگاه استنفورد است که یک کمیته برای تحقیق و مطالعه « بحران خشونت » در آمریکا بعد از ترور مارتین لوتر کینگ و سناتور روبرت کندی تشکیل دادند. بعد از در نظر گرفتن خشونت در سطح زیست شناسی، روان پویشی^۱، شرایط محیطی و در نظر گرفتن، درگیری ها بین گروه ها، وسایل ارتباط جمعی، اسلحه ها، بیماری های روانی و استفاده از مواد مخدر و غیره.. «دانیلز» و «جیلولا»^۲ به این نتیجه رسیدند که: « به پژوهش خود ادامه می دهیم تا زمانی که انسان دوره خشونت را پشت سر بگذارد ».

«جورج اف. سولومون»^۳ که یک روان پزشک است در سال ۱۹۷۰ یک تحقیقی در مورد قتل هایی که قابل درک و پیش بینی هستند ارائه می کند که مغایر با نظر کسانی است که به ناتوانی طبیعت انسان معتقدند. در یکی از موارد پژوهش، در مورد قاتلی که زنها را می کشت و ظاهراً هیچ احساساتی از خود نشان نمی داد با مطالعه در زندگی او مشاهده می شود که: از زمان کودکی به علت بی توجهی های والدین، پدری که قمار باز بود، مادری که الکلیست بود و از او سواستفاده های جنسی می کرد، شروع به مصرف مواد مخدر میکند تا به وسیله آن تا حدی خاطرات شوم زنا در کودکی را از یاد ببرد.

در یک مورد دیگر که یک قاتل، شوهر جدید زن سابق مطلقه خود را کشته بود، با تحقیق در مورد زندگی پیشین وی به این نتیجه رسیدند که عواملی مانند فقر، تنفر از پدر به علت خشونت هایی که با مادر داشت، تنبیه های بدنی از جانب پدر، و کتک هایی که از خواهران خود می خورد، ورود به ارتش، ازدواج با یک روسپی و آگاه شدن از خیانت های زنش در غیاب او و غیره... او را به حدی می رساند که هنگامی که در خانه این زن و شوهر جدیدش برای بحث در مورد کفالت بچه اش رفته بود و با تهدیدات زنش روبه رو میشود از اسلحه خود استفاده کرده نه زن سابقش بلکه شوهر او را می کشد.

^۱ psychodynamic

^۲ Daniels and Gilula

^۳ George F. Solomon (1970)

«سولومون» این گونه خاتمه می دهد:

“من مانند یک روان پزشک معتقد هستم که می توان رفتار انسان را تغییر داد. شکست ما در مورد پیش بینی و درمان های روان پزشکی از روی نادانی و خواست ما از انتقام جویی از انحراف های جامعه و غیره به وجود آمده اند که می توان با تحقیقات بیشتر و مطالعات فراوان آنها را از بین برد. قدرت انسان در رشد کردن و درمان یافتن بسیار زیاد است و آرزومندم که یک روز تمایل به خشونت از بین برود.”

در علم انسان شناسی یک طرح جدید به دست آمده است: «دریافتن قدرت انسان در ضد خشونت و صلح» به این صورت از تاثیر دائم و همیشگی خشونت و پرخاشگری دور شده و در عوض بیشتر بر روی امکان پذیر بودن یک جامعه بدون خشونت متمرکز می شود^۱. همان گونه که «لسلی ای. اسپونسل»^۲ توضیح می دهد: “به نظر می آید یک جامعه مسالمت آمیز و بدون خشونت خیلی نادر است، نه برای اینکه امکان پذیر نیست بلکه به این دلیل که موضوع صلح یا آرامش از جانب وسایل ارتباط جمعی و تحقیقات، زیاد مورد نظر گرفته نمی شود» او این گونه ادامه می دهد: «از سوی دیگر فهمیدن ویژگی ها، علّت ها و مراحل و پیامدهای صلح و آرامش مهم است همان گونه که درک خشونت و جنگ مهم است»^۳.

«پیرو جورجی (۱۹۹۹)»^۴ و «ج.ام.ج وان در دن (۱۹۹۰)»^۵ تئوری «هوبس» را زیر سوال می برند، «هوبس» به این معتقد بود که مهلک بودن انسان، یک شرایط همگانی است که از آغاز در وجود انسان وجود داشته است. «مستندات و مدارک مربوط به شرح نژادها»^۶ در قرن گذشته وجود جنگ و دشمنی را در ۵۰۰۰۰ قوم مختلف از (انسان های اولیه) را نشان می دهد. با این حال «وان در دن» فقط برای ۲۰۰۰ قوم مدرک پیدا کرده است، البته او تاکید می کند که فقدان اطلاعات از جنگ و تجاوز نشان دهنده این نیست که در بین بقیه قوم

^۱ (Sponsel and Gregor 1994b; Sponsel 1996)

^۲ Leslie E. Sponsel

^۳ Sponsel 1994a: 18-9).

^۴ Piero Giorgi (1999)

^۵ J.M.G. van der Dennen (1990; 1995).

^۶ ethnographic

های باقی مانده صلح وجود داشته است، او هم چنین پیشنهاد میکند که به صورت تعصبی و جزمی این تئوری که انسان طبیعتاً قاتل و خواهان خشونت است را قبول نکنیم^۷. او هم چنین مدارکی مربوط به شرح نژادها^۱ را نشان می دهد که در آن ۳۹۵ نژاد، از «آبورجی»^۲ گرفته تا «زونی» کاملاً مخالف جنگ بوده اند.

«بروس د. بونتتا (۱۹۹۳)»^۳ با تجزیه و تشریح ادبیات انسان شناسی، ۴۷ جامعه را که در آن توانایی و گنجایش انسان برای «در صلح زندگی کردن» وجود دارد را نشان می دهد:

«زندگی توام با صلح که در آن اشخاص در سطح تقریباً بالایی از هارمونی با یکدیگر زندگی می کنند؛ در آن خشونت بین افراد بالغ اعم از زن و مرد نادر است؛ روشهای خاصی وجود دارد برای حل اختلافات و مانع شدن از بروز خشونت و هم چنین به بچه ها یاد می دهند که چگونه باید صلح آمیز رفتار کرد».

«بونتتا» نشانه هایی از زندگی صلح آمیز را در جامعه ها و قبیله هایی چون: آمیش، آناباپتیست، بالینز، باتک، بیرهور، برترن، بویید، چونگ، دوخوربز، فیپا، فور، جی وی، هوتریست، ایفالک، اینویت، جاینز، کادار، کونگ، لاداکیس، لپاش، مالاپاندارام، مپوتی، منونیتز-ناسکپای، موراوینس، نایاکا، نویبانز، اونجه، اورانج اسلی، پالیان، پیاروا، تانکا، تمیر، توراچا، تریتان ایزلندز، وائورا، یانادی، زاپوتک، زونی^۴.

^۷ (1990: 257, 259, 264-9).

^۱ Ethnographic

^۲ Aboriginals to Zuni (1995: 595-619).

^۳ Bruce D. Bonta (1993)

^۴ Amish, Anabaptists, Balinese, Batek, Birhor, Brethren, Buid, Chewong, Doukhobors, Fipa, Fore, G/wi, Hutterites, Ifaluk, Inuit, Jains, Kadar, !Kung, Ladakhis, Lepchas, Malapandaram, Mbuti, Mennonites, Montagnais-Naskapi, Moravians, Nayaka, Nubians, Onge, Orang Asli, Paliyan, Piaroa, Quakers, Rural Northern Irish, Rural Thai, San, Sanpoil, Salteaux, Semai, Tahitians, Tanka, Temiar, Toraja, Tristan Islanders, Waura, Yanadi, Zapotec, and Zuni.

در یک تحقیق بعدی در مورد حل اختلافات بین ۲۴ دسته از این جامعه ” بونتا ” این گونه ادامه می دهد:

“ بسیاری از این اندیشه ها و تصوّرات مشترک محققان غرب در مورد خشونت و روشهای حل آن را با نشان دادن چگونگی برطرف کردن اختلافات در این جوامع می توان زیر سوال برد، این گونه تصوّرات غربی که تاکید می کند که ستیزه و تعارض اجتناب ناپذیر است و اینکه با تنبیه و نیروهای مسلّح می توان از خشونت داخلی و خارجی پیشگیری کرد و ساختار سیاسی یک جامعه لازمه پیش گیری از جنگ و خشونت است و اینکه این دو را باید به دید مثبت و لازم برای جامعه نگریست. آنچه عکس این مطلب را نشان می دهد این است که در بین بیشتر این جوامع صلح آمیز هیچ مدرکی از خشونت وجود ندارد، آنها با تعارض و خشونت خارجی با همان روش صلح آمیزی برخورد می کنند که در درون جامعه ، و برای حل اختلافات خود به قدرت های خارجه پناه نمی برند و همچنین یک برداشت منفی از خشونت و ستیزه جویی دارند” .

کشفیات مکرر در انسان شناسی که اکثراً مورد بحث قرار می گیرد، مرتبط به اهمّیت نقش اجتماعی بودن کودکان و هویت جامعه است که می تواند در خشن یا غیر خشن بودن جامعه نقش داشته باشد^۱. اهمّیت آن در یک تحقیق نسبی که از جانب « داگلاس فرای»^۲ در ۲ دهکده»^۳ زاپوتک»^۴ در مکزیک انجام می شود دیده می شود ، این دو دهکده از نظر خصوصیات های اجتماعی- اقتصادی به هم شباهت داشتند ولی در مورد سطح خشونت کاملاً با هم تفاوت داشتند. در دهکده «لاپاز»^۵ که در آن قتل خیلی نادر است و ساکنان آن خود را « محترم ، حامی صلح و بدون خشونت می دانند و با یکدیگر همکاری می کنند». در دومین دهکده که «سان آندرس»^۵ نام دارد و به «لاپاز» نزدیک است « یک سیستم متفاوتی از ارزشها و عقاید متفاوتی وجود دارد». با وجود شباهت

۱ (Fabbro 1978).

۲ Douglas P.Fray (1994)

۳ Zapotec

۴ La Paz

۵ San Andrés

های موجود در شرایط اقتصادی و ساختاری این دو دهکده ، آمار قتل در « سان آندرس » به ۱،۱۸ در صد در هر ۱۰۰ هزار نفر می رسد اما در « لا پا » این آمار به ۴۳ در صد می رسد. این مقایسه به ما نشان می دهد که بد بینی و منفی نگری در مورد طبیعت انسان و قوانین یک جامعه که خشونت را قبول می کنند با کشتار مرتبط هستند در حالی که ارزشهای صلح آمیز و ضد خشونت زمینه را برای یک جامعه صلح آمیز مهیا می سازد.

« بیانیه معروف در مورد خشونت»^۶ که در « سویل »^۷ در ۱۶ می ۱۹۸۶ نوشته شده است یک کمک علمی مهمی برای باور داشتن قدرت انسان به نگشتن است. این بیانیه که از جانب یک گروه از متخصصان بین المللی با تخصص در طرز رفتار حیوانات ، انسان شناسی ، روانشناسان و... تشکیل شده بود این گونه اعلام می کند:

از نظر علمی درست نیست اظهار کنیم که ما خشونت و گرایش به جنگ ر از «موجودات اولیه»^۱ به ارث برده ایم. از نظر علمی نادرست است که بگوییم که جنگ و یا هر عمل خشن در بشر در وجودش نهادینه شده است و اینکه در پیشرفت نسل انسان خشن بودن به خصلت و رفتارهای دیگر بشر برتری پیدا کرده است و اینکه بشر دارای « یک فکر و مغز خشن» است و کشتن و جنگ در نهاد او وجود دارد.

دانشمندان « سویل » مانند روانپزشک های استنفورد اعلام می کنند که:

“ بیولوژی ، بشر را محکوم به جنگ نمی کند و انسان می تواند خود را از این بد بینی بیولوژی رها سازد و با قدرتمند کردن اعتماد و اعتقاد برای آغاز فعالیت های نو و تغییرات لازم در این سال بین المللی صلح و در سالهای آینده تلاش کند و از آنجایی که این وظایف سازمانی و اجتماعی هستند بستگی به وجدان و خوش بین و بد بین بودن هر شرکت کننده دارد. همان گونه که جنگ از افکار و خرد انسان ها آغاز می شود صلح نیز در اذهان انسان ها آغاز می شود. همان قسمی

^۶ “Statement on Violence” on May 16, 1986

^۷ Seville

^۱ animal ancestors....

که جنگ را آغاز می کنند می توانند صلح را نیز آغاز کنند.
همه ما مسئول آن هستیم»^۲.

در ۲ آگوست ۱۹۳۹ آلبرت انیشتین یک نامه ای به رئیس جمهور آمریکا فرانکلین روزولت نوشت که حاوی این مطلب بود: علم فیزیک اتمی به درجه ای از پیشرفت رسیده بود که می توان از آن بمب های جدید و خیلی قوی ساخت^۳. پیامد این پیغام باعث به وجود آمدن یک کمیته مشورتی و سرمایه گذاری ۶۰۰۰ دلار از جانب دولت آمریکا و برنامه ریزی « پروژه منهتن »^۴ و شش سال بعد از آن به وجود آوردن و استفاده از بمب اورانیوم و پلوتونیوم شد. ۶۰ سال بعد از این جریان امکان این وجود دارد که به اندازه کافی مدارک در مورد توان و قدرت انسان در نفی خشونت به دست آمده باشد و اگر بتوان هر روز آن را با تکنولوژی پیشرفته تر کرد می توان امیدوار تغییر در نسل بشر و گرایش او به سوی نفی خشونت و کشتن بود. در بین نشانه های پیشرفت و شناخت علمی در این جهت فقط در آمریکا بیشتر از ۱۰۰ پایان نامه دکترا وجود دارد که بعد از سالهای ۱۹۶۳ به پژوهش در مورد «نفی خشونت» در زمینه های انسان شناسی و علوم تربیتی، تاریخ، علوم سیاسی و مذهبی، جامعه شناسی و علوم بدیع و دین شناسی می پردازد^۱.

با اضافه کردن تحقیقات کشورهای دیگر، به عنوان مثال هند، و یا در زبان های دیگر به غیر از انگلیسی و مجلات جدید مانند « مجلات بین المللی ضد خشونت »^۲ و منابع دیگر می توان مشاهده کرد که روز به روز شناخت بر روی «نفی خشونت» به وضوح افزایش پیدا کرده است. این پتانسیل تمایل به رشد و پیشرفته تر شدن را می توان با علم فیزیک اتمی ۱۹۳۹ مقایسه کرد.

موانع آشکار در قابلیت نکشتن

«امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)»^۳ یکی از بنیان گذاران جامعه شناسی مدرن، به توجه کردن «موانع آشکار» زندگی اجتماعی مربوط به پرسش

^۲ Adams 1989: 120-1; 1997

^۳ (Nathan and Norden, 1968: 295)

^۴ Manhattan Project

^۱ (Dissertation Abstracts International 1963-)

^۲ (International Journal of Nonviolence 1993-)

^۳ Emile Durkheim (1858-1917)

های تئوری دعوت می کند. روانشناس مسائل اجتماعی « دونالد کامپبل »^۴ (اهل کشور آمریکا) این ایده را به نحوه دیگری بازسازی و پیشرفته اش کرد به این نحو که به دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه « نورت وسترن »^۵ آموزش می داد که « به دقت به آزمایش ها و پژوهش های اجتماعی که اتفاق می افتد، همانند تجربیات و آزمایشگاهها و لابراتوارها، بنگرند. از آنجایی که علوم سیاسی با در نظر گرفتن و تحقیق بر روی قسمت عملی، تمایل به پیشرفت تئوری دارد، (همان گونه که « ماکیاولی» بنا به روشهای بی رحمانه استادار» سزار بورجا «، در شاهکار هنری خود «شاهزاده و یا شهریار» فرضیه خود را بیان کرد) نمونه های رفتاری در نکشتن که به طور طبیعی از تجارب تاریخی و معاصر بیرون می آیند مسلماً برای شناخت امکان یک تغییر عاری از خشونت اهمیت زیادی دارند.

بین اظهارات در مورد توانایی در نکشتن، می توان از سیاست های عمومی و مردمی، موسسات، فعالان فرهنگی و سیاسی و اشخاص عادی که وقت خود را برای به هدف رسیدن دوری از کشتار اختصاص داده اند، نام برد.

سیاست های همگانی

نمونه های قابل توجهی از تصمیمات سیاسی که سعی در تحقق یک جامعه بدون خشونت دارند را می توان در جوامعی که حکم به اعدام را لغو کرده اند، در کشورهایی که ارتش ندارند، و در کشورهایی که اگر سربازی بنا به وجدان خود از کشتن دشمن خودداری کرد مورد مؤاخذه قرار نمی گیرد، مشاهده کرد.

تا آوریل ۲۰۰۰ از ۱۹۵ کشور، ۷۵ کشور در جهان حکم به مرگ را برای هر نوع جرمی لغو کرده اند.

جدول شماره ۲: کشورهای که در آنها حکم اعدام وجود ندارد

آلبانی، آندورا، آنگولا، آرژانتین، ارمنستان، اتریش، استرالیا، آذربایجان، بلژیک، بوتان، بوسنی هرزگوین، بلغارستان، کامبوج، کانادا، کیپ

^۴ Donald T. Campbell

^۵ Northwestern University

^۶ nonkilling

ورد ، شیلی ، کلمبیا ، جزیره کوک ، کوستاریکا ، ساحل عاج ، کرواسی ، قبرس ، جمهوری چک ، دانمارک ، جیبوتی ، اکوادور ، جمهوری دومینیک ، استونی ، فنلاند ، گرجستان ، آلمان ، یونان ، گینه بیسائو ، هائیتی ، هندوراس ، مجارستان ، ایسلند ، ایتالیا ، لیختن اشتین ، کیریباتی ، لیتوانی ، لوزامبورگ ، مالت ، جزایر مارشال ، مقدونیه ، میکرونزی ، مکزیک ، موزامبیک ، موناکو ، نپال ، هلند ، مولدووی ، نیوزیلند ، نیکاراگوا ، نروژ ، پالائو ، پاناما ، پاراگوئه ، فیلیپین ، لهستان ، پرتغال ، رومانی ، رواندا ، سان مارینو ، سان تومه و پرنسیپ ، سنگال ، صربستان ، اسلوواکی ، سلوانی ، نامیبیا ، آفریقای جنوبی ، جزایر سلیمان ، اسپانیا ، سیشل ، سوئد ، سوئیس ، تیمور شرقی ، ترکیه ، اکراین ، انگلستان ، اروگوئه ، ازبکستان ، واتیکان ، وانواتو ، ونزوئلا ، ساموآ ، مونتنگرو ، نیو^۱ .

تمام نمونه های لغو کامل حکم اعدام باید مورد تحقیق و توجّه قرار گیرد. چرا چگونه و چه زمانی برخی از دولت ها تصمیم به لغو حکم اعدام گرفتند؟ چرا فقط برخی از کشور ها و دین ها و فرهنگ ها به آن معتقدند در حالی که دیگر کشور ها به آن توجّه ندارند؟ چه تغییرات و مراحل تاریخی برای به وجود آوردن یک جامعه بدون حکم اعدام و عاری از خشونت لازم است؟ و از این نمونه های بدون خشونت چه استنباطی می توان داشت تا بتوان آن را در دیگر جوامع نیز پیاده کرد تا در آینده بتوان یک جامعه جهانی که مایل به کشتن نباشد را به وجود آورد؟

به غیر از برخی کشور ها که به طور کل حکم اعدام را لغو کرده اند ، ۹ کشور دیگر حکم به اعدام برای جرایم عادی را لغو کرده اند اما هنوز حکم اعدام در شرایط اضطراری مانند جنگ و یا حکومت نظامی پا بر جا می باشد (مانند: بولیوی ، برزیل ، السالوادور ، فیجی ، اسرائیل ، قزاقستان ، قرقیزستان ، لاتویا ، پرو). ۳۶ کشور حکم اعدام را لغو نکرده اند ولی آن را بیش از ۱۰ سال یا بیشتر است که اجرا نمی کنند مانند: (الجزایر ، کامرون ، جمهوری آفریقای مرکزی ، جمهوری کنگو ، اریتره ، گابون ، گامبیا ، غنا ، کنیا ، کره جنوبی ، لائوس ، لیبیا ، سری لانکا ، تاجیکستان ، تانزانیا ، توگو ، تونگا ، تونس ، زامبیا ، بنین ، برونی ، بورکینا فاسو ، گرنادا ، مالدیو ، نائورو ، پاپوا گینه نو ، سورینام ، سوازیلند).

منبع: عفو بین الملل . ژانویه ۲۰۰۹

۵۹ کشور (که در سال ۲۰۰۲ تعداد آنها به ۱۹ رسید) هنوز حکم اعدام و را انجام می دهند : (افغانستان , باهاماس , بحرین , بنگلادش , باربادوس , بلاروس , چاد , چین , جمهوری دموکراتیک کنگو , کوبا , مصر , گینه استوای , اتیوپی , گواتمالا , هند , اندونزی , ایران , لیبی , مالزی مغولستان , نیجر , عمان , پاکستان , فلسطین اشغالی , قطر , سوریه , تایوان , تایلند , اوگاندا , امارت متحده عربی , ایالت متحده آمریکا , ویتنام , یمن , زیمباوه , بلیز , آنتیگوا و باربودا , ترینیداد و توباگو , سنت لوسیا , سنت کیس و نویس , لسونو).

در آمریکا هنوز حکم اعدام برای جرایم فدرال انجام می شود , ۱۲ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکای به اضافه ناحیه کلمبیا حکم اعدام را لغو کرده اند : آلاسکا , هاوایی , مین , ماساچوست , میشیگان , مینه سوتا , نیو جرسی , نیویورک , داکوتا شمالی , رود ایزلند , ورموت , ویرجینیای غربی , ویسکونسیس .

با وجود نوسانات بین عدم پذیرش و تحمیل های بعدی , گرایش جهانی حذف حکم اعدام از جانب دولت هایی که از رسوم خشونت بار بیرون می آیند اعتماد را برای باور داشتن و به حقیقت بخشیدن یک جامعه بدون خشونت را محکم می کند.

کشورهایی که دارای ارتش نیستند در سال ۲۰۰۱ به ۲۶ رسید که همگی جزو سازمان ملل نیز هستند به غیر از جزایر کوک و نیو.

جدول شماره ۳: کشورهای بدون سلاح

کستاریکا , دومینیک , گراناادا , هایتی , کریباتی , لیختن اشتایت , مالدیو , پاناما , سنت کیتس و نویس , سنت لویس , سنت وینسنت , سانوما , سان مارین , جزایر سلیمان , واتیکان , نائورو , تووالو , وانواتو.

کشورهای بدون سلاح (معاهده دفاع)

آندورا (فرانسه , اسپانیا) , ایسلند (ناتو , ایالت متحده آمریکا) , جزایر مارشال (ایالت متحده آمریکا) , میکرونزی (ایالت متحده آمریکا) , موناکو (فرانسه) , نیو (نیوزیلند) , پالائو (ایالت متحده آمریکا) , جزایر کوک (زلاند نو)^۱.

منبع : Barbey 2001

علاوه بر این ۱۸ سرزمین غیر مستقل و یا سرزمین های جغرافیایی ، بنا بر قراردادهایی که با کشورهای که با آنها وابسته پیمان بسته اند غیر نظامی شده اند مانند: جزایر آلد در فنلاند ، و یا از طریق قراردادهای بین المللی مانند قطب جنوب و یا کره ماه .

نبود نیروی نظامی ممکن است برای کشورهای که وجود آن را لازمه هویت ملی ، دفاع و کنترل جامعه می دانند تعجب آور باشد. هر چند این کشور های بدون ارتش، کوچک باشند. هر چند این کشور های بدون ارتش سرزمین های کوچکی هستند و یا متحد یک کشور مسلح و یا دارای نیروهای شبه نظامی باشند به هر حال نشان دهنده این هستند که تشکیل یک کشور بدون ارتش امکان پذیر است و به همین دلیل به وجود آوردن یک کشور عاری از گشتار غیر قابل تصور نیست.

در کشور هایی که دارای ارتش هستند و خودداری از خدمت سربازی (به دلیل دینی یا عقیدتی) را به رسمیت می شناسند نمونه دیگری از وجود پتانسیل سیاسی برای نگشتن است. در سال ۱۹۹۸ ، چهل و هفت کشور هر نوع امتناع از کشتن را در دوران خدمت را به صورت رسمی شناخته و مورد بازخواست قرار نمی دهد.

جدول شماره ۴: دولتهای که خودداری از خدمت سربازی را به رسمیت می شناسند:

آلبانی ، آرژانتین، ارمنستان، اتریش ، استرالیا ،آذربایجان ، بلاروس، برمودا ، بلژیک ، بوسنی هرز گوین ، برزیل ، بلغارستان ، کانادا ، قبرس ، جمهوری چک ، کرواسی ،دانمارک ، استونی ، فنلاند ، فرانسه ، آلمان ، یونان ، گینه ، مجارستان ، اسرائیل ، ایتالیا ، قرقیزستان ، لاتویا ، لیتوانی ، ماچدونی ، مولدووی، مونته نگرو ، هلند ، نروژ ، پاراگوئه ، لهستان ، پرتغال ، رومانی ، روسیه ، صربستان ، اسلوواکی ، سلوانی ، آفریقای جنوبی ، اسپانیا ، سوئد ، سوئیس ، اکراین ، انگلستان ، آیالت متحده آمریکا ازبکستان ، یوگوسلاوس ، زیمباوه^۱ .

^۱ Horeman and Stolwijk (1998) and War Resisters' International (2005).: منبع

دلایل امتناع از کشتار متفاوت هستند. از اعتقادات مذهبی گرفته تا دلایل فلسفی و روحی، اصول اخلاقی، انسانی و یا سیاسی. حق امتناع از کشتن که آزاداندیش ترین نوع آن در ماده ۴ قانون جمهوری فدرال آلمان وجود دارد: « که هیچ کسی نباید به اجبار در جنگ شرکت کند و بر خلاف وجدان خود از اسلحه استفاده کند»^۲. این نکته قابل توجه است که منابع، مراحل، مدل های جهانی و قبول داشتن امتناع سربازان در خودداری کردن از کشتن در میدان جنگ نیز مانند حذف اعدام و به وجود آمدن کشورهای بدون ارتش، مورد توجه و تحقیقات علمی است.

سازمانهای اجتماعی.

در مکان های مختلف جهان سازمانها و نهادهایی در حال به وجود آمدن هستند که توان خود را برای ایجاد جوامع عاری از کشتار در آینده به کار می برند و نشان دهنده یک نمونه دیگر از قدرت و تلاش انسان برای نکشتن هستند. اگر این جوامع پراکنده در هر نقطه جهان به صورت منظم و نسبت به احتیاجات هر جامعه سازمان دهی شوند، می توان یک جامعه ای را که از کشتن دوری می کند را تصور کرد و آن نتیجه یک احتمال نیست بلکه ساخته شده بر تجربیات انسان است. از سازمانهای مختلفی که صحبت کردیم اینجا به صورت مختصر نام برده می شود هر چند هر کدام آنها لایق توضیحات بیشتری هستند.

سازمانهای روحی و معنوی.

میتوان از موسسات مذهبی نام برد که از اعتقاداتی چون دوری از کشتار الهام گرفته اند مانند: « جائز های شرقی و کواکر های غربی»^۱، انجمن های صلح و برادران جهانی (یونیورسای) در ژاپن، جامعه بودیست ها در دهکده «پلوم» در فرانسه، کلیسای « سیمون کیمبانگو»^۲ در آفریقا، صلح جویان در روسیه و کانادا و انجمن های یهودیان برای صلح در آمریکا. در سطح جهانی انجمن هایی برای آشتی و مصالحه وجود دارد که در سال ۱۹۱۹ پایه گذاری شده و متشکل از مردان و زنان از هر نوع مذهب است که اعتقادات شان بر پایه عشق ورزیدن و حقیقت جویی و

^۲ Kuhlmann and Lippert 1993: 98)

^۱ Jains of the East, Quakers of the West,

^۲ Simon Kimbangu

عدالت بنا شده و سعی می کنند از خشونت دوری کنند و این نفی از خشونت را اساس زندگی خود قرار داده و از آن برای تغییر خود، اجتماع، اقتصاد و سیاست استفاده می کنند.

سازمانهای سیاسی.

یک حزب انتخاباتی که در مورد « نفی خشونت» تلاش می کند حزب (دوستی و رفاقت در انگلستان) است که در ۱۹۵۵ تشکیل شده و پایه گذار آن «رونالد مالون و جان لورسید»^۲ و دیگر مسیحیان صلح جو و سربازان سابق جنگ جهانی دوم هستند. این حزب در کمپین های مخالفت با برنامه ریزی بر ضد جنگ تلاش می کند و هدف آنها گسترش دادن عدالت اجتماعی و قضایی و ترویج هنر و ورزش است. در آلمان نفی خشونت یکی از ارزشهای برجسته « حزب سبزها»^۳ که از جانب « پیپتزا کلی»^۴ و ۳۰ نفر دیگر، در سال ۱۹۷۹ پایه گذاری شده است. آنها از گاندی و مارتین لوترکینگ الهام گرفته اند. حزب صلح طلب آمریکا که موسس آن «بردفورد لیتل»^۵ است در سال ۱۹۸۳ و بر اساس ارزشهای معنوی، علمی و انسانی پایه گذاری شده است. او کاندیدای ریاست جمهوری در آمریکا در ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ شد و به دنبال تغییرات بدون خشونت در جامعه آمریکا و اهمیت آن در جهان شد. در هند حزب « سارویدا» که پایه گذاران آن «ت.ک.ان. اونین»^۶ و چند نفر دیگر بودند وارد صحنه انتخابات شده بودند. هدف او ترویج دادن الگوهای گاندی در جامعه کنونی برای هر چه بیشتر کردن رفاه مردم بود ولی بعداً از روشهای گاندی و به طور کل سیاست دوری کرد و علت کناره گیری خود را این گونه توجیح کرد: «قدرت به خودی خود خنثی است ولی در دست انسانهای فاسد و منحرف می شود». در سطح جهانی تنها حزب رادیکال برون مرزی که از «دوری از خشونت» گاندی الهام گرفته، حزب رادیکال ایتالیا است که در سال ۱۹۸۷ تأسیس شده و هدف این حزب کوشش در سطح بین المللی برای تحت نفوذ قرار دادن سازمان ملل در مواردی چون: حذف حکم اعدام، شناخت قانونی خودداری از خدمت سربازی و پیگرد قانونی جنایتکاران جنگ در سطح بین المللی است. این

^۲ Ronald Mallone, John LoveSeed,

^۳ ecological Die Grünen (Green Party

^۴ Petra K. Kelly

^۵ Bradford Lyttle,

^۶ Sarvodaya Party, founded by T.K.N. Unnithan and others

حزب در انتخابات ملی شرکت نمی کند و اعضای آن می توانند همزمان در حزب های دیگر شرکت کنند. با الهام گرفتن از گاندی اعضای این حزب این گونه اعلام می کنند که : «قوانین فرامرزی و نفی خشونت راههای موثر و بنیادی برای ساخت یک جهان بهتر هستند» .

سازمانهای اقتصادی.

سازمانهای اقتصادی برجسته که هدفشان نفی خشونت و دوری از کشتار است ، دربرگیرنده سرمایه و دارایی هایی هستند که در صنعت ساخت ابزار کشتار و جنگ سرمایه گذاری نمی کنند (سرمایه جهانی برای صلح)^۱ ؛ سندیکا الهام گرفته از « دوری از خشونت » گاندی و لوترکینگ مانند (کارگران متحد در مزارع آمریکا که پایه گذارانش « دولورس هاورتا و سزار چاوز»^۲ و اشخاص دیگر بودند) ؛ و یک برنامه توسعه فراگیر بودیستی ضد خشونت در سری لانکا که بر پایه « شرامادانا سانگمایا » بنا شده و بنیان گذارش « آری یاراتره »^۳ است. از موفقیت محدود تجربه «هدیه زمین»^۴ در هند ، دادن زمین به اشخاصی که زمین نداشتند بود که الهام گرفته از تئوری گاندی « امانت داری»^۵ بود و رهبری آن را « وینوبا باو» و « جایپرکاش نارایان »^۶ بر عهده داشتند نشان داد که تقسیم کردن بدون خشونت غیر ممکن نیست. سازمانهای خیریه فراوانی هستند که از خدمات بدون خشونت در جامعه حمایت می کنند: سازمان خیریه گاندی در لندن ، « سارادوایا امانت بین المللی»^۷ در بنگالور و « سازمان آ. ج . موس»^۸ در نیویورک.

سازمانهای تربیتی.

امکان در اختیار گرفتن کل یک دانشگاه برای تحقیق در مورد ضد خشونت از دید دین ها و اعتقادات مختلف در مورد « دوری از خشونت

^۱ (Pax World Fund

^۲ Cesar Chavez, Dolores Huerta

^۳ principles (the Sarvodaya Shramadana Sangamaya, led by A.T.

Ariyaratne

^۴ bhoodan

^۵ trusteeship

^۶ Jayaprakash Narayan (1978)

^۷ Sarvodaya Trust International (a Bangalore)

^۸ Instiute A.J. Muste (New York)

« ایده ای از «راماچاندران»^۱ استاد و موسس «بنیاد کشاورزی و روستایی گاندی گرام»^۲ در «تامیل (هند)» بود . این دانشگاه ها در خدمت ۳۰ دهکده اطراف قرار گرفته اند که بعضی از خصوصیات و مشخصات این دانشگاه ها شامل: (۱) ملحق کردن درسهای تئوری با عملی و اجرای آن در جامعه. به عنوان مثال در مورد علوم سیاست و چگونگی تصمیم گیری در دهکده ها؛ علم فیزیک و چگونه تعمیر کردن رادیو ؛ بیولوژی و آموختن صحیح بهداشت شخصی ؛ هنر و غیره. (۲) درخواست تز پایان تحصیلی برای «حل مسئله و یا problem solving» از تمام دانشجویان ترم آخر. (۳) آموزش سه زبان : «تامیل» برای احتیاجات محلی ، هندی برای یکپارچگی ملی و انگلیسی برای بازکردن پنجره ای به دنیای خارج. (۴) به کارگیری تمام دانشجویان در نگهداری و کارهای دانشگاه بدون اینکه احتیاج به آشپز ، باغبان یا غیره باشد.

سهم و کمک قابل توجه دیگر «راماچاندران» این بود که در درون این موسسات آموزشی ارشد ، جایگزین دیگری برای خدمت سربازی پیدا کرد: یکی از آنها «شانتی سنا»^۳ (سپاه صلح) بود که ریاست آن را پرفسور علوم انسانی «راداکریشنان»^۴ بر عهده داشت. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸ پنج هزار شاگرد از این موسسه فارغ التحصیل شدند که هدف آنها به وجود آوردن صلح و آمادگی آنها برای فداکاری حداکثر برای اجرای آن در جامعه بود. با ترکیب دادن آموزش های معنوی ، فیزیکی و فرهنگی «شانتی سنا»، دانش آموزان را برای حل اختلافات ، تامین امنیت و نجات در حوادث و در حمایت و خدمت به جامعه آماده می کردند. روشهای همکاری با ساکنان دهکده ها برای بهتر کردن زندگی در این روستا ها شامل مواظبت از بچه ها ، بهداشت ، ساخت و نگهداری از خانه ها و حفظ رسوم و هنر های محلی می شد. در حالی که در نیمه سالهای ۷۰ بعضی از دانشگاه ها در هند مورد تعرض و یا حمله قرار می گرفتند برای تحت فشار قرار دادن این نیروها ، اهالی اطراف « گاندیگرام» فستیوال هایی را برای ترفیع موسسه روستایی خود به دانشگاه ترتیب می دادند. مسئولیت امنیت محوطه دانشگاه را «شانتی سنا» به عهده گرفت به طوری که پلیس مسلح نمی توانست وارد محوطه شود حتی در زمان بازدید نخست وزید نهرو ، ایندیرا گاندی و دیگر افراد دولتی.

^۱ Dr. G. Ramachandran (1903 - 1995)

^۲ Gandhigram Rurale institute

^۳ Shanti Sena

^۴ Radhakrishnan (1992; 1997).

موسسات آموزشی.

سازمان هایی که دوری از خشونت را برای تغییرات جامعه ، برای مداخله در مکان های جنگ و دفاع از جامعه ، آموزش می دهند به سرعت در حال رشد و پرورش هستند. درخواست برای پرسنل کارآزموده در حال گسترش است و چه در داخل و چه در بیرون مرزها ، اعتماد به قدرت انسان برای تعویض ابزار خشونت آمیز با متدهای بدون خشونت و صلح آمیز از طریق problem solving در حال گسترش است. و در اینجا میتوان تعدادی از معروف ترین موسسات را مشاهده کرد:

مدرسه به دور از خشونت رامچاندرا (ن. رادکرشان) ؛
تشکیلات صلح بین الملل (نارایان دسای) ؛ موسسه دور از
خشونت مارتین لوتر کینگ در فلوریدا با فایت و شریکان
برنارد لافایت ، چارلز ال. آلپین، و دیوید جنسون)؛ انجمن بین
المللی آشتی (هیلدگارد گوسمایر و ریچارد دیتس) ؛ مرکز
آموزشی اتاق کار (جورج لاکي) ؛ مقاومت بین المللی جنگ (
هاروارد کلارک) ؛ مرکز تحقیق فلسطینی دور از خشونت (
مبارک آواد) ؛ دور از خشونت بین المللی (مایکل بییر) ؛
خدمات صلح و عدالت (آدولفو پرز اسکویل) ؛ شبکه بین المللی
نمایندگان بودیسم (یشوا موزر- پوانگ سووان) ؛ و متعالی
بودن (ژوان گالتونگ)^۱.

« ای کی دو»^۲ یک هنر رزمی ژاپنی است که از توانایی در نکشتن به
نوی خلاقانه استفاده می کند. این هنر رزمی همچنین یک سرمایه ای مهم
برای دفاع شخصی بدون خشونت است و شخصیت فردی را به گونه ای

^۱ The G. Ramachandran School of Nonviolence (N. Radhakrishnan), Peace Brigades International (Narayan Desai), Florida Martin Luther King, Jr. Institute for Nonviolence with La- Fayette & Associates (Bernard LaFayette, Jr., Charles L. Alphin, Sr., and David Jehnsen), International Fellowship of Reconciliation (Hildegard Goss-Mayr and Richard Deats), Training Center Workshops (George Lakey), War Resisters International (Howard Clark), Palestinian Center for the Study of Nonviolence (Mubarak Awad), Nonviolence International (Michael Beer), Servicio Paz y Justicia (Adolfo Pérez Esquivel), the International Network of Engaged Buddhists (Yeshua Moser-Puangsuwan), and TRANSCEND (Johan Galtung).

^۲ Aikido

توسعه می دهد که اثر آن بر روی مبارزات اجتماعی بدون خشونت نیز دیده می شود. همان گونه که ابداع کننده آن « موریهی یوشیبا »^۲ توضیح می دهد: «شکستن ، زخمی کردن و خراب کردن بدترین گناهی است که بشر می تواند انجام دهد. هدف (ای کی دو) رسیدن به هارمونی از طریق انرژی گرفتن از زندگی است ، ای کی دو نشان دهنده عشق است»^۱.

موسسات امنیتی

بسیاری سازمان ها و موسسات در جهان وجود دارند که امکان ترویج دادن امنیت را در داخل جوامع متفاوت و بدون استفاده از سلاح های کشتار نشان می دهند. به عنوان مثال در کشور ژاپن شهروندان آن دارای اسلحه نیستند ، در انگلستان پلیس اسلحه حمل نمی کند و در فنلاند زندانی وجود دارد که در آن زندانبانان اسلحه ندارند و در فیلیپین در « سینئو کانتومانیوگ»^۲ یک انجمن غیر مسلح دفاع غیر نظامی وجود دارد. در « میندن (آلمان) » یک انجمن برای « دفاع مدنی بدون اسلحه» وجد دارد و همچنین انجمن هایی وجود دارند که پیش برنده « مصالحه » در نواحی جنگلی هستند^۳. همچنین می توان از دولت ها ، انجمن ها و شهروندانی نام برد که برای یک جهان عاری از سلاح تلاش می کنند و خواستار از بین بردن سلاحهای اتمی ، بیولوژی شیمیایی ، خرید و فروش اسلحه و مین ها هستند. این انجمن ها مرکز صلح و آشتی را تشکیل می دهند که موسس آن « آریاز سانچز»^۴ رئیس جمهور کوستاریکا و برنده جایزه نوبل صلح در سال ۱۹۸۷ ، برای غیر نظامی کردن و حل جنگ است. همچنین نهضت هایی برای از بین بردن بازار اسلحه ، و انجمن (جامعه بدون اسلحه) که در فیلیپین وجود دارد و موسسین آن « رینالدو پاچکو و هایدی یورک » هستند که به « نجات انسان به عنوان نژادی که در حال انقراض است اختصاص داده شده ست»^۵.

^۲ Morihei Ueshiba

^۱ "To smash, injure, or destroy is the worse sin a human can commit." The objective of

Aikido is harmony with the life force of the universe. "Aikido is the manifestation of love" (Stevens 1987: 94, 112; Yoder 1983: 28).

^۲ (Sitio Cantományog, Philippines),

^۳ (Moser-Puangsuwan and Weber 2000; Mahony and Eguren 1997).

^۴ Arias Sánchez

^۵ (Villavincensio-Paurom 1995).

موسسات تحقیقاتی

در غرب ، موسسه آلبرت اینشتین ، (در کمبریج و ماساچوست) که «جین شارب» بنیان گذار آن بود ، تحقیق در مورد مبارزه بدون خشونت برای دموکراسی امنیت و عدالت در جهان را دنبال می کند. در شرق ، موسسه گاندی برای مطالعه « وارانزی ، هند » که توسط «جایپراکاش» پایه گذاری شده و تحقیقات در مورد تغییرات اجتماعی بدون خشونت را دنبال می کند.

در سطح بین المللی « کمسیون ضد خشونت جستجو و مطالعه صلح » که توسط « تئودور هرمن » بنیان گذاری شده و تحقیقات و دستیابی های جدید در زمینه پژوهش و آموزش در مورد کردارهای بدون خشونت را در سطح جهان ترویج می دهد.

موسسات problem-solving

همچنین موسساتی وجود دارند که اختصاص داده شده اند به problem-solving که بر پایه « نکشتن » بنا شده اند، در بین آنها سازمان عفو بین الملل (برای دفاع حقوق انسان ها ، الغاء مجازات اعدام) ، (صلح سبز^۱ بین المللی) برای دفاع طبیعت و از بین بردن سلاحهای اتمی ، مخالفان بین المللی در برابر جنگ و دفاع از حق “ خودداری از خدمت سربازی ” و مقاومت کنندگان در برابر آماده سازی برای جنگ ، و پزشکان بدون مرز که مشغول به درمان آسیب دیدگان خشونت و جنگ هستند.

وسایل ارتباط جمعی

شغل روزنامه نگار معروف « کلمن مک کارتی» که یکی از پیشگامان حرفه خود است نشان می دهد که امکان اینکه وسایل ارتباط جمعی مردم را از اتفاقات جهان و در مورد شرایط بومی و جهانی بحث با خبر کنند وجود دارد:

^۱ Greenpeace International

آنها شامل بررسی روزانه ، ماهانه ، هنر و ورزش اعضای حزب های صلح طلب بریتانیا «ی شود (لندن) ؛ جستجو گران صلح بودیست در بانکوک ؛ اخبار بین المللی صلح: برای تحول دوری از خشونت (لندن) ؛ ماهنامه فرانسوی دور از خشونت (مونتارگیس)؛ عملکرد های دور از خشونت ایتالیا (ورونا) ؛ تحول گراتیورسل آلمان (الدنبرگ) ؛ و مجلات آمریکایی دوستی (نیاک* نیویورک) ؛ و فعالان دور از خشونت (نیویورک) و بسیاری دیگر. مجلات و روزنامه هایی از قبیل جایگزین های اجتماعی (بریسن، استرالیا) ؛ گاندی (نیو دهلی) و روزنامه بین المللی دور از خشونت (واشنگتن) که فرا می خوانند و گفتگو می کنند با جامعه دور از کشتار و دیگر جوامع شبیه به آن¹.

سرمایه های فرهنگی

سرمایه های فرهنگی به دور از خشونت ، نتیجه خلاقیت های هنری روشن فکرانی است که معنویت و روح انسان را با آرزوی پیشروی به سوی ایجاد حقیقی یک جامعه بدون کشتار به اوج می برند . این سرمایه ها در برگیرنده آهنگ های معروف و مردمی چون:

(“We Shall Overcome”), opera (Philip Glass, “Satyagraha”), novels (Bertha von Suttner, Lay Down Your Arms); poetry (Steve Mason, Johnny’s Song), art (Käthe Kollwitz, Seed for the planting must not be ground); and films (Richard Attenborough, Gandhi).

¹ They include Day by Day, the monthly press, arts, and sports review of Britain’s pacifist Fellowship Party (London); Bangkok’s Buddhist Seeds of Peace; the international Peace News: for Nonviolent Revolution (London); the French monthly Non-violence Actualité (Montargis); Italy’s Azione Nonviolenta (Verona); Germany’s Graswürtzel-revolution (Oldenburg); and the American magazines Fellowship (Nyack, N.Y.) and Nonviolent Activist (New York); among many others. Journals such as Social Alternatives (Brisbane, Australia), Gandhi Marg (New Delhi), and the International Journal of Nonviolence (Washington, D.C.) evoke and communicate nonkilling intellect on various social issues. Some publishing houses such as Navajivan (Ahmedabad, India), New Society Publishers (Blaine, Washington), Non-violence Actualité (Paris), and Orbis Books (Maryknoll, New York) specialize in books to educate for nonviolent social change.

مرکز دور از خشونت ، از طریق هنر در سال ۱۹۹۵ پایه گذاری شده و موسسان آن «مالیکا سارابهایی»^۲ در (احمد آباد هند) که برای به وجود آوردن سینرجی بین خلاقیت در دوری از خشونت برای تغییر در جامعه و هنرهای نمایشی مانند رقص ، تئاتر و ادبیات تلاش می کند.

مبارزات سیاسی بدون خشونت.

گر چه مبارزات سیاسی بدون خشونت در تاریخ قبلاً نیز وجود داشته است ولی در آخرین نیمه قرن ۲۰ به صورت روزافزون نشان دهنده، پتانسیل و قدرت انسان در سرباز زدن از کشتن است. به نظر جین شارپ " تا ۱۹۸۰ برای بیشترین قسم مردم مبارزات بدون خشونت قابل تصور نبود ، در طول ۱۰ سال دهه نود مبارزات سیاسی تبدیل به یکی از قدرتهای شکل دهنده نوع سیاست در جهان خواهد شد"^۱. در بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ نمونه هایی از نبردهای بدون خشونت را رخ داده است که در فهرست زیر نام برده شده اند:

در آفریقا (الجزایر ، مراکش ، آفریقای جنوبی ، سودان)؛ در آسیا (میانمار " برمه" چین ، هند ، ژاپن ، پاکستان ، فیلیپین ، تبت) ؛ در آمریکای مرکزی و جنوبی (آرژانتین ، بولیوی ، برزیل ، شیلی ، هایتی ، مکزیک ، نیکاراگوئه ، پاناما) و ایالت متحده آمریکا ؛ در اروپا (استونی ، آلمان شرقی و غربی ، مجارستان ، ایرلند ، لاتویا و یوگوسلاوی سابق) ؛ در خاورمیانه (اسرائیل و فلسطین اشغالی) و در اقیانوسیه (استرالیا و نیوزیلند). از سال ۱۹۸۹ تظاهرات و مبارزات بدون خشونت مردم در برای به پایان رساندن دولت های تک حزبی کمونیستی مانند شوروی سابق ، اروپای شرقی، جمهوری های بالتیک ، مغولستان ، متحد شدن دو آلمان و پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی، نقش بزرگی را ایفا کرده است.

هر چند تمام مبارزات بدون خشونت کاملاً عاری از خشونت نبوده اند و تعدادی از آنها به شدت سرکوب شدند به عنوان مثال: میانمار (برمه) ۱۹۸۸ و در چین ۱۹۸۹ ، ولی از رسوم انقلاب های آمریکا ، فرانسه و روس و چین که انقلاب های خونی بودند بسیار دور هستند. با یادگیری از نمونه هایی چون نهضت استقلال گانندی در هند که در براندازی سیستم

^۲ Mallika Sarabhai

^۱ Sharp 1998:4

استعمارگری جهانی سهم بسیاری داشت ، مبارزات مارتین لوترکینگ برای به دست آوردن حقوق نژادی در آمریکا ، نهضت بدون خشونت دموکراسی در فیلیپین ، جنبشهایی در برابر جنگ های اتمی ، دفاع از طبیعت و دیگر تجارب در مورد نهضت های بدون خشونت ، در برگیرنده استفاده از تکنولوژی پیشرفته بوده اند. به نوبه خود بعضی از این رژیم ها در برابر این خواسته های بدون خشونت مردم برای صلح ، آزادی و عدالت ، به تدریج خشونت با استفاده از سلاح های کشتار را کاهش می دهند. جنبش های اجتماعی ، به غیر از مبارزات بزرگی که نشان دهنده قدرت تاثیرگذاری بر رژیم های گوناگون و تغییرات اجتماعی بوده اند به دنبال راه حل هایی برای ایجاد یک جامعه عاری از کشتار نیز هستند. در بین آنها می توان از جنبشهایی برای لغو حکم اعدام ، جایگزین دیگری برای سقط جنین ، شناخت رسمی حق خودداری از خدمت سربازی ، لغو نیروی نظامی ، به وجود آوردن یک جنبش برای دفاع از حقوق مدنی بدون خشونت ، امنیت در جامعه بدون استفاده از اسلحه ، لغو مالیات جنگ و بمب های اتمی ، شیمیایی ، مین های زمینی و حمایت از حقوق انسانها ، اقلیت ها و بومیان و برای نجات طبیعت و دیگر تغییرات سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، نظامی و اقتصادی ، نام برد.

جنبش های بدون خشونت در اواخر قرن ۲۰ با کمک محققین چون (جین شارپ ۱۹۷۷) ^۱ ، (جان گالتونگ ۱۹۹۲ ؛ ۱۹۹۶) ^۲ ، (جکلز سملین ۱۹۹۳) ^۳ و (مایکل راندل ۱۹۹۴) ^۴ و دیگر افراد ، توسط پیشرفته ترین ارتباطات جهانی به پرنسیپ و اصل های محکم، وسیع و خلاق تبدیل شده اند. در عصر جهانی شدن و در بین قتل و عام های پی در پی ، جنبش هایی به وجود می آیند و در جهان به طور مداوم پخش می شوند که هدف آنها رقابت برای هر چه زودتر به پایان رساندن خشونت و بی عدالتی دولت ها و جوامع است ^۵.

ریشه های تاریخی

^۱ Gene Sharp (1973)

^۲ Johan Galtung (1992; 1996)

^۳ Jacques Semelin (1993)

^۴ Michael Randle (1994)

^۵ (Brock 1968; 1970; 1972; 1990; 1991a; 1991b; 1992)

تاریخ بارها قدرت و توان «نکشتن» را در بدترین و سیاه‌ترین روزهای خشونت، نشان داده است. زمانی که جنبش‌های ضد کشتار با هم متحد شوند می‌توان یک تاریخی از نکشتن نوع بشر به وجود آورد. کنوانسیون‌ها و تالشهایی را که برای جنبش‌های ضد کشتار انجام گرفته را نمی‌توان سرکوب کرد. بیش از ۲ هزار سال تاریخ یهودی، مسیحی و بسیاری از دستورات دینی (منع از کشتن) و احکام داده شده در یهودیت و مثالی‌هایی مانند به صلیب کشیدن مسیح در رسوم گفتاری و نوشتاری ادامه پیدا کرده‌اند، و به همین شکل دستورات منع از کشتن نیز با وجود سرکوب‌ها، شکنجه‌ها و شهیدان، برای بسیاری از انسانها، از دهقان گرفته تا نخبگان، ادامه پیدا خواهد کرد.

این اتفاق برای ۷۰۰۰ دهقان صلح‌جو که برای به آتش کشیدن اسلحه‌ها در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۸۷ «دو خوبار»^۱ در روسیه تجمع کرده بودند به وقوع پیوست و منجر به فرار و مهاجرت ۷۵۰۰ نفر از اهالی این شهر به کانادا در سال ۱۸۹۹ شد و در این حادثه تولستوی مشاهده‌گر این وقایع و یاری‌دهنده آنها شد.^۲ ریشه‌های تاریخی منع از کشتار را می‌توان در رسوم فرهنگی و معنوی مانند بودیسم، اسلام، مسیحیت و یهودیت پیدا کرد.^۳

همان‌گونه که «موسکس و چامبرز ۱۹۹۳»^۴ «^۵ در یک تحقیق تاریخی در مورد «حق خودداری از خدمت سربازی در یک دموکراسی مدرن» ارائه می‌دهند، در مناطق مختلف زمینه‌هایی برای خودداری کردن از کشتار در حال افزایش است. دنیای مدرن در حال پیشروی به سوی یک جهان عاری از خشونت و کشتار است. مادیات، معنویات، اساس و عمل‌گرایی، همگی گرایش به سوی نفی از کشتن دارند.

نمونه دیگر تاریخی می‌توان از حاکمان و رهبران سیاسی نام برد که در موقعیت‌های مختلف از کشتار صرف نظر کردند به عنوان مثال می‌توان از تصمیم فردریک اول، شاه روس در سال ۱۷۱۳ که صلح جویان «منونیتس» را از خدمت سربازی معاف کرد. معافیت‌های مشابهی برای «منونیتس» در سال ۱۷۶۳ توسط کاترینا دوم و الکساندر دوم در

^۱ Doukhobor

^۲ (Tarasoff 1995: 8-9).

^۳ Buddhism (Horigan 1996; Paige and Gilliatt 1991); Islam (Banerjee 2000; Crow 1990; Easwaran 1999; Kishtainy 1990; Paige 1993a; Satha-Anand 1990; Tayyabulla 1959); and Judaism (Schwarzschild, n.d.; Polner and Goodman 1994; Wilcock 1994).

^۴ Moskos and Chambers (1993)

^۵ (Brock 1972: 230, 234, 436).

سال ۱۸۷۵ انجام گرفت^۵. در ۱۹۱۹ لنین به خواهش همکار و دوست خود تولستوی و بنا به توصیه «بولشویک بونچ بروویچ»^۶، پیروان تولستوی و دیگر گروه های مذهبی صلح جو را از خدمت سربازی در ارتش سرخ معاف کرد^۷. یکی از اولین تصمیمات بلشویکی لغو حکم اعدام در ارتش بود. همان گونه که «جروم د. فرانک»^۸ اشاره می کند، به علت تمایل شهروندان به دنباله روی از رهبران سیاسی شان، تغییر رویه رهبران سیاسی را می توان یکی از دلایلی برای ایجاد صلح دانست. اما گاهی اوقات برای شهروندان شاید مشکل باشد رهبران سیاسی خود را پا به پا همراهی کنند. «زیمریگ و هوکینز»^۹ به یک نمونه از لغو اعدام در دموکراسی غرب اشاره می کنند:

“ لغو اجرای حکم اعدام در دموکراسی اکثرا با رای مخالف شهروندان آن همراه است. تمام دموکراسی های غربی به غیر از ایالت متحده آمریکا، حکم اعدام را لغو کرده اند. هرچند حذف حکم اعدام با کسب رای مثبت همگانی شهروندان آن همراه نبوده است اما همچنین پابرجا است.”

هر چند که اهمیت نقش رهبران سیاسی برای تغییر در جوامع با هدف دوری از کشتار مانع از اهمیت قدرت عظیم مردم و افزایش روزافزون آن برای پیوستن به گروه های ضد خشونت نیست. سومین مشاهده تاریخی تلاش برای دوری از کشتار را می توان در تلاش در فعالیت ها برای کاهش دادن درد ها و آلام و به وجود آوردن تغییرات در یک جامعه و برای احترام هر چه بیشتر به زندگی همراه شده است، مشاهده کرد. دوری کردن از کشتار نه به معنای بی تفاوتی و نه به معنای خلع عملی است. تلاش برای نگشتن و به وجود آوردن تغییرات اساسی در جامعه را می توان در جنبش گاندی در هند دید. این جنبش نه تنها خواستار استقلال سیاسی بود بلکه تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی نیز در برابر فقیران، زنان و اقلیت ها به همراه داشت. به همان شکل که جنبش مارتین لوتر کینگ نیز در آمریکا برای به

^۶ Bolshevik V.C. Bonch-Bruевич

^۷ Josephson 1985: 162; Coppieters and Zverev 1995).

^۸ Jerome D. Frank

^۹ Zimring and Hawkins

وجود آوردن آزادی و برابری نژادی و برای از بین بردن موانع عدالت در ساختار جامعه آمریکا نیز تلاش می کرد.

دوری کردن از کشتار در ایالت متحده آمریکا

حمایت از دوری از کشتار در زمان تشکیل ایالت متحده آمریکا وجود داشت. تمایل به دوری از خشونت از روابط بین مردمان بومی و مهاجران صلح جو آغاز شد. بیشتر از ۷۰ سال یعنی از سال ۱۶۸۲ تا ۱۷۵۶، «کواکر»^۱ صلح طلب در مستعمره پنسیلوانیا، با بومیان «دلور»^۲ بنا به معاهده ای که بین این دو بسته شده بود همزیستی صلح آمیز داشتند. بنا به مفاد این معاهده، مرزها بین این دو همیشه باز خواهد بود و در هنگام نیاز و یا هجوم دشمن با یکدیگر همکاری خواهند داشت^۳. مقرراتی برای خودداری از کشتن در خدمت سربازی به دلیل عقاید مذهبی که در قوانین ۱۲ از ۱۳ مستعمره قبل از انقلاب و جدایی طلبی آمریکا از بریتانیا وجود داشت. در یکی از آزاداندیش ترین این مستعمرات یعنی «رود ایزلند ۱۶۷۳» مردانی که بنا به اعتقاداتشان در ارتش شرکت نمی کردند و یا از شرکت در جنگ و یا کشتار امتناع می کردند، تنبیه و یا زندانی نمی شدند^۴.

در دستورات و احکام قانونی دولتهایی که در حال تشکیل بودند، امر به دوری از کشتن وجود داشت. یکی از اولین احکام قانونی آنها که مورد تأیید کنگره اقلیمی در سال ۱۷۷۵ قرار گرفت این چنین اعلام می کرد: «هیچ گونه خشونت بر علیه کسی که به خاطر عقاید مذهبی اش به جنگ نمی رود نباید انجام گیرد»^۵. در مشورت هایی که به «اعلامیه ده ماده ای حقوق اتباع امریکایی»^۶ در سال ۱۷۸۹ ختم شد یکی از نمایندگان «جیمز مدیسون» تبصره ای را به قانون ماده ۲ پیشنهاد کرد که در آن «کسی را که به علت عقاید مذهبی حاضر به جنگ کردن و یا کشتن نیست نمی توان مجبور کرد یا تحت تعقیب قرار داد» به رسمیت شناخته می شد. پیشنهاد «مدیسون» از جانب «مجلس نمایندگان» مورد قبول واقع شد ولی از جانب

^۱ Quaker: member of the Society of Friends (Protestant Christian sect)

، عضو فرقه کویکر

^۲ Delaware

^۳ (Brock 1990: 87-91

^۴ Kohn 1987: 8).

^۵ Kohn 1987: 10, 13).

^۶ Bill of Rights to the U.S.

«کمیته کنفرانس سنا ناظر بر حقوق و دفاع دولت»، به این علت که دولت فدرال نمی تواند بر روی ارتش کشور کنترل داشته باشد، رد شد.

در انقلاب آمریکا (۱۷۸۳-۱۷۷۵) تعداد زیادی از اقوام متفاوت و با اعتقادات مذهبی گوناگون از کشتن دشمنان خود از هر دو طرف، خودداری کردند. یک سرباز از ارتش بریتانیا «توماس واتسون» که (انجیل می خواند) از کشتن امتناع کرد و بعد از چند سال «ارشد کلیسا کواکر» در ماساچوست شد. در زمان محاصره بوستون توسط ارتش بریتانیا (۱۷۷۶-۱۷۷۴) «اعضای فرقه کواکر- صلح جو» دو ژنرال به نامهای «واشنگتن و هاو» را برای کمک انسانی به افراد دهکده ها و فراریان که به شهرهای اطراف پناه برده بودند، قانع کردند.^۵ هر چند مشکل، ولی در نهایت احکام دوری از کشتار تا حدی مورد اجرا قرار گرفت.

مسلماً یک مبارزه بدون خشونت، که آنها را به سوی استقلال از بریتانیا سوق دهد دور از ذهن نبود.، به نظر «چارلز واپیل»^۶ مسلماً اگر از سلاح استفاده نمی کردیم با همان قدرت، سرعت و غرور و شاید در شرایط بهتر می توانستیم به استقلال برسیم. این روش می توانست شامل: «۱) رد دستورات غیر منطقی و نادرست؛ ۲) اعلام مخالفت ها به صورت عمومی؛ ۳) صبر و تحمل زیاد در برابر هر گونه خشونت که مخالفان و دشمنان برای از پای درآوردن مان استفاده می کردند.» این طرز فکر «واپیل» و توجه او به عملیات بدون خشونت، یک پیش درآمدی بود برای افکار گاندی و جین شارب (۱۹۷۳). با محاسبه مزیت یک انقلاب بدون خشونت، واپیل این برآورد را میکرد که تعداد کمتری کشته می شدند (شاید در هشت سال جنگ فقط حدود ده هزار نفر زن و مرد به جای صد هزار نفر کشته می شدند) و خرج جنگ که در شروع ۱۳۵ میلیون دلار و در سالهای بعدی تبدیل به ۳۰۰ میلیون دلار شد، نمی رسید؛ و پایه های اصول اخلاقی و معنوی دولت جدید از این محکمتر بود. علاوه بر این انقلاب در آمریکا اگر بدون خشونت بود مانع از ادامه برده داری و یا کشتن و از بین بردن اهالی بومی مناطق می شد و انتقام جویی و خشونت و حکم اعدام قسمتی از ساختار دولت نمی شد.

«دوری از کشتار» قبل از جنگ های مدنی و برای استقلال وجود داشته است. میهن پرستان با قبول فداکاری ها و از خود گذشتگی ها، برای رسیدن به صلح در جنگهایی در برابر انگلیسی ها (۱۸۱۲) و مکزیکی (۱۸۴۵) و

^۵ Brock 1968: 193-94).

^۶ Charles K. Whipple in Evils of the Revolutionary War (1839):

برای حقوق زنان و مخصوصاً لغو بردگی تلاش کردند. آنها شامل زنان و مردان سیاه پوست، سفید پوست، مذهبی و غیر مذهبی بودند.^۱ تلاش های طرفداران لغو برده داری موجب موفقیت برای تصویب قوانینی جدید در شمال کشور شد. در مناطق مرزی و در مناطق جنوبی تعدادی از برده داران به دلایل معنوی و اقتصادی راضی به آزادی برده های خود شدند. رسیدن به ایدئولوژی «دوری از کشتار» آنچنان دور از ذهن نبود. به این دلیل که انگلیسی ها داشتن برده در خانه های خود را از سال ۱۷۷۷، تجارت برده ها را از سال ۱۸۰۷ و برده داری را به طور کل از سال ۱۸۳۳ در تمام امپراطوری بریتانیا لغو کرده بودند به همین دلیل قابل پیش بینی بود که برده داری در ایالت متحده آمریکا نیز به طور صلح آمیز حذف شود.

در زمان جنگ های داخلی (۱۸۶۱-۱۸۶۵) به دنبال سو استفاده و بد رفتاری، از جمله شکنجه، زندان و قتل افراد مخالف که در جنگ از کشتن امتناع می کردند، یک پیش نویس و طرح دیگر که شامل «اجازه خودداری از کشتن» بود به قوانین ایالات هم پیمان اضافه شد. اگر چه قوانین به طور مداوم اجرا نمی شد، در خواست بخشودگی در موارد انفرادی به دست رییس ایالت متحده آبراهام لینکلن و یا وزیر جنگ «ادوین استنتون»^۲ یا معاون هم پیمان «جون کمپ بل» می رسید.^۳ همزمان با جنگ های خونین داخلی، دوری از کشتار و قتل و عام رسماً تصریح شد و مورد قبول هر دو طرف واقع شد. دوری از کشتار در دوران رشد صنعتی و در دوران گسترش مستعمره گیری و همچنین در دوران جنگهای جهانی ادامه پیدا کرد. هر چند که به طور کلی تلاش برای بهتر کردن شرایط کار در آمریکا از جانب صاحبان کار، پلیس، دولت و بعضی مواقع از طرف کارگران، بدون خشونت بود. جنبش زنان نیز که هدفش احقاق حق و برابری زنان بود، که نتیجه آن انتخاب یک زن (ژانت رانکین از ایالت مونتانا) برای کنگره آمریکا در سال ۱۹۱۶ بود، نیز عاری از خشونت بود. در سال ۱۹۱۷ در بین ۴۹ همکار مرد و ۶ سناتور، «ژانت رانکین» برای حضور آمریکا در اولین جنگ جهانی رای مخالف داد. در سال ۱۹۴۰ دوباره انتخاب شد و تنها کسی بود که برای حضور آمریکا در جنگ جهانی دوم رای مخالف داد. چندین سال بعد هنگامی که ۸۸ ساله بود

^۱ (Cooney and Michalowski 1987: 20-33; Lynd and Lynd 1995: 13-41).

^۲ Edwin Stanton

^۳ Moskos and Chambers 1993: 30-1).

با همراهی ۵۰۰۰ زن دیگر به سوی واشنگتن حرکت کرد تا بر علیه کشتار در ویتنام اعتراض کند و خواهان پایان دهی آن از جانب آمریکا شد. در جنگ جهانی اول تقریباً ۴۰۰۰ نفر سرباز وظیفه از کشتار خودداری کردند. ۳۰۰ نفر کادرهای نظامی بدون مبارزه را مانند پزشکی و طبی قبول کردند؛ ۱۵۰۰ نفر برای کارهای کشاورزی در نظر گرفته شدند؛ ۹۴۰ نفر در قسمت اطلاعاتی ارتش کار می کردند و ۴۵۰ نفر به طور کلی از همکاری کردن با ارتش خودداری کردند حتی اگر سبب محاکمه آنها در دادگاه های نظامی می شد و یا به زندان فرستاده میشدند، که ۱۷ نفر از آنها به دلیل بد رفتاری در این زندانها جان خود را از دست دادند^۳. در زمان اسم نویسی سربازان برای جنگ جهانی دوم (۴۷-۱۹۴۰)، ۷۲۳۵۴ نفر از کشتار سرباز زند، ۲۵۰۰۰ نفر آنها در قسمتهای غیر نظامی خدمت می کردند، ۱۱۹۹۶ نفر از ۲۱۳ اعتقاد و مذهب متفاوت در ۱۵۱ کمپ خدمات مدنی و مردمی شرکت کردند (لیست ضمیمه کتاب)، و ۶۰۸۶ نفر که از هر گونه همکاری و شرکت در جنگ و خدمت سرباز زند روانه زندان شدند، سه-چهارم زندانیان از «شاهدان جنووا»^۴ بودند^۵.

در جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱) که بعد از جنگ های جهانی اول و دم جزو خونین ترین جنگهای دولت آمریکا بود، در ویتنام (۷۵-۱۹۶۴) و در کره (۵۳-۱۹۵۰) نیز به همین روال بود. در جنگ سرد بین آمریکا و شوروی سابق وهم پیمانانشان ۲۰ میلیون انسان در کل دنیا به علت انقلابهای خشن و مهلک و قیام های بر ضد نتایج انقلاب ها و شرایط ژئوپولیتیک جان خود را از دست دادند. در جنگ کره ۲۲۵۰۰ سرباز از کشتن خودداری کردند. مقاومت قوی و پر تعداد در جنگ ویتنام تعداد بدون سابقه ای از مردانی که از کشتن سرباز میزدند را به خود دید^۶. در ۱۹۷۲ تعداد کسانی که از خدمت سربازی خودداری کردند بیشتر از تعداد سربازان وظیفه بود. دیگر مخالفان جنگ ویتنام از ثبت نام خودداری کردند و به این دلیل تعدادی زندانی شدند و عده دیگری پناهنده شدند و به این گونه سیلی از مهاجران صلح طلب به سوی ایالت متحده آمریکا جاری شدند که در کشورهای خود به دنبال آزادی و نه اجبار در ثبت نام در

^۳ Moskos and Chambers 1993: 34- 5; Kohn 1987: 42; Lynd and Lynd 1995: 91-117; Schlissel 1968: 128-175).

^۴ Jehovah's Witnesses

^۵ (Anderson 1994: 1-2; Moskos and Chambers 1993: 37-8; Cooney and Michalowski 1987: 94- 5; Gara and Gara 1999).

^۶ (Moskos and Chambers 1993: 39-43).

خدمت وظیفه بودند. بعد از قتل و عام در ویتنام افرادی که در جنگ به عنوان نیروی پزشکی و یا خدمات امدادی شرکت کرده بودند و یا در کادر های غیر نظامی کاملاً مصمم به رد و نفی از جنگ شدند .

در پایان جنگ سرد اعتقاد به دوری از کشتار و قتل و عام یک بار دیگر به اوج رسید و به همان اندازه در جنگ آمریکا بر علیه عراق در خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ اهمیت پیدا کرد. اما این بار افراد عادی نبودن که در رفتن به جنگ مقاومت می کردند، چون دیگر خدمت وظیفه اجباری وجود نداشت، بلکه سربازان و کسانی که در کادرهای نظامی کار می کردند از کشتار خودداری می کردند. ۵۰ «تفنگداران نیروی دریایی»^۲ بودند که از رفتن به خدمت سربازی خودداری کرده بودند به دادگاه فراخوانده شدند و در دادگاه نظامی محاکمه و به زندان محکوم شدند.^۳

توانایی به وجود آمدن منع و دوری از قتل و کشتار در تاریخ آمریکا را در تلاشهای که برای از بین بردن حکم اعدام انجام شد می توان دید. در زمان مستعمراتی، در بعضی ایالت های آمریکا مانند ایالت میشیگان (۱۸۴۶) حکم اعدام را از بسیاری جرایم حذف کردند، و در دیگر ایالات مانند «رود آیزلند (۱۸۵۲)» و «ویسکونسیس (۱۸۵۳)»، حکم اعدام به طور کلی حذف شد. بعد از آن ۱۲ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکا به اضافه ناحیه کلمبیا نشان دادند که آمریکاییها قادر به دوری از کشتار به صورت گروهی و یا فردی هستند و در سطح فدرال، دادگاه عالی آمریکا تا کنون نظر خود را مبنای این حکم اعدام قانون اساسی آمریکا را نقض می کند یا نه، اعلام نکرده است.^۴

در بین ریشه های اصلی در دوری از کشتار در ایالت متحده آمریکا می توان از جنبش های متفاوتی چون، « مبارزات برای یک جامعه بدون سلاح های هسته ای »^۵، مبارزاتی برای یک جامعه عاری از خشونت مسلح که از فقر ناشی می شوند (جنبش کارگران کاتولیک)، برای اتمام سلطه مردان بر زنان و نابرابری حقوق این دو (جنبش زنان)، و برای برابری افریقا-آمریکایی ها و دیگر نژادها با یکدیگر در یک جامعه آزاد و عادل (جنبش لوترکینگ برای تغییر جامعه به یک جامعه عاری از خشونت)، به وجود آمدند، نام برد. هنگامی که در نشست رهبران افریقا-آمریکایی در سال ۱۹۳۶ با گاندی دیدار کردند به او گفته شد که پیغام

^۲ marines member of the American Marine Corps; member of a military troop trained to serve on land or sea; shipping fleet; navy

^۳ (Moskos and Chambers 1993: 44).

^۴ (Zimring and Hawkins 1986

^۵ (Swords into Plowshares movement

بدون خشونت وی با « روحیه سپاه بوستان » هم خوانی دارد و افریقا-آمریکایی ها برای پذیرش این پیغام آمادگی دارند و گاندی این گونه پاسخ داد که : ممکن است که پیغام بدون خشونت از طریق دنیای سپاه بوستان ادامه پیدا کند^۳. به این گونه در تعامل بین دو جنبش گاندی و لوترکینگ و دیگر جنبشهای بدون خشونت در جهان ، دوری از خشونت در آمریکا، به تاریخ جهانی منع از کشتار وابستگی دارد.

با وجود رسوم سیاسی سرکوب ، ریشه های یک جامعه بدون کشتار آمریکایی را می توان در اظهارات و بیانات احترام به زندگی از زمان مستعمره گیری تا حال مشاهده کرد. این اظهارات را می توان در خودداری کردن از کشتن در جنگ ؛ در مخالفت در حکم اعدام ؛ در اعتراض به سقط جنین ؛ درخواست ها برای خلع سلاح ؛ مقاومت در نظامی کردن کشور ها و در حقوق زنان و هویت فرهنگی ، مذهبی ، هنری و ادبی مشاهده کرد. عوامل تاریخی برای آن چه که می توان تبدیل شود به " ملیت گرایی بدون خشونت " قابل مشاهده هستند به آن گونه که " گینفورد اوانس " (یکی از بنیان گذاران حزب صلح طلب) آن را مورد بحث قرار می دهد.

سرود ملی آمریکا می تواند « آمریکا زیباست » باشد و مارش آن « ما پیروز می شویم » و دعای آن « خداوند محافظ آمریکای عاری از خشونت به صورت غیر خشونت باشد »^۴.

افرادی که زندگی خود را وقف جامعه بدون کشتار کردند

در آخر به این نتیجه می توان رسید که ریشه های یک جامعه بدون کشتار در بیوگرافی و زیست نامه بشر قرار دارد. مردان و زنان با هم و یا تک تک ، در گذشته و حال نشان می دهند که توانای لازم را برای تغییری اساسی دادند .

در ورودی موزه هنرهای معاصر «دلایله»^۱ پاریس ، یک دیوار نمای مدور بزرگ اثر «رائول دافی»^۲ وجود دارد که نمایانگر کسانی است که

^۳ Gandhi replied, "It may be through the Negroes that the unadulterated message of nonviolence will be delivered the world" (Kapur 1992: 89-90).

^۴ Its anthem could be "America the Beautiful," its marching song "We Shall Overcome," and its prayer "God bless nonviolent America in a nonviolent world."

^۱ Musée d'Art Moderne de la Ville de Paris

^۲ Raoul Dufy

به گونه ای در کشف و استفاده الکتروسیته و برق شرکت داشته اند ، از فلاسفه زمان گذشته گرفته تا دانشمندان و مخترعان مدرن. به همان شکل می توان تعداد افراد زیادی که در سطح جهانی در به وجود آوردن تئوری و به عمل پیوستن یک جهان بدون خشونت سهیم هستند، تصور کرد. با یک نگاه به فرهنگ لعنت بیوگرافی رهبران معاصر صلح «ژوزفسون»^۲ که شامل اسامی ۷۱۷ نفر از ۳۹ کشور مختلف دنیا که بین سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۹۸۰ زندگی کرده اند ، را مشاهده کرد. با خواندن این کتاب که شامل ۱۱۳۴ صفحه می باشد ، روش هایی را برای ساختن دنیای بدون خشونت آموزش می دهد. گسترش این جستجو از نقطه نظر تاریخی ، جغرافیایی و فرهنگی و در زندگی معاصر ، یک میراث جهانی در شجاعت و مسؤولیت و تعهد در نکشتن را القا می کند. احتیاج به یک اکتشاف و شرکت داشتن جهانی در زندگی هایی که وقف دوری از کشتار شده اند، است.

وقف کردن زندگی برای رسیدن به جامعه بدون خشونت در زمان ، فرهنگ و ابعاد مختلف انعکاس پیدا می کند . رهبران و حاکمان قدیمی با اعمال خود این را نشان دادند: در مصر ، فرعون « نوبیا شاباخا »^۳ مجازات اعدام را حذف کرد. در هند امپراطور بودیست «آشوکا»^۴ بعد از تصرف « کالینگا »^۵ از جنگ و کشتن ساکنان آنجا خودداری میکند. نمونه های از خودداری از کشتار که در آن رهبران معنوی و مذهبی ، با الهام گرفتن از یکدیگر از طریق نسل های مختلف یاد آوری می کنند مانند: بودا ، ماهاویرا ، حضرت مسیح ، حضرت محمد ، جورج فوکس^۶ ، گورو ناناک ، حضرت بها و دیگران. تغییرات اساسی ، مهم وقتی اتفاق می افتد که افراد از کشتن به سمت نکشتن می روند. سربازان صلح طلب می شوند^۱ . انقلابیون از خشونت دوری می کنند^۲ و سربازان مجبور به ثبت نام برای انجام وظیفه نیستند. در زمینه انسانی، « آرچیبالد باکسر »^۳ اهل نیوزیلند با شجاعت در مقابل شکنجه و شرکت در جنگ جهانی اول مقاومت می کند

^۲ Biographical Dictionary of Modern Peace Leaders (Josephson 1984)

^۳ Nubia-born pharaoh Shabaka (c.760–c.695 B.C.E.)

^۴ Ashoka

^۵ Kalinga (c.262 B.C.E.)

^۶ George Fox,

^۱ Crozier 1938; Tendulkar 1967; Khan 1997; Boubalt, Gauchard, and Muller 1986

^۲ (Narayan 1975; Bendaña 1998).

^۳ Archibald Baxter

(باکسر ۲۰۰۰). در اتریش یک قاری انجیل «فرانس یگراشتتر»^۴ به دلیل خودداری کردن از رفتن به جنگ در زمان هیتلر سرش را بریدند. انسانهایی که برای نجات دادن یهودی ها از هولوکاست جان خود را به خطر می انداختند^۵. افرادی که به علت اعتقادات مذهبی خود از کار کردن در صنعت اسلحه سازی و جنگ افزار ها صرف نظر کردند.

چندین میلیون نفر به درخواست دوری از کشتار یک رهبر هندی (گاندی) ، جواب دادند. «قوم پاتان – جنگجویان افغانی» که از نظر فرهنگی خشن هستند به ندای یک رهبر مسلمان (عبدالغفارخان) که از خشونت دوری می کرد پاسخ مثبت دادند^۶. استاد معروف هندی «دکتر ج. رامچاندرا» که یکی شاگردان گاندی است این گونه ابراز عقیده می کند که «قهرمانان ناشناس که بر علیه خشونت مبارزه کرده اند خیلی مهمتر از آنها هستند که معروف هستند». در ایالت متحده آمریکا دانشجویان آفریقایی-آمریکایی بنا به روشهای گاندی گروه کوچکی را برای جنبش حقوق مدنی تشکیل دادند که بعداً رهبر آن مارتین لوتر کینگ شد^۷. «ادین بالو و هنری دیوید ترو»^۸ از تولستوی الهام گرفتند^۹؛ گاندی از تولستوی الهام گرفت؛ مارتین لوتر کینگ از گاندی و پترا کللی بنیان گذار حزب سبز آلمان از هر سه آنها الهام گرفت. همچنین کسان دیگری که از این اشخاص الهام گرفتهاند باعث گسترش نمونه سازی و نوآوری شدند. در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ گاندی از جانب بیش از ۲۰۰ رهبر جوان که از ۶۰ کشور جهان در برنامه های آموزش بین المللی^{۱۰} در اردن شرکت کرده بودند، به عنوان رهبر برتر جهان انتخاب شد. ستایش آنها از گاندی، رهبران جنبش هایی برای استقلال طلبی در دوران بعد از حذف مستعمره گیری پس از ۱۹۴۵ را به وجود آورد.

هدف رهبرانی که از خشونت پرهیز می کنند با قیام این گونه رهبر ها در تمام دنیا ادامه پیدا می کند؛ از جمله می توان از: «ماها گوساناندا از کلمبیا ، هام سوک هون از کره ، کن سار ویوا از نیجریه ، آریاتن از سری لانکا ، سولاک سیواراسکا از تایلند ، لانزا دل واستو و ژرنال بولاردیر از فرانسه ، رونالد ملون از انگلستان ، آلدو کاپیتینی از ایتالیا ، راجا کریشان از

^۴ Franz Jägerstätter

^۵ Fogelman 1994; Hallie 1979).

^۶ (Banerjee 2000;Easwaran 1999

^۷ Halberstam 1998).

^۸ Adin Ballou and Henry David Thoreau

^۹ (Christian 1978: 588);

^{۱۰} International Leadership Academy

هند ، دون هلدر کامارا از برزیل ، ای.جی. ماست از آمریکا^۱ نام برد. جایزه نوبل صلح به افرادی داده شد که برای به وجود آوردن جامعه بدون کشتار سعی و تلاش فراوان کرده‌اند : آلبرت لوتلی و دسموند توتو از آفریقای جنوبی ، مرید کوریگان از ایرلند شمالی ، آدولف پرز از آرژانتین ، اونگ سان سو از میانمار (برمه) ، دالای لاما از تبت. زنان هر یک شجاعانه و بدون خشونت به پیش می‌روند و خشونت را در هر نوع جامعه به چالش می‌کشند: (برتا ون ساتنر از اتریش ، گدونگ باگوس اوکا از بالی ، مدها پدکار از هند ، دوروتی دی ، باربارا دمینگ و جین توامر از ایالت متحده آمریکا)^۲ . همزمان با جنگ جهانی دوم در بریتانیا ، ۱۷۰۴ زن از خدمت سربازی و شرکت در جنگ خودداری کردند و ۲۱۴ نفر از انجام وظیفه در پست های غیر نظامی خودداری کردند و به همین دلیل زندانی شدند^۳ . زنان به طور کلی مخالفت شدید خود را در برابر جنگ و جنایات جنگی و نقض حقوق انسانی ، اعلام کردند: (مادران پلازا د مایو در بوینس آیرس) ، مخالفان جنایات قومی (مادران سیاه پوش صربستان) ، مخالفان آمادگی برای جنگ اتمی (کمپ زنان صلح گرینهام) مخالفان از بین بردن طبیعت موجودات زنده در هند (جنبش چپکو- به آغوش کشیده درختان) و مخالفان بی عدالتی (مک آلیستر ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ ؛ مورگان ۱۹۸۴ ؛ فورستر ۱۹۸۹ ؛)^۴ . محققانی مانند ژوان و بوندورانت (۱۹۶۹) ، آلیس بولدینگ (۱۹۹۲- ۱۹۸۰) و برنیس کارول (۱۹۹۸) دانش و آگاهی را برای یک تغییر بدون خشونت در جامعه پیش می‌برند^۵.

^۱ Maha Ghosananda of Cambodia, Ham Suk Hon of Korea, Ken Saro-Wiwa of Nigeria, A.T. Ariyaratne of Sri Lanka, Sulak Sivaraksa of Thailand, Lanza del Vasto and General Jacques de Bollardière of France, Ronald Mallone of England, Aldo Capitini of Italy, N. Radhakrishan of India, Dom Helder Câmara of Brazil, A.J. Muste of the United States

^۲ Bertha von Suttner of Austria; Gedong Bagoes Oka of Bali; Medha Patkar of India; Dorothy Day, Barbara Deming, and Jean Toomer (Stanfield 1993: 49) of the United States.

^۳ (Harries-Jenkins 1993: 77).

^۴ (Mothers of the Plaza de Mayo, Buenos Aires), ethnic slaughter (Women in Black, Serbia), preparation for nuclear war (Greenham Common Women's Peace Camp, Britain), ecological destruction (Chipko hug-the-trees movement, India), and many other injustices (McAllister 1982, 1988; Morgan 1984; Foster 1989).

^۵ Joan V. Bondurant (1969), Elise Boulding (1980; 1992), and Berenice A. Carroll (1998)

انسانها ، از هر جنسیتی چه مجرد یا متاهل، از مبارزات برای تغییرات بدون خشونت حمایت و پشتیبانی می کنند: کاستوربا و گاندی ، کورتا اسکوت و مارتین لوتر کینگ ، دولورس هونرتا و سزار چاوز ، دوروتی دی و پیتر مورین ، فرانس می ویترسون و شارلز ریخت ، الیزابت الیستر و فیلیپ بریگان^۱ . قدرت افراد (چه زن و چه مرد) در اقدام برای دموکراسی بدون خشونت در فیلیپین نمایان می شود ، در آنجا چه راهب ها و چه راهبه ها ، چه زنان و چه مردان لایبیک ، برای مخالفت با دیکتاتوری و تهدید به خونریزی ضد انقلابیون نظامی متحد شدند. با یک نگرش جهانی ، درمی یابیم که بیوگرافی ضد خشونت و کشتار بشریت ، الهام بخش زنان و مردانی است که به ایجاد یک جهان عاری از خشونت و کشتار اعتقاد و اعتماد دارند.

امکانات و توانایی ها برای به وجود آوردن یک جامعه بدون کشتار

امکان به وجود آوردن یک جامعه بدون کشتار در تجربه انسان و در توانایی خلاقیت او ریشه دارد. بیشتر انسانها کسی را در طول زندگی خود، نکشته اند و نخواهند کشت. هر چند که قادر به کشتن هستیم ولی مجبور به کشتن نیستیم. اصول و رسومات مذهبی، احترام به زندگی و دوری از کشتار را آموزش می دهند (هر چند به صورت کامل و به درستی از آنها پیروی نکرده ایم). انسانها در سخت ترین شرایط خشونت نشان دادند که با ذکاوت و با کمال دلبستگی ، توانایی جواب دادن به این فرهنگ و آموزش را دارند. وقتی عمل کشتن اتفاق می افتد خلاقیت علمی توانایی بدون سابقه ای را برای درک، انگیزه و چگونگی برطرف کردن آن و پیدا کردن راه حل هایی برای رها ساختن جامعه از رخدادهای این چنین برعهده می گیرد

عناصری از یک نمونه جامعه بدون کشتار قبلا در یک تجربه بین المللی گذشته و حال وجود دارد. آنها محصول یک تصور فرضی نیستند . نهاد ها و شیوه های معنوی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی که بر پایه اصل نکشتن بنا شده را می توان در تجربه انسان ها پیدا کرد.

^۱ Kasturba and Mohandas Gandhi, Coretta Scott and Martin Luther King, Jr., Dolores Huerta and Cesar Chavez, Dorothy Day and Peter Maurin, Frances May Witherspoon and Charles Recht, Elizabeth McAllister and Philip Berrigan.

جوامعی بدون ارتش ، بدون حکم اعدام و عاری از هر گونه سلاح وجود دارند. جنبش ها و سازمان هایی برای نکشتن وجود دارند که در حل مشکلات برای رهایی از انهدام و رفاه انسان تخصص دارند. تجربه تاریخی نکشتن آگاهی و دانشی را نشان می دهد که بر تغییرات حال و آینده اثر گذار خواهند بود. یک میراث بزرگی وجود دارد از کسانی که زندگی خود را در گذشته و حال وقف « دوری از کشتار » کرده اند و می کنند و الهام بخش بسیاری افراد هستند.

اگر کسی تصمیم بگیرد که به صورت خلاقانه عناصر و اجزایی که قبلا در تجربه جهانی بشر وجود دارد را به هم ببیوندد و به هم وفق دهد ، متوجه خواهد شد که یک شباهت معقول از یک جامعه بدون کشتار به دست آوردنی است . تایید این احتمال به معنای تضمین قطعی آن نیست اما به معنی ایجاد مسئله ایست که قبلا قابل تصور نبود و محکم تر کردن اعتماد و اعتقاد به این که بشر قادر به تغییر جهانی برای نکشتن است.

فصل ۳

مفهومی برای علوم سیاسی

دوری از خشونت فقط قضیه یک دین نیست.
دوری از خشونت فقط قضیه یک جامعه نیست.
دوری از کشتار یک علم قدرت است.
(ج.راماچاندران)

چه چیزی مستلزم شناخت قدرت و توان به وجود آوردن یک جامعه بدون کشتار در درون دیسپلین آکادمی علوم سیاسی است؟ چه نوع علم سیاستی برای به وجود آوردن نخبگان علوم سیاسی قابل تغییر، مهلک بودن را به توانایی جدید دوری از کشتار تبدیل می کند؟ چه نوع ارزشهایی، الهام بخش و راهنمای کارهای ما خواهد شد؟ به دنبال چه هستیم؟ به دنبال چه نوع فرضیه های روشنگرانه و چه نوع تئوری های کاوش کننده هستیم؟ استفاده از کدام دانش را آسان می کنیم؟ چگونه خود و دیگران را آموزش می دهیم؟ چه نوع مراکز آموزشی خواهیم ساخت؟ چه و چگونه مراحل کشف، ایجاد و استفاده از شناخت برای به وجود آوردن یک جامعه بدون کشتار را از یک جامعه مهلک، به کار می گیریم؟

به وجود آوردن یک جامعه عاری از کشتار مستلزم یک تغییر منظم برای به وجود آوردن خلاقیت در دوری از کشتار است و این، نظریه «وبر» را، که به عقیده او «قبول کشتار در عمل و برای علوم سیاسی الزامی است» را زیر سوال می برد و با آن مغایرت دارد. این تغییر و جابجایی به سوی خلاقیت دوری از کشتار، مبحثی را که قبلا غیر قابل تصور بوده است را به وجود می آورد.

تحلیل منطق و سیاسی دوری از کشتار

تغییر الگو در علوم سیاسی به وجود آمده از علم دوری از کشتار، احتیاج به یک منطق برای تجزیه و تحلیل علم سیاست بدون کشتار دارد. باید دلایل کشتار را، دوری از کشتار و عبور از کشتار را به سوی کشتار و خصوصیات و ویژگی های یک جامعه بدون کشتار را بشناسیم.

بر خلاف عقاید عموم، علوم سیاسی بدون کشتار مستلزم شناخت چهار قسمت منطقی دوری از کشتار سیاسی است. ما نیاز به شناخت دلایل کشتار؛ دلایل دوری از کشتار؛ دلایل عبور و گذر از کشتار به دوری از کشتار و مشخصات یک جامعه عاری از کشتار را داریم.

شگفت انگیز اینکه نیاز به درک کشتن برای سیاست دوری از کشتار، حساستر است تا درک دیسپلین هایی که خشونت را در بر می گیرد. مهم رسیدن به شرایطی است که در آن کشتار و مهلک بودن وجود نداشته باشد است. در جایی که بحث کشتار برای هدف و منظور شخصی و عمومی قابل قبول و اجتناب ناپذیر است، نیاز کمتری به پیدا کردن و درک و برطرف کردن دلایل کشتار است. در حقیقت یک حس اعتماد در اینکه من یا ما، تو را نخواهیم کشت وجود دارد. در جایی که این قصد و هدف وجود ندارد فهمیدن و برطرف کردن دلایل کشتار برای بقا و سلامت و آسایش جامعه مهم است.

در هر شرایطی امکان کشتار وجود دارد، از قتل گرفته تا نسل کشی و نابودی از طریق انفجار بمب اتم، و آن چیزی که ما نیاز داریم درک علت و معلول است هر چند پیچیده باشد. عمل کشتن نیازمند تفسیر و آنالیز است. احتیاج داریم بدانیم چه کسی چه کسی را کشته، چگونه، کجا و برای چه و در تحت چه شرایطی. همچنین احتیاج داریم شباهت ها را به موارد دیگر کشتار برای تعبیر و تفسیر دقیق بشناسیم.

به همان گونه نیاز به شناخت دلایل کشتار داریم. برای چه انسانها دست به کشتار می زنند؟ برای چه در زندگی انسان، ایده نکشتن به وجود آمد؟ برای چه انسانها خود را موظف به نکشتن می دانند؟ برای چه با نگاه کردن به تاریخ به این نتیجه می رسیم که عده ای انسان به برتریت زندگی بر مرگ و کشتار اعتقاد داشته اند. هر چند به دلیل بر این اعتقاد، با مشکلات، زندان، تبعید، و تهدید به مرگ مواجه شده اند ولی به راه خود ادامه داده اند. برای چه این انسانها برای رسیدن به هدف نکشتن سیاستهایی را از طریق نکشتن به وجود آورده اند؟

از این گذشته، برای عبور از کشتار به دوری از کشتار چه دلایلی وجود دارند و بالعکس؟ برای چه قاتل هایی وجود دارند که از کشتن منصرف

شدند و یا سربازانی که صلح طلب شده‌اند و یا انقلابیونی که از کشتن سر باز زده‌اند؟ برای چه انسانها، رهبران، موسسات و تشکل‌های سیاسی به طرف دوری از کشتار رفته‌اند؟ و چگونه انسان‌هایی که به نکشتن اعتقاد داشته‌اند به سوی کشتار روی آوردند؟ مانند چند کشور که اعدام را لغو کرده بودند ولی دوباره آن را به اجرا گذاشتند یا مانند صلح طلبانی که طرفدار جنگ شدند؟ پیدا کردن و رسیدن به این جواب و دلایل عبور از کشتن به نکشتن و بالعکس می‌تواند به آسانی جواب این سوالها را بدهد. به همین دلیل نیاز به متمرکز کردن توجه شخص به جامعه است.

چهارمین شرط برای تجزیه و تحلیل سیاسی نکشتن، شامل ویژگیهای یک جامعه بدون کشتار است با فرض اینکه به اشکال مختلف از هم متفاوت هستند. به دلیل قوه تخیل بشر این جوامع لازماً به هم شبیه نیستند. چهارمین شرط تجزیه و تحلیل، هدف خلاقیت را می‌سازد زیرا دیگر شرایط نیز برای گسترش خود احتیاج به یک خلاقیت دارند. سه نوع اول اثر صحت را از گذشته تاریخی و یا حال می‌طلبند. چهارمین نتایج حاصل از ۳ نوع اول را با ساختن یک تحقیق ادامه می‌دهد، اینکه چقدر امکان آن وجود دارد و چگونه در زندگی شخصی و اجتماعی قابل اجرا است. مانند شعر معروف والت ویتمند: گذشتن، پریدن، عبور یا نزدیک کردن^۱..

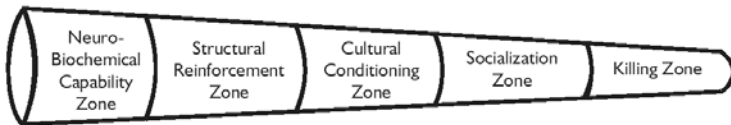
تا کنون این به نظر می‌رسد که هیچ جامعه‌ای هر چند آنهایی که تحت فشار و سرکوب قرار گرفته‌اند، نتوانسته‌اند انواع مختلفی را از توانای‌های انسان برای دوری جستن از کشتار نشان دهد. اما با تحقیق در مورد تجارب تاریخی گذشته و معاصر در مقیاس‌های جهانی و با در نظر گرفتن تمام امکانات تجربه شده، میتوان پرنسیپ‌ها و اصول دور از کشتار را برای هر جامعه به دست آورد. گذشته از این نیاز به وسعت دادن این اکتشافات، از یک نظریه تئوری، به سوی شناخت ویژگی‌های یک جامعه بدون کشتار و پذیرفتن آن و برای به وجود آوردن با امکانات کنونی، است.

تا به حال بر خلاف علمی که فقط گسترش تئوری را برای تأیید کردن کاربرد عملی آن (مانند ریاضیات، فیزیک، اقتصاد) ترغیب می‌کنند، علوم سیاسی پروسه فرضیه تئوری را نمی‌پذیرد. به خصوص این در مورد علوم سیاسی خشن صدق می‌کند که خشونت را امری مسلم می‌

^۱Walt Whitman, "To leap beyond, yet nearer bring" (Whitman 1977[1855]: 71).

داند و سعی در سست کردن خلاقیت دوری از خشونت دارد. در تمرینات و آموزش های حرفه ای ، علوم سیاسی بدون خشونت را ، آرمان گرایانه و خیالی می دانند و فقط علوم سیاسی مهلک و مرگبار را به رسمیت می شناسند.

برای آنالیز دوری از کشتار نیاز به آگاهی و شناخت بنیادی است. می توان ساخت بنیادی تجزیه و تحلیل دوری از کشتار را به عمل تغییر (برای پیدا کردن راه حل دیگر در هر ۵ قسمتی که در زیر مشاهده می شود که میتوان آن را مانند یک قیف در نظر گرفت)، وسعت داد.



Killing zone = منطقه کشتار

Socialization Zone = منطقه اجتماعی بودن

Cultural Conditioning Zone = شرایط آمادگی فرهنگی

Sturctural Reinforcement Zone = منطقه تقویت ساختاری

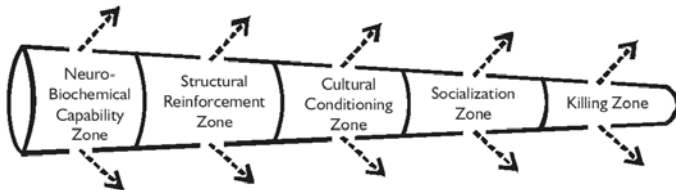
Neuro-Biochemical Capability Zone = ناحیه قابلیت و توانایی

بیوشیمیست (زیست شناسی شیمیایی)

منطقه کشتار مکانی است برای خونریزی ، از قتل گرفته تا نابودی توده مردم. « منطقه اجتماعی بودن » مکانی است که انسانها کشتن را می آموزند (مستقیماً با آموزش و یا نیابتاً با مشاهده و تقلید). در «منطقه شرایط و آمادگی فرهنگی» ، برای قبول کشتن مانند یک عمل مشروع و اجتناب ناپذیر، مساعد هستیم . از این جمله منابع آمادگی ، می توان از مذهب ، روشهای سیاست ، تجلیل از پیروزی و فتح ، سببیت و قساوت ، رسومات خانوادگی ، قانون ، وسایل ارتباط جمعی و هنر نام برد. « منطقه تقویت ساختاری»، تامین کننده روابط اقتصادی- اجتماعی ، نهاد ها و سازمانها ، مواد و کالاهایی است که زمینه هایی را برای پشتیبانی از کشتار مستعد می کند. در « ناحیه قابلیت و توانایی بیوشیمیست» ، شامل پروسه های فیزیکی ، عصب شناسی و کارایی مغز می شود که در توانایی انسانیت برای

غارت و یا اعمال خشونت آمیز و مهلک برای بقای خود و یا رفتار های کاملاً متفاوت یعنی (رفتارهای دور از خشونت و کشتار^۱) سهم دارد . هدف انتقال به سمت دوری از کشتار، هنگامی می توان تغییر پیدا کند که قیف کشتار را با قیفی که بر راه های دیگری ، مانند دوری از کشتار، بنا شده عوض کنیم (جا به جا کنیم) (شکل ۲). چنین تغییراتی که بسیار وسیع است می تواند محدوده هایی از تکنولوژی مدرن غیر کشنده و معنوی را که در منطقه کشتار عمل می کند (به وسیله اجتماعی شدن و شرایط فرهنگی دوری از کشتار) ، برای به وجود آوردن شرایط اقتصادی- اجتماعی در بر بگیرد ، که در آن هیچ سلاح کشنده ای را برای بقای خود تولید نمی کند و همچنین ایجاد تغییرات بنیادی در کارخانه ها و آزمایشگاه های دارو سازی و فیزیک که خود ا از گرایش به ساخت سلاح و مواد و ... برای کشتار رها می سازند.

شکل ۲: نمایان کردن راه های دوری از کشتار



اصول کار دوری از کشتار

تلاش برای تغییر به سمت دوری از کشتار نیاز به پرنسیپ هایی برای کمک به تصمیم گیریهای شخصی و اجتماعی دارد (از زندگی روزمره گرفته تا سیاست جهانی) ، که به غیر از رسیدن به شناخت منطقی آنالیز سیاسی دوری از خشونت ، آلترناتیو های بدون خشونت را در جایی که تمایل به کشتن و خشونت وجود دارد ، پیدا می کند. همچنین می توان روشهای دیگر دوری از خشونت را پیشنهاد کرد که در آن ، تجارب علمی را می توان با شبیه سازی کاوشی ترکیب کرد.

^۱ (Lopez-Reyes 1998; Morton 1999).

« کامپیوترهای انسانی و حقیقت مجازی^۱ » که در زمینه نظامی استفاده می شود ، از این تکنولوژی استفاده می کنند.
در میان اصول و پرنسیپ های مهم موجود در دوری از کشتار قرن بیستم (مانند جنبش گاندی و لوترکینگ) می توان به نکات زیر توجه کرد:

- احترام به زندگی، چه آن قدرت مذهب گرا باشد و یا انسان گرا.
- به دنبال رفاه ، خوشی همگان باش . خشونت باعث جدایی می شود و دوری از خشونت باعث اتحاد.
- در مبارزه و جنگ ، از آغاز تا پایان به دنبال آشتی باش نه تحقیر ، تنزل و نابودی.
- همیشه برای از بین بردن رنج و دوری دیگران به دنبال خدمات سازنده باش.
- خلاق باش. برای رسیدن به تکنولوژی مرگبار خلاقیت زیادی به کار رفته است، در نتیجه برای رسیدن به دوری از کشتار احتیاج به خلاقیت زیادتری است.
- یک روش آزمایشی را برای تغییر اتخاذ کن.
- به دنبال جوامعی باش که قبلا توانسته اند دوری از کشتار را تجربه کنند و از شکست ها و موفقیت های آنها درس یاد بگیر.
- شجاع باش. از خشونت حمایت نکن و به دنبال راه حل ها برای تقویت دوری از کشتار باش.
- سبک بر روی زمین راه برو و نیاز برای کشتار و نابودی را ، چه در قبال طبیعت و چه در قبال بشر کاهش بده.

هر فردی که در پروسه کشف و اعمال عاری از خشونت شرکت می کند، می تواند در محکم کردن اصول و امکانات برای اثبات دوری از کشتار در زندگی جهانی سهم داشته باشد.

در علوم سیاسی معاصر، به رسمیت شناختن امکان ایجاد یک جامعه بدون کشتار، سوالهای گوناگونی را در زمینه های مختلف ایجاد می کند. به دلیل جهت گیری عمومی به سمت مشروعیت خشونت ، ما دانشمندان علوم سیاسی مانند دیگر اعضای جامعه به پیروی از این دیدگاه ها که کشتن را مانند یک امر مثبت برای خود و دیگران در نظر می گیرد، سوق داده می شویم ؛ آمادگی برای خشونت که ما را به سوی خشونت و

^۱ human-computer and "virtual reality"

کشتار سوق می دهد و مشروعیت دادن به آن هنگامی که به نفع ماست، دارای دو خاصیت متضاد است، یعنی هنگامی که تمایل به کشتن داریم و زمان نفی آن؛ اجتناب کردن از کشتار که زمانی که تمایل به نکشتن و نفی آن داریم هر چند آمادگی انجام آن را داریم؛ اجتناب از کشتار، که ما را وادار به نکشتن می کند و شرایط و زمینه وقوع آن را از بین می برد. با تجزیه و تحلیل این دیدگاه ها می توان گفت که ۴ نوع اول، سیاست و علوم سیاسی را مشخص می کند که خشونت را می پذیرند. آخرین آنها در عوض ایجاد یک علوم سیاسی دوری از کشتار را که هدف آن یک تغییر بدون خشونت در علوم و دز جامعه است را می طلبد.

هر چند که علوم سیاسی، کشتار را قبول داشته باشد، آن به این معنی نیست که دانشمندان علوم سیاسی باید، همان گونه که در تمرینات نظامی انجام می شود، دانشجویان را به کشتار ترغیب کنند. همچنین نباید اهمیت نقش دانشمندان علوم سیاسی را که می خواهند، جنگ را در حد ملی و بین المللی، با نهاد های دموکراتیک، حزب ها، انتخابات و قانون جایگزین کنند، فراموش کرد. برعکس، شناخت قبول خشونت و جایگزین هایی برای کشتار، پیشرفت دو جانبه را، چه در علوم اخلاقی و چه در علوم تجربی تضمین می کند، و نیاز به یک پرنسپ نكشتن - دوری از کشتار را در مرکز « اصول تجربی » و « تجربه اصولی » نشان می دهد.^۱

تحول در علم دوری از کشتار

به رسمیت شناختن امکان ایجاد یک جامعه به دور از کشتار، یک انقلاب علمی را در داخل علوم سیاسی می طلبد. برای به وجود آوردن آن نیاز به ۷ نوع تحول وابسته به یکدیگر است: یک تحول هنجاری و قانونی، برای گذر از قبول کشتار به سوی نفی آن؛ یک تحول علمی و وابسته به حقیقت امر، برای مشخص کردن فاکتور های ایده ال برای تغییر جامعه به یک جامعه بدون کشتار؛ یک تحول فرضی و تئوری برای درک دلایل و مراحل تغییر دوری از کشتار؛ یک تحول آموزشی برای در اختیار قرار دادن دانش و توانایی برای تغییر شکل دوری از کشتار؛ یک تحول کاربردی برای عملی کردن دانش دوری از کشتار و نکشتن؛ یک تحول سازمانی برای تغییر و ایجاد نهادهایی برای آسان ساختن این تغییرات؛ و یک تحول

^۱ normative-empirical and empirical-normative

متدلوژی برای ایجاد روش های تحقیق آنالیز و عملکرد های مناسب برای رسیدن به اهدافی که تغییرات دوری از کشتار به دنبال آن است.

تحولات قانونی و هنجاری

تغییرات این چنینی وارد شده بر قوانین و اصول، عبور از ضرورت و الزام کشتن به نکشتن را ایجاد می کند. این می تواند توسط پروسه های که به فعل و انفعال در بین یافته های اخلاقی و علمی ارزش می دهند، اتفاق بیافتد. از نقطه نظر اخلاقی، نیاز به گذر از قبول کشتار، و بحث در مورد آن و کشف تئوری اصول دوری از کشتار تا رسیدن به قبول دوری از کشتار مانند یک تعهد قانونی، امری الزامی است. پیشرفت علمی- تجربی، در گذر از ممکن نبودن جامعه بدون کشتار، به سوی کاوش و جستجو ویژگی های آن و تلاش برای تحقیق علمی برای ایجاد و حمایت جوامع بدون کشتار، کمک می کند.

به این نحو امکان عبور از موانعی که « ویر » بین پرنسیپ های دوری از کشتار و سیاست خشونت بار گذاشته بود، وجود دارد. همچنین تلاش در روابط زندگی می تواند، مانند یک پایه اخلاقی همگانی برای آکادمی علوم سیاسی معاصر، به تلاش به سوی قوانین و مدارک و شواهد و نتیجه گیری افزوده شود.

شکل ۳: فرآیند علمی- قانونی الگوی دوری از کشتار (تغییر جهت)

تغییرات تجربی و علمی	پروسه تعامل	تغییرات قانونی و اصولی
- نکشتن امکان ناپذیر است - دوری از کشتار غامض است - دوری از کشتار قابل جستجو و تحقیق است - نکشتن امکان پذیر است		- کشتن الزامی است - کشتن سوال برانگیز است - کشتن غیر قابل قبول است - نکشتن الزامی است

تحول حقیقی

از نقطه نظر حقیقی، تغییرات ایجاد شده در دوری از کشتار، پویش و بازیافت هدفی را ایجاد می کند که توانایی انسان را در نکشتن نشان می دهد. معمولا این توانایی یا در نظر گرفته نمی شود و یا به علت فرضیه قبول کشتار مورد توجه قرار گرفته نشده است. ابراز دوری از کشتار، در شرایط تاریخی و فرهنگی سهم خاصی دارند. به عنوان مثال در یونان

۳۹۹ سال قبل از مسیح ، ۱۴۰ سناتور از ۵۰۰ سناتور آتن برای محکوم نکردن سقراط به مرگ ، رای دادند.^۱ در ژاپن در زمان « بودیست هیان ۱۱۹۲-۷۹۴ »^۲ حکم اعدام برای ۳۵۰ سال اجرا نشد.^۳ در ایالت متحده آمریکا در ۴ و ۶ آوریل ۱۹۱۷ ، ۶ سناتور و ۵۰ وکیل مجلس آمریکا برای شروع جنگ با آلمان رای مخالف دادند. در روسیه ۲۳ اکتبر ۱۹۱۷ ، ۵ یا ۶ نفر از بولشویک های کمیته مرکزی، مخالف انقلاب مسلحانه روس های لنین بودند^۴ محکوم به اعدام نشدند. در ایالت متحده آمریکا در جولای ۱۹۴۵ ، شب قبل از بمباران هیروشیما و ناگازاگی ، ۱۹ نفر از ۱۵۰ دانشمن « پروژه منهن »، برای استفاده این بمب که خود آنها سهمی در ساختن آن داشتند رای مخالف دادند.^۵ در سال ۱۹۹۶ « نیروی تفنگداران دریایی » ایالات متحده ، عامل اجرایی هماهنگ سازی برای سازمان دفاع و دیگر فعالیت های حکومتی برای گسترش و تحقیق اسلحه هایی که قادر به کشتن نیستند ، شد^۶ ، و می توان گفت که این مطلب آخر پیش ماده ای را برای تغییر در زمینه امنیت و گذر به طرف یک نوع اندیشه به نکشتن می سازد ، اگر چه هنوز این اسلحه، در زمینه کشتار استفاده می شود و هنوز قادر به کشتن هستند. یک تغییر اساسی به طرف دوری از کشتار و به دنبال پیدا کردن فاکتور های دوری از کشتار در گذشته و حال در هر جامعه است.

تحول نظری - تئوری

تحول نهفته نظری، تئوری های اصولی و تجربی را می سازد که شناخت منطقی، آنالیز نکشتن را که در تصمیمات شخصی سهم دارند و بر روی تصمیمات فردی و همگانی و سیاست عمومی اثر می گذارد ، را به پیش می برند. به عنوان مثال، مجموعه ۳ بینش آموزش های تئوری (اصولی- عمل گرایانه - آزمایشی) که از پتانسیل تغییر قدرت سیاسی دوری از کشتار، به دست آوردن یک شناخت فوق العاده را تضمین می کند می توان نام برد. اولین منشا ، سخنان گاندی در اهمیت قدرت معنوی احترام به حیات در اعمالی است که به دنبال حقیقت و عدالت ،

^۱ (Stone 1989:187).

^۲ Buddhist Heian period (794-1192),

^۳ (Nakamura 1967: 145).

^۴ (Shub 1976: 271).

^۵ (Giovannitti and Freed 1965: 168; Alperovitz 1995).

^۶ (Lewer and Schofield 1997: 45).

چه سطح فردی و چه در سطح همگانی و عمومی هستند ، به عنوان مثال در علم ساتیاگراها^۱ . برای گاندی اعتقاد به خدا (به معنی عشق ، حقیقت و دوری از خشونت) ، سرچشمه قدرت دوری از خشونت است . معنویت و حقیقت دوری از خشونت ، قانون اصلی زندگی بشر هستند ، بنابراین خشونت ، این قانون را نقض می کند.

دومین منشا ، تئوری قدرت دوری از خشونت است که «جین شارپ» در سیاست عملیات بدون خشونت در سال ۱۹۷۳ نشان داده است که بر پایه تجزیه و تحلیل عمیق طبیعت و وابستگی به اطاعت و فرما نبری سیاسی بنا شده است . شارپ مجموعه ای از تکنیک های مبارزات بدون خشونت را نشان می دهد که در تاریخ نشان داده شده است و یک آنالیز استراتژیک بر روی چگونگی تغییر سیاست خشن می دهد. به نظر شارپ اعمال بدون خشونت به طور علمی تأثیرگذار تر هستند. در نتیجه نیازی به قبول اصول روحی ، معنوی و مذهبی صلح طلبانه نیست.

سومین منبع، برای به وجود آوردن یک تئوری دوری از کشتار، نظریه « جان بارتون » است. طبق نظریه وی منشا خشونت را می توان از طریق اصل کامروا سازی- خشنودی و شرایط شیوه عمل مشارکت برای تغییر بدون خشونت ، از بین برد. فرضیه « بارتون» در « انحراف تروریسم و جنگ » اینگونه نمایش داده شده است^۲: مراحل برای رفع مشکلات اجتماعی و سیاسی حل نشده (۱۹۷۹) و در دیگر زمینه ها. به نظر بارتون تمام انواع مرگ آوری (از قتل گرفته تا جنگ) از نیاز انسان به تخلف ناشی می شود. احتیاجات و نیاز های کسانی که حقشان پایمال می شود و ناقضان این حقوق ، همگی به یک شکل و اندازه است . در شرایط تخطی و تخلف ، رجوع به ارزش ها و اعمال اجباری به هیچ وجه نمی تواند مهلک بودن را کنترل کند، اما با تدارک روش *problem-solving* ، که در آن تمامی کسانی که احتیاجاتشان پایمال می شود برای به دست آوردن رضایت و خرسندی خویش ، در به وجود آوردن یک جامعه عاری از خشونت از طریق بدون خشونت سهم خواهند داشت.

این گونه بینش ها در سطح و میان نیروی روحی اثر *problem-solving* ، عوامل نوینی را برای تئوری دوری از خشونت پیشنهاد می کند که میتوان از آن در زمینه های مختلف مانند: تاریخ ، اقتصاد، آموزش ، جنسیت ، نژاد، مذهب ، فرهنگ و محیط زیست و دیگر شرایط محلی و جهانی

^۱ The Science of Satyagraha

اصطلاح ابداعی گاندی برای به کار بردن قدرت روحی به جای خشونت و شدت عمل برای وصول به اهداف سیاسی و اجتماعی است

^۲ Deviance Terrorism & War

استفاده کرد. در پیش بردن خلاقیت در تئوری جامعه بدون خشونت ، افرادی چون: (رابرت.ج.بروز ۱۹۹۶ ؛ برنس. آ. کارول ۱۹۹۸؛ جان گالتونگ ۱۹۹۶ ؛ برایان مارتین ۱۹۸۹؛ کیت مک گینز ۱۹۹۳). سهم بزرگی دارند^۱.

تحول کاربردی

تغییرات قانونی- تجربی و تئوری ، نوعی تعهد نوینی را برای علوم سیاست دوری از کشتار ایجاب می کند. تغییرات اصولی انسانها را به سوی یک مصلحت و نفع نوینی می برد و برای افراد ، سازمانها ، سیاست ها و ارگانهای دوری از کشتار ، مانند یک مأمّن است. تئوری «جین شارب» به نوعی از تلاش فعال اشاره می کند که با همکاری می تواند موجب تغییر در رژیم های سرکوبگر و یا تغییر در سیستم های دموکراتیک که در حقیقت جوابگوی احتیاجات مردمانشان نیستند، شود. تئوری «بارتون» پیشنهاد می کند که علوم سیاسی ، نقش اصلی حمایت از پروسه مشارکتی در problem-solving اجتماعی ، و سیاست های پاسخ گویی به احتیاجات بشر بدون خشونت را به عهده بگیرد. تئوری گاندی، با در برگرفتن اخلاقیات و روشها، تلاش برای به کار بردن شرایطی برای تغییرات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و خشونت های بنیادی در فرهنگ که باعث کشتار و تهدید به کشتار می شود را پیشنهاد می کند. باید به یاد داشت که رهبران متعهد و معتقد به دوری از کشتار مانند گاندی و لوترکینگ تلاشهای زیادی برای تغییرات دور از خشونت برای ایجاد دوری از کشتار ، کرده اند.

شناخت منطقی آنالیز دوری از کشتار و شناخت اهداف تغییر “ قیفی شکل کشتن ” ما را در مسیری قرار می دهد که جای برای جایگزین های دیگر باز است. هدف از گسترش علوم سیاسی دور از کشتار در دنیای واقعی ، تلاش برای تغییرات منطقه ای و بین المللی است. اصرار و پافشاری در مهلک بودن در سطح فردی و همگانی در شرایط کنونی “ سیاست های دموکراتیک و بازار آزاد” رسیدن به رفاه بشر را دشوارتر خواهد کرد.

^۱ Robert J. Burrowes (1996), Berenice A. Carroll (1998), Johan Galtung (1996), Brian Martin (1989), and Kate McGuinness (1993).

تحول آموزشی- فرهنگی

پیشرفت به سمت علوم سیاسی دوری از کشتار، تغییراتی را در کارآموزی تخصصی دانشمندان علوم سیاسی و در خدمات آموزشی برای دیگر اعضای جامعه ایجاد می‌کند. به جای تاکید کردن و تامل کردن بر رسوم و شرایطی که به طور ضمنی و یا صریحاً از اصل کشتار استفاده می‌کنند، آموزش و پرورش ترجیحاً باید در تغییر در دوری از کشتار جهانی سهم داشته باشد. هدف کلی، شایستگی رهبران و شهروندان، برای یک جامعه بدون کشتار است. چالش اصلی، گسترش قابلیت‌ها برای تحقیق، تعلیم، مدیریت، رهبری، فعالیت‌های مدنی و بازتاب انتقادی از طریق اکتشاف و بهبود دانش دوری از کشتار است.

آموزش برای علوم سیاسی به دور از کشتار نیاز به خودآگاهی فوق العاده برای شرکت‌کنندگان دارد. نیاز به درک ریشه‌ها و مفهوم اعتقادات، نگرش و طرز رفتار و احساسات نسبت به خشونت و دوری از خشونت دارد. خودآگاهی، پیش‌نیاز اصلی برای تغییر در جامعه بدون خشونت است. آموزش از طریق روش‌های علمی عبادت و مراقبه، یک وسیله مناسبی برای نزدیک شدن به دیدگاه‌های معنوی دیگر است. باید فرصت‌هایی برای به اشتراک گذاشتن تجربه‌های فردی و حرفه‌ای برای رشد و حمایت متقابل داده شود. دانشمندان علوم سیاسی بدون کشتار باید در دوران زندگی حرفه‌ای خود از یکدیگر حمایت کنند.

در تهیه کردن روش‌های همفکری و مشاورت و دیگر روش‌های قابل اجرا در زندگی، دانشمندان علوم سیاسی دوری از کشتار، همانند پژوهشگران پزشکی، پزشکان و استادان آنها که در زمینه مرگ و زندگی کار می‌کنند، نیاز به تشویق و حمایت دارند. سهم دانشمندان علوم سیاسی که برای ایجاد یک جامعه بدون خشونت تلاش می‌کند نباید کم‌اهمیت‌تر از پزشکی باشد که برای سلامت افراد فعالیت می‌کنند. هر دوی آنها در هر چه مربوط به مرگ و زندگی است سهم دارند، برای اثبات آن کافی است به اهمیت تشخیص دستور عمل و تدابیر بنیان‌گذاری شده و نوین بیاوریم.

در عین حال هر فرد جامعه می‌تواند در تغییر دوری از کشتار جهانی سهیم باشد. هدف آموزش علوم سیاسی «دوری از کشتار»، امکان‌داده برای رشد فردی و کسب دانش و مهارت به هر شرکت‌کننده در هر مرحله است که آنها را برای تقویت و گسترش رهبران و شهروندانی دور از خشونت و کشتار، یاری می‌دهد.

برنامه آموزشی ، برحسب دانش و شناخت برای آنالیز نکشتن و قدرت علمی برای تغییر از کشتن به دوری از کشتار و همچنین تکامل اصول برای هدایت کردن فعالیت های فردی و اجتماعی ، طرح ریزی شده است. دانشجویان و دانش آموزان باید در یک دوره مقدماتی و یا سمینارهایی شرکت کنند که آنها را با انسان هایی که توان کشتن دارند « چه در حال و چه در گذشته» مقایسه کنند. در هر صورت ، خود را در مقابل یک چالش مادام العمری می یابیم : هدف از این آموزش پایان دادن کشتن انسانهاست . دومین تجربه آموزشی و تربیتی باید با همان قوت و شدت ، نمونه های جهانی را برای پتانسیل انسانی دور از کشتار ارائه دهد. سومین مؤلفه معرفی کردن تغییرات فردی و همگانی است. چهارمین تجربه ، بنا به هدف تعلیم و تربیت دانش آموزان ، خلاقیت انسانها را در ایجاد سازمانهای سیاسی برای ایجاد یک جامعه نوین آزمایش خواهد کرد و محرکی خواهد بود برای خلاقیت و یافتن توانایی ها و کاراکتر های یک جامعه ای که در آن کشتار وجود ندارد و جستجوی راه های مختلف برای ایجاد چنین جامعه ای.

بر این اساس می توان یک نوآوری آموزشی در دوری از کشتار ساخت. در درون سیستم آموزشی دانشگاه ها نیز می توان نمونه هایی از فعالیت هایی را پیدا کرد که نیاز به یک تلاش چشم گیر و همچنین میل به اشتراک گذاشتن خلاقیت های آموزشی دارد. به عنوان مثال در یکی از دوره های لیسانس ، در یکی از دروس « راه های آلترناتیو علوم سیاسی» ، هر شرکت کننده ، باید یک نوع از خشونت که مربوط به شخصیت خود آنها می شود انتخاب می کرد و برای تحقیق در مورد طبیعت و دلایل آن باید با اشخاصی که با این گونه خشونت ها (به عنوان مثال در مکان زندگی خود) در ارتباط هستند مقایسه و مشورت می کرد. هر شرکت کننده می بایست با خلاقیت خود راه های جایگزینی را پیدا می کرد و آن را با دیگران به اشتراک می گذاشت و توافق بر پیشنهادات یک پروسه تصمیم گیری از گروه ها در مشکلات جامعه را جستجو می کرد.

تحول روش شناختی^۱

تغییر و تحول در نکشتن ، از نقطه نظر روش شناختی ، یک نگرش جدید را در روش های

^۱ Methodological revolution

پژوهشی، آموزشی، سیاسی و ایجاد سازمانها می‌طلبد. قدم اصلی، تطبیق دادن روشهای موجود «دوری از کشتار» و استفاده آن به شکلی است که بتوان روشهای جدید مورد احتیاج را پیدا کرد و همچنین پرورش دیگر علوم مانند علم عصب‌شناسی و به اجرا گذاشتن آن روشها برای حل معضلات تغییر در دوری از کشتار، است. همچنین نیاز به روش‌های پژوهشی و اقدام در مناطقی که کشتار وجود دارد است.

علوم سیاسی بدون خشونت و کشتار می‌تواند از یک مجموعه شروع شود که همیشه در حال افزایش روش‌های تحقیق در زمینه‌های فلسفی، تاریخی، آموزشی و حقوقی است؛ مصاحبه‌ها، مشاهدات توأم با مشارکت، روش‌های آموزشی، آنالیزهای نسبی، تحلیل محتوی، ترجمه متن‌ها، تئوری بازی، آنالیز انتخابات عمومی، نتیجه‌آمارگیری، پژوهش‌های زمینه‌یاب، شبیه‌سازی انسان و کامپیوتر و دیگر ترکیبات برای رسیدن به هدف. روش‌های آموزشی از کلاس‌های سنتی گرفته تا بحث از طریق پژوهش، آموزش و کارآموزی و حتی خودآموزی از طریق کامپیوتر را در بر می‌گیرند. کاربرد سیاسی شامل قانون اساسی، حل اختلافات، هیئت‌های انتخاباتی، تفسیرهای رسانه‌ای، رایزنی در مورد امنیت و حضور مستقیم شهروندان در تصمیم‌گیری در سطح اجتماعی می‌شود. سوالی که با شناخت تمام این مهارت‌ها و توانایی‌ها پیش می‌آید این است که «روش‌های قدیمی به چه شکل می‌توانند مهلک بودن را از بین ببرند؟ و روش‌های جدید چگونه؟».

تحول سازمانی (نهادی)

تغییر الگوی نکشتن پرسشهای گوناگونی را زمینه‌های مختلف مطرح می‌کند مانند: چگونه علوم سیاسی باید سازمان دهی شود؟ زیرمجموعه‌هایش چه خواهد بود؟ و ارتباطش با دیگر علوم چه خواهد بود؟ آیا آن مستلزم به وجود آوردن سازمان‌ها جدیدی از علوم سیاسی دوری از کشتار، در داخل سازمانها و یا مشاغل جدید و یا مشاغل مرکب برای احتیاجات جامعه است؟.

در حال حاضر نماینده جهانی علوم سیاسی، - ایپسا (IPSA)^۱ است، که در سال ۱۹۴۹ بنیان‌گذاری شده است. ۴۲ انجمن علوم سیاسی در سطح ملی که شامل ۳۴۹۰۰ عضو اصلی می‌باشد و در کمیته اجرای IPSA نماینده دارند. (ضمیمه ۱). مصالح و منافع اعضای مختلف به

^۱ International Political Science Association (IPSA), founded in 1949

صورت ساختاری در ۱۸ زمینه اصلی پژوهش، ۳۸ کمیسیون و ۱۲ گروه تحقیق معرفی شده اند (ضمیمه ۲). می توان به اینها، دانشمندان علوم سیاسی کشورهایی را که در این انجمن های مالی نمایندگی ندارند و بسیاری از دانش جویانی که در رشته علوم سیاسی تحصیل می کنند، اضافه کرد.

کتاب راهنمای نوین علوم سیاسی^۱ با چهل و دو مولف برآمده از پروژه « ایپسا» برای بررسی وضع کنونی رشته علمی است. ۸ زیر مجموعه بزرگ شناسایی شده، و با مقایسه پیشرفت ها و تفاوت ها در دو دهه پیش، مورد تحقیق قرار گرفتند: نهادهای سیاسی (انتخاب عقلانی و چشم انداز قانونی)؛ رفتار سیاسی (استدلال رای دهندگان و سیستم چند حزبی)؛ سیاست نسبی (دورنمای رفتاری و تحقیق و بررسی دموکراسی)؛ روابط بین الملل (واقع گرای نوین و آزاد اندیشی نوین، و چشم انداز فمینیسم)؛ نظریه سیاسی (رسوم فلسفی و فرضیه تجربی)؛ سیاست عمومی و مدیریت (آنالیز سیاسی نسبی، اندیشه و سازمانها)؛ اقتصاد سیاسی (جامعه شناسی و چشم انداز و دورنمای داونسن)^۲ و روش سیاست (روش کیفی، طرح پژوهش و روشهای تجربی، عملی). همانگونه که رئیس «ایپسا» مطرح می کند: «هیچ نوع کتابی برای ورود علوم سیاسی به قرن جدید، بهتر از این نمی توانست باشد».

با این حال، علیرغم موفقیت، کتاب راهنما نشان می دهد که نیاز به تغییر است. به عنوان مثال در فهرست، برای کلماتی چون «خشونت» یا «دوری از خشونت»، «قتل»، «نسل کشی»، «حکم اعدام»، «تروریسم و پلیس»، «واژه نامه ای وجود ندارد. اما ۶۰ واژه نامه برای «جنگ» و ۸ تا برای «صلح» وجود دارد؛ اسمهایی چون لنین و هیتلر وجود دارند ولی نامی از گاندی و لوترکینگ نیست. از اثرهای محققان علوم سیاسی در سطح جهانی، تئوری و عملی مبارزات بدون خشونت برای دموکراسی، دفاع ملی و پیشگیری از کودتای نظامی «جین شارب» نام برده نشده است. همچنین نامی از «جان بارتون»، که بیان کننده تئوری حل اختلافات بدون اختلاف و تعرض است، ذکر نشده است. فقط به صورت خیلی محدود در زمینه تحقیق در مورد صلح در سطح جهانی «جان گالتونگ» یادآوری شده است.

^۱ (Goodin and Klingemann, eds.1996),

^۲ Downsian perspectives)

انجمن آمریکایی علوم سیاسی «آپسا - APSA»^۲ در سال ۱۹۰۳ با ۱۳,۳۰۰ نفر عضو، بنیان‌گذاری شده است. هدف پژوهشی اعضای آن، در برگیرنده ۸ رشته پژوهش اصلی در ۹۶ زیر مجموعه تحقیقی و ۳۱ بخش است. (ضمیمه ۳). «آپسا» و «ایپسا» ساختارهای مشابهی دارند. رشته و حوزه اصلی سیاست آمریکا شامل: دولت آمریکا، سیاست، سیاست نسبی، سیاست بین‌المللی، روش بررسی، فلسفه نظری و عملی، حقوق عمومی سیاست و مدیریت عمومی است. اگرچه گروه‌های خاصی برای «پروژه‌های نبرد و تعارض» و «امنیت ملی و کنترل سلاح» وجود دارند اما هیچ تشکیلات رسمی و نهادی متمرکز، به خصوص در زمینه problem solving و علوم سیاسی دور از کشتار، وجود ندارد. به عنوان مثال شعبه و یا بخش‌هایی در زمینه خشونت و دوری از خشونت و حتی صلح وجود ندارد. این گونه به نظر می‌رسد که فرهنگی که مهلک بودن و دفاع، بهترین آرمان برای بهتر کردن تمدن و انسانیت است، به طور آشکار مانع جستجو و دستیابی راه‌های دیگری برای دوری از کشتار شده است.

همان گونه که در ساختار برای مباحث انجمن‌های علوم سیاسی آمریکایی و بین‌المللی نشان داده می‌شود، تغییرات دوری از کشتار در داخل و بین رشته‌ها و زیر مجموعه‌های موجود در روس، سوالاتی را به وجود می‌آورد. «در مورد جوامع بدون کشتار و توانایی‌ها و راه‌هایی برای ایجاد آن چه می‌توان گفت؟». این به معنای ادامه دادن راهی است که تا کنون پیش رفته ایم و پیشنهاد راه حل‌های جدید است؟. به عنوان مثال آن را می‌توان با طرح کردن پرسش‌های متفاوت در داخل ۴ حوزه و زمینه «سنتی» علوم سیاسی آمریکا می‌تواند نشان داد: فلسفه سیاسی و تئوری، دولت آمریکا و سیاسی، سیاست نسبی و روابط بین‌الملل.

فلسفه و تئوری سیاسی

در فلسفه و تئوری سیاسی، گذر به نگاشتن به معنای شناخت میراث اندیشه و تفکر سیاسی در هر فرهنگ است. در اثر معروف افلاطون «جمهوری»^۱ به عنوان مثال «دنيس دالتون»^۲ ایده اخلاقی «خسارت

^۲ American Political Science Association (APSA)

^۱ Republic,

^۲ Dennis Dalton

نرساندن^۳ را درمی یابد که فیلسوف ها و رهبران سیاسی باید از آن الهام بگیرند با وجود اینکه افلاطون جنگ ، حکم اعدام و فرهنگ نظامی را قبول نداشت. این ایده در نقطه نظر های « پلوتارک^۴ » نیز منعکس می شود:

“ استفاده از کارد و چاقو نه معیاری برای پزشک است و نه برای سیاستمداران اما در هر دو حالت ناتوانایی آنها را نشان می دهد، و در مورد سیاستمداران بی عدالتی و خشونت را نیز به آن باید اضافه کرد ”

در رسوم چینی نقطه نظر «منسیوس»^۱ اینگونه است : “ هر کس وانمود کند که استفاده از زور یک فضیلت است ، یک سلطان مستبد است و هر کس از فضیلت استفاده و کسی را امیدوار و دلگرم کند و به کسی قوت قلب دهد یک شاه و رهبر است ”. همچنین در رسوم چینی تفکر « مو تی»^۲ منتقد جنگ و ظلم و فیلسوف و معتقد به « عشق جهانی»^۳ ، به تعمق و تفکر جهانی دعوت می کند.

متون کلاسیک که از خشونت حمایت می کنند ، می توانند تفسیر مجددی داشته باشند، بدین گونه که اشاره به هلاکت را حذف کنند و بالعکس به سوی دوری از خشونت دعوت کنند. نمونه هایی از این نوع می توان از تفسیر مجدد « چایوات سیئا آناندز»^۴ از کتاب ماکیاولی (شاهزاده و بدون خشونت)^۵ در سال ۱۹۸۱ و تفسیر « بارروز» در باره جنگ اثر « کلاوز یویتز»^۶ نام برد که در مورد اصول دفاع استراتژیک بدون خشونت است . این آثار به یاد می آورند که گاندی نیز به نوبه خود ، از کتاب « باقاواد گیتا»^۷ که کتاب کلاسیک هندی هندو ها است، اقتباس کرده است (گاندی ۱۹۷۱) .

کتاب کلاسیک گذشته که خشونت را قبول کرده اند ، خلاقیت دوری از خشونت را در حال و آینده بر می انگیزند. اگر افلاطون می توانست یک

^۳ “non-injury”

^۴ Plutarch 10: 249).

^۱ Mencius (c.371-c.289 B.C.E.):

^۲ Mo Ti, c.468- c.376 B.C.E.),

^۳ universal love

^۴ Chaiwat Satha-Anand's

^۵ Machiavelli in The Nonviolent Prince

^۶ Clausewitz's On War

^۷ Baghavad Gita (Gandhi 1971).

جمهوری را پیشنهاد کند که با وجود رهبرانی با فضیلت هدایت شود ، اکنون می توان به رهبرانی پرشهامت و شهروندانی اندیشید که برای رسیدن به اصول دوری از خشونت سعی و تلاش می کنند. اگر ارسطو می توانست قانون اساسی را توصیف کند که بر سیاست جنگ و نبرد بنا شده باشد ، اکنون می توانیم قوانین اساسی را در نظر بگیریم که به سمت جوامع بدون خشونت هدایت می کند. اگر ماکیاوولی می توانست ارزشهایی را برای یک نوع دولت که خشونت را می پذیرد ، تجسم کند ، اکنون می توان استراتژی و تاکتیک های قدرت سیاسی بدون خشونت را به دست آورد. اگر « هوبس» می توانست یک دولت خشن را که از خشونت استفاده می کند برای به دست آوردن صلح پیشنهاد کند ، اکنون می توان نوعی دول جدید را که برای احتیاجات انسانی دیگر نیازی به خشونت ندارد را به وجود آورد. اگر « لوک» می توانست انقلاب خشونت بار را که به عنوان متد و روشی برای حذف یک دولت استبدادی پیشبینی کند ، اکنون می توانیم استراتژیک و تاکتیک هایی را برای آزادی و دموکراسی بدون خشونت تصور کنیم. اگر « ماکس» و « انجل» می توانند مبارزه کلاسیک خشن را به عنوان آخرین داور تصور کنند ، اکنون می توانیم پروسه هایی را برای مبارزات بدون خشونت و برای ایجاد عدالت اقتصادی تصور کنیم . اگر « روسو» می توانست یک قرارداد اجتماعی^۱ را توصیف کند که هر کسی آن را نقض کند مجازات می شد، و رهبرانی را تصور کند که به صحبت کردن در مورد قراردادهای پایه گذاری شده بر خشونت ادامه می دهند ، اکنون می توانیم شروع به کشف اثرات یک تلاش دو جانبه باشیم که می تواند در جوامع بدون خشونت رفاه ایجاد کند. اگر « کانت» می توانست یک صلح دائمی را که ناشی از امر مطلق « دوری از جنگ » بنا شده است را پیشبینی کند، اکنون می توانیم به دنبال عوامل لازم برای تغییر اصل کشتار و تبدیل آن به یک حقیقت جهانی، باشیم. اگر رسم سیاسی آمریکا که بیانیه استقلال که بر خشونت پایه گذاری شده، به ارث گذاشته است، اکنون میتوان یک قانون اساسی بنا شده بر صلح و دوری از خشونت و کشتار در آمریکا را تصور کرد. اگر « وبر» می توانست خشونت را مانند یک حرفه و شغل قبول کند اکنون می توانیم سیاست و علوم سیاسی را ایجاد کنیم که به عنوان حرفه و شغل عاری از خشونت باشد (آرنهت ۱۹۷۰؛ مولر و سملین ۱۹۹۵ ؛ استگر و لایند ۱۹۹۹)^۲ .

^۱ Rousseau - social contract

^۲ (Arendt 1970; Muller and Semelin, 1995; Steger and Lind, 1999).

تغییر به سوی دوری از کشتار مقدمه جدی و انتقادی سیاسی گاندی را در زمینه فلسفه و تئوری سیاسی را می‌طلبد. نبود آن همانند اشتباهی است در اهدا نکردن جایزه نوبل صلح به گاندی، در دنیایی که هنوز سرشار از خشونت است. منابع متفاوتی برای ادامه کار، به خصوص در مورد متخصصان هندی در دیگر زمینه‌ها و ایدئولوژی‌ها و دیگر پرچم‌داران این نهضت‌ها از کشور‌های دیگر، وجود دارد.

فرصت‌های متفاوتی برای پیشرفت خلاقیت در تئوری دوری از کشتار، در طرز فکر کسانی که راه حل‌هایی بدون خشونت در گذشته و حال و در تمام فرهنگ‌های جهان پیشنهاد می‌کنند، وجود دارند. (آرتور و لایلا وینبرگ)^۲ یک تحقیقی از ۵۰۰ سال قبل از مسیح را انجام دادند که ریشه‌های چند مذهبی را در دوری از کشتار به وجود آمده از آثار «اونی‌تان» و «یوگندرا سینح»^۱ را مقایسه می‌کنند.

«ویل مورسی ۱۹۹۶»^۲ انتقادهای آموزنده‌ای را در مورد صلح‌طلبی در رسوم یونان - روم باستان و اروپا و آمریکا با روزگاران باستان، عرضه می‌کند.

در حالی که در سطح جهانی تحقیق در مورد اندیشه‌های سیاسی دور از خشونت پیشرفت می‌کند، می‌توان منتظر چند اکتشاف مهم شد. این تعریف و مشخصات به دور از خشونت سیاسی از فیلسوف کره‌ای «هوانگ یانگ یوپ» هنگام مصاحبه در ۳ دسامبر ۱۹۸۷ در پیونگ یانگ ارائه شده است: «سیاست به معنای هماهنگی اهمیت و منافع تمام اعضای یک جامعه است که بر عشق و برابری بنا شده است» چه هوانگ یانگ و چه خیرنگار از تحقیق مهم جامعه‌شناس معروف «سوروکین ۱۹۵۴-۱۹۴۸» در مورد عشق و نوع دوستی خلاقانه که می‌توانند به بپیوندند، خیر نداشتند. همچنین باید از تاکید «آرنت»^۳ بر گفتگو و تصمیم‌گرفتن با یکدیگر و تاکید بارتون در مورد عوامل جوابگویی به احتیاجات انسانها یاد کرد. تمام این اکتشافات می‌توانند در تئوری نوین سیاست بدون خشونت سهم باشند.

تحقیق سیاسی

^۲ Arthur and Lila Weinberg (1963).

^۱ Unnithan and Yogendra Singh (1973).

^۲ Will Morrissey (1996)

^۳ Arendt's

در تحقیقاتی که جوامعی را در بر می گیرند که از نقطه نظر سیاسی «کلی نگرانه»^۴ شکل داده شده اند، از شهر های کوچک گرفته تا کشور ها و مراکز بین المللی (مانند کمپ دولت و سیاست آمریکای)، منطق آنالیز دوری از کشتار سولاتی را برای برطرف کردن آن چیزی که « هارولد لینستون »^۵ آن را « فرضیه کشش » می نامد، پیش می آورد که نیاز به پاسخ گویی دارد. هنگامی که نمی توان سولاتی را در داخل یک مجموعه سیاسی خاص بازگو کرد این کار را باید دانشمندان سیاسی از خارج انجام دهند.

یک برداشت از نکشتن در سطح سیاسی نیاز به پاسخ گویی خیلی سوال ها دارد. اولاً در چه چیزی عمل کشتن در سطح ایجاد و نگهداری هر جامعه اثر دارد؟ تا چه حدی نهاد های سیاسی بر شرایط مهلک پایه گذاری شده اند ؟ چه نوع کشتار هایی از جانب حکومت ها وجود دارد و در آینده چه خواهد شد؟ از طریق کدام پروسه ها شهروندان برای شرکت و حمایت از کشتار از نظر قانونی و یا غیر قانونی آموزش دیده اند؟ به چه طریقی در مهلک بودن ، ایده ها، ساختار های سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقش دارند؟ کشتن، برای رسیدن به ارزشهای مادی و معنوی مانند آزادی و برابری ، چه اثر هایی در مهارت های سیاسی دارد.

دوما ریشه های تاریخی ایده ها ، شیوه ها، سیاست ها و سازمانها در جوامع به دور از کشتار کدام هستند ؟ نقش آنها در گذشته و در حال چه بوده است؟ آیا سندی یا گزارشی در مورد مقاومت بدون خشونت در برابر قدرت سیاسی خشونت بار وجود دارد؟ کدام مدرک و سند نشان دهنده خلایقیت و سازندگی فعال در ایجاد یک جامعه بدون خشونت است ؟

سوماً نیاز به تحقیق در مورد سازماندهی سیاسی ، به بحث گرفتن مدارک برای بازگشت دوباره از کشتن به سوی دوری از کشتار و بالعکس، است. کدام گروه ها و سازمان ها در این تحول و انتقال نقش دارند؟ آیا سربازان صلح طلب شده اند؟ قاتلان به انسانهایی تبدیل شده اند که به زندگی دیگران احترام می گذارند؟ انقلاب های بدون خشونت سعی در تغییر جوامع خشن از طریقی عاری از خشونت کرده اند؟ مذاهب از برکت مرگ آوری و مهلک بودن صرف نظر کرده اند؟ در فرهنگ ها از قبول خشونت به نفی آن و دوری از خشونت رسیده ایم؟

چه تغییراتی در انواع قانون شکنی ها پیش آمده است که بر آن حکم اعدام صادر می شود یا لغو می شود و بالعکس؟ خدمت سربازی حذف شده

^۴ holistic

^۵ Harold Linstone

است؟ ارتش ها منحل شدند؟ پلیس و شهروندان خلع سلاح شدند و دوباره مسلح شدند؟ اقتصادی که از کشتار و خشونت حمایت می کند ، برای خواسته های اشخاص و جامعه در کل و یا نصفه تغییر کردند؟ چهارم. کدامین عوامل در داخل نهادهای سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی در سطح تاریخ گذشته و حال نقش داشته اند که در پروسه انتقال به سوی دوری از خشونت ، تغییر پیدا شده یا ترکیب شده اند و عده هایی را برای ایجاد شرایط زندگی بدون کشتار و ایجاد آن در جامعه ابراز می کنند. کدام تغییرات در مذاهب و ایدئولوژی، قوانین، نهادها و سیاست ها و ساختار های اجتماعی - اقتصادی، آموزشی، هنری و در روابط بین سیاست ها ، در ایجاد جوامع دور از کشتار سهم دارند؟ کدامین شرایط ، پیشرفت ارزش هایی مانند آزادی ، برابری، رفاه مادی و امنیت را بدون بازگشت به کشتار و یا تهدید به کشتار ، آسان می کنند.

سیاست نسبی

تغییرات دوری از کشتار، دال بر قرار دادن مسئله و موضوع توانایی انسانی دور از خشونت در مرکز تحقیقات سیاست نسبی است. چه نوع بینشی را می توان از طریق مقایسه جهانی ایده ها ، نهادها، پروسه ها و سیاست های نسبی برای تفکیک تهدید و استفاده از نیرو های مهلک ، و از طرف دولت و شهروندان در داخل جوامع و از طریق جامعه، کشف کرد؟ جستجو برای عملی کردن تغییرات اساسی و هدایت شدن از طریق منطق آنالیز دوری از کشتار ، تحقیقات جایگزینی را برای محدود کردن سیاست های فردی می طلبد.

جوامع مختلف می توانند ، مانند نهاد های دموکراتیک ، از نظر گرایش به کشتار و نکشتن ، حقوق انسان، شرایط زنان، رفاه کودکان و پیشرفت اقتصادی و غیره ، با یکدیگر مقایسه و دسته بندی شوند. در بین این پیشبینی ها می توان از قتل ها و کشتارهایی که از جانب افراد پلیس انجام شده اند ، دزدی های خیابانی ، قتل و خودکشی شهروندان، کشتار های انجام شده از طریق کشورها بر شهروندان دیگر جوامع، آموزشهای حرفه ای برای کشتار و تکنولوژی و شاخص های مادی برای سیاست اقتصادی ، نام برد. می توان یک طبقه بندی موازی برای مشخصات و ویژگی های نکشتن ساخت که از تجزیه و تحلیل تک آنالیزهای سیاسی ناشی می شود. این نوع طبقه بندی نسبی، در مورد کشور های که می کشند و آنهایی که نمی کشند، سهم مهمی در علوم سیاسی جهانی برای خدمت به جامعه خواهد داشت. گزارش هایی در مورد افزایش و کاهش

مهلک بودن و رشد و واپس رانی توانایی تغییر در کشتار کم اهمیت تر از فرا نگرى روزانه با بازارهای بین المللی و امتیازات ورزشی نیست. برای درک واقعیت و چگونگی پروسه تغییر ، نیاز به آنالیز سازنده اجتماعی است ، از طریق تحقیقات نسبی و مقایسه ای در بین و درون سیاست های متفاوت، که شرایط شبیه به هم دارند. اینها شامل گرایش به خشونت، دوری از خشونت مذاهب، ایدئولوژی ها، حزب ها ، روابط بین جنسیت، سطح آموزشی، قومیت ها، قدرت اقتصادی، دانشگاهها و مشاغل می شود.

همچنین نیاز به تحقیقات بیشتر نسبی در مورد پدیده دوری از کشتار برای ارزش نهادن به فرضیه علوم سیاسی معاصر است که طبق نظر آن ، دولت های دموکراتیک به جنگ یکدیگر نمی روند و کمتر شهروندان خود را می کشند. پایداری کشتار در درون و از جانب دموکراسی های لیبرال، چه دموکراسی رئیس جمهوری و چه پارلمانی، اهمیت تحقیقات پژوهش های نسبی را برای تجزیه و تحلیل کردن راه حل های اساسی و فرهنگی برای نکشتن نشان می دهد. به عنوان مثال، همانگونه که در فصل ۲ بیان شد، مقایسه ۲ دهکده واقع در مکزیک را نشان می دهد که دارای شرایط اقتصادی – اجتماعی مشابهی بودند ولی با سطح متفاوت خشونت و همچنان تصویری از مشخصه فرهنگی که شکل گرفته از تفاوت های زیادی است. به عنوان مثال ساکنان دهکده خشن خودشان را خشن می دانستند و آن را قبول می کردند. ساکنان دهکده بدون خشونت خود را صلح طلب می دیدند و به آن افتخار می کردند. در یک پژوهش مقایسه ای بین بازی های بچه های ۲ دهکده در اندونزی یکی با درصد بالای خشونت و دیگری کمتر، نشان داد که در دهکده با خشونت بیشتر، بازی های کودکان بیشتر مبارزه و نبرد با یکدیگر و حیوانات بوده و در دهکده ای که خشونت کمتری داشت در عوض بازی بچه ها بیشتر تفریح هایی مانند تاب بازی و تقلید از رفتار انسانها و حیوانات بود. این یافته ها بیشتر باعث می شود در اثر رفتار ها و ورزش های خشن مانند بوکس، هاکی، وزنه برداری، کشتی، راگبی و هر ورزشی که تماس خشن مستقیم با انسان دارد، اندیشید.

سیاست های بین المللی

از نقطه نظر سیاسی ، تغییر دوری از کشتار، نیاز به در نظر گرفتن هم زمان تمام مرحله های مختلف، از فردی گرفته تا کلی، در زمینه های سیاست های جهانی و روابط بین المللی دارد و همچنین با ارتباط با نهاد

های مرتبط ، ماکروسکپی و میکروسکپی را به هم می پیونداند. از یک طرف اعضای سیاست جهانی نهاد ها و روابط آنها با یکدیگر، و از جهتی دیگر پروسه problem solving مانند یک مجموعه معنی پیدا می کند. این به معنی مخالف تارخ بودن نیست. تاریخ همیشه به انسانها بستگی دارد و مانند یک مدل وابسته متقبل شرایط جهانی و محلی در نظر گرفته می شود. از طرف دیگر فرض ایجاد یک جامعه جهانی بدون خشونت نیاز به توجه به رفاه هر فرد و نسلهای مختلفی که در این جهان خاکی از تولد تا مرگ زندگی کرده اند ، دارد. قسمت اصلی آنالیز سیاسی دوری از کشتار جوهر و شخصیت هر انسان است. نهادها ، سازمانها و پروسه ها، محصول رفتار هر فرد هستند . یک جامعه جهانی دور از کشتار، به افرادی که نمی کشند بستگی دارد. اگر کسی مجبور به کشتن می شود و یا می کشد ، مصلحت تمام انسانها باید در نظر گرفته شود.

برای رسیدن به این هدف نیاز به اجرا درآوردن منطق آنالیز و به طور کلی عملکرد جهانی بشریت است. هر آن چه که به خشونت مربوط می شود به معنی وسعت دادن سنت پژوهش علوم سیاسی به خشونت دولت، خشونت ضد دولتی و جنگ است و همچنین تمام شکل های مهلک بودن در درون و بین جامعه و برای پیوستن الگو های جهانی مسبب آن را درمی گیرد . در مورد دوری از کشتار، آن به معنی شناختن نیروهای نکشتن در درون و بین موجودیت است . تغییر به سوی دوری از کشتار به معنی فهمیدن پروسه های اثر متقابل بین کشتن و دوری از کشتار، در داخل و میان جوامع در یک زمینه سیستم عام جهانی، است.

برای فهم جامع و کامل کارکردهای علمی امکان پذیر و پسندیده یک جامعه جهانی به دور از کشتار ، با در نظر داشتن تغییرات بی شماری در درون قابلیت دوری از کشتار ، نیاز به یک پژوهش از جلوه های اجتماعی گذشته و حال است. از نظر فردی، به معنی فهمیدن گرایش های خشن شخصی، داینامیک ها و تحرک تغییرات بدون خشونت آنها و ویژه گی ها و سوابق اجتماعی است که از عبارات های پتانسیل خلاقیت های فردی بدون خشونت در درون وجود خود، حمایت می کنند.

در گرایش برای تغییر «قیف کشتار»^۱ در میان « بادبزن یا پروانه »^۲ آلترناتیو های غیر خشن، اتخاذ یک دورنمای جهانی، به معنی جستجو مناطق و ناحیه هایی است که از طریق پژوهش کلی نگرانه جانشین کشنده

۱ funnel of lethality

۲ fan of nonlethal

بودن می شوند. این به معنای سهم داشتن در اجتماعی کردن جهانی ، از طریق آموزش رهبران و شهروندان به *problem solving* دوری از کشتار است. این به معنی سهم داشتن در فرهنگ جهانی تغییر به دوری از کشتار و حمایت کردن از تغییرات جهان بدون خشونت در نهاد ها ، سایت ها، ارتش، اقتصاد، اجتماع و فرهنگهای است که از خشونت حمایت می کنند. تصور اینکه انسانها قدرت ساختن یک جامعه بدون کشتار را دارند سوالاتی را در هر زمینه، مجموعه و زیر مجموعه و شکل سیاسی ایجاد می کند. با در نظر گرفتن اینکه علوم سیاسی نمی تواند عاری از ارزشها باشد ، آیا دوری از کشتار می تواند به عنوان یک ارزش نظم دهنده قابل قبول باشد؟ تئوری و پراتیک قدرت سیاسی دور از کشتار ، می توانند تغییراتی را در فهم و تصور و جلوه های اظهارات خشن به وجود آورند؟ آیا امکان ایجاد سازمانهایی دموکراتیک برای دوری از کشتار در سطح محلی و جهانی وجود دارد؟ آیا امکان عبور از امنیت ملی خشن به یک امنیت ملی و جهانی وجود دارد؟ آیا می توان از اقتصاد سیاسی خشن به یک اقتصاد سیاسی جهانی بدون خشونت عبور کرد؟ آیا می توان یک همکاری و کمک در زمینه تئوری و عملی دوری از کشتار، در زمینه زنان، نژاد، زبان، قومیت، گروه ها و مذاهب ایجاد کرد؟ و کدامین روشها ، بیشتر برای درک فراگیر از خشونت اجتماعی و قدرت دوری از کشتار در پروسه تغییر و متدهای نظارت پایدار و ثابت ولی خلاق برای ایجاد دوری از کشتار مناسب تر هستند ؟

تمام این سوالات از جانب علوم سیاسی ، نیاز به همکاری در هر کدام از این زمینه ها دارد. برعکس این یک دعوتی است به تفکر به اینکه اگر با جدیت بیشتری امکان ایجاد یک جامعه بدون خشونت از طریق عاری از خشونت علوم سیاسی را در نظر بگیریم ، این جامعه چگونه خواهد بود؟ قبول این امکان یک تعهد فعال علوم سیاسی *problem solving* جهانی بدون خشونت رامی طلبد.

فصل ۴

معنی و استنباط حل مسئله (problem solving)

کسانی که هولوکاست را که در آن میلیونها انسان به دلیل سو تغذیه و محرومیت اقتصادی کشته شدند، محکوم می کنند، همگی متعهد و معتقدند در تأیید اینکه این تراژدی، ریشه سیاسی دارد. بیانیه پنجاه و چهارمین جایزه نوبل ۱۹۸۱

مفهوم حل problem solving برای علوم سیاسی در دوری از کشتار چیست؟ هدف نهایی به پایان رساندن مرگ آوری ، خدمت به زندگی در سطح جهانی و همچنین به مفهوم اهمیت دادن به رفاه هر بشر ، چه قاتل و چه قربانی، در تمام دوران زندگی هر فرد است. در نتیجه، اهمیت دادن به فرد و شخص ، در علوم سیاسی نیت و خلاقیت را به وجود می آورد. از سوی دیگر آن یک تلاش برای حل معضلاتی است که دوری از کشتار را به رسمیت می شناسند و بدین گونه هر کدام از هویت های معنوی، جنسیتی، سنی، نژادی، حرفه ای، ملی و یا سیاسی برتری می یابند. این مستلزم « وابستگی و علایق چند گانه » دوری از خشونت ترکیب شده با تعهدی است که فراتر از دیدگاه حل کردن مشکلاتی است که جوابگوی احتیاجات همگی بدون تهدید و یا استفاده از نیرو های مهلک باشد.

علوم سیاسی به دور از کشتار همزمان سعی در کاهش دادن فاکتور هایی است که ما را به سوی هلاکت و مرگ آوری سوق می دهند و همچنین محکم کردن و قدرت بخشیدن عامل هایی که به دوری از کشتار ارزش می نهند. آنها تلاش به حل مشکلات ، در داخل و از طریق تمام ۵ مؤلفه قیف همگرای کشتار (شکل ۱) و (بادبزن) دوری از کشتار(شکل ۲) ، می کنند. این در حرفه علوم سیاسی در کل به معنای متعهد شدن در قبول مسئولیت در حل مشکلات ، و به طور غیر مستقیم ، جستجو برای یافتن

جایگزین های دیگر است. آن شامل پژوهش و آموزش برای یاری رساندن در سطح عمومی و شخصی problem solving و آسان کردن مشارکت همه در ایفای احتیاجات در داخل پروسه های شخصی و اجتماعی تصمیم گیری می شود.

قبول کردن وظیفه problem solving برای علوم سیاسی دوری از کشتار مستلزم علم و دانش بی پایان نیست. با این وجود، نیاز به یک پتانسیل و توان برای رفاه در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی، معنوی، فیزیکی، مادی و فرهنگی دارد. این به معنای نفوذ حکومت مطلقه نیست بلکه بیشتر شناسایی کارهایی است که شخصیت های سیاسی مانند نهادها، حکومت ها و مردمی که از آن حمایت می کنند، می توانند و نمی توانند، انجام دهند و شامل پی آمدهایی از بقای مادی و جسمانی گرفته تا رفاه اقتصادی خواهد بود. علوم سیاسی، در پی خدمت در جوامع به دور از کشتار، نیاز دارد که در زمینه های تحقیق و بالعکس تمرکز کردن بر موضوعات جدید مانند مشاغل پزشکی و سلامت عمومی محدود نباشد.

مشکلات را می توان مانند یک ناهماهنگی بین آنچه که مرغوب است و آنچه که حقیقی است توصیف کرد. هر مشکل انواع زیر مجموعه مشکلاتی پیچیده را ارائه می کند: از نظر اصولی و هنجاری چه باید کرد؟ از نظر علمی و تجربی و پتانسیل و توان چه می توان کرد؟ هر مشکل حاوی یک مجموعه پروسه های بازده است که به هم مرتبط هستند و اعضای تشکیل دهنده در سطح گذشته، حال و آینده را در بر دارد. هر چند معضلات می توانند دشوار باشند و پیچیده، اما فلسفه و تجربه علم سیاسی دوری از کشتار، تلاش صریح در حل معضلاتی که بقا و رفاه نسل بشر را تهدید می کند را انکار نمی کند. علم سیاسی دوری از کشتار، تلاش برای به پایان رساندن خشونت از نوع رفتاری و تغییر شرایط ساختاری خشونت را و حل مشکلات ایجاد شده در اثر متقابل هر دو را به عهده می گیرد. آنها سعی در از بین بردن حمایت از هلاکت و مرگ آوری بودن و همچنین تلاش برای همکاری با سازمان هایی می کنند که در زمینه دوری از کشتار و ایجاد سیاست ها و سازمانهای نوین دوری از کشتار خدمت می کنند.

با قبول علوم کاربردی و نقش علوم انسانی مانند حلال مشکلات علوم سیاسی، از نظر علمی نیازی برای شناخت راه حل های قبلا پیشبینی شده نیست. در پیشرفت های علوم پزشکی پایه و کاربردی، هیچ مانعی به این دلیل که بیماریها قابل درمان نیستند و یا از این نظر که درمان را می توان قبل از تشخیص بیماری انجام داد، ایجاد نمی شود. برای علوم

سیاسی که اساساً همان موضوع مرگ و زندگی است نوع دید و برخورد نیز نباید تفاوتی داشته باشد.

انتظار اینکه علوم سیاسی دوری از کشتار فورا یک راه حل برای سیاست و علوم سیاسی که خشونت را قبول می کنند، پیدا کند، منطقی نیست. از سوی دیگر، تلاش برای استفاده از ذخایر و منابع علمی، انسانی و مادی برای رفع خشونت با وسیله های خشونت بار، و خونریزی برای پایان دادن به هلاکت جهانی، از جنگ گرفته تا نسل کشی، به نتیجه نرسیده است. در نتیجه نیاز به خلاقیت های بیشتری برای یافتن و نشان دادن اینکه راههایی برای نکشتن وجود دارد است.

به پایان رساندن مهلک بودن انسان، مسلماً فقط هدف و وظیفه علوم سیاسی نیست. آن یک هدف مشترک برای تمامی علوم، از علوم انسانی و طبیعی گرفته تا حرفه و شغل است. با این وجود یک هدف وجود دارد که علوم سیاسی می تواند در آن ابتکار عمل به خرج دهد و از ابتکار دیگران نیز حمایت کند و آن حل معضلاتی است که به گونه ای آن چنان بزرگ هستند که باعث نفی امکاناتی برای ایجاد علوم سیاسی دوری از کشتار در خدمت یک جهان بدون کشتار می شوند. در بین آنها مشکلاتی مانند « هیتلر و هولوکاست» و تغییر اساسی و امنیت فردی و دولت ملی وجود دارد.

دوری از کشتار، هیتلر و هولوکاست

مشکل رهبران سیاسی به نمونه کلی هیتلر و هولوکاست محدود نمی شود – این مشکل باید مستقیماً و تحت نظر علوم سیاسی *problem-solving* کاربردی و بنیادی در نظر گرفته شود. نمونه های هولناک قتل کشی و نابودی جمعی و گروهی و فردی نباید مانع به وجود آمدن خلاقیت های نوین برای ایجاد دوری از کشتار شود. در غیر این صورت علوم سیاسی برای همیشه، صریحاً و ضمناً، به بها دادن و تمایل به کشتن و انتقام اختصاص خواهد داشت، و در نتیجه خشونت و نسل کشی ها و انهدام شهر ها و روستاها افزایش پیدا خواهد کرد.

باید یک راه عملی برای افزایش تلاش ها در زمینه های مختلفی که هنوز به طور کامل، از جانب تحقیقات در مورد رهبران سیاسی، پرورش نیافته اند جستجو کرد. این به معنی شناخت رفتار های مهلک در سیستم های متفاوت و همچنین ایجاد تغییراتی است که رهبران سیاسی حامیان دوری از کشتار می توانند ایجاد کنند. برخی تغییرات قادر به نفوذ و اقدام مستقیم تبدیل کشتار به دوری از کشتار است که مربوط به جوانب خشونت رهبران سیاسی، نقش قدرت، حمایت سازمانی، چشم

داشت از هدف های متفاوت، اهمیت ، ارزش ها، تواناییهای تکنولوژی و حمایت اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی از فعالیت های کشتار، می شود.^۱ تجربه های به دست آورده شده در قرن بیستم برخی نکته ها را به عنوان نقطه آغاز پیشنهاد می کنند. برای متوقف ساختن ظهور رهبران سیاسی که تمایل به کشتن دارند و از جانب افرادی حمایت می شوند که آنها نیز تمایل به کشتن دارند، انسانها باید در یک مقطع از تاریخ از کشتن و همکاری کردن با سیستم های کشنده امتناع کنند در غیر این صورت چرخه کشتار، بین فاتحان انتقام جو و زخم خورده ادامه پیدا خواهد کرد. شاید این مطلب می تواند به نظر ساده بیاید اما با یک نگاه به گذشته و مشاهده قرن بیستم ، می توان دید که انسانها در قرن ۱۹ نیز به دنبال صلح و حذف جنگ بودند، گرچه نتیجه چندان مثبتی نگرفته اند. یک ارتباط بین سببیت و قساوت بین جنگ جهانی اول و دوم و دیگر جنگ ها وجود دارد. علوم سیاسی می تواند سهم مهمی در شناسایی و آشتی دادن دشمنی های انتقام جویانه (هر قدر از نظر تاریخی تازه و یا دیرینه باشند) داشته باشد. علوم سیاسی باید برای مانع شدن از کشتار و برای جلوگیری از افزایش رهبران و کسانی که از قتل و عام و انتقام جویی حمایت می کنند ، و همچنین برای گسترش صلح و آشتی و ایجاد شرایطی برای دنیای بدون کشتار تلاش کند.

همچنین برای جلوگیری از به وجود آمدن قدرت هایی مانند هیتلر، استالین، مائو، امین ها (دیکتاتور اوگاندا)^۲ و سیاسیونی که انسانها را با اسلحه و یا حتی بمب اتم می کشند ، نیاز به تعریف دوباره مبحث رهبر سیاسی و عبور از فرماندهان خطرناک به فرمانده ها و رهبرانی است که حامی دوری از کشتار هستند؛ همچنین نیاز به شناسایی رهبران سیاسی با طبیعت خشن و حمایت نکردن از آنهاست؛ احتیاج به از بین بردن میل به کشتار و قدرت و فرمان دادن به دیگران به عنوان نقش یک فرمانده و رهبر است ؛ همچنین نیاز به قطع حمایت مذهبی، تجاری، حرفه ای ، علمی و هنری از سازمانهایی است که مشوق کشتار هستند ؛ برای به وجود آوردن اینها نیاز به رفع اختلافات و تعارض ها و همچنین تاکید و تلاش برای حفظ ارزش دوری از کشتار مانند جزء اصلی غرور ملی و هویتی است ؛ رد هرگونه تعریفی از هر نوع گروه مانند (مادون انسان و شرور و ...) برای توجیح کشتار و از بین بردن انسانها ؛ گفتگو بین گروه

^۱ (Paige 1977).

^۲ Idi Amin Dada (1928-2003), Ugandan army officer and dictator, former president of Uganda (1971-1979); (In Arabic) trustee, custodian, guardian

ها برای رفاه دوجانبه، تغییر شرایط اقتصادی - اجتماعی و دیگر شرایط ساختاری که افراد و گروهها را برای ایجاد خشونت مهیا و مستعد می کند. تغییر جهت اقتصاد کشتار و قرار دادن آن در اختیار احتیاجات انسانی که از فرهنگ دوری از کشتار از طریق علوم و هنر حمایت می کنند. نفوذ در ناحیه کشتار^۱، در برابر سبعیت هیتلر، مسلماً یک چالش مهمی برای خلاقیت علمی به کار بسته شده در دوری از کشتار است و این در دوره و زمانی که تکنولوژی خیلی پیشرفته است امر غیر قابل تصویری نیست. می توان برای شبیه سازی problem solving، انواع گوناگونی از رفع معضل از دوری از کشتار را در نظر گرفت، به عنوان مثال در سطح میکرو و ماکرو که از نقطه نظر معنوی و روانشناسی، قدرت و توان جلوگیری از دوری از کشتار را دارد. همچنین می توان هجوم گروهی و مداخله فضایی و زمینی برای خلع سلاح افراد، گروه ها و تکنولوژی کشتار را شبیه سازی کرد.

در پس آیند شرایط اسف باری که هیتلر و افرادی شبیه به او را به وجود آورد، باید به دنبال یک تائید مثبت قدرت نکشتن افراد بازمانده های جنگ و یا خانواده های آنها بود. علوم سیاسی برای جبران این مسئولیت، باید سعی و تلاش کند؛ جبران و آشتی، دو عامل بسیار مهم برای آسان کردن تغییرات بنیادی هستند که باعث ایجاد یک جامعه بنا شده بر دوری از کشتار می شود. با مستلزم کردن هر نوع منشاء معنوی، علمی، رسومی، نکشتن مانند قلب و مرکز هویت فرهنگی، آینده و غرور انسانها باید تجلیل شود. نیاز به یک همت بزرگ است برای تضمین به اینکه در آینده چنین سبعیتی، دوباره رخ نخواهد داد.

برای پایان دادن به این قساوت ها و کشتار های جمعی، از جنگ گرفته تا نسل کشی، علوم سیاسی دور از کشتار باید در ۳ زمینه تلاش کند: پیش گیری، دخالت و تغییر بعد از آسیب. علوم سیاسی باید خود را از محدود کردن خلاقیت های تحمیل شده از طریق فرضیه هایی که، این گونه سبعیت ها را با نکشتن از بین نمی توان برد، رها سازند.

دوری از کشتار و انقلاب های خشن

دومین معضل، تلاش در به کار بردن problem solving در انقلاب های خشن و قیام بر ضد انقلاب (انقلاب متقابل)^۲ است. کودتای نظامی،

^۱ Killing-zone

^۲ counterrevolution

کودتای متقابل، تروریسم، و تروریسم متقابل، جنگجویان غیر نظامی و جنگ داخلی نیز وابسته به آن هستند. علوم سیاسی، متعارف این انقلاب ها و سرکوبی آنها را با ابهام می نگرد. به عنوان مثال خشونت در برابر رژیم های بد و خشن قابل ستایش است و به همین گونه انقلاب متقابل در برابر انقلابیون بد قابل قبول است. در هر دو ظاهر خشونت برای کسب و یا مقاومت در برابر تغییرات سیاسی، سخت و غیر قابل کنترل است. بحث های آشنا در مورد بعضی پژوهشگران آمریکایی به عنوان مثال نشان می دهد که تا هنگامی که برگزیدگان اقتصادی از قدرت و مالکیت غیر صلح آمیز چشم پوشی نمی کنند، خشونت حاصل از انقلاب ها توجیح شدنی است. در انتخابات دموکراتیک آمریکا همیشه این ایده وجود دارد که باید برای مقابله با آشوب طلبان و شورشیان آماده بود و همچنین اصرار بر حق شهروندان برای داشتن اسلحه و سلاح برای دفاع شخصی و در برابر استبداد.

در طی اواخر جنگ سرد، ۳ نظریه مهم در مورد امکان یک انقلاب غیر خشن از جانب نظریه پردازان سیاسی که از ۳ رسم انقلابی خشن می آمدند (ایالت متحده آمریکا، چین و روسیه)، به وجود آمد. در آمریکا جین شارپ (۱۹۷۳) یک گزارش در مورد تئوری و پراتیک انقلاب های سیاسی بدون خشونت عرضه کرد که در یک آنالیز عمیق پایه های علوم سیاسی و یک پژوهش تاریخی وسیع در زمینه های مبارزه بدون خشونت که نتیجه مثبت داد، ریشه دارد. شارپ ۱۹۸۰ متد و روش از فعالیت های بدون خشونت را به رسمیت می شناسد: از اعتراضات رسمی گرفته تا ترغیب و متقاعد کردن از طریق عدم همکاری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین مداخله مستقیم بدون خشونت و سپس با ملحق کردن و به هم پیوستن همگی در یک تئوری تغییر بدون خشونت که شامل « انطباق» و «تحمیل و اجبار» می شوند و در آخر « تخریب و از هم پاشیدگی» را به آنها اضافه می کند. در جمهوری شوروی سابق « ای. ج. پلیمارک» و «اف. کارپلتن» (۱۹۷۹)^۱ انقلاب را مانند یک جابجایی قدرت دولت (کشور) از یک طبقه و کلاس طبقه دیگر جامعه توصیف کردند، که باعث یک «تغییر در زندگی گروه وسیعی از مردم می شود». آنها با دلیل آوردن بر تئوری مارکسیست-لنینیست و بر اساس به استقلال رسیدن بعد از جنگ جهانی دوم، و بر اساس تجربه دموکراتیک که امکان انقلاب های صلح آمیز را قابل اجرا می کنند، به این نتیجه رسیده اند که «انقلاب سوسیالیستی صلح طلب یک انقلاب بدون سلاح و جنگ

^۱ E. G. Plimak and Y. F. Karyakin (1979)

داخلی و بدون اقدام انقلاب متقابل است.^۲ همچنین تاکید می کنند که شکست های گذشته نباید پژوهش در مورد انقلاب های صلح آمیز در شرایط جدید تاریخی را ناامید کند. آنها اصرار دارند بر اینکه « گسترش انقلاب های صلح طلب باید از هر جهت مورد بررسی قرار گیرد. در چین ، ژانگ ای پینگ (۷۹: ۱۹۸۱)^۲ با استفاده از تئوری مارکسیسم بر اساس مبارزات بدون خشونت استقلال ملی در آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین ، به خصوص در مورد قدرت و توان متحد شدن گروه ها از طریق جنبش های گاندی که در هند به نتیجه رسیده اند، این گونه استدلال می کند : “ آن طرز فکری که از انقلاب های خشن ، بدون در نظر گرفتن زمان، مکان و شرایط ، حمایت می کند و از انقلاب های غیر خشن انتقاد می کند ، رد تئوری و در عمل خطرناک است.” (تاکید اضافه شده نویسنده کتاب گلین پیچ)

در یک دورانی که قتل و عام انقلابی و مبارزات متقابل در شرایط پیچیده و بحرانی جهان ثبت شده ، تعدادی از تحلیل گران سیاسی بر گرفته از ۳ سنت خشن ، گسترش و کشف یک تئوری و عمل انقلابی بدون خشونت را بر خود واجب می دانند. یک عامل مهم در بین آنها این است که هر ۳ به جنبش بدون خشونت گاندی در هند رجوع می کنند که به دنبال یک تغییر اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی بود.

تا کنون تئوری انقلابی دوری از خشونت چه « کاپیتالیستی» چه « سوسیالیستی» به صورت وسیعی سرکوب شده است و همچنین از طرف نخبگان نیز تئوری های قابل قیاسی برای پیدا کردن یک راه حل لازم برای جایگزینی سرکوب خشونت آمیز با یک انقلاب بدون خشونت گسترش پیدا نکرده است. این مستلزم یک آنالیز متفاوت نسبت به راه حل های شارپ است. مالکان و ثروتمندان و طبقه حاکم ، رهبران سیاسی، پلیس و ارتش آیا جرات دارند به صورت صلح آمیز و بدون خشونت و بدون سلاح با افراد فقیر، مخالفین، اقلیت و اکثریت که از طریق بدون خشونت حقوق بشر و عدالت اقتصادی را درخواست می کنند، مقابله کنند ؟ آیا افراد سود جو می توانند درخواست های متقابل خود را برای به دست آورده مقام و قدرت بدون خونریزی و اجبار ، پیشنهاد کنند؟

علاوه بر این امکان عملی کردن یک فرضیه « مبارزه بدون خشونت» و یا حتی « مبارزه طبقاتی بدون خشونت» ، که باعث تغییرات اجتماعی شکل گرفته از روابط دو جانبه خشنود کننده بین دو طرف زورگویان و جباران و مخالفان و مظلومان باشد، وجود دارد؟ این می تواند از عناصر

^۲ China, Zhang Yi-Ping (1981: 79),

دوری از کشتاری که در طبیعت انسان وجود دارد و خصومت های سرکوب کننده اتخاذ شده در برابر آنهایی که یک تغییر صلح آمیز از طرف نخبگان را درخواست می کنند ، ناشی شود و همچنین از طرف مخالفانی که برای سرکوب افرادی که اعمال غیر خشن را پیشنهاد می کنند و تلاش می کنند ، با این فکر که این ایده ها قدرت نظامی آنها را در برابر مخالفان تضعیف می کند. به عنوان مثال در جریان جنگ سرد مقابله بین قدرت حاکمه آمریکا و روسیه ، نخبگان و رسانه ها برای بی اعتبار کردن و فرونشاندن اندیشه ها و صداها ی صلح طلب آماده بودند و همچنین عقیده داشتند که ایده های دوری از کشتار ، حمایت از نظامی بودن را تهدید می کرد. به همان شکل دانشگاهیان و فعالانی را که از جنبش های مقاومت غیر مسلح حمایت می کردند را متهم به کاوش و پژوهش های انقلاب های آلترناتیو بدون خشونت می کردند. بنابراین اگر اصول پراتیک و عملی دوری از کشتار مورد قبول سرکوب کنندگان و سرکوب شدگان قرار گرفته ، می توان یک مبارزه طبقاتی دور از کشتار را مشاهده کرد. این مستلزم نقش فعال علوم سیاسی برای آسان کردن پروسه problem solving انقلابی دوری از کشتار، است. در هر قدم مبارزه بدون خشونت و برای ایجاد تغییر بدون خشونت در جامعه و رسیدن به هدف نهایی نیاز به آشتی و مصالحه با مخالفان است و این نقطه آغازی است برگرفته شده از روش های گاندی و لوترکینگ . حتی ماکیاولی نیز به تغییرات سیاسی در رژیم های سیاسی و همچنین "تغییر بدون خونریزی از حکومت استبدادی به آزادی و بالعکس" ، زمانی که از طریق " توافق و رضایت عمومی شهروندان برای ساختن یک دولت بزرگ و عظیم" ایجاد شوند ، تاکید داشت^۱.

دوری از کشتار و امنیت (اقدامات نظامی)

علوم سیاسی دور از کشتار باید راه حل های قابل قبولی را برای امنیت در برابر حمله های کشنده در سطح فردی، منطقه ای، ملی بین المللی پیدا کند. تئوری و پراتیک امنیت قراردادی مورد قبول علوم، از پایان تهدید به مهلک بودن ناشی می شود: « ما می خواهیم به تو بقبولانیم که ما تو را خواهیم کشت.» در عوض امنیت نکشتن دربرگیرنده اصول و پرنسیپ های کاملاً متفاوت است: «ما می خواهیم به تو بقبولانیم که ما تو

^۱ (The Discourses, Book 3, Chapter 7).

را نخواهیم کشت و تو باید شرایطی را ایجاد کنی که ما را نخواهی کشت». به طور خلاصه باید این امکان نکشتن را ایجاد کنیم. تا هنگامی که کسی بخواهد به کشتن ادامه دهد هیچ کس در امان نیست. ابتکار و نبوغ بر هر نوع زره و دیوار و پناهگاهی غلبه می کند؛ حمله مرگبار بر هر نوع دفاعی غلبه می کند، تیر بر نیزه، مسلسل بر تفنگ فیتیله ای، توپخانه بر پیاده نظام، تانک ها بر سواره نظام، موشک بر تانک، زیر دریایی نظامی بر کشتی های جنگی و نیروی هوایی، موشک ها و بمب های شیمیایی در برابر همه غلبه می کنند. زندگی در یک خانه پر از اسلحه هیچ امنیتی را ایجاد نمی کند: شخص متجاوز می تواند اسلحه ای داشته باشد که می تواند هر نوع در و فضای امنیتی محل سکونت را. تنها امنیت در نبود علاقه به کشتن است.

علوم سیاسی در تغییر امنیت کشنده و خطرناک به امنیت غیر کشنده و مهلک، به گسترش تنوری و پرائیک و همچنین به پیدا کردن جایگزین هایی برای تهدید و یا به کار بردن نیروهای خشونت بار، کمک می کند. هر چند تا کنون نتیجه هایی برجسته در سطح علوم سیاسی پیدا نشده است با این حال یک گروه از کتابها و آثار و مهارتهای که مبنا و پایه ای است برای نقطه آغاز، در حال رشد هستند. این کاوش و پژوهش در مورد مقاومت غیر نظامی (شخصی) دربرگیرنده: مقاومت در برابر نسل کشی نازی ها (هالی ۱۹۷۹؛ فولگمن ۱۹۹۴؛ سملین ۱۹۹۴)^۱؛ مقاومت بدون خشونت انجمن «دانیلو دولچی»^۲ در برابر جنایت های مافیا (آماتو ۱۹۷۹؛ جاودهوری ۱۹۹۸)^۳؛ محافضان بدون اسلحه که برای کسانی که در زمینه حقوق بشر فعالیت می کنند، فعالیت می کنند (ماهونی و آگورن ۱۹۹۷)^۴؛ مقاومتان دوری از کشتار در برابر ارتشیان و نظامیان (روبرتس ۱۹۷۵، شارپ ۱۹۹۰، ۱۹۹۳)^۵؛ دفاع بدن خشونت ملی، اجتماعی و شخصی (بوسروپ و مک ۱۹۷۴، شارپ ۱۹۹۰، مارتین ات ۱۹۹۱، راندل ۱۹۹۳ و بارروز ۱۹۹۶)^۶؛ استفاده غیر مهلک از نیرو های نظامی (کیز ۱۹۸۲)^۷؛ نیروهای بدون خشونت آلترناتیو (بانرجی

^۱ Hallie 1979; Fogelman 1994; Semelin 1994

^۲ Danilo Dolci

^۳ (Amato 1979; Chaudhuri 1998);

^۴ (Mahony and Eguren 1997);

^۵ Roberts 1975; Sharp 1990; 1993);

^۶ (Boserup and Mack 1974; Sharp 1990; Martin et al. 1991; Randle 1993; Burrowes 1996);

^۷ (Keyes 1982);

۲۰۰۰، ویر ۱۹۹۶، موزر - پوانگ سوان و ویر ۲۰۰۰)^۸؛ و گسترش سلاح های غیر کشنده (لور و اسکوفیلد ۱۹۹۷).

بسیاری از دولت ها امکان پذیر کردن دفاع بدون خشونت و چگونه به هم آمیختن آن را با جنگ افزار های نظامی به عهده گرفته اند. در بین آنها می توان از سوئد، نروژ، دانمارک، هلند، فرانسه، لاتویا، لیتوانیا، استونی، اتریش، سوئیس و فنلاند نام برد (شیمید ۱۹۸۵، شارپ ۱۹۹۰، راندل ۱۹۹۴)^۹. در تایلند یک قانون انحصاری، در نوع خود منحصر به فرد، برای قانونی کردن مقاومت بدون خشونت در برابر ارتشیان و نظامیان در ماده ۶۵ قانون اساسی ۱۹۹۷ تایلند جای گرفت و بر این اساس است: «افراد حق دارند به صورت غیر خشن در برابر کسانی که می خواهند اداره مملکت را به روشهایی که در قانون اساسی پیش بینی نشده است در دست بگیرند».

در آمریکا از سال ۱۹۶۵ با تحقیق در مورد سلاح های غیر کشنده برای پلیس و استفاده نظامی موافقت شده و در سال های ۱۹۹۰ سرعت پیدا کرده است. این سلاح ها شامل مجموعه ای از تکنولوژی کشف شده شامل سلاح های لیزر، سلاح های نوری و آواشنوی، ضربان الکترومغناطیسی، شیمیایی، بیولوژیکی و بسیاری دیگر می باشد. بعضی از آنها در عملیات پلیس و در عملیات نظامی خارج از کشور مورد استفاده قرار گرفته شده است^۱. منافع در مورد سلاح های غیر کشنده همچنان که در دفاع اجتماعی از جانب دولت اتفاق می افتد در نظر گرفته شده است. واقف بودن به این امر که کارشناسان امنیت های خشن باید آلترناتیو هایی برای کشتار جستجو کنند میبایست بیشتر همت و تلاش علوم سیاسی را ترغیب کند. چالش اصلی، حل مشکلات و معضلات به وجود آمده از تغییر به سوی شرایط کامل امنیت بدون خشونت است. یک نشانه ثانوی حرکت به سمت امنیت بدون کشتار، در گزارش نهایی کمیسیون «کارنجی» برای پیشگیری از جنگ است^۲ وجود دارد، که دعوت به «پیشگیری بنیادی» می کند: «نیاز به استراتژی برای نشان دادن دلایل ریشه ای جنگ های کشنده است». از آن می توان امکان پیشروی در پروسه حرکت به سوی دوری از کشتار فردی و امنیت

^۸ (Banerjee 2000; Weber 1996; Moser-Puangsuwan and Weber 2000);

^۹ (Schmid 1985; Sharp, 1990; Randle 1994: 121-37).

^۱ Lewer and Schofield 1997).

^۲ Carnegie Commission on Preventing Deadly Conflict (1997)

جهانی را نتیجه گرفت . یک نمونه می تواند پیشنهاد ایجاد یک قدرت جهانی بدون خشونت برای صلح باشد.

علوم سیاسی دور از کشتار باید به دنبال راه حل هایی برای برطرف کردن معضلاتی باشد که تا حال شکست ناپذیر تصور می شد. غلبه کردن بر تهدید به نابودی، از طرف خشونت های فیزیکی تهاجمی باید بسیار مورد توجه قرار گیرد. به این علت که بدون بقا و رهایی از انهدام هیچ مشکلی قابل حل نیست. در درجه دوم ، در شرایطی که خشونت بنیادی و اکولوژیست که رفاه فرد و جامعه و طبیعت را تهدید می کند ، تلاش و همت بسیاری برای تغییر این شرایط نیاز است.

تاکید به نکشتن ، همچون رسیدن به problem solving است که جامعه را در بر می گیرد و سولاتی اینچینی را بر می انگیزد: چرا توجه خود را به نکشتن و دوری از کشتار متمرکز کنیم هنگامی که سوءاستفاده روانی، شکنجه، نژاد پرستی، تبعیض جنسی، بهره کشی اقتصادی و خودکامگی ، نسبت به مرگ فیزیکی ، باعث مرگ و میر با بیشترین رنج و عذاب می شوند ؟ تنها پاسخ این است که خواستن، قدرت و فرهنگ کشتار یکی از دلایل اصلی نابرابری و ناهماهنگی ساختاری اقتصادی- اجتماعی است که باعث مرگ و سو استفاده روانی و فیزیکی می شوند که در عصر معاصر اثر آنها از کشتار کمتر نیست.

اگر سو استفاده ، شکنجه، نژاد پرستی ، ظلم بر زنان، بهره کشی اقتصادی و خودکامگی بر ترس و تهدید بنا نشده باشد ، چگونه می تواند دوام داشته باشد ؟ تجربه انسان چه سهمی در از بین بردن عمل کشتار از قتل گرفته تا جنگ خواهد داشت .

تلاش برای نکشتن مستلزم یک تعهد علوم سیاسی، برای کمک برای برطرف کردن معضلاتی است که در هر دوره بقای انسان و رفاه او را تهدید می کنند . هنگامی که گاندی در روستاها و دهکده ها برای روشن کردن مردم صحبت می کرد، با انگشتان دست چپ خود اهداف اصلی problem solving را می شمرد: برابری و تعادل، تولید پارچه نخی محلی و غیر مستقل برای آزادی اقتصادی، دوری از مواد مخدر و الکل، دوستی بین هندوها و مسلمانان، برابری زن ها.. در نتیجه می گفت: " مشیت دوری از خشونت است".^۱ به همان گونه می توانیم به ۵ مشکلی که در حال حاضر در سطح جهانی مهم هستند برسیم : ادامه کشتار و احتیاج به غیر مسلح کردن ؛ از بین بردن فقر و نیاز به برابری اقتصاد؛.

۱ "And the wrist is non-violence" (Ashe 1969: 243). (Ashe 1969: 243).

تجاوز به هویت انسان و احتیاج به احترام دو جانبه به حقوق انسانها؛ از بین بردن فضای زیست و نیاز به حمایت برای حیات کره زمین.

این پنج مشکل در بین افراد خانواده، جامعه، ملت و نژاد بشر در کل مشترک هستند. همه ما نیاز داریم از خطر کشتار، محرومیت اقتصادی، طبیعت آلوده و از شکست در حل معضلات رها باشیم و به دور باشیم. این معضلات وابسته به هم هستند و از اعتماد پیاپی به مهلک بودن به عنوان آخرین راه حل، تشدید می شوند؛ با کشتن و با مسلح شدن به دنبال امنیت هستیم؛ مسلح شدن برای کشتار در محرومیت و محکم کردن بی عدالتی سهم دارد؛ مبارزه مهلک و صنعتی شدن نظامی طبیعت را ناپود می کند؛ نفاق و تفرقه در بین گروه های خصومت آمیز از گسترش همکاری در *problem solving* برای رفاه همگی جلوگیری کند.

Problem solving دوری از کشتار، نه تنها نفی کشتار را بلکه تلاش برای یک تغییر اساسی را می طلبد. این به معنی تلاش بدون ابهام در حذف جنگ و سلاح، در حذف فقر، در بیان بدون خشونت برای به دست آوردن حقوق انسانها و مسئولیت در گسترش حمایت از محیط زیست است و همچنین سهم داشتن و همکاری در پروسه *problem solving* که جوابگوی احتیاجات انسانها است و یک پتانسیل و توان بی نهایت خلاق در افراد و کل بشر را فرا می خواند.

این برنامه کار می تواند غیر عملی و آرمان گرا به نظر بیاید. اما میراث بعضی تجارب سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و رهبران جامعه اجتماعی این دوران، بازتاب نگرانی های انسانهای قدیمی در دوران جدید جهانی است. برای محققین سیاسی خیلی مهم است که در هر کنفرانس مربوط به *problem solving* برگزار شده در سازمان ملل و دیگر سازمانها، افراد را به کمک و همکاری در سطح جهانی برای ایجاد یک "اراده سیاسی" برای تغییرات لازم، دعوت کنند. فقط از دولتها دعوت نشده بلکه تمام منابع همکاری و کمک فعالان *problem solving* مانند حزب ها، سازمان های غیر انتفاعی، موسسات، اتحادیه ها، دانشگاه ها، وسایل ارتباط جمعی، مذاهب و هنر نیز می توانند در آن شرکت کنند.

این پروسه برای معضلات جهانی که در حال افزایش هستند و زندگی هر فرد را تهدید می کنند و همچنین درک نتایج اسف باری که در آینده به دلیل شکست های امروز، خواهند داشت، بسیار مهم است. این شامل تکثیر سلاح های جنگی و افزایش سریع جمعیت همگام با تفاوت های اقتصادی در بین و در داخل کشورها است که در آینده به یک انفجار خواهد رسید؛ اثر تهدیدها بر زندگی ایجاد شده از سو استفاده از طبیعت از طریق صنعت و کشاورزی، شکست در برقراری برابری زنان،

قومیت های مختلف ، اقلیت ها و فرهنگ های مختلف به مرور زمان نمایان به خواهند شد. برای کسانی که آشنایی بیشتری با شرایط جهانی دارند مانند « فدریکو مایور» مدیر کل یونسکو : «این یک دوران و و برحه اضطراری برای علوم سیاسی است » .

دوری از کشتار و خلع سلاح

نه مشکلات قابل حل و نه نهضت دوری از خشونت که برای پاسخ دادن به وجود آمده اند حاصل علوم سیاسی آکادمیک هستند. آنها از طریق دنیای سیاسی جهان معاصر ارائه شده اند. علوم سیاسی باید برای رفع آنها تلاش کند. یک چالش مهمی برای عملکرد *problem solving* در گزارش نهایی اولین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۸، مربوط به خلع سلاح است، « که کشور ها را به خلع سلاح عمومی و کامل در زیر کنترل بین المللی مستلزم می کرد » ، در نظر گرفته شده بود. ۱۵۹ کشور غیر از آلبانی اعلام کردند که نیاز به نسخ و از بین بردن تمام سلاح های شیمیایی و دیگر سلاح های کشتار جمعی ، خارج کردن تمام پایگاه های خارجی، کم کردن نیرو های مسلح ، کاهش جنگ افزارهای معمولی (غیر اتمی) و هدر دادن هزینه های نظامی جهانی ، است و همچنین اختصاص دادن ذخیره های مادی و انسانی در خدمت احتیاجات اقتصادی و اجتماعی کشور های توسعه یافته. در این نشست، پیشنهاد های زیادی مانند این وجود داشتند و این نمایانگر یک نمونه کلاسیک از درخواست برای عملی کردن تغییر بدون خشونت از طریق کشور های به طور برجسته خشن است که متأسفانه از جانب دانشجویان علوم سیاسی گمنام و ناشناخته مانده است.

علوم سیاسی دور از کشتار نمی توانند از تلاشها برای حمایت و پشتیبانی ابتکار عمل دولتی و جامعه که به تکامل و تغییر شکل به سمت ایجاد یک جامعه بدون سلاح وعده می دهند ، جدا بمانند. کمپین هایی در بین آنها ، برای خلع و تحریم سلاح های تهاجمی، مین ها و تجارت اسلحه برای ایجاد منطقه های صلح بدون سلاح در دهکده ها و شهر ها برای ایجاد مناطقی در جهان بدون سلاح های اتمی وجود دارد.

دوری از کشتار و محرومیت اقتصادی

یک پژوهش کلاسیک دوری از کشتار، « بیانیه ۵۳ برنده جایزه نوبل فیزیک و شیمی ،است » برای جلوگیری از چیزی که آنها آن را

“هولوکاست” می نامند ، که شامل مرگ انسانهایی است که می تواند به دلیل محرومیت اقتصادی ایجاد شود^۱. آنها اعلام می کنند که “ تمام کسانی که

این هولوکاست محکوم می کنند و با آن مبارزه می کنند ، در تأیید اینکه دلیل این فاجعه سیاسی است ، هم رای هستند ”.

مهم است که شهروندان و سیاسیون ، در انتخابات پارلمان، در دولت و در سطح بین المللی به آنهایی که نسبتاً در سطح آنها هستند، رای دهند و آنها را انتخاب کنند ؛ نیاز به قانون های جدید ، بودجه های جدید ، پژوهش های جدید و اقدامات جدید برای داشتن یک اثر فوری برای نجات میلیون ها انسان به علت سوءتغذیه و عقب ماندگی ، و صدها میلیون از نسل هل مختلف که به علت قحطی و گرسنگی از بین رفته اند، است.

با این بیان « که نیاز به نجات زندگی است و نه کشتن و نابود کردن »، آنها به یک دگرگونی و انقلاب دوری از کشتار از طریق تغییرات اقتصادی ترغیب می کنند:

اگر چه قدرتمندان این سرزمین بیشتر مسئولیت دارند ولی آنها تنها نیستند. اگر انسانهای بی دفاع سرنوشت خود را در دست بگیرند، اگر تعداد بیشتری از اطاعت از هر قانونی مخالف با قوانین حقوق بشر امتناع کنند، اگر افراد ضعیف با استفاده از سلاح کم ولی قوی (عمل بدون خشونت مورد نظر گاندی) ، متحد شوند و سازمان دهی شوند و هدف هایی خود را که محدود و مناسب هستند تحمیل کنند ، اگر این اتفاقها بیافتد ، فاجعه زمان ما به پایان می رسد.

آنها اینگونه ادامه می دهند:

۱ (Nobel Prize Winners 1981: 61-3).

« اکنون زمان عمل است، اکنون زمان خلق کردن
است، اکنون زمان ، زمان این است که به گونه ای
زندگی کنیم که زندگی ما به زندگی دیگران جان می
دهد».

نابرابری، افزایش جمعیت و نظامی کردن ، متقابلاً بر خشونت، اقتصاد
کشنده و نابودی طبیعت اثر می کند. در سال ۱۹۹۹ بانک جهانی برآورد
کرد که ۱.۵ (یک و نیم) میلیارد انسان در شرایط فقر کامل یعنی با حقوق
کمتر از یک دلار در روز و ۳ (سه) میلیارد نفر زیر ۲ دلار در روز
زندگی می کنند. فقط در هند تخمین زده می شود که فقیران مطلق، در
اواخر سالهای ۸۰، از ۳۰۰ میلیون به ۳۴۰ میلیون رسیده اند. همزمان
، نابرابری حقوق در حال افزایش است آنچنان که «طاریق حسین»، از
بانک جهانی در جون ۱۹۹۷ در برابر ۱۶۰ نفر از رهبران سیاسی در
اولین برنامه آکادمیک رهبران بین المللی دانشگاه سازمان ملل بیان کرد:

جهان در سالهای ۹۰ ، نسبت به سالهای ۸۰ ،
بیشتر دو دسته و دو گروه مخالف شده است.
بیشتر از ۲۰ درصد از فقیران دیدند که سهم آنها
از درآمد جهانی از ۳٪، ۴٪ به ۱٪، ۴٪ در ۳۰ سال
اخیر کاهش یافته است. در حالی که برای
ثروتمندان ، سهم آنها از درآمد جهانی از ۷۰٪
به ۸۵٪ افزایش پیدا کرده است. به این شکل سهم
درآمد ثروتمندان و فقیران دوبرابر شده است^۱ از
۱:۳۰ به ۱:۶۰ ... ترکیب دارائی های ۳۶۰
میلیارد دلار در سطح جهانی هم اکنون بالغ بر
درآمد سالانه کشورهایی است که ۴۵٪ جمعیت
جهان را تشکیل می دهند^۲.

^۱ (World Bank 1999).

^۱Tariq Husain1997: 13).

^۲ The world in mid-1990s is...more polarized than in 1980....The poorest 20% of the world's people have seen their share of global income decline from 2.3% to 1.4% during the past 30 years. Meanwhile, for the richest, it rose from 70% to 85%. Thus the ratios of the shares of the richest and poorest doubled from 30:1 to 61:1....The combined assets of the world's 360 billionaires now exceeds the

رئیس بانک جهانی جیمز دی. ولفنسون^۲ و ماهاتما گاندی در اینکه نابرابری باعث خشونت می شود ، موافق هستند. به عقیده رئیس بانک جهانی « نابرابری باعث ناپایداری می شود، و فقر، جنگ را به وجود می آورد»^۳. همانگونه که ماهاتما گاندی هشدار می دهد: “ یک سیستم دولتی بدون خشونت مسلما امکان پذیر نیست تا زمانی که یک فاصله عمیق بین ثروتمندان و میلیونها گرسنه وجود دارد ”. یک انقلاب خشن و پر از خونریزی یک امر مسلم در آینده است مگر کناره گیری داوطلبانه از جانب ثروتمندان و تقسیم قدرتشان برای رفاه همگانی^۴. با ترکیب بینش و بصیرت رئیس بانک جهانی و ماهاتما گاندی و یک صلح طلب آمریکایی به نام «بتسی دورن» که ارثیه های که به ارث برده بود هدیه کرد و اینگونه اظهار می کند: “ تنها راه برای اینکه بتوانیم به صلح دست یابیم تقسیم دوباره زمین است. فقر، جنگ، سختی و مشکلات، از اشخاصی که بیش از آنکه حقشان بود، دارا هستند و از آن دست نمی کشند به وجود آمده اند. ” دیدگاه رئیس بانک جهانی، ماهاتما گاندی و جوان آمریکایی بازتاب آنالیز انجام شده توسط ارسطو بیش از ۲۳۰۰ سال پیش است بر رابطه بین نابرابری و مهلک بودن:

“مطلب مهم که باید به یاد بسپاریم این است که کسانی که مسئول اجرای قدرت هستند، چه یک شخص و یا ارگانهای یک دولت و یا یک قبیله و یا هر چیز دیگر، کوچک یا بزرگ، این آنها هستند که ناامنی و آشوب را که به انقلاب می انجامد را به وجود می آورند. این انقلاب ها به طور غیر مستقیم، هنگامی که دیگران با حسد و رشک نسبت به قدرت آنها آغاز به یک انقلاب می کنند، و حتی به صورت مستقیم، وقتی آنها خودشان را فراتر

combined annual income of countries with 45% of the world's peoples (Husain 1997: 13).

^۲ The World Bank President James D. Wolfensohn

^۳ (Husain 1997: 6).

^۴ (Collected Works 75 (1941): 158).

حس می کنند که راضی نمی شوند به ماندن در حد
برابری با دیگران، به وجود می آیند^۱.

رشد سریع جمعیت جهان از ۲,۵ میلیارد در سال ۱۹۵۰ به ۶,۱ میلیارد در سال ۲۰۰۰ و ۸,۹ میلیارد در سال ۲۰۵۰، تلاش *problem solving* بدون خشونت را، به چالش می کشد. پیش بینی می شود که پرجمعیت ترین کشورها در سال ۲۰۵۰، هند با (۱ میلیارد و ۵۲۹ میلیون)، چین با (۱ میلیارد و ۴۷۸ میلیون) و ایالت متحده آمریکا (۳۴۹ میلیون)، پاکستان (۳۴۵ میلیون) و اندونزی با (۳۴۹ میلیون) خواهد بود. همانگونه که «لاستر ار. براوان» و همکاران سازمان دیدبان حقوق بشر تشریح می کنند^۲، یک افزایش این چینی، بدون سابقه، تقریباً شامل ۸۰ میلیون انسان در سال است که فاجعه های بزرگی را بر قدرت تحمل زندگی بر کره زمین همراه خواهد داشت. در بین اینها می توان از مشکلاتی چون کمبود آب، تولید گندم، انرژی، کاشت، جنگل، تغییرات آب و هوا، بیماری ها، شهرنشینی (شهر سازی)، خانه سازی، آموزش و پرورش، کار، جنگ بین و داخل کشورها، نام برد^۳.

از آنجایی که روشهای مرگبار کاهش جمعیت مانند جنگ، نسل کشی، کودک کشی و سقط جنین، گرسنگی، بیماری های واگیر دار نامطلوب هستند، چالش مهم برای علوم سیاسی بدون کشتار، حمایت کردن از کشف و عملی کردن راه حل های بدون خشونت است. این باعث احترام گذاشتن به کیفیت زندگی انسان و طبیعت و قرار دادن این دو در مرکز تئوری سیاسی و پراتیک *problem solving* اقتصادی می شود.

تعدادی از رهبران نظامی معروف، متخصصان در کشتار، بینش و نظرهای مختلفی را در مورد نیاز به غیر نظامی کردن اقتصاد (اقتصاد غیر نظامی) بیان می کنند. یکی از آنها ژنرال جنگ جهانی دوم که بعداً رئیس جمهور آمریکا شد (آیزنهاور) بود. هیچ صلح طلبی بهتر از آنالیز مختصر و قوی او در مورد ارتباط بین کشتن و خشونت اقتصادی بنیادی نیست:

“هر اسلحه ای که تولید می شود، هر ناو جنگی که به
آب انداخته می شود، هر گلوله ای که شلیک می شود

۱ (Aristotle 1962: 199).

۲ Lester R. Brown and colleagues of the Worldwatch Institute,

۳ (Brown, Gardner, and Halweil 1999).

، مانند یک سرقتی است نسبت به کسانی که گرسنه هستند و غذایی برای خوردن ندارند و برای کسی که سردش است و لباس ندارد. این دنیای مسلح به تنهایی هزینه مخارج را به عهده ندارد، بلکه عرق کارگزارانش را، هوش دانشمندان را و امید کودکان را هدر می دهد. این یک روش زندگی نیست، از هیچ جهت. در زیر توده تهدید جنگ، بشر است که به صلیب آهنین کشیده می شود^۱».

یک دلیل برای اینکه « بشریت به صلیب کشیده شده است» برنامه سلاح های اتمی در ایالت متحده آمریکا است که محاسبه می شود که از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۶ تقریباً ۵۸۲۱ تریلیون دلار خرج شده است^۲. این نشان دهنده «اصراف بسیار بزرگ» هزینه نظامی در سطح جهان است که در سالهای ۹۰ به حدود بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال می رسد^۳. علوم سیاسی بدون کشتار فقر اقتصادی ایجاد شده از نظامی کردن جهان را قبول نمی کند بلکه تلاش برای ساختن و تلاش برای آزاد کردن بشریت از « صلیب آهنین »، را برای به پایان رساندن « هولوکاست فقر» را قبول می کند.

حقوق بشر بدون کشتار و مسئولیت پذیری

یک چالش الزامی برای التزام و تعهدات problem solving در اعلامیه حقوق بشر در ۱۹۴۸ و توافق نامه های بعدی آن در زمینه مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است. متن اصلی آن را باید تمام پژوهشگران و دانشمندان سیاسی و هر شهروند در سطح جهان بدانند. علوم سیاسی بدون کشتار بر حقوق بشر تأکید می کند و از آن از طریق توانایی نگاشتن حمایت می کند. علاوه بر این از رسیدن به هدف به رسمیت شناختن جهانی حق « کشته نشدن» و « نگاشتن دیگران» نیز حمایت می کند. یک اصل مهم، عملی کردن اعلامیه حقوق بشر در سطح جهانی است:

^۱ (Address to the American Society of Newspaper Editors, April 16, 1953).

^۲ (Schwartz 1998).

^۳ (Sivard 1996: 7).

ماده ۳: هر کسی حق این را دارد که کشته نشود و همچنین مسؤولیت نکشتن دیگران را نیز دارد.

علوم سیاسی دور از کشتار برای تلاش در به کار گیری توانایی هایش در پژوهش، در آموزش، مشورت و در حمایت فردی و سازمانی که به دنبال حمایت حقوق بشر در هر مقطع و سطحی است، به چالش کشیده شده است. به عنوان مثال اقدام برای به پایان رساندن هر نوع خشونت در برابر زنان و دختران، در کنفرانس زنان در پکن در سال ۱۹۹۵، یک برنامه اساسی را برای تلاش عملی ارائه می کرد.

یک چالش دیگر برای تلاش کامل، در تعهدات علوم سیاسی، دفاع بدون خشونت حقوق بشر از طریق سازمان عفو بین الملل است که در سال ۱۹۶۱ بنیان گذاری شده است. وظیفه عفو بین الملل مبنای بر پرنسپ های اعلامیه حقوق بشر است، به عنوان مثال "هیچ کسی نباید مورد شکنجه، قساوت و یا تنبیه قرار گیرد" (ماده ۵)؛ "هیچ کسی توقیف نباید به طور غیر قانونی و خودسرانه، تبعید زندانی و شود" (ماده ۹)؛ "هر کسی حق آزادی عقیده و بیان دارد، این حق شامل آزادی عقیده بدون ممانعت و دخالت، و داشتن ایده از طریق هر نوع وسیله و بدون هیچ مرزی است" (ماده ۱۸). سازمان عفو بین الملل در تلاش است برای لغو جهانی حکم اعدام، لغو شکنجه و اجرای محاکمات عادلانه و آزادی و رهایی زندانیان (prisoners of conscience) پشیمان شده که از خشونت نه حمایت و نه استفاده کرده اند. متد های استفاده شده عفو بین الملل شامل تمام عملیات سیاسی بدون خشونت است.

از جمله تلاشها در مورد حقوق بشر مورد توجه علوم سیاسی بدون کشتار می توان از سازمان غیر انتفاعی دول و ملت ها نام برد که در سال ۱۹۹۱ پایه گذاری شده است (UNPO).^۱ این سازمان، به دنبال به رسمیت شناختن حقوق بشر بیش از ۵۰ قوم بومی از ۵ قاره است. عضوهای این سازمان تلاش می کنند از طریق امضای این بیانیه "گسترش دوری از خشونت و نفی تروریسم را مانند یک وسیله سیاسی" قبول کنند. این سازمان از کشورها، سازمانهای بین المللی و دیگر سازمان های غیر انتفاعی و رهبران آنها می خواهد که برای کم کردن استفاده از خشونت یک سیاست صریح و پایبند به اصول اتخاذ کنند:

^۱ (United Nations 1996).

^۲ Unrepresented Nations and Peoples Organization), founded in 1991.

شناخت و احترام به حقوق در برابر انسانها، اقلیت ها صرفنظر از فرهنگ و مذهب؛ در نظر گرفتن جدی احتیاجات و نقطه نظر جمعیت غیررسمی و شناخت تمام خشونت های اعمال شده بر جمعیت های بدون نماینده و اقلیت ها؛ به رسمیت شناختن مشروعیت جنبش ها و دولت هایی که از توانایی های بدون خشونت برای رسیدن به هدفشان استفاده می کنند؛ تلاش برای مکالمه آزاد با تمام این جنبش ها و دولت ها و حمایت و تشویق آنهایی که راه های صلح آمیز را انتخاب کرده اند؛ حمایت و کمک برای حل صلح آمیز جنگ ها بین کشور ها، ملت ها و اقلیت هایی که دولت های آنها خود را مرجع قدرت می دانند^۱.

علاوه بر این، UNPO “خواستار پایان دادن سو استفاده از منابعی است که بقای قوم های مختلف به آن بستگی دارد و همچنین پایان دادن به گسترش خشونت از طریق تجارت اسلحه است که موسسات و شرکت های اقتصادی در وسایل ارتباط جمعی و در محصولاتشان از آن استفاده می کنند.” این گونه تلاش ها در برابر سیاست بدون خشونت از جانب مردمانی که قربانی نسل کشی، نژاد کشی و از بین بردن طبیعت هستند نشان دهنده یک علامت روشن برای حمایت علوم سیاسی بدون خشونت است. بر اساس تعداد زیاد و احتیاج شناخت مردمان بومی و اقلیت ها در جهان، عضو شدن در این سازمان می تواند شامل تمام کشور های اعضای سازمان ملل نیز شود.

دوری از کشتار و کارایی بوم شناختی و محیط زیست

علوم سیاسی دوری از کشتار در کمک به بشریت برای نجات محیط زیست تلاش می کند. ما محیط زیست را از بین می بریم و محیط زیست ما را یک جامعه بدون کشتار نیاز به یک بوم شناسی و محیط زیست غیر مهلک دارد. اواخر قرن بیستم با یک زنگ خطر فرآیندها نهادمانها در قدرت زندگی در کره زمین مشخص شده است. صنعت نظامی و تهاجم به کره زمین در از بین رفتن آن سهم دارند. منشور جهانی برای طبیعت که از جانب ۱۱۱ عضو مجمع عمومی سازمان ملل پذیرفته شده در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ بیان می کند که “طبیعت باید از تخریب ایجاد شده به دلیل جنگ و دیگر فعالیت های

۱ (UNPO 1998: 8).

خصمانه محافظت شود^۲. از جمله این خشونت ها می توان : از ریختن برگ ها به دلیل استفاده از مواد شیمیایی در جنگ های ویتنام توسط آمریکایی ها و سوختن زمین های نفت خیز در عراق در زمان جنگ خلیج ، نام برد. علوم سیاسی دور از کشتار با چالش مطرح شده از جانب « بری کومونر^۱ » مواجه می شود: « برای ایجاد صلح با کره زمین ، اول باید با کسانی که روی آن زندگی می کنند صلح کرد^۳».

یک چالش دیگر از جانب « مائوریس اف. استرانگ^۴ » ، دبیر کل کنفرانس سازمان ملل در محیط زیست و توسعه که در « ریو د ژانیرو » در ۱۹۹۲ برگزار شده بود مطرح شده و او درخواست می کرد: « نیاز به یک انقلاب طبیعت و محیط زیستی است که بتواند جهان را به یک راه جدید و یک آینده مطمئن تر ، قابل تحمل تر و متساوی تر هدایت کند » (دستور جلسه ۲۱). درخواست به اجرای کنفرانس؛ رعایت کردن آن « جنگ ویران کننده هر گونه توسعه است » (اصل ۲۴) ؛ و « صلح و توسعه و حمایت از طبیعت به هم پیوسته و تفکیک ناپذیرند » (اصل ۲۵). درخواست و تقاضا ها برای problem-solving به کشور ها، دولت ها، شهروندان، زنان و جوانان و بومیان فرستاده شده اند. همچنین به ارتش ها، صنعت نظامی ، شرکت ها و سندیکا ها و دانشمندان علوم سیاسی نیز فرستاده شده اند.

مانند دیگر تهدید ها و خطرات برای بقا و رفاه همگانی ، مشکلات اکولوژیست، پیچیده، متفاوت و جهانی هستند. منابع و ذخایر علوم سیاسی برای کمک کردن در تنظیم و اجرای سیاست عمومی به اجرای آن در چشم انداز دوری از کشتار نیاز دارند. هدف علمی، مشخص کردن اولویت تهدید های محیطی است که احتیاج به اقدام فوری دارد، کدام معضلات نیاز به پژوهش فوری دارد، و ارجحیت آنها کدام است؟ و همچنین چگونه نشان دادن شناخت علمی در پروسه هایی است که در آنها پاسخ گوی عملکرد تصمیم گیری اجتماعی است. یک روش از طریق « آکادمی سلطنتی علمی سوئد^۵ » عرضه شده است.

^۲ Art. 1, Sect. 5

^۱ Commoner 1990: 243

^۳ "To make peace with the planet, we must make peace among the people who live in it"

^۴ Maurice F. Strong, Secretary-General of the major United Nations Conference on Environment and Development held in Rio de Janeiro in 1992

^۵ Royal Swedish Academy of Sciences (1983; Sebek 1983).

علوم سیاسی بدون کشتار مستلزم توجه داشتن و حمایت کردن از فرد، سازمانها و جنبش های اجتماعی است که در اجرای *problem solving* بدون خشونت در زمینه محیط زیست و جنبش های اکولوژیست بدون خشونت معاصر فعال هستند و دامنه گسترده ای دارند، و شامل گروه های متفاوتی می شوند. از زمانی که با جنبش هندی چپیکو، درختان را نجات می دهند گرفته تا تلاش برای تغییر سیاست دولتی و غیر دولتی صلح سبز و یا رویش جنبش محیط زیستی و یک حزب سیاسی سبز ها .

ارثیه به جا مانده از (پترا کلی ۱۹۹۲-۱۹۴۷) ، یکی از بنیان گذاران *problem-solving* حزب سبز ها « عرضه کننده یک دستور کار برای *problem-solving* برای قرن بیستم است . درخواست او دربرگیرنده هر موضوع و مطلب انتقادی است، از خلع سلاح گرفته تا اقتصاد، از حقوق بشر گرفته تا همکاری در سطح جهانی برای نجات کره زمین. او یک « فرهنگ جهانی مسئولیت پذیری اکولوژیک» را برای ایجاد « پرنسیپ هایی که متحد کننده و ایجاد کننده روابطی در مقابل اکولوژیک در بین تمام کشور ها است» درخواست می کند. پترا کلی مانند تولستوی، گاندی، عبدالغفار خان و مارتین لوترکینگ، سزاوار این است که در حال مورد توجه قرار گیرد و در آینده مانند دیگر اشخاص بزرگ و مهمی که در تغییر جهانی بدون خشونت در قرن بیستم و دورتر سهم داشتند، شناخته شود.

دوری از کشتار و همکاری در *problem-solving*

یک هدف اساسی ، حمایت کردن از پروسه های *problem-solving* ، صلح طلبی در تمام سطوح، از فردی گرفته تا در سطح جامعه جهانی است. نه امنیت ، نه رفاه اقتصادی ، نه احترام به حقوق بشر، نه قابلیت بوم شناختی و نه دیگر شرایط می توانند بدون همکاری بین آنهایی که نیاز به کمکشان است، به هدف برسند. این بدان معنی نیست که علوم سیاسی هر مشکلی را حل می کند اما آنها نسبتاً مسئولیت حمایت در پروسه های همکاری در *problem-solving* را قبول می کنند ؛ و این عمل به استبداد ختم نمی شود زیرا حتی آشوب طلبان نیز برای رهایشان ، همکاری و احترام دوجانبه از دیگر آشوب طلبان را درخواست می کنند. روش و دیدگاه دوری از کشتار مستلزم تغییر در سیاست برگرفته از جنگ و رقابت برای سلطه با خشونت و یا خشونت نهفته مانند آخرین قاضی است. سیاست دوری از کشتار همچنین نیاز به وسعت بخشیدن محیط همکاری *problem-solving* دارد که نشان از احترام به زندگی است . در حالی که خشونت تسلط می یابد و تقسیم می کند ، دوری از کشتار باعث همکاری و اتحاد می شود. به این صورت علوم

سیاسی دور از کشتار به دنبال اعمال همکاری بین زنان و مردان، مذاهب، فرهنگ ها، نژاد ها، قومیت ها، طبقه ها، جوامع، کشور ها و سازمان های دولتی و بین المللی و جنبش های جهانی است. برای رفاه همگانی، هدف برطرف کردن معضلات، از طریق دوری از کشتار و تهدید کردن به کشتن است. افزایش انگیزه حرفه ای در تئوری و کاربردی حل اختلافات از طریق گفتگو، در اختیار قرار دادن منابع مهم را آسان تر می کند^۱.

بنابر پژوهش های انجام شده، علوم سیاسی بدون کشتار در حمایت کردن و سوق دادن به سمت جامعه بدون کشتار در کشور ها و جوامع اجتماعی که به خشونت شناخته شده اند، تلاش می کند. آنها پیشرفت تاریخی توسعه دموکراتیک توصیف شده از جانب بعضی سیستم های سیاسی مدرن را به رسمیت می شناسند، اما به دنبال راه حل هایی برای معضلات خشونت معاصر و بنیادی هستند که سیاست های آزاد و بازار های آزاد به تنهایی آن را رفع نمی کنند. علوم سیاسی بدون کشتار ارزش قوانین اساسی که از جانب شهروندان برای محدود کردن قدرت استبدادی و مطلق طراحی شده است را به رسمیت می شناسد؛ تدارک قوانین در حقوق شهروندی برای تامین آزادی شهروندان؛ سودمندی؛ نهاد هایی برای بررسی و تعادل و تفکیک قدرت مجریه، مقننه و قضائیه، جابجایی رقابت های حزبی با جنگ داخلی؛ خدمات حرفه ای و تاسیسات اداری؛ آزادی مذهب؛ آزادی مطبوعات و آزادی بیان؛ آزادی رای و انتخابات^۲. همچنین آنها جایگزین های را برای قدرت نظامی خشونت بار پلیس که از خشونت برای برقراری و حفظ خودشان استفاده می کنند را به رسمیت می شناسند.

یک روش دوری از کشتار، نشانه هایی از عدم کار سیستم و شکست در جوابگو بودن به احتیاجات انسانها، حتی در دموکراسی های پیشرفته، است که به خشونت فیزیکی و اساسی ناشی می شود. برای یادآوری کردن از نگرانی های معاصر می توان از ایالت متحده آمریکا به عنوان مثال یاد کرد: خشونت و قتل در خانواده ها و مدارس؛ یاس و ناامیدی جوانان که در دسته ها و گروه های جنایتکاران منعکس می شود؛ استفاده از مواد مخدر و خودکشی؛ افزایش بیزاری از سیاست؛ عدم اعتماد به سیاست و دولت که در شرکت در رای گیری نشان داده می شود؛ اصراف هزینه های عظیمی برای قدرت نظامی؛ ۲۰ درصد جمعیت از فقر غذایی شامل شده، بهداشت، مسکن، آموزش و پرورش، از هم پاشی دگی خانوادگی؛ سرقت مسلح؛ ارتکاب جنایت

۱ (Fisher and Ury 1981; Burton 1996).

۲ (Finer 1997; Goldman 1990).

به علت تنفر؛ تبعیض نژادی و دینی؛ یک طبقه مرفه که احتمالا ۲۰ درصد ثروت را تشکیل می دهند و یک طبقه متوسط که به دنبال امنیت هستند و این امنیت را که از طریق پلیس بیشتر، افزایش زندان ها و تنبیهات سختتر و قدرت نظامی ایجاد می کنند که هر کدام دربرگیرنده فرهنگ خشن است. کشور هایی که کمتر ویژگی های دموکراسی و جامعه مدنی را دارند حتی بیشتر از خشونت رنج می برند زیرا وابسته به دولت های مستبد هستند که از خشونت و فقر اقتصادی برای قدرتشان استفاده می کنند. از جمله می توان از شکنجه، قتل های انتخاباتی، نسل کشی، قوم کشی، اخاذی مسلح، تروریسم، مبارزه مسلح و کشتگان دسته جمعی در نتیجه فقر اقتصادی ایجاد شده از جانب دولت نام برد.

علوم سیاسی بدون کشتار در جریان ها و پروسه های بهتر کردن در جواب احتیاجات انسانها با و در جوامعی که تقریبا دموکراتیک هستند سهم مهمی دارد. چالش خلاقیت علمی و انسانی بسیار زیاد است. در عین حال حتی در تغییر پروسه های سازنده از طریق آموزش روش های دوری از کشتار و دادن اطلاعات نوین در مورد قدرت انسان در نکشتن، ایجاد توانایی های نوین در نکشتن و آموزش دوری از کشتار برای رهبران و شهروندان دموکراتیک، شرکت کردن در آموزش های سیاسی و توسعه نهاد های نوین برای problem-solving غیر مرگبار سهم مهمی دارد. برای تامین این تغییرات علوم سیاسی باید یک نقطه ای را به عنوان نقطه آغاز برای دوری از کشتار مشخص کند. آنها باید آماده جوابگویی در سطح سازمانی برای احتیاجات انسانها که مورد نظر گرفته شده است از فرد گرفته شده تا خانواده و سیاست جهانی.

فصل ۵

معنای ضمنی و استنباطی سازمان

آن چیزی را که ما نهاد و یا سازمان می نامیم ، گاهی اوقات چیزی نیست به غیر از سازمانهایی که به آن عادت کرده ایم و... در مورد ساختار اجتماعی زمینه امکانات خیلی وسیع تراز آن است نسبت به آن چیزی که افراد تصور می کنند.

«الکس توکویل»

مشکلات و مسائلی که زندگی را در زمین تهدید می کنند محصول همگان است و اثرش نیز بر همه خواهد بود و باید به صورت دسته جمعی با آن مبارزه کرد.

« پترا کلی »

کدام عوامل باعث یک جابجایی اخلاقی- علمی در علوم سیاسی دوری از کشتار شده است؟ و چه چیزی را برای آنها می کند که آن را اجرا می کنند مستلزم می سازد؟ و باعث ارتباط آنها با دیگر دانش ها و نهاد های متفاوت از کوچک گرفته تا بزرگ می شود؟ سازمانها از روابط اجتماعی در جواب به نیاز ها و احتیاجات انسان ها تشکیل شده اند.

تاریخ تمدن در سطح وسیع ، تاریخ نوآوری سازمانها و نهاد ها است. از نیاز به یک جامعه متحد، مذاهب مختلف به وجود می آیند . از نیاز به شرکت در سیاست حزب ها و انتخابات و پارلمان ها به وجود می آیند. از نیاز به کنترل و نظم در جامعه، پلیس و دادگاه ها و زندان ها به وجود می آیند. از هدف مبارزه در جنگ قدرت، تکنولوژی برای مبارزه در زمین، دریا و هوا به وجود می آیند. از نیاز به جمع آوری مالیات برای حمایت کردن از ارتش

ها و هدف های دولت بوروکراسی به وجود می آید^۱. برای به وجود آوردن بمب اتم ذخایر ملی صرف پروژهایمانند منتهن می شوند. برای فراهم ساختن سفر «شاهزاده هنری دریانورد» در قرن ۱۵ و پروژه آپولو برای بردن انسان به ماه در قرن بیستم و همچنین کشف در دنیای ناشناخته نیاز به علم، تکنولوژی، مهارت، منابع و ذخایر است.

چه نوع تغییرات سازمانی برای علوم سیاسی نیاز است تا اینکه آنها در حرکت به سوی جوامع جهانی بدون کشتار سهیم باشند؟ پیگیری هدفمند شرایط دوری از کشتار در زندگی جهانی، حاکی از تغییرات سازمانی است، به طوری که در ارتباطات معاصر و اطلاعات تکنولوژی نافذ است. دورنمای دوری از کشتار شاید در یک ساختار قدیمی جذب شده است، همانگونه که در تلاش برای گنجاندن مباحثی چون علوم سیاسی، نژادی، جنسی و طبقاتی و طبیعی را در بین مهارت های علوم سیاسی رخ می دهد. از طرف دیگر، دیدگاه نوین دوری از کشتار می تواند باعث ترمیم و یا ساخت دوباره سیستم قدیمی شود، ایجاد سازمان های موازی و قرینه ای انتقالی، و به وجود آوردن سازمانهای نوین و نهادهایی مرکب که هر نوع نیرو برای ایجاد تغییر اساسی در دوری از کشتار را مرتبط می کنند.

جدی گرفتن امکان به وجود آوردن یک جامعه بدون کشتار نیاز به تشکیل نهادهایی دارد که خود را وقف کشف نقطه نظر محققان و پژوهشگران دوری از کشتار کند؛ نیاز به *problem-solving* دارد که زندگی را تأیید کند؛ و همچنین نیاز به امنیت دوری از کشتار برای ایجاد خدمات برای رفاه بدون خشونت در هر زمینه جامعه دارد.

همان طور که دموکراسی ها متشکل از افرادی هستند که آن را می شناسند و از آن حمایت می کنند و می دانند که چگونه آن را تنظیم کنند و هدفشان پیشبرد آن است، به همان شکل جوامع و تشکیلات دوری از کشتار از طریق انسانهایی به وجود آمده اند که از اصل نکشتن حمایت می کنند. به همین گونه نیز در علوم سیاسی اتفاق می افتد. راه های مختلفی برای آگاهی اصل دوری از کشتار وجود دارد. تولد، هوش و درک، آسیب، دلسوزی، آنالیز سود و زیان، شبیه سازی و عبادت، همگی راه هایی برای شناخت و عملی کردن دوری از کشتار هستند. تعداد زیادی شواهد معاصر و تاریخی از قدرت انسانها در تلاش در نکشتن وجود دارد که باید به ما برای کشف در تغییر در توانایی هایمان شهامت و قوت قلب بدهد.

^۱ (Finer 1997: 16-17, 20-21).

یک سازمان دوری از کشتار برای علوم سیاسی

روح و جوهر نکشتن نیاز به برانگیخته شدن دارد. در هر تخصص، حوزه و انجمن علوم سیاسی، یک سازمان دوری از کشتار، مانند یک نمونه آزمایشی برای بازسازی طرح و سازمان های موجود و همچنین برای ایجاد سازمان های نوین در دانشگاه های ایجاد شده در سطح جهانی وجود دارد.

این سازمان و شعبه با یک هدف مشترک حرکت می کند: حذف کشتار، حذف تهدید به کشتار و هر چیزی که برای زندگی جهانی خطرناک و مهلک باشد؛ و این با دیگر سازمانها که از دموکراسی لیبرال بنا شده بر خشونت و یا نظم استبدادی بنا شده بر خشونت حمایت می کنند تفاوت دارد. سازمان دوری از کشتار اصل و ارزشهایی بیشتر از دیگران ندارد فقط اصول متفاوتی دارد.

با فرض این پیشرفت در فراگیری، از یادگیری با شروع از دوره های اولیه تا سطح دکترا، سازمان برای ایجاد توانایی و مهارت لازم برای ایجاد و تشکیل یک جامعه بدون کشتار تلاش می کند. چهار مهارت مهم هستند: پژوهش، آموزش و پرورش، عمل و انعکاس انتقادی بیان شده از طریق وسایل ارتباط جمعی و در هر روز زندگی.

دانشجویانی که دوران تحصیل خود را شروع می کنند با ارثیه ای به جا مانده از کشتار و هلاکت تاریخ بشری مواجه می شوند و مانند دانشمندان علوم سیاسی و نخبگان و رهبرانی که در خدمت شهروندان هستند، برای تلاش برای به عهده گرفتن از میان برداشتن کشتار از زندگی بشر دعوت می شوند. آنها در شرایطی قرار داده می شوند که از طریق فهم و درک قدرت خلاقیت بشری به این هدف برسند، تا زمانی که خود را در نوآوری سیاسی و عمر خود را برای خدمت برای صلح و بالا بردن شان انسانی در هر جای زندگی اجتماعی اختصاص می دهند^۱.

قدم بعدی، بازبینی دوباره چالش های معاصر بیشتر، در تلاش برای problem-solving (خشونت، اقتصاد، حقوق بشر، محیط زیست و همکاری)، سازمان های معاصر و پروسه های در سطح محلی، ملی و جهانی است و همچنین شناخت وابسته به آنالیز دوری از کشتار و پرنسیپ عمل هایی که در تصمیم های حاضر برای ایجاد یک آینده بدون کشتار سهم دارند.

۱ (Josephson 1985).

گام بعدی، دادن فرصت به دانشجویان است برای کشف آلترناتیو های متفاوت ولی به هم وابسته در تلاش برای problem-solving و همچنین خدمت به جامعه که به آزمایش و تطبیق منافع و استعداد ها امکان می دهد. این هدف ایجاد توانایی و مهارت هایی را برای پژوهش، آموزش و یادگیری ، عملکرد شهروندان و رهبران سیاسی و ارزش یابی سیاست می طلبد ؛ و همچنین توانایی برای شایستگی ها و منافع چند گانه را نمی کند ، اما قبول دارد که هر ۴ نوع تلاش برای آسان کردن تغییرات اجتماعی بدون خشونت باید به صورت دقیق دنبال شوند. همچنین نیاز است به شناخت و همکاری بین صلاحیت هایی که از همدیگر حمایت می کنند ، همان گونه که در بین پیشه وران در دهکده ها و در مسابقات قهرمانی ورزشی اتفاق می افتد.

با چنین آمادگی ، قدم بعدی ، رسیدن به پروژه های فردی و گروهی است برای به کارگیری استعدادهای خاص در پژوهش ، آموزش، در عمل و در اندیشه های انتقادی . برای ایجاد آلترناتیو هایی برای خشونت فیزیکی ، خشونت ساختاری، خشونت های حقوق بشر ، از بین بردن طبیعت و کسانی که از خشونت استفاده می کنند و از همکاری برای problem-solving جلوگیری می کنند. این پروژه ها می توانند نسبت به شرایط محلی، ملی، بین المللی و جهانی پیش برده شوند. نتیجه این پروژه ها مانند پایان نامه های دانشگاهی معرفی شده و سهم مهمی در بانک حافظه اداری و در سایت و در دنیای اینترنت برای همکاری و کمک برای پروسه های تصمیم گیری در سطح فردی و در جامعه خواهند داشت.

فارق التحصیلان با در اختیار قرار دادن خود در خدمت علوم و جامعه حقوقی وارد شغل و حرفه های نوین می شوند. آنها می توانند در سطح پیشرفته با برنامه هایی مربوط به فوق لیسانس و دکترا در علوم سیاسی دور از کشتار آموزش ببینند و با تحقیق در زمینه های موجود و جستجو و پژوهش در دیگر حوزه ها و موضوعات، زمینه های نوینی را برای تحقیق در علوم سیاسی به وجود آورند(ضمیمه ۲ و ۳) .

سازمان و حوزه دوری از کشتار صریحاً در جهت خدمت و کار و حرفه است. یک مشخصه ، پیشرفت در شناخت و مهارت از سطح مقدماتی گرفته تا دکترا است. دانشگاه ها و شرکت کنندگان در دوره لیسانس گرو های نوینی را می سازند که در سطح های متفاوت برای پیدا کردن آلترناتیو هایی از problem-solving تلاش می کنند. دانشگاه ها به وضوح به دنبال آسان کردن روابط حمایت دوجانبه بین یافته های نوین و استفاده آن در آموزش و پرورش و کاربرد آن در problem-solving برای جامعه هستند. از طریق بحث ها و روش های راه حل درگیری ها ، آنها به دنبال نمونه سازی به صورت پیشرفته برای به وجود آوردن ویژگی ها و مشخصات یک جامعه

بدون کشتار هستند. در داخل و مرکز جوامع بدون کشتار یک فرهنگ برابری جنسیت بین زنان و مردان به وجود آمده است که مورد احترام است. واکنش‌های دوره‌ای در مورد حرفه و شغل فارق‌التحصیلان برای پیدا کردن احتیاجات نوین برای پژوهش و برای پیشنهاد کردن وجود دارند که دانشجویان را برای شرایط پیش‌بینی نشده آماده می‌کند. رهبران باتجربه جامعه و همکاران دیگر دروس، گاهی اوقات با میتینگ‌ها و جلسات ثابت، در خلاقیت دانشگاهی سهم دارند. از آنجایی که شناخت و مهارت دوری از کشتار جهانی هستند، دانشگاه‌ها باید سعی در به کارگیری استعداد‌های دیگر دانشگاهیان کشورها و تجارب متفاوت از طریق مشارکت مستقیم و سیستم‌های کامپیوتری و تکنولوژی جدید کنند. جوامع در مقطع محلی مشکلاتی را که در رفاه جهانی اثر گذار هستند مقایسه می‌کنند.

دانشگاه شانتی سنا (سپاه صلح)

گذر به سوی یک جامعه بدون کشتار، برای خدمت به جامعه، ایجاد گروه‌های دانشجویی بدون خشونت را، به عنوان یک آلترناتیو و جایگزین برای آموزش نظامی ایجاب می‌کند. اکثر دانشگاه‌ها و کالج‌های مختلف دنیا آن را درخواست می‌کنند و می‌توان مسئولیت رهبری را به عهده مرکز و دانشگاه علوم سیاسی باشد اما اعضای آن از دیگر دانشگاه‌ها و دیگر رشته‌ها هم می‌تواند باشد.

شانتی سنا^۱، یک نیرو و یگان نظم داده شده و شناخته شده است که اعضایش برای حل اختلافات بدون خشونت در برابر خشونت و جنگ و برای صلح، امنیت اجتماع و دفاع حقوقی، برای نجات زندگی در سطح پیرایشکی، در زمان فجایع و سوانح طبیعی و غیره، و برای خدمت‌سازنده در جواب احتیاجات جامعه، آموزش داده می‌شوند. شانتی سنا موازی و کامل‌کننده دروس دانشگاهی است، که به این شکل مهارت‌های رهبران را پرورش می‌دهد. شانتی سنا از تمام اعتقادات ایجاد شده از مذاهب، از احساس نیروی حیات ایجاد شده از موسیقی و هنر، از نیروی ورزش و خشنودی از خدمت کردن به دیگران، الهام می‌گیرد و می‌تواند در زمان‌های بحرانی در داخل و خارج محوطه دانشگاهی خدمت کند و همچنین یک گروه منتخب از افرادی با روحیه رهبری را آماده کرده و در اختیار دیگر سازمانها قرار دهد. آنها می‌توانند مانند آموزش‌های نظامی، حمایت مالی شوند. این می‌تواند به صورت یک آموزش قبل از دانشگاه تطبیق داده شود.

^۱ The Shanti Sena

یک منبع با ارزش تجربه عملی برای تشکیل دادن یکی از سازمان های آموزشی شانتی سنا توسط پرفسور « رادهاکریشان»^۱ در دانشگاه گاندی در هند عرضه شده است. به این می توان آموزش و تجربه عملی « بندگان خدا»^۲، که یک گروه متشکل از مسلمانان آزادی خواه بدون خشونت هستند که در هند از (۱۹۴۷-۱۹۳۰)^۳ فعالیت می کردند و همچنین جنبش « کین گیان»^۴ برای تغییر برای جامعه بدون خشونت^۵ و همچنین دیگر تجارب آموزش های بدون کشتار را اضافه کرد.

دانشگاه بدون کشتار و دور از کشتار

گذر به سوی جامعه به دور از کشتار مستلزم آگاهی و مهارت است که ماورای توان هر نوع رشته و دانشگاه است. بنابراین تغییر شکل دوری از کشتار در علوم سیاسی به معنی دعوت به جواب دادن به توان شرکت در تمام علوم اجتماعی، طبیعی، انسانی و حرفه ای است. آن مستلزم این است که تمام دانشگاه ها برای خدمت در دوری از کشتار برای حیات جوامع محلی، ملی، بین المللی و جهانی سهم داشته باشند.

دانشگاه ها نشان دادند که قادر به بسیج کردن تمام نیروهای روشنفکر و انسانی برای مرگ آوری در جنگ هستند. رئیس دانشگاه هاروارد « جیمز بی. کونانت»^۶ در ۱۸ جون ۱۹۴۲ اعلام کرد: « در این زمان منابع و مدارک گروهی از دانشگاهیان و پژوهش گران و محققان را برای سرعت بخشیدن به فرا رسیدن روزی که در آن قدرتمندان جهان بدون هیچ مقاومتی تسلیم می شوند، اختصاص می دهیم ». دانشگاه هاروارد از آن هنگام معروف شد به « زرادخانه کونانت»^۷، برای اینکه برای مبارزه با جنگ تلاش می کرد. دانشجویان فیزیک هاروارد، برای کار در پروژه های مخفی ساخت بمب اتم در « لوس آلاموس، نیو مکزیکو» استخدام می شدند. همان گونه که یکی از آنها بازگو می کند: « از بعضی جهات مانند یک نمونه کامل و ایده ال علمی بود، یک جامعه باز و مدرن متشکل از بهترین

^۱ Radhakrishnan 1997a; 1997b).

^۲ Khudai Khidmatgars (Servants of God),

^۳ Banerjee 2000: 73-102),

^۴ Kingian

^۵ (LaFayette and Jehnsen 1995; 1996)

^۶ James B. Conant

^۷ Conant's Arsenal"

مغزها که ایده‌های خود را با دیگران بدون محدودیت سن، تجربه آکادمیک و یا هر موفقیت دیگری مبادله می‌کردند.^۲ آیا دانشگاه‌ها، چه قدیمی و چه نوین نباید هدف خود را نابودی جنگ و تمام نمونه‌های مهلک بودن را که رفاه و بقای بشر را تهدید می‌کنند، قرار دهند؟ اگر نه و بیزاری دانشگاه‌ها که این چنین برنامه و سازمانی را در «تحقیق در باره صلح» مطرح می‌کنند، «دوری از کشتار» را مانند یک موضوع اساسی و مرکزی در برنامه‌های مولتی‌میلیونری در دنیای دانشگاهی در «اخلاقیات» و «ارزشها» در بر می‌گیرند، یک مبنایی است که می‌توان آینده پیشرفت در دوری از کشتار را در تحصیلات دانشگاهی از آن اندازه گرفت.

احزاب دوری از کشتار

علوم سیاسی اجرا شده در دوری از کشتار در جواب به احتیاجات اجتماعی برای رفاه همگانی در *problem-solving* نیاز به واکنشی از جانب احزاب سیاسی به دور از کشتار دارند. یک اصطلاح برای این احزاب به دور از کشتار می‌تواند «آهیزما سارودایا» (رفاه بی خشونت برای رفاه همگانی)^۲ باشد. این گونه احزاب به صورت خیلی خلاق و متفاوت، در مفهوم، در اسم، در سازمان دهی و در فعالیت آنها نسبت به شرایطی خاص فرهنگی-اجتماعی به وجود می‌آیند.

هدف احزاب به دور از کشتار سهم داشتن در ایجاد یک جامعه بدون کشتار در سطح محلی و جهانی است. تفاوت آنها با دیگر احزاب گذشته در این است که آنها بر اساس کلاس و طبقه ایجاد نشده اند، بلکه در جمع کردن و به هم پیوستن و رفع کردن احتیاجات همگان تلاش می‌کنند، از این جهت که هر کدام از نبود مهلک و مرگبار بودن و از نبود کشتار و وجود آزادی، عدالت، رفاه مالی، بهره می‌برند. در آینده می‌توان حزب‌های مختلفی را که در اصول و پرنسیپ‌های دوری از کشتار با یکدیگر رقابت می‌کنند به وجود آورد.

سهم مهم احزاب سیاسی در دوری از کشتار در انتخابات، در تصمیمات سیاسی عمومی و در دیگر فعالیت‌ها، که دقیقاً از ممانعت و تحریم‌گاندی در برابر سهم مستقیم در سیاست حرکت می‌کند، پیشبینی شده است. آخرین سفارش و نصیحت‌گاندی به کارکنان در راه دوری از خشونت در دسامبر

^۲ ahimsa sarvodaya party (ahimsa, nonviolence; sarvodaya, well-being of all).

۱۹۴۷ این بود که از سیاست دوری کنند زیرا سیاست فاسد است^۲. در عوض آنهایی که برای ساختن یک جامعه بدون خشونت تلاش می کنند باید، با تأثیر گذاری بر سیاسیون و سیاست، در داخل جوامع مدنی و در بین مردمی که بیشتر احتیاج دارند تلاش کنند. مسلماً این به معنی اجازه دادن به دیگر افراد برای رشوه خواری و یا تصمیم گیری در خرج مالیات های میلیونی و دیگر اشکال زندگی مدنی و اجتماعی که جنگ، امنیت، غذا، لباس، محل سکونت، سلامت، آموزش، اقتصاد، فرهنگ، و محیط زیست را در برمی گیرد، نیست، در حالی که فعالان به دور از خشونت و همراهان آنها به دنبال تأثیر گذاری بر رشوه خواران و حامیان آنها برای انجام کار های مثبت هستند. اگر چه دوراندیشی گاندی تذکر سیاسی نشدن را همراهی می کرد: "اما مقام می تواند ناشی از این شود که انسانها خودشان را قادر حس می کنند و ادعا دارند که مردم فقط او را برای اداره امور می خواهند و نه دیگری را. پس در این هنگام می توان در آن تجدید نظر کرد".

احزاب سیاسی به دور از کشتار، سازمان های استدلالی و منطقی برای کمک به پیش بردن تغییرات اجتماعی به دور از کشتار هستند. مسلماً شرایط مناسب برای رشد آنها از نظر سطحی تفاوت خواهند داشت. به طور حتم از آنجایی که احزاب، انتخابات و ارگان های معرف از نظر اجتماعی مورد قبول واقع شده اند آسان نخواهد بود. احزاب سیاسی به دور از کشتار می توانند در مبارزات برای فداکاری و برای سهم داشتن در پروسه و سیاست هایی که جوابگوی احتیاجات همگان هستند سهم داشته باشند. در نظر گرفتن تعداد معدودی از مطالب نشان داده شده در بین مشکلات ایجاد شده از اهداف برای کسب دانش و توانایی جدید و سازمان دهی و سیاست های نوین، عملکرد موثر problem-solving را نشان می دهد. در بین آنها موضوعاتی مربوط به سقط جنین، حکم اعدام، نظام وظیفه، جنگ، انقلاب های مسلح، تروریسم، نسل کشی، جنایت، خشونت اجتماعی، فرهنگ خشن، خلع سلاح و اقتصاد غیر نظامی است. با این وجود از طریق خلاقیت، جرات، همکاری جهانی و پروسه های یادگیری اجتماعی می توان به پیشرفت رسید.

سازمان های عمومی به دور از خشونت

در هر سطح و طبقه ای از دولت، نیاز به سازمان ها و مراکز خدمات همگانی به دور از خشونت با مسئولیت هیئت دولت است. هدف آنها نظارت

۲ (Collected Works 90: 223-4).

کردن بر شرایط جامعه مربوط به دلایل و منطق آنالیز سیاسی دوری از کشتار، آموزش برای هدایت حرفه ای برای پیشگیری و توانبخشی قابل تغییر بعد از کشتار و برای مشاوره و رایزنی در مورد سیاست عمومی که رفاه جوامع بدون کشتار را آسانتر خواهند کرد است. از آنجایی که شرایط خشونت به طور نافذی بر کیفیت زندگی جامعه اثر خواهد داشت، توجه خدمات همگانی در برابر آنها، استحقاق و شایستگی کمتری نسبت به طبیعت شهری و عرضه آب تمیز، ندارد.

یک سازمان برای دوری از خشونت آمارهایی را درباره خشونت و پیشنهادات برای چگونه برطرف کردن این عملکرد های خشن از تمام منابع عمومی و خصوصی جمع آوری خواهد کرد. این سازمان گزارش های دوره ای در مورد چگونگی پیشبرد کارها با پیشنهادات در مورد سیاست دوری از کشتار برای کسانی که در دولت ها و افراد جامعه مدنی قدرت تصمیم گیری دارند، در نقش یک نماینده، برای کنترل مستقل را، به وجود خواهد آورد. در بین زمینه های لازم که باید مورد توجه قرار گیرد می توان از: خودکشی؛ خشونت خانوادگی (در برابر زنان، کودکان، افراد مسن و در بین زوجین)؛ خشونت در مدارس؛ خشونت در محل کار؛ جنایت های گروهی؛ خشونت پلیس؛ خشونت در زندان؛ خشونت در وسایل ارتباط جمعی؛ خشونت نظامی؛ خشونت شبه نظامیان و چریک ها؛ اثر استرس بعد از وقوع قتل بر قاتل، خانواده اش و خانواده قربانیان و در وجدان عمومی جامعه نام برد. این گزارش ها باید قدرت و ضعف را در توانایی ها در تبدیل خشونت به دوری از خشونت و دادن پیشنهاد و راه حل هایی برای عملکرد *problem-solving* تاکید کنند. پیشرفت آنها نباید اهمیت کمتری نسبت به نوسانات در بازارهای بورس، در مسابقات ورزشی و یا هواشناسی داشته باشد.

اشتراک برای امنیت دوری از کشتار

گذر به سمت یک جامعه به دور از کشتار، نیروهای امنیتی مشترک برای دوری از کشتار مانند پلیس و ارتش برای خدمات امنیتی و انسانی در زمین، دریا، هوا را می طلبد. این گونه نیروها برای عملکرد پیشگیرانه، برای مدیریت و کاردانی شرایط بحرانی و برای بازسازی و ارزیابی و سنجش بعد از عملیات تعلیم دیده می شوند. رهبری و فرماندهی می تواند از تبدیل آکادمی های نظامی و پلیس موجود و یا آگاهی های نوین ایجاد شود. برای خدمات بدون خشونت و در مکانی که همگان می توانند یک آموزش کامل ببینند، که می تواند شامل رشته های خاص برای اهداف خاصی باشد. شانتی سنا در دانشگاه ها می تواند یک منبع دیگر از رهبری و مدیریت باشد.

نظر به جریان روند ، وقایع در بعضی تشکیلات نظامی و پلیس در برابر پیشگیری و ممانعت از خشونت دورنما و انتظار توسعه و گسترش نیروهای مشترک بدون خشونت نباید دلسرد کننده و مایوس کننده باشد. باید آموزش های لازم در عملیات نیرو های صلح و کمک و امداد رسانی ، تحقیق در مفید و سودمند بودن اسلحه های غیر کشنده و قدرت پذیرش آموزش بدون کشتار برای روش هایی برای حل تعارض فراهم کرد.

امنیت مشترک بدون خشونت مستلزم تلاش از جانب تمام مردم در سطح محلی، ملی و بین المللی است. این می تواند از سازمان دهی دوره های مطالعه و تحقیق درباره دوری از خشونت و از شانتی سنا مدنی آسان تر باشد. می توان در محل سکونت، مدارس، مکان های مذهبی، مکان های کار به وجود آورد. در خیلی زمینه ها مدل هایی مناسب برای سازمان دهی محلی شهروندان وجود دارد.

امنیت به دور از خشونت همچنین پیشنهاداتی را برای امنیت بدون خشونت برای همه و سرویس های اطلاعاتی بدون خشونت در سطح ملی و بین المللی مانند رایزنی فرهنگی بدون خشونت در سازمان های دیپلماتیک را می پذیرد. برای امنیت بدون خشونت و عرضه کردن آلترناتیو های سیاسی برای دولت هایی که از خشونت استفاده می کنند و همچنین برای هم پیمانانشان نیاز به پیشنهاد و نصیحت است. یک پیشنهاد برای امنیت جهانی مشترک بدون خشونت در سطح سازمان ملل ، به عنوان مثال ، می تواند از کشور هایی که کمترین هلاکت و مرگباری را دارند شکل بگیرد: در نتیجه دولت هایی بدون سلاح اتمی، بدون ارتش، بدون تنبیه و حکم اعدام، با کمترین درصد قتل و جنایت و بدون خرید و فروش اسلحه و غیره. برای نشان دادن تمامی اشکال و فرم های تهدید به کشتار و شناساندن توان برای جبران و تعدیل برای تغییرات عمومی و خصوصی ، نیاز به آژانس های اطلاعاتی بدون خشونت و همچنین رسانه های گروهی تحقیقی و مراقبت از شهروندان است. در سازمان های دیپلماتیک نیاز به متخصصین دوری از خشونت همانند وابستگی نظامی و یا متصدیان مسئول برای روابط اقتصادی است. رایزنی های فرهنگی دور از خشونت به دنبال ساختن روابطی بر اساس کشف ، آموزش دوجانبه و همکاری بین تمام نیرو های فعال در دوری از خشونت در میهن و در کشور های میزبان هستند. توان جهانی اینترنت به تقسیم کردن ، از جانب شهروندان در سطح جهانی ، اطلاعات در مورد امنیت همگانی با پتانسیل ، ایجاد عملکردهای بدون خشونت شکل گرفته به صورت عمومی که به مشخصات موقعیت بستگی ندارند و عده می دهد.

بهتر کردن توانایی و استعداد برای خدمات همگانی دوری از گشتار در سازماندهی دولتی و خصوصی سازمان‌هایی مناسبتر برای آموزش‌های دور از خشونت را می‌طلبد. شاید در ابتدا می‌تواند مانند زیر مجموعه و بعداً به عنوان مجموعه برابر و یا جایگزین باشد. سازمان‌هایی برای آموزش دوری از خشونت مانند آلترناتیو برای آکادمی‌های جنگ، دانشگاه‌های دفاع ملی، آکادمی نظام وظیفه و پلیس و مدارس امور اداری همگانی مانند دیگر مدارس برای آموزش حرفه‌ای جامعه مدنی که خشونت را قبول می‌کنند لازم هستند.

سازمان‌های جامعه مدنی دور از گشتار

فرصت‌های جوامع مدنی برای سهم داشتن و شرکت کردن در ظهور، نگهداری و حمایت و خلاقیت در جوامع دوری از گشتار بینهایت هستند. بسیاری از سازمان‌ها متمایل به دوری از گشتار تشکیل شده‌اند و می‌توان تصور کرد که زیادتر نیز خواهند شد.

شوراها و انجمن‌های معنوی دوری از گشتار

در هر مرحله از زندگی از تولد گرفته تا مرگ، نیاز به شوراهای معنوی دوری از گشتار برای تثبیت احترام به زندگی است. این انجمن‌های بین‌الادبانی باید از طرفداران و نمایندگان مذهبی و بشردوستانه و از فرقه‌ها و مذاهب متفاوت تشکیل شوند. با شهادت عقاید خود را اظهار کنند و قدرت دوری از گشتار را در رسوم مذهبی خود ملحق کنند. این‌گونه انجمن‌ها برای انجمن‌های عرفی متداول مذهبی و غیر مذهبی که خشونت را توجیه می‌کنند به عنوان آلترناتیو‌هایی هستند که حمایت قابل توجهی را برای تمام تلاش‌های خصوصی و دولتی (محلی، ملی و بین‌المللی) برای از بین بردن هلاکت از شرایط انسانی در دسترس قرار می‌دهد. انجمن‌های معنوی دوری از گشتار، با به یاد آوردن قدرت ذاتی بشردوستانه انسان، می‌توانند سهم مهمی در محکم کردن شناخت دوری از گشتار، در هر شخص و نهاد‌های اجتماعی داشته باشند.

گروه‌های مشاوره دوری از گشتار

یک طرحی از منابع و مدارک جهانی، گروه‌های مشاوره‌ای و انجمن‌های دوری از گشتار برای کمک و یاری در شناسایی آلترناتیو‌های problem-

solving در داخل و بین جوامع لازم است. این گروه‌ها ، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، از طریق ترکیب وظایف خاص معنوی، علمی، مهارتی، سازمانی و دیگر منابع ، خود را برای کمک به همه آنهایی که به دنبال پیشگیری و یا پایان دادن به قتل و عام و همچنین به دنبال به وجود آوردن شرایطی برای ساخت دوباره صلح و آشتی در اختیار این سازمانها قرار می دهند . عملیات این گروه مشاوره ای دوری از کشتار ، به دلیل ترکیبشان با تلاش برای دوری از کشتار و مستقل بودن و وابستگی نداشتن به دولت های خشن و مخالفان و دشمنان مهلک ، از دیگر مذاکره کنندگان عرفی و قراردادی که از تهدید به عملیات مرگبار و یا مجازات اقتصادی و یا تک صداهایی و تحریک های اخلاقی و معنوی پشتیبانی و حمایت می کردند ، متفاوت است. نیاز به سازمان هایی است که به صورت خصوصی قادر به تامین مالی خصوصی هستند و اینکه این سازمانها قادر به تهیه این نوع خدمات مشاورتی با ترکیب تجربه و بهتر کردن تاثیربخشی ، باشند. خدمات بشر دوستانه و حل تعارض ها و اختلافات از طریق «کواکر»^۱ (عضو فرقه مسیحی به نام انجمن دوستان) ، و کمکهای انسان دوستانه، مذهبی، غیر مذهبی عرضه می کنند نمونه های جزیی برای آنچه که نیاز است.

کنسرسیوم *problem-solving* فراملیتی

برای تکمیل آن چیزی که سازمان های سیاسی دوری از کشتار « از بالا به پایین»^۲ نامیده می شود (به عنوان مثال : حزب ها، بخش ها و سازمان های خدمت به جامعه و سازمان هایی برای امنیت عموم) نیاز به کنسرسیوم هایی از « پایین به بالا» است که نیروهای قدرتمند تغییردهنده دوری از کشتار را به وجود آورند. به عنوان مثال می توان از ملل و مردمان بدون نماینده (UNPO) نام برد ، این سازمان بر اتحاد و ائتلاف مردمان با هویت های متمایز بنا شده که به طور واضح در حرکت های غیر خشن برای اثرگذاری در سازمان ملل، دولت ها و دیگر سازمان ها برای شناساندن حقوق بشر همگانی تلاش می کنند. سازمان عفو بین الملل، صلح سبز، جنبش بین المللی برای صلح ، نمونه های دیگری هستند. هدف اصلی این کنسرسیوم حذف کشتار است و آنهایی که در کنسرسیوم دوری از کشتار شرکت می کنند ، نباید لزوماً با تمام موضع گیریهای دیگر اعضا در دیگر مواضع و شرایط

^۱ Quaker: member of the Society of Friends (Protestant Christian sect)

^۲ "top down"

جهانی موافق باشند. نیاز به توسعه این گونه کنسرسیوم ها در داخل و بین قیف کشتار و در داخل عرصه problem-solving در سطح خشونت، اقتصاد، حقوق بشر، محیط زیست و همکاری است. در پی آن باید یک کنسرسیوم قوی شهروندان در سطح جهانی، یک مشارک بین زنان و مردان، مانند یک نیروی رفاه جهانی حاصل شود.

نهادهای آموزشی و تعلیم دوری از کشتار

همچنان که آگاهی تهدید های نافذ خشونت افزایش پیدا می کنند، و تقویت می شوند نیاز به ساختن آلترناتیو های بدون خشونت است. درخواستهای فراوانی برای تعلیم، برای توانایی های رهبری بدون خشونت، برای حل اختلافات و تغییرات اجتماعی بدون خشونت وجود دارد. مربی های تخصصی بر اساس درخواست هایی از جانب سنت ها و رسوم جنبش گاندی، لوترکینگ، بودیست ها و مسیحیان و از جانب رسوم و سنت های غیر مذهبی بدون خشونت در حال افزایش هستند. دامنه احتیاجات از جنبش های شهروندان در مورد عدالت اجتماعی گرفته تا نهاد هایی مانند مدارس، محل کار، پلیس و زندانها ادامه می یابد. در جوامع مدنی، برای تشکیل و ایجاد مدرسان ماهر و برای عرضه آموزش و تعلیم دور از خشونت به شهروندان، نیاز به سازمان هایی است.

تحقیق و مطالعه رهبری دوری از کشتار و مرکز های بهبود و تجدید حیات

نیاز به سازمان هایی است که در آن رهبران سازمان دهنده و جنبش های دوری از کشتار بتوانند برای مدتی برای به دست آوردن انرژی خود و برای تقسیم تجاربشان در آنجا اقامت کنند. گاهی اوقات یک مکث و توقف برای رهبرانی که مشغول و درگیر فعالیت های استرس داری هستند که زندگیشان را به خطر می اندازد و در تغییر جامعه بدون خشونت سهم دارند لازم است.

هر زمانی که رهبران مورد شکنجه قرار گرفتند نیاز به همکاری بین مراکز برای تجدید قوا برای قربانی های شکنجه است. در جهان، مراکز برای رهبران بدون خشونت که می توانند امکانات لازم را برای یافتن انرژی در سطح معنوی و فیزیکی و برای انعکاس زندگی نامه شخصی و برای تحقیق در مورد زندگی نامه نویسی عرضه کنند پراکنده هستند. این مراکز می توانند از طریق خصوصی، سازمان های غیر انتفاعی و دیگر نهادهای فعال در تغییر جامعه بدون کشتار تامین مالی شوند

نیاز به سازمان هایی برای تشویق و دلگرمی خلاقیت دوری از کشتار در داخل و بین هنر ها است. نویسنده سوئیسی « رومین رولاند»^۱ از تولستوی این گونه بازگو می کند:^۲ « هنر باید خشونت را خنثی و متوقف کند و فقط هنر می تواند این را انجام دهد». در یک تحقیق درباره دوری از خشونت « شلی»^۳ در شعر خود این گونه می نویسد: « دوری از خشونت بیشتر و فراتر از یک سیستم تفکر سیاسی است ؛ آن جوهر شعر است و زندگی». یک قاعده کلی هواداران لوترکینگ به اهمیت موزیک مارش نظامی اینگونه تاکید می کند: «اگر یک شعر و ترانه نداری، یک نهضت نداری»^۴.

یک مدل سازمانی با پیروی از مدل های مراکز خصوصی که ضامن و تضمین کننده جوامع خلاق هستند برای هنرمندان و نقاشان، شاعران و نویسندگان وجود دارد که به آنها این امکان را می دهد که از هر نوع الهامی برای تجلیل کردن خلاقیت قابل تغییر دوری از کشتار در جواب هلاکت انسان استفاده کنند. در بین هنر هایی که در آنها خلاقیت دوری از کشتار را می تواند به چالش بکشد، ادبیات، شعر، نقاشی، پیکره سازی، موزیک، رقص، تاتر، فیلم، تلوزیون، عکاسی، معماری، طراحی لباس و هنر های تبلیغاتی و وسایل ارتباط جمعی وجود دارند. یافتن راه هایی عاری از خشونت تمام هنر ها را به چالش می کشد. به عنوان مثال می تواند یک آلترناتیو برای قتل عمد و آدم کشی در مورد قاتلان حرفه ای به وجود آورد که متشکل از کارگاه هایی بدون خشونت باشد که با استعداد و توانایی چشم گیری می توانند از قتل و خودکشی قبل از به وقوع پیوستن آن پیشگیری کنند. خلاقیت همکاری کننده دوری از کشتار بین هنر ها می تواند روح انسان را به سمت تغییر کلی هدف هایی که در برابر خود می یابند بالا ببرد. برای یک شناخت جهانی ، نیکوکاران و افراد خیر باید جوایزی را برای سهم هنرمندان در دوری از کشتار، مانند تشویق و تحسین هایی که به برندگان جوایز نوبل می دهند، در نظر بگیرند.

تحقیق برای دوری از کشتار و سازمان های آنالیز سیاسی

۱ Romain Rolland

۲ (Rolland 1911: 203).

۳ Shelley, Art Young observes,

۴ (Young 1996: 161-184).

همان گونه که سازمان های خصوصی برای مشورت برای دولتها و به طور کلی برای همگان در مطالب و موضوعاتی از سیاست امنیتی بین المللی گرفته تا تمام زمینه های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، را در برمی گیرد به وجود می آیند ، نیاز به سازمان هایی برای سیاست دور از کشتار برای اطلاعات و آنالیز برای کمک کردن در تصمیم گیری جامعه است. آنها می توانند تلاش برای *problem-solving* علوم سیاسی دوری از کشتار را در زمینه های خشونت، اقتصاد، حقوق بشر، طبیعت و همکاری وسعت بدهند و تقویت کنند. آنها می توانند از تلاشهای به کار گرفته شده در شوراها معنوی دوری از کشتار، در حزب ها، در سازمان ها برای امنیت همگانی، در گروه های مشورت و دیگر سازمان های جامعه مدنی همانند دادن اطلاعات لازم به شهروندان حمایت کنند.

وسایل ارتباط جمعی دوری از کشتار

برای دادن اطلاعات، اخبار و تفسیر ها و برای کمک کردن به سیاست تصمیم گیری در سطح فردی و دولتی نیاز به وسایل ارتباط جمعی دوری از کشتار است. این به آن منظور نیست که رسانه ها از قدرت و توانایی انسانها در کشتن چشم پوشی می کنند اما هدف ، انسوی پیغام های قراردادی است که بر اجتناب ناپذیر بودن کشتار و در این که کشتن ستودنی و خوشایند است بنا شده اند. در نتیجه سر مقاله رسانه های دوری از کشتار در دوران گذر و انتقال می تواند منطق آنالیز سیاسی دوری از کشتار را منعکس کند. این نیازمند به وجود آوردن پیغام هایی است که به طور عمیق در حقیقت خشونت تحقیق کنند ؛ پیغام هایی که ما را به شناخت حقیقت های متفاوت دور از خشونت ببرند ؛ پیغام هایی که پروسه های تغییر را به وجود آورند؛ پیام هایی که به خواست ها و آرمان های خلاق در دوری از کشتار در هنر ، علوم ، فرهنگ های باستانی ، حرفه ها و تمایل و اشتیاق به زندگی در هر روز آن ارزش بدهند. این روش نسبت به روش های برگزیده از جانب رسانه ها که همواره مهلک بودن را دائمی فرض می کنند و به طور دائمی ، به طور آشکار و غیر آشکار ، این افکار خشن و بدبینانه را به کار می گیرند بیشتر ارزش دارد. نیاز به رسانه هایی جایگزین در سطح روزنامه ها، هفته نامه ها ، رادیو و تلویزیون، فیلم و خطوط اطلاعاتی کامپیوتری شده جهانی است. دانشمندان سیاسی دوری از کشتار می توانند یک منبع از پیشنهادات و آنالیز باشند.

بنا های یادبود دوری از کشتار

برای بازیابی و تجلیل کردن ارثیه مدنیت دوری از کشتار و همچنین برای به وجود آوردن رویداد های سرشار از احترام در هر جامعه نیاز به بنا های یادبود برای افراد ، گروهها، سازمانها، قهرمان های شناخته شده و گمنام است. باید از تمام کسانی که از کشتن سرباز زدند و در راهی دشوار برای مدیریت جهانی دوری از کشتار سهم داشتند قدر دانی کرد. این بدان معنی نیست که باید از خیابانها مجسمه ها و یادبودهای معاصر قاتلان فاتح و یا شکست خورگان را که در تمام کره زمین وجود دارد جمع آوری کرد زیرا آنها حقیقت کشتار های تاریخ را به یاد می آورند. اما بنا های یادبودی نیز برای انسان ها و افرادی که آلترناتیو هایی بدون خشونت را پیدا کرده اند که در حال حاضر به احکام و دستور هایی برای بقای انسان تبدیل شده اند ، لازم هستند. در بین آنها شخصیت های مذهبی، شهدایی که حقیقت را به قدرت های خشن گفته اند، مقاومت در جنگ، سربازانی که از نظام وظیفه سرباز زده اند، مخالفان حکم اعدام، شاعران صلح و زنان و مردانی گمنام که بدون خشونت مقاومت کرده اند در برابر نا عدالتی ها با وجود اینکه خطر زندان و شکنجه و مرگ تهدیدشان می کرد وجود دارند.

مناطق صلح دوری از کشتار

این گونه تهدیدها که از جانب جوامع مدنی به کار گرفته شده، مناطق صلح به دور از کشتار را که سازمان های مناطق روستایی و شهری را با توافقنامه های ملی و بین المللی را در بر می گیرد ، به وجود می آورند. حاملان این پیغام ها، زیارتگاه های مذهبی، مناطق صلح اعلام شده از جانب دهکده های قربانی نیروهای مسلح انقلابی و ضد انقلابی، مناطق آتش بست، جنبش هایی برای یک جامعه بدون سلاح و همچنین تلاشهای شهروندانی که ناحیه های مسکونی عاری از خشونت جنایت کاران و دسته های جنایتکار خشن و عهود بین المللی برای ایجاد مناطق آزاد از سلاح اتمی تقاضا می کنند، هستند. یک چالش بزرگ در برابر پیشرفت و توسعه سازمان های دور از کشتار از ترویج سازمان های دوری از کشتار در این مناطق صلح از طریق حمایت و گسترش دوجانبه قرار دارد.

موسسات اقتصادی بدون کشتار

برخلاف موسسات جنگ و فرهنگ خشونت آمیز که فقط برای عده ای سودآور است اگر چه برای بسیاری دیگر پرهزینه است، موسسات رفاه دوری از کشتار باید به قابل استفاده و سودمند به همگان تبدیل شود. امکانات

برای موسسات دوری از کشتار بینهایت هستند ، از دیدگاه دوری از کشتار درخواست برای کالاهای مادی و فرهنگی، خدمات، تفریحات و فعالیت های سرگرم کننده بدون خشونت در حال افزایش هستند. یک راه برای آغاز به شناسایی جایگزین ها ، تنظیم کردن یک لیست از موسساتی است که در خدمت خشونت هستند و پیدا کردن جایگزین های آنها بر اساس نکشتن. تعویض بازیچه و سرگرمی های صلح با سرگرمی های جنگ ، تعویض بازی های کامپیوتری و ویدئویی خشن با بازی های غیر خشن، تعویض صنعت اسلحه سازی با صنعت خلع سلاح، و به جای رسانه های سرگرم کننده خشن ایجاد رسانه های بدون خشونت و تعویض از بین بردن زندگی با بهتر کردن کیفیت زندگی. تجارب در این زمینه، نمونه هایی از تبدیل و تغییر به اقتصاد غیر خشن که را نشان می دهد که دوره غیر نظامی شدن را همراهی می کنند. اما به غیر از یک دگرگونی اقتصادی آسان، یک جستجو برای شناسایی احتیاجات واقعی و خالص افراد در گذر به سمت یک جامعه دور از کشتار در زمینه جهانی و ایجاد خدماتی قادر در جوابگویی به آنها وجود دارد.

مراکزی برای دوری از خشونت جهانی

تصور یک جهان دور از کشتار، ایجاد سازمان هایی را که قادر به آسانتر کردن گذر به سمت دوری از کشتار هستند را ایجاب می کند . این گونه سازمانها باید به طور جدی در تقسیم رسوم معنوی و فرهنگی جهانی ریشه داشته باشند و باید قادر به کاتالیز ذخایر علمی، توانایی های هنری و سازمان هایی در سطح جهانی برای یاری دادن و حمایت کردن بشریت برای دنبال کردن راه هایی برای رهایی از هلاکت و مرگبار بودن و پیامد های آن باشند. از نظر لغت و واژه های کامپیوتری معاصر ، این مراکز می توانند با کاتالیز “نرم افزار” دوری از کشتار ، از طریق “سخت افزار” دولتها و نهاد های جامعه مدنی، به بشریت خدمت کنند. این مراکز برای اثر گذار بودن باید کاملا از کشور ها ی که خشونت طلب هستند و کنترل کشور هایی که منافع خصوصی دارند مستقل باشند. اینها باید به طور دائم از طریق حامیان حمایت اقتصادی شوند.

این مرکز برای دوری از خشونت در سطح جهانی به عنوان هدف، کشف و فراخوانی خلاقیت های برتر بشریت باید در زمینه هایی مانند: دوری از خشونت در رسوم معنوی و فلسفی؛ علم عصب شناسی و دوری از خشونت؛ علوم تکنولوژی و دوری از خشونت؛ محیط زیست و دوری از خشونت ؛ کار و حرفه و دوری از خشونت؛ آموزش و تعلیم دوری از خشونت؛ دوری از خشونت و هنر؛ دوری از خشونت و ورزش؛ نقش ارتش و پلیس

در تغییرات بدون خشونت؛ رهبران به دور از خشونت؛ انسانهای آینده بدون خشونت، تلاش کند.

یک هدف و وظیفه بزرگ تاریخی، ایجاد یک لیست از منابع و ذخایر فرهنگی جهانی در مورد دوری از خشونت بر اساس یک تحقیق در سطح جهانی در هر کشور و منطقه است. این هدف، تحقیقاتی را در رسومات تاریخی در دوری از کشتار، در اظهارات زمان حاضر و در آینده را ایجاب می کند. به طور کلی در سطح جهانی این کشف ها به بشریت یک درک کاملی از قدرت انسان در دوری از کشتار را می دهند که از آن می توان پیشرفت در آینده را اندازه گیری کرد.

مراکز برای دوری از خشونت جهانی باید دارای یک محل برای برنامه ریزی و سازمان دهی شرایط جهانی باشد، که در آن حقیقت های کشتار، تهدید به کشتار و پیامدهای آن بتوانند کنار هم در برابر منابع مقابل و متضاد تغییرات دوری از کشتار موجود برای بشریت گذاشته شوند. این مراکز به طور دائم با چالش های مهلک بودن مواجه خواهند شد. از پیشرفت های خلاق ایجاد شده در زمینه دانش و علوم مطرح شده در بالا می توان ترکیبی از منابع معنوی، علمی، استعدادی، هنری و سازمانی برای کمک کردن به سیاست تغییر عمومی، تحقیق، آموزش و تعلیم از جانب تمام آنهایی که به دنبال بقا و رفاه بشریت هستند، به وجود آورد.

سازمان های دوری از کشتار که به آنها نیاز است

یک علوم سیاسی متعهد و ضامن در ایجاد یک جامعه دور از کشتار و برای به وجود آوردن عملکرد های از طریق نهاد هایی مناسب، نوآوری هایی را آموزش و به وجود خواهد آورد. برای تأیید معنوی در احترام به زندگی برای کشف و اتحاد و تقسیم دانش؛ برای گرفتن تصمیمات در زمینه سیاست عمومی؛ برای امنیت عمومی به دور از خشونت؛ برای رفاه اقتصادی و برای تجلیل کردن از زندگی در تمام هنر ها و شغل ها نیاز به سازمان هایی متعهد است.

برای دوری از خشونت جهانی و گذر به سوی دوری از کشتار و برای درک و آمادگی معضلات موجود، مراکزی با هدف های خلاق به وجود آمده اند که در جوابگویی احتیاجات بشری تلاش می کنند. قدرت نهاد ها در دوری از کشتار، به صورت دوجانبه، از افرادی که از یکدیگر حمایت می کنند میرسد. هر ویژه گر علوم سیاسی و هر شخص می تواند یک مرکز برای دوری از خشونت جهانی برای آسان کردن گذر و انتقال به طرف یک جهان بدون خشونت باشد.

فصل ۶

علوم سیاسی جهانی دور از کشتار

“در یک دوران نوینی هستیم. راه حل های قدیمی و روشهای کهنه دیگر کافی نیستند. باید افکار نوین، ایده های جدید و راه کارهای نوین داشته باشیم...باید از این موانع و قید و بند های گذشته بیرون آمد.”
ژنرال داگلاس مک کارتر

“افراد برای از بین بردن و پاره کردن زنجیر های خشونت و نابودی تاریخ باید به حد کافی حس استراتژیک داشته باشد.”
مارتین لوتر کینگ

“مسلمنا تجربه تاریخ این حقیقت را تأیید می کند که : انسان نمی تواند به امر ممکن برسد اگر بارها غیر ممکن را هدف نگرفته باشد.”
مکس وبر

“ هر روز یک نشانه و شاهی داریم از پدیده ای که امر غیر ممکن دیروز ، امر ممکن امروز می شود.”
مهندس گاندی

به سمت رهایی یافتن از هلاکت و مرگبار بودن

نوبت به در نظر گرفتن کشتار انسانها مانند یک مشکل که قابل حل است (نسبت به قبول بردگی و برده داری مانند یک شرایطی که ادامه پیدا خواهد کرد برای همیشه) رسید. کشتار های انجام شده از طرف انسانها، تک تک، و یا به صورت جمعی و بسیاری از آنها از طریق ماشین ها، به یک مرحله « خود ویرانگری» پاتولوژی رسیده اند. کشتن که انتظار می رفت آزاد کند، پشتیبانی کند و ثروتمند کند ، در عوض به یک منشاء ناامنی، فقر و تهدید در برابر بقای بشریت و جهان تبدیل شده است. بشریت از آن چیزی

که « کریگ کومستوک»^۱ آن را « پاتولوژی دفاع» می نامد، هنگامی که آن چیزی که باید دفاع کند تبدیل می شود به منشا « ویرانگری» ، رنج می برد. اسلحه های برای دفاع شخصی در خانه ، افراد خانواده را می کشند، محافظ ها و گارد های مخصوص رئیسانشان را می کشند، ارتش ها قوانین را نقض می کنند و تخلف می کنند و مردمانشان را فقیر تر می کنند، سلاح اتمی با تهدید کردن مخترع هایشان و متصرفانشان افزایش پیدا می کنند. در برابر خشونت در مقابل خود و در جامعه ای که در آن زندگی می کنیم نیاز به یک بیانیه دوری از کشتار مستقل است.

رسیدن به هدف مورد نظر بشر ، به قتل و عام های غیر قابل شمارش، فقر و آسیب های روانی ختم شده است که از طریق نسلهای متفاوت انعکاس پیدا کرده اند. امید های انسانها در ۲ قرن اخیر مزین و آراسته شده اند در درفش ها و پرچم عایی به ارث مانده از انقلاب فرانسه: “ آزادی، عدالت، برادری”^۱. کشتن برای آزادی به جا مانده از انقلاب آمریکا است. کشتار برای برابری به جا مانده از انقلاب روسیه و چین است. کشتن برای صلح به جا مانده از ۲ قرن جنگ، انقلاب و ضد انقلاب است. عبرت و درس گرفته شده از آزادی حقیقی، برابری و برادری و انجمن های خیریه صلح نمی توانند بدون ریشه بر کنند ارثیه به جا مانده از هلاکت به وجود آیند. فریاد های بسیاری از قتل و عام شدگان را که برای خوب و بد قربانی شده اند تا اینکه این درس را بیاموزیم می شنویم. این به معنی به چالش کشیدن و تغییر فرض و گمان قواعد و مقررات بیرون آمده در دنیای آکادمیک علوم سیاسی است که کشتن غیر قابل اجتناب است و برای رفاه بشر لازم است. این مطرح کردن و تغییر کلی قدرتمند ترین اصول مسلم حکمت و معرفت دیرینه و عقاید سیاست معاصر است. یک شباهت می توان در انقراض و متوقف کردن تئوری « عفونت ستودنی»^۲ در پزشکی است پیدا کرد. در قرن ۱۷ آموزش های فراوان یک پزشک توانای یونانی « جالینوس»^۳ مسلط شد با این توضیح که عفونت و چرک که در اطراف زخم تشکیل می شود یک روش طبیعی برای دوباره به دست آمدن سلامت است. این موضوع در ۱۸۶۷ از طریق « لیستر»^۴ که در مقاله خود در « لنچست» ، در « اصول

۱ Craig Comstock 1971

۱ “liberté, égalité, fraternité.”

۲ “laudable pus”

۳ Greek physician Galen (c.130- c.200)

۴ Lister in his seminal Lancet paper, “On the Antiseptic Principle in the Practice of Surgery,” led not without controversy to the invention and

ضد عفونی و در پراتیک عمل جراحی» که باعث کشف و ایجاد داروی ضد عفونی شد رد شد. این اعتقاد که کشتن عادی است و طبیعی و از لحاظ کاربردی برای سلامت سیاست لازم است مانند تئوری « عفونت قابل ستایش» برای علوم سیاسی است.

اگر دانشمندان علوم سیاسی و محققانی که زندگی خود را صرف تحصیل در مورد قدرت سیاسی در جنبه های مختلف زندگی، از خانواده گرفته تا جنگ جهانی، اتخاذ هلاکت را رد نمی کنند، چرا باید انتظار داشته باشیم که رهبران سیاسی و شهروندان عادی که آن را انجام دهند؟ با این حال از طریق تاریخ و همواره در زمان حال پدیدار می شوند رهبران و شهروندانی که بدون کمک علوم سیاسی برای ایجاد شرایط آزادی، برابری و صلح را با امکانات مینا بر اصول دوری از کشتار تلاش می کنند. یک نمونه می توان از ۷۰۰۰ شهروند صلح طلب «دو خوبار»^۲ که در برابر فشار نظامی روسیه در ۱۸۹۵ و «آتش زدند اسلحه ها»^۳ مقاومت کردند. یک تفاوت بزرگ بین علوم سیاسی که مهلک بودن و مرگ آوری را قبول می کنند و پیش قدمان و پرچمداران سیاسی که هلاکت را رد می کنند وجود دارد. در قرن بیستم میراث به جا مانده از تولستوی، گاندی، عبدالغفارخان، مارتین لوتر کینگ و پترا کلی، از طریق رهبرانی چون دالای لاما، آتونگ سان سوکی و دسموند توتو، پیش برده شده، و همچنین از طریق ناشناسی که کار و وظایف بدون خشونت رهبران را امکان پذیر کردند، و پیغام قدرت سیاسی بدون کشتار را در آینده پیش می برند.

آیا دانشمندان علوم سیاسی برای دنبال کردن موفقیت های به دست آمده از فداکاری های دوری از کشتار انجام شده از طریق جنبش های فردی و مردمی، بعد از گرویدن به وضع موجود در قبول خشونت، مانند ذینفعان محتاط رژیم های دیکتاتوری و استبدادی که در قدرت می مانند تا اینکه معترضان آنها را بر کنار کنند، در تاخیر هستند؟ شاید دانشمندان علوم سیاسی با بزرگ داشت های دموکراتیک دوری از کشتار قصد دارند متحد شوند؟ و یا علوم سیاسی باید خود را وقف تشخیص آسیب شناسی مهلک بودن و هلاکت کند و راه حل هایی را که بتوانند از جانب تمام کسانی که می خواهند کشتار را حذف کنند قابل قبول باشند در زندگی جهانی پیدا کند؟

adoption of antiseptics (Ackerknecht 1982: 77; Garrison 1929: 116; 589-90).

^۲ Doukhobors.

^۳ (Tarasoff 1995: 8-10).

نظریه در مورد امکانات و توانایی های دوری از کشتار

فرضیه عرضه شده در اینجا این است که یک جامعه جهانی دور از کشتار امکان پذیر است و تغییرات تعلیم های دانشگاهی علوم سیاسی و نقش اجتماعی آن می توانند برای به اجرا در آوردن آن کمک کنند. قابلیت ایجاد و درک جامعه بدون کشتار به ۷ نکته اساسی بستگی دارد. بیشتر انسانها نمی کشند. قدرت و توانایی دوری از کشتار در میراث معنوی انسانها وجود دارد. علوم سیاسی قادر به پیش بینی در مورد توانایی انسانها در دوری از کشتار است. سیاست عمومی در این دوران انتقال و گذر به سمت دوری از کشتار، به عنوان مثال حذف حکم اعدام و به رسمیت شناختن خودداری از خدمت سربازی (به دلایل دینی و یا اعتقادی) ، حتی از جانب دولت هایی که بر اساس خشونت به وجود آمده بودند پذیرفته شده اند. سازمان های اجتماعی بسیاری بر اصول دوری از کشتار بنیان گذاری شده و با یکدیگر ترکیب شده اند که معادل و مشابه جوامع به دور از کشتار به وجود آمده را می سازند. مبارزه های مردمی دور از خشونت برای تغییرات سیاسی و اقتصادی- اجتماعی افزایش و قدرت آلترناتیو برای انقلاب های خشن را نشان می دهند. ریشه های الهام و تجربه دوری از کشتار را می توان در رسوم تاریخی در تمام جهان پیدا کرد ؛ و در آخر ، وعده و قول در امکان پذیر کردن گذر به سمت دوری از کشتار ، در مثال هایی از دوری از کشتار فردی، زن ها و مرد های معروف و ناشناس ، و کسانی که زندگی پر شهامتشان امکان پذیر بودن آن را تصدیق می کند ، بنا شده است.

مفهوم علوم سیاسی

اینکه انسانها ، از نظر زیست شناختی و نسبت به شرایط قادر به کشتن و نکشتن هستند مورد قبول واقع شده است ، اما مشاهده می شود که قسمت اعظم انسانها قاتل نیستند و سازمان های اجتماعی گوناگونی مینا بر اصول دوری از کشتار قبلا به وجود آمده اند و این را می توان از نمونه های جوامع دوری از کشتار مشاهده کرد. گذشته از این ، توسعه ها و پیشرفت های علمی حاضر و مورد انتظار آینده شناخت لازم برای دور کردن دلایل کشتار را، برای محکم کردن دلایل دوری از کشتار و برای بهتر کردن شرایط جوامع دور از کشتار وعده می دهد. با مشاهدات انجام شده ، قبول هلاکت و کشتار مانند یک امر لازم ، یک فرض و یک اندیشه مشکل دار

است و نمی توان براساس آن تعالیم و اصول آکادمیک و نقش اجتماعی علوم سیاسی را ساخت. در نتیجه مناسب است فرضیه کشتار و مفاهیم آن مورد بحث قرار داد. می توان آن را در آنچه به معنای « تعالیم و اصول کشنده» علوم سیاسی است توصیف کرد. علوم سیاسی همراه با دیگر علوم و تعالیم باید تجربه خشن گذشته را بهبود بخشند ، باید توانایی و قدرت دوری از خشونت را بشناسند ، باید از پتانسیل دوری از خشونت برای آینده حمایت کنند و در توسعه هر چه بیشتر دانش از طریق تحقیق، آموزش و خدمات عمومی برای تغییر اجتماعی دوری از کشتار همکاری کنند. عناصر اصلی که نیاز است با هم برای تغییر دوری از کشتار ترکیب شوند بسیار واضح هستند: جوهر و روح (S1) ، تلاش عمیق در دوری از کشتار که از تمامی ادیان و فلسفه ها می رسد. همچنین علم (S2) وجود دارد ، دانش تمامی هنر ها، علوم و شغل هایی که دلایل کشتار را و تغییر در دوری از کشتار ایجاد می کنند. علاوه بر این توانایی ها (S3) وجود دارند ، روش های فردی و گروهی برای بیان معنویت دوری از کشتار و علوم در عمل های تغییر شکل. ترانه ها (S4) ، الهام برای موزیک و تمامی هنر ها که علوم و پراتیک سیاست دوری از کشتار غیر کشنده اما تجلیل کننده از زندگی را می سازند و ترکیب می کنند. برای کامل کردن و توسعه دادن این ۴ عنصر در یک سرویس مناسب، نیاز به رهبران دموکراتیک (L) ، قابلیت شهروندان (C) ، ایجاد سازمانها (I) و پشتیبانی و حمایت از منابع (R) است. ترکیب این عناصر می تواند خلاصه شود در:

$$(S1 \times S2 \times S3 \times S4) \times L \times C \times I \times R = \text{تغییر جهانی دوری از کشتار}$$

روحیه و جوهر، علوم، توانایی ها و ترانه های، با هم ترکیب شده از طریق پروسه های پاسخگو به احتیاجات رهبران دموکراتیک و قدرت شهروندان، از طریق تعبیرهای سازمان ها و تلاش منابع و ذخایر می توانند در ایجاد یک جهان بدون کشتار سهم داشته باشند و تقویت می شوند.

تئوری و تحقیق

وحشت و خوف مرگ آوری کشنده بودن انسان ، نیاز به تحقیق از جانب علوم سیاسی در یک آنالیز سیاسی متشکل از ۴ قسمت منطقی دارد که بتوانند برای جلوگیری از همگرایی نیروهایی که از کشتار ها، از قتل ها و نسل کشی ها و از بین بردن شهر ها توسط بمب ها ، به قدرت از بین

بردن حیات در کره زمین ناشی می‌شود، دانش و شناخت لازم را بدهند. در وجدان علوم سیاسی، کشتن باید از پیرامون و حاشیه‌ای که خشونت را قبول می‌کند به مرکز و محوری تبدیل شود که در آن توجه به آنالیز problem-solving توسعه می‌یابد. این به معنی یک تلاش و کوشش برای درک دلایل کشتار است. دلایل دوری از کشتار، دلایل تغییر و گذر از کشتار به دوری از کشتار و بالعکس، و ویژگی‌های جامعه کاملاً بدون کشتار. اینگونه شناخت برای کمک برای شناسایی جایگزین‌های دوری از کشتار و عملکردهای تاثیرگذار و تغییر دهنده در داخل و بین محدوده و منطقه که در قیف مرگ آوری به هم می‌پیوندند: (مناطق زیست‌شناختی، ساختاری، فرهنگی، اجتماعی شدن و منطقه کشتار) لازم است.

آموزش و تعلیم

اینگونه تحقیقات، دانش، آگاهی و هدف‌های تغییر به پیش برده شده، پیش‌نیازهایی را در آموزش و یادگیری دانشمندان علوم سیاسی، در ساختار رشته‌های تحصیل، در تشکیل بخش‌های آکادمی علوم سیاسی، در ارتباط با دیگر رشته‌ها و در نقش تحقیق - آموزش - عملکرد در علوم سیاسی در جامعه ایجاد می‌کند.

آموزش و یادگیری علوم سیاسی، خلاقیت و توانایی problem-solving را در دوری از کشتار تقویت می‌کند. برخی اصول راهنما، چون میراث به جا مانده از زندگی و سازمان‌های خلاق؛ یاری کردن در کشف و جستجو در قابلیت‌ها و توانایی‌های شخصی؛ جستجوی یک شناخت رو به افزایش و پرورش توسعه توانایی؛ متعهد شدن در پروژه‌های problem-solving منتخب؛ دادن خدمات برای جوامع موازی و سازنده؛ توجیه و حمایت کردن از استعدادها برای علوم سیاسی دور از کشتار را، می‌توان در نظر گرفت.

بعد از مقدمه واضح و روشن تاریخ دردناک هلاکت و میراث الهام دهنده، خلاقیت دوری از کشتار در دوره تحصیلات، منطق آنالیز سیاسی دوری از کشتار و تلاش در کشف پرنسیپ‌ها و پروسه‌ها برای یک عملکرد مناسب برای problem-solving را نشان می‌دهد و به چالش می‌کشد. شرکت کنندگان، دلایل کشتار، دوری از کشتار، تحول و فرضیه در مورد ویژگی‌های جامعه دور از کشتار را بررسی می‌کنند. از نقطه نظر محلی و جهانی، پیشرفت تاریخی در سازمان‌ها و پروسه‌های سیاسی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود. problem-solving در مواردی مانند قتل، نسل‌کشی، اقتصاد کشته‌ها و فجایع انجام شده در برابر

حقوق انسانها به چالش کشیده می شود. همچنین امکاناتی برای توسعه توانایی ها ، شیوه ها و روشهایی برای *problem-solving* در مواردی چون: تحقیق، آموزش، رهبری و گفتگوی انتقادی پیشنهاد و عرضه می شود. در این زمینه پروژه های فردی و گروهی متفاوتی برای حل معضلات و توسعه توانایی معرفی شده اند. یک شانتی سنا (سپاه صلح) در سطح دانشگاهی، موزی با تعالیم آکادمیک، آموزش مدیریت و رهبری مکمل در خدمت به جامعه را عرضه می کند. فارق التحصیلان سعی در رفع مشکلات و احتیاجات پژوهشگران، آموزگاران و مدیران و متخصصین ارتباطات در نهاد های انتقال در زمینه عمومی و خصوصی دارند. آنها در برابر احتیاجات اجتماعی برای خدمت در *problem-solving* خلاق جوابگو هستند. آموزش بعد از لیسانس در سطح پیشرفته برای خدمت در سیاست در سطوح دولتی و در سطح جامعه مدنی برای جوابگویی به احتیاجات معاصر در حال افزایش، برای جلوگیری و منع خشونت و تغییرات اجتماعی بدون خشونت آمادگی های لازم را فراهم می کند. تلاش و کوشش *problem-solving* با آموزش و تعلیم در سطح رشته های لیسانس موزی هستند. برای بهتر کردن توانایی های تحقیق ، آموزش و عملکرد هایی مناسب و برای برطرف کردن معضلات خشونت ، اقتصاد، حقوق بشر، محیط زیست، همکاری و دیگر زمینه ها گروه های کار تشکیل شده اند. دانشجویان فوق لیسانس و دکترا به عنوان راهنما، مشاوران و مانند در خدمت دانشگاه ها هستند. علوم سیاسی دور از کشتار اشتیاق فراوانی را در آموزش به دانشجویان دکترا و متخصصین ایجاد می کند که در آینده خود آنها به وجود آورنده و سرشار از توانایی در پیدا شدن خلاقیت در دیگران خواهند بود. مسلما نمی توان انتظار داشت که همگی در تمام رشته ها مهارت داشته باشند ، اما همگی می توانند در فهم و درک و یادگیری هدف های درخواست شده سهم داشته و چگونه حمایت کردن از *problem-solving* را در داخل و چه در خارج جامعه آکادمیک به اشتراک بگذارند. آموزش و تعلیم در دکترا یک تحقیق عمیق در اصول علوم سیاسی دوری از کشتار، یک درک لازم از احتیاجات *problem-solving* در سطح محلی و جهانی، آمادگی توانایی برای رهبری محققان دوری از کشتار، درک و فهم چگونگی تحقیقات کیفی و کمی ، مهارت یافتن در روش های تحقیق اساسی برای هدف ها در دسترس و تالش در پروژه های پیشرفته را می طلبد. آخرین نکته کشف یک شناخت نوین و استفاده و کاربرد دانش های موجود برای بهتر کردن یادگیری و آموزش ، توسعه سازمانی و پروسه های *problem-solving* را در بر می گیرد.

به وجود آوردن یک مدیریت و رهبری از محققان دوری از کشتار، یک آمادگی تغییر پذیر برای نقش های اجتماعی مورد درخواست رامی طلبد. پافشاری درباره مناسب بودن برای یک سنجش و تامل مربوط به شرح حال خود در مورد منشا اعتقاد و رفتار هایی در برابر کشتن و نکشتن اساسی است. برای آسان کردن خلاقیت دانش آموزان در مدیریت و رهبری در موسسات و برای آسانتر کردن خلاقیت اعضای کالج ها برای همکاری بین رشته های مختلف ، مشاوره و پیش بردن تغییرات دوری از کشتار در دولت و در جامعه مدنی و برای گفتگو در رسانه ها و کار رهبران دور از خشونت ، نیاز به آمادگی و پیش بینی های لازم است .

یک موسسه علوم سیاسی دوری از کشتار باید در روابط اجتماعی خود ، از طریق تلاش و پیامد های اشتباهات، در بیان کردن ویژگی های مورد توجه برای یک جامعه بدون کشتار تلاش کند. این به معنی تأیید کردن غیر فرقه ای نیست بلکه به معنای احترام معنوی چند مذهبی و بشر دوستانه به حیات ، جستجو مسئولیت برای رفاه همگی، بهتر کردن سرعت در پاسخ گویی احتیاجات و پروسه های مشارکتی در تصمیم گیری است . تجلیل تفاوت ها و حیثیت همگان ، آزمایش نقش توزیع شده رهبری و همکاری بین دو جنس متفاوت است. این ، آمادگی برای دعوت مشاوران problem-solving بدون خشونت در زمان جنگ و تشنج ، مهارت داشتن در تصمیم گیری در رشته ها و مهارت ها، تشویق کردن گروه های ابداع کننده برای رفع مشکلات علمی و به رسمیت شناختن یک جامعه جهانی دور از کشتار ، چه در افراد و چه در سطح جامعه محلی و جهانی را، ایجاب می کند.

باید روابط مشاوره ای دوجانبه دراز مدتی بین فارق التحصیلانی ماهر در زمینه های متفاوت ، در آموزش، در رهبری، در ارتباطات و در دیگر زمینه های اجتماعی برقرار شود. تجربه آنها می تواند برای تشخیص نیازهای پژوهش، بهتر کردن آمادگی برای مهارت های لازم، احضار کردن خلاقیت ، رفع معضلات ایجاد شده از تغییر در دوری از کشتار، کمک کند. اگر چه با اشکال متفاوت ، اما تمام کسانی که چالش علوم سیاسی دور از کشتار را می پذیرند باید با یکدیگر در یک همکاری و حمایت متقابل متحد شوند.

Problem-Solving

علوم سیاسی دوری از کشتار ترکیبی از علوم پایه و کاربردی را در تلاش برای رسیدن به problem-solving می طلبد . معضلات متفاوتی نسبت به

زمینه های تغییرات اجتماعی پیچیده به وجود می آیند. در سطح جهانی ۵ مشکل مهم وجود دارند: خشونت و خلع سلاح، هولوکاست اقتصادی، قساوت در برابر حقوق بشر، شکست همکاری در problem-solving و نابودی طبیعت. همه این مشکلات به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از آمادگی برای کشتن شدت یافته اند. یک شعار معاصر مدعی است که « صلح بدون عدالت وجود نخواهد داشت»، با این نگاه که برای تغییرات شرایط غیر عادل خشونت و جنگ ادامه خواهد داشت و یا لازم هستند. اما از نقطه نظر دوری از کشتار « بدون دوری از کشتار عدالت وجود نخواهد داشت» زیرا کشتارها و تهدیدها در ایجاد و حفظ بی عدالتی به کشتار سهم داشته اند. در مورد رفتار نابرابر در مقابل زنان، به عنوان مثال، از نظر پترا کلی: « بی عدالتی، تقسیم قدرت، منابع و مسولیت، از طریق رسوم قدیمی، مفاد قوانین و اجرای آن، هر زمان که برای خشونت مردان لازم است، تصدیق و توجیه شده است».

تلاش problem-solving این مبحث را که لوم سیاسی دوری از کشتار باید واقف و یا منبع و منشأ هر راه حل به همه چیز باشد را ایجاد نمی کند، اما طالب استفاده و کاربرد وجدان است. آنالیز سیاسی دوری از کشتار و اصول و عملکرد دوری از کشتار بدون خشونت می تواند پروسه های تصمیم گیری اجتماعی را تا زمانی که به احتیاجات همگی پاسخ دهند، بهتر کند. از این جهت سهم بدون خشونت در پیشرفت آنسوی رسوم دموکراتیک بر اساس خشونت را وعده می دهد (گولدمن ۱۹۹۰)^۱

سازمانها

هدف های تحقیق، آموزش و یادگیری دوری از کشتار و problem-solving به سازمان های تخصصی نیاز دارند. این سازمانها بخش های علوم سیاسی نوین را به صورت متفاوت، حتی تمامی دانشگاه ها (شامل ارتباطات جهانی مشابه که استعدادهای در داخل و خارج سازمانهای موجود را جمع آوری می کنند)، در یکان و واحد های آموزش غیر نظامی شانتی سنا، تا سازمان سیاسی عمومی دوری از کشتار، نیروی امنیت همگانی دوری از کشتار، حزب های سیاسی دوری از کشتار، و نوآوری های سازمانی بر اساس پرنسپل دوری از کشتار در هر قسمت از جامعه مدنی در بر می گیرند. به وجود آوردن کار این سازمانها، مانند

^۱ (Goldman 1990).

تغییر شکل سازمان های موجود برای دور کردن کشتار از زندگی در سطح محلی و جهانی خلاقیت بسیاری را برای تمام کسانی که در مورد علوم سیاسی دور از کشتار تحصیل می کنند و عملی می کنند ، بر می انگیزند و تحریک می کنند.

موانع و الهام گیری

در سپیده دم قرن ۲۱، علوم سیاسی برای به عهده گرفتن هدف سهم داشتن در به وجود آوردن یک جامعه جهانی دور از کشتار به چالش کشیده می شود. این نه تنها پسندیده و خوش آیند است بلکه امری لازم و حتمی است. دانشمندان سیاسی نمی توانند از این مسئولیت ، از طریق اعتراض به تبعیض ها و اعتراض ها و با در نظر گرفتن « حقیقت » بی طرف بودن علم که در حقیقت به آمادگی به کشتار تبدیل می شود ، سرباز زنند. این بی طرفی هیچ وقت حقیقی نبوده است . اگر اینگونه بود، دانشمندان سیاسی نگران اینکه جامعه و دنیایی که در آن زندگی می کنند آزاد است یا نه ، عادل است یا نه، ثروتمند است و یا فقیر، در جنگ است و یا صلح، پیروز است و یا مغلوب، نبودند. آنها مسرت در آموزش به دانشجویان را حس خواهند کرد ، زیرا دانشمندان علوم سیاسی در ارزشها و در نتیجه تحقیقاتشان ترجیح و اولویت ندارند و آموزش و پروژهایشان را برای خدمت به تعدادی افراد محدود انجام می دهند. برای آنها انتخاب و یا اولویتی بین هولوکاست هیتلر و ساتیاگراها گاندی^۱ نیست . دانشمندان علوم سیاسی همچنین نمی توانند در هدف ایجاد علوم سیاسی دوری از کشتار بر اساس اینکه دیگر ارزشها مانند آزادی، برابری و امنیت مهمتر از دوری از کشتار هستند ، به سادگی بگذرند . دوری از کشتار از نظر اهمیت هم سطح و هم تراز آنهاست زیرا بشر به شرایطی رسیده است که در آن تمام این ارزشها به علت نبود یک التزام و تعهد قوی نسبت به رفتار و اصول اخلاقی دوری از کشتار سیاسی و در زندگی سیاسی تهدید می شوند. مادیات و اخلاقیات به یک نتیجه رسیده اند. اگر رسوم نشان دادهاند که باید بکشیم تا به آزادی برسیم ، (برابر و امن)، حال به ما می آموزد که اگر ما ادامه دهیم به کشتار نه تنها آزادی و برابری در خطر هستند بلکه حتی بقای فردی ، اجتماعی و طبیعت ما نیز در خطر است. به یک نقطه رسیده ایم که علم و اجرای عملی سیاست باید

^۱ satyagraha

با نیرو هایی که از زندگی و حیات جامعه و طبیعت حمایت می کنند متحد شوند. فقط یک مسئله اخلاقی و عملکرد خوب نیست بلکه یک امر لازم در این برحه از زمان برای یک علوم سیاسی مفید است.

در پروسه انتقال طبیعتا می توان انتظار داشت که یک تناقض و مخالفت از جریان های طرز فکر و عملکرد هایی که از مزایای ناشی از ادامه کشتار و هلاکت ناشی می شود و ملاحظه می شود به وجود بیاید. در بین آنها نیروهای خشن دولتها، متحدانشان و سود برندگان از فرهنگ سیاسی، اقتصادی و روانی دوری از کشتار وجود دارند. در بین آنها تعدادی از سربازان جنگهای گذشته، فرزندان آنها و کسانی وجود دارند که به طور غیر مستقیم هویت و غرور خود را از طریق تجلیل و یادبود هایی مورد قبول واقع شده از هلاکت به دست می آورند.

در بین منشاها ی مشوق برای حمایت از گذر و انتقال به سوی علوم سیاسی دور از کشتار، تجربه ها و تذکره هایی از جانب تعدادی از رهبران نظامی پر افتخار در جهان وجود دارد. به عنوان مثال درخواست ژنرال « داگلاس مک آرتور»^۱ برای حذف جنگ. با در نظر گرفتن آن مانند یک عمل « حقیقت لازم علمی» در یک سخنرانی در یک لژیون و هنگ آمریکایی در سال ۱۹۵۵ او اینگونه بیان می کند:

یک روزی خواهید گفت که اگر چه حذف جنگ برای بشر برای قرن ها یک رویا بود ولی هر پیشنهادی به این دلیل که افسانه ای غیرممکن به نظر می رسد رد میشد. هر انسان بدبین، حادثه جو و پرهیاهو در دنیا سعی در به وقوع نپیوستن آن کرد. اما آن قبل از اینکه علوم این سالهای آخر، فنا و از بین بردن گروهی را به حقیقت بپیوندانند به وجود آمد. بحث ها در آن زمان در حد معنوی و اخلاقی بودند و از بین رفتند. اما اکنون پیشرفت وحشتناک و معاصر اتمی و دیگر سلاح هایی که توانایی از بین بردن را دارند، به طور ناگهانی مشکل ملاحظات آغازین بحث های معنوی و آغازی را، به مرکز واقع گرایی علمی تغییر داده اند. دیگر قضیه اخلاقی نیست که فقط از جانب فلاسفه و کلیسا ها مورد توجه قرار می گیرد بلکه یک موضوع اساسی مهم است برای تصمیم همگانی که در آن بقای بشر در ریسک

^۱ General Douglas MacArthur in a speech to the American Legion in 1955

است. رهبران در تاخیر هستند. آنها هرگز این حقیقت را که پیشرفت مدنی می تواند به پیش برده شود تا زمانی که جنگ از بین نرفته باشد تأیید نمی کنند... کی و چه وقت یکی از شخصیت های بزرگ در قدرت برای تبدیل کردن این آرمان های جهانی، که به سرعت در حال تبدیل به یک نیاز جهانی است، قدرت درک و حقیقت بینی لازم را خواهد داشت؟ راه حل های پیشین دیگر کافی نیستند باید افکاری جدید، ایده های جدید و زمینه های جدیدی را پیدا کنیم.^۲

تغییرات نوین دوری از کشتار شعار های انقلاب فرانسه را می توان در هشدارهای رئیس جمهور آمریکا «آیزنهاور» در مورد اثر زیان بخش ادامه نظامی کردن آزادی، برابری و برادری شنید. در مورد آزادی: "در هیات دولت و مجلس باید به طور کلی در دور شدن از اعمال نفوذ ناروا از جانب صنعت نظامی و اسلحه سازی تلاش کنیم. نباید اجازه دهیم که اثر این ترکیب آزادی و پروسه دموکراتیک ما را به خطر بکشاند" (متن سخنرانی ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱)^۱. در مورد اقتصاد: "هر سلاحی که ساخته می شود، هر ناو جنگی که به دریا انداخته می شود، هر گلوله ای که شلیک می شود، همانند یک سرقتی است در حق کسانی که گرسنه هستند و یا لباس برای پوشیدن ندارند" (متن سخنرانی برای جامعه آمریکا)^۲. در مورد برادری: "حقیقتاً فکر می کنم که انسانها آنقدر صلح را آرزو می کنند و طالب آن هستند که در یکی از این روزها دولتها بهتر است خود را کنار بکشند و اجازه دهند که شهروندان به صلح برسند" (مصاحبه به بی بی سی، ۳۱ آگوست ۱۹۵۹)^۳.

در ۴ دسامبر ۱۹۹۶، «ژنرال جورج لی-باتلر، فرمانده سابق نیروهای جنگ و مبارزه اتمی ایالت متحده آمریکا در حالی که در برابر باشگاه مطبوعات ملی در واشنگتن^۴ سخنرانی می کرد، در خواست حذف کامل سلاح های اتمی را کرد و همچنین از دولت آمریکا خواست به عنوان یکی از مخترعان و جزو بزرگترین استفاده کنندگان این سلاح ها در حذف آنها پیش قدم شود. او هشدار داد در غیر این صورت، ایالت متحده

^۲ (Cousins 1987: 67-9).

^۱ (Farewell Address, January 17, 1961).

^۲ (Speech to American Society of Newspaper Editors, April 16, 1953).

^۳ (BBC TV interview, August 31, 1959)

^۴ the National Press Club in Washington, D.C.,

آمریکا صلاحیت اخلاقی برای ممنوع کردن دیگر کشورها برای ساخت و یا خرید آنها را ندارد. دلایل او به این شرح است: «سلاح های اتمی به طور ذاتی خطرناک هستند، بسیار پر هزینه هستند و از نظر نظامی بی کفایت و از نظر وجدانی غیر قابل دفاع هستند». ژنرال جورج باتلر اینگونه خاتمه می دهد که مدتها است که جنبش «شمشیرها در تیغه گاو آهن»^۶ به این نتیجه رسیده اند و هنوز مخالفت آنها با سلاح اتمی، منجر به دستگیر شدنشان و زندانی شدنشان در زندان های فدرال ادامه دارد. اینگونه منطق حذف سلاح های اتمی را می توان در برابر دیگر سلاح های کشتار استفاده کرد.

اگر این ژنرال ها که در حرفه کشتار تخصص دارند، می توانند سوالهای این چنین عمیق در مورد فرضیاتی که مرتبط با حرفه و شغل و روابط آنها با جامعه می شود مطرح کنند، آیا دانشمندان سیاسی نمی توانند فرضیه هایشان را که خشونت را در حرفه و در نقش سیاسی آنها قبول می کند زیر سوال ببرند؟

شاید قسمت اعظم دانشمندان علوم سیاسی آمریکا و همکاران بین المللی آنها که مولفه های علوم سیاسی معاصر آمریکا را اتخاذ می کنند و می پذیرند متوجه دلایل دوری از کشتاری که در ایجاد علوم سیاسی مانند یک رشته آکادمیک در آمریکا سهم داشتند، نیستند؟ یکی از علل و منشاء های ایجاد رشته علوم سیاسی در آمریکا، سوگند و عهدی بود که یک سرباز جوان اتحادیه شمال آمریکا^۲، «جان بورگس»^۳ در سال ۱۸۶۳، در حین نگرانی در شب، بعد از یک جنگ خونین در برابر نیروهای در ایالت تنسی غربی که روزها ادامه پیدا کرده بود، یاد کرده بود:

باران بسیار تندی می آمد، رودخانه زبانه های شریر خود را از طریق آسمان آبی مرکی پرتاب می کرد و تندر ها با صدای رعد آسا مانند رگبار گلوله از طریق آسمان منعکس می شدند. به این غوغا و همهه طبیعت، ناله های حیوانات زخمی و در حال مرگ و فریادها و ناله های انسان های زخمی و در حال مرگ می پیوستند. یک شب وحشتناکی بود حتی برای سربازان مقاوم و بی احساس. برای یک جوان حساسی مثل من این شرایط چنان ترسناک و وحشتناک بود که نمی توان توصیف

^۶ the Swords into Plowshares movement

^۲ Union . northern states in the American Civil War; armed forces of the northern states in the American Civil War; United States

^۳ John W. Burgess,

کرد. همانند یک کابوس هولناک بود که هرگز فراموش نمی‌کنم. در بین این تجربه وحشتناک بود که اولین ایده کاری زندگی ام به ذهنم آمد. در حالی که تلاش می‌کردم چشم‌هایم را به تاریکی و گوش‌هایم را برای شنیدن نزدیک شدن دشمن عادت دهم، این فکر به ذهنم خطور کرد که: «آیا این امکان وجود ندارد که انسان بتواند مشکلاتش از طریق قدرت منطق و خرد بدون رجوع به ابزار ویران‌کننده و خشونت فیزیکی حل کند؟ و اینگونه یک سوگند یاد کردم که اگر از این جنگ زنده ماندم زندگی را در عوض خرابی و آوارگی و ویرانی صرف در راه منطق و سازش و تسالم می‌کنم».^۴

او به عهد و سوگند خود وفادار ماند، بعد از جنگ به آلمان رفت و در رشته علوم سیاسی تحصیل کرد و بعد به ایالت متحده آمریکا بازگشت و در آنجا رشته علوم سیاسی را در سال ۱۸۸۰ در کلمبیا کالج نیویورک پایه‌گذاری کرد.

تجربه بعدی پرفسور بورگس، پیشبینی موانعی بود که شرکت‌کنندگان و نویسندگان علوم سیاسی دوری از کشتار می‌توانند در برابر خود ببینند. این موانع نسبت به موضوع و زمینه متفاوت هستند، از موانع کوچک گرفته تا بزرگ و شهامت و جرات و یک همکاری جهانی را برای رفع و برطرف کردنشان می‌طلبد. او آلمان‌ها را مانند همکلاس و دوست در نظر می‌گرفت در نتیجه مخالف ورود آمریکا به جنگ جهانی اول بود. او در ۶ اگوست ۱۹۱۷ روز ورود آمریکا به جنگ را این‌گونه توصیف می‌کند: «این جنگ مانند یک ضربه سرشار از درد بود... کار و زحمت یک عمر زندگی من در اطراف من به نابودی کشیده شد». در بحبوحه جنگ میهن دوستانه در برابر آلمان‌ها، او اظهار تأسف می‌کرد که: «امروز از جانب مردم دنیا یک مرد صلح بودن مانند یک جنایتکار و ترسو به حساب می‌آید». از نظر پرفسور «بورگس»، از دوران‌های مختلف، عقاید صلح‌طلبان گاهی منجر به محکوم شدنشان و حتی گاهی اوقات به قیمت جان‌شان تمام می‌شود.

علوم سیاسی به دور از کشتار به سیاست‌های دور از کشتار و همچنین راهنمایی‌های گانندی برای «زندگی توام با مهربانی و عشق و عاری از ترس»، حاکی از یک احترام عمیق معنوی و انسانی به زندگی نیاز دارد.

^۴ (Burgess 1934: 28).

شهامت لازم است. در بین کشتار ها و قتل و عام های جهانی، دانشمندان علوم سیاسی به تلاش در به حقیقت پیوستن پرنسیپ های مهم زندگی نیاز دارند، به عنوان مثال کشاورز های « جامه مدنی لاس آبجاس»^۱ بنیان گذاری شده در ۱۹۹۲ در ناحیه « کیاپاس» مکزیک. « لاس آبجاس » بدون استفاده از خشونت، برای عدالت در بین شورشیان مسلح « زاپاتیستا»^۲ و احکام سرکوب کننده و بیرحمانه کسانی که حکومت می کنند مبارزه می کنند. آنها با نارضایتی های « زاپاتیستا» هم عقیده هستند اما به طور واضح بیان می کنند: « راه ما جداست. ما به کلام خدا معتقدیم و از پند های انجیل پیروی می کنیم. باید دشمن خود را دوست داشته باشیم؛ نمی توانیم بکشیم. ما دهقان های فقیر هستیم و همگی برادر و خواهریم... و ترسی از مردن نداریم. آماده هستیم بمیریم ولی نکشیم»^۳. چرا باید انتظار داشته باشیم که تلاش برای دوری از کشتار همیشه از « پایین» به « بالا» برسد؟ مانند هندی های مستعمره امپراطوری بریتانیای کبیر، مانند آمریکای آفریقایی های تحت تسلط نژاد پرستان سفید پوست، و یا دهقانان فقیر مکزیک؟ چرا این کار از « بالا» به « پایین» انجام نمی گیرد؟ از جانب برگزیدگان و نخبگان محلی، ملی و بین المللی و جهانی، به انضمام دانشمندان علوم سیاسی آکادمیک؟

در حالی که تحقیق در مورد قدرت دوری از کشتار توسعه پیدا می کند، زمینه هایی برای این اعتقاد که انسانها می توانند تغییر جهانی دور از کشتار را به اجرا در آورند، وجود دارد. در حقیقت تمام عناصری که جامعه بدون کشتار را به وجود می آورند هر یک در تجربه انسان نشان داده شده اند. فقط مشخص کردن و کامل کردن و وفق دادن خلاقانه به احتیاجات و شرایط محلی و جهانی باقی می ماند. با هشیاری و آگاهی در منزجر و هولناک دانستن قتل و عام های گذشته و حال و قبول آن مانند یک منشا، می توان یک دلیل محکم در دوری از کشتار و همگانی کردن آن ایجاد کرد. نباید اشتباهات کشتار های بشریت را تکرار کنیم. بنابراین باید برای از بین بردن و غیر ممکن کردن کشتار تلاش کنیم. آنچنان که اساتید انسان شناسی « کلابتون» و « کارول روباچک»^۱ بازگو می کنند، کاهش چشم گیر ۹۰ درصد قتل ها در قومیت «

۱ the Sociadad Civil Las Abejas (The Bees Civil Society) formed in 1992 in the Chiapas region of Mexico.

۲ Zapatista rebellion

۳ (Peace News, July 1998: 13, 14).

۱ Clayton and Carole Robarchek (1998),

واثروانی»^۲ در اکوادور در دوران کوتاه ۳۰ سال بعد از ۱۹۵۸، نشان می‌دهد که انسانها قادر به یک تغییر سریع به سوی دوری از کشتار هستند. با ۶۰ درصد مرگ‌های ناشی از قتل در قرن قبل، «واثروانی» مانند «جامعه با نسبت بیشترین خشونت شناخته شده در انسان‌شناسی» در نظر گرفته شده‌اند. میزان قتل‌ها ۱۰۰۰ بر ۱۰۰ هزار نفر در جمعیت بود، که مقایسه شده بر ۱۰ و یا کمتر بر ۱۰۰ هزار نفر در ایالت متحده آمریکا. اما در ۳ دهه اخیر میزان قتل‌ها در بین «واثرونی» پایین آمده است یعنی ۶۰ نفر برای ۱۰۰ هزار. ۲ زن مذهبی (مسیونر) مسیحی، بیوه و خواهر دو مردی که در تلاش ناموفق آمیز در ارتباط برقرار کردن با «واثرونی» در سال ۱۹۵۶ کشته شدند، بیشترین سهم در تغییر در جامعه «واثروانی» را داشتند همچنین همکاری بسیاری از زنان «واثرونی» به رهبری این دو زن نیز بسیار قابل تقدیر است در زمینه‌هایی چون ترویج اطلاعات نوین در سطح شناخت و آگاهی، از جمله اینکه هر کسی که از بیرون از این قوم می‌آید آدم خوار نیست و همچنین آرزو و خواست خود «واثرونی» به پایان دادن به انتقام‌های خانوادگی. تشکیل داده شدن کلیساها و آمادگی برای ترویج دوری از خشونت از طریق دعا و عرفان. تغییرات ساختاری از ترکیب تلاش‌های معنوی نوین دوری از کشتار و دریافت اطلاعات نوین شروع به پیشروی کردند. حتی گروه‌های «واثرونی» غیر مسیحی شروع به تغییر کردند. برای «روبارچکس»^۱ این تغییرات چشم‌گیر در ارزش‌ها و ساختارها هرچند ناقص، فرضیه‌های نظری مهمی را در رفتار انسان تأکید می‌کنند:

انسانها ماشین‌های غیر فعال نیستند که از طریق عملکردهای بوم‌شناختی، بیولوژیک و حتی اجتماعی-اقتصادی به حرکت انداخته می‌شوند، بلکه تصمیم‌گیرنده‌هایی فعالی هستند که راهشان را از طریق انتخاب در زمینه‌های متفاوت جستجو می‌کنند، در نتیجه رسیدن به انتخاب‌های ناشی از شرایط فرهنگی و یا فردی متفاوت هستند ولی انسانها به ساختن و دوباره ساختن ادامه می‌دهند.^۲

^۲ Waorani

^۱ Robarcheks

^۲ (1998: 4).

از نقطه نظر علوم سیاسی دوری از کشتار، تجربه « وائورونی» قدرت تغییر در انسان ها را ثابت می کند . آن چیزی که « وائورونی» می توانند انجام دهند، علوم سیاسی نیز می تواند مانند حرفه و در خدمت جامعه انجام دهد. احتیاج به کار فراوان است زیرا نه « وائورونی» و نه کل دنیا رها از کشتار است. روی آوری افراد خارجی مشغول و درگیر در عملیات انرژی حمله شدید از جانب همسایگان « وائورونی» که هنوز اثر آگاهی و شناخت معنوی دوری از کشتار به آنها نرسیده است ، هنوز به خونریزی و تکرار آن ادامه می دهند. اگر چه ایجاد دوری از کشتار برای تغییر در جهان امکان پذیر و اساسی است ، اما همزمان با آن اصول و جوهر و عملی کردن دوری از کشتار باید جهانی شود.

ضرورت و الزام جهانی

علوم سیاسی به دور از کشتار باید جهانی شود. جهانی در کشف، خلاقیت ، تفاوت ها و قابلیت اجرا و موثر بودن. جهانی در درون و روح، در علوم، توانایی ها، شعر و سرود، در اظهارات و بیانات نهاد ها و سازمانها و در تلاش برای به دست آوردن منابع لازم . جهانی در پرورش و تشویق مدیران و رهبران خلاق و در قدرت برای حمایت کردن از قوه های مبتکر که به دنبال بهتر کردن زندگی هستند. جهانی در تلاش در حل و برطرف کردن معضلات و مشکلات در جوابگویی به احتیاجات بشر. جهانی در تصمیم قاطع در پایان دادن به کشتار در هر جا ، اگر این چنین نشود هیچ کس در هیچ نقطه دنیا در امان نخواهد ماند. جهانی در همکاری و شراکت زیرا هیچ کار و حرفه و جامعه و دانشگاهی دانش و حکمت ، توانایی و منابع لازم و کافی را برای انجام این تکلیف بزرگ را ندارد. جهانی در تلاش برای رفاه محلی، زیرا بهتر شدن جهان در نخست به بهتر کردن مناطق کوچک نیاز دارد. زیرا از نقاط کوچک باید شروع کرد. جهانی در احترام به متفاوت بودن ، در همکاری و اتحاد در رفاه ناشی از دوری از کشتار برای افراد جامعه و دنیا. جهانی در حمایت دو جانبه کسانی که تحصیل می کنند ، آموزش می دهند و تلاش می کنند برای پایان دادن به دوران کشتار و هلاکت که مانع به حقیقت پیوستن آزادی ، برابری و رفاه و صلح می شود. جهانی در مشاهده کره زمین از فضا و یا کره ماه و آگاهی به این امر که هر کدام ما مانند درخشش موقتی در بین میلیارد ها ستاره است ولی در عین حال وجود هیچ کسی بی معنی و ناچیز نیست و هر کس مانند یک عامل ترویج دهنده دنیای دور از کشتار است.

هدف از پایان دادن به کشتار در زندگی جهانی ، تغییر علوم سیاسی کشتار است ، علوم سیاسی که خشونت را قبول می کند و جایگزین کردن آن با علمی که آماده به جوابگویی به احتیاجات بشر مانند عشق، رفاه، آزادی بیان و توانایی خلاقیت از طریق دوری از کشتار هستند.

آیا امکان یک جامعه بدون کشتار وجود دارد؟

آیا امکان یک علوم سیاسی جهانی بدون کشتار وجود دارد؟

آری!

ضمیمه ۱

انجمن های بین المللی علوم سیاسی انجمن های ملی (۱۹۹۹)

تعداد عضو	سال تاسیس	نام
۱,۳۶۰	۱۹۷۴	انجمن علوم سیاسی آفریقا
۱۸۰	۱۹۸۳ (۱۹۵۷)	انجمن آنالیز علوم سیاسی آرژانتین
۴۲۵	۱۹۶۶ (۱۹۵۲)	انجمن تحقیقات علوم سیاسی استرالیا
۵۳۷	۱۹۷۹ (۱۹۵۱)	انجمن علوم سیاسی اتریش
۴۵۰	۱۹۷۹ (۱۹۵۱)	انجمن علوم سیاسی فلامیش (هلند)
۱۲۵	۱۹۹۶ (۱۹۵۱)	انجمن علوم سیاسی بلژیک
*	۱۹۵۲	انجمن علوم سیاسی برزیل
۷۲	۱۹۷۳ (۱۹۶۸)	انجمن علوم سیاسی بلغارستان
۱۲۰۰	۱۹۶۸ (۱۹۱۳)	انجمن علوم سیاسی کانادا
*	*	انجمن علوم سیاسی شیلی
۱۰۲۵	۱۹۸۰	انجمن علوم سیاسی چین
۵۰	۱۹۶۶	انجمن علوم سیاسی کرواسی
۲۰۰	۱۹۶۴	انجمن علوم سیاسی جمهوری چک
۳۵۰	۱۹۶۰	انجمن علوم سیاسی دانمارک
۵۵۰	۱۹۳۵	انجمن علوم سیاسی فنلاند
۱۰۳۰	۱۹۴۹	انجمن فرانسوی علوم سیاسی
۱۰۲۵	۱۹۵۱	انجمن علوم سیاسی آلمان
۵۳	۱۹۵۷ (۱۹۵۱)	انجمن علوم سیاسی یونان
۴۱۰	۱۹۸۲ (۱۹۶۸)	انجمن علوم سیاسی مجارستان
۱۶۰۰	۱۹۳۵	انجمن علوم سیاسی هند
۲۴۷	۱۹۸۲	انجمن تحقیقات علوم سیاسی ایرلند
۲۵۰	۱۹۵۰	انجمن علوم سیاسی اسرائیل
۲۲۰	۱۹۷۵ (۱۹۵۲)	انجمن علوم سیاسی ایتالیا
۱۵۲۲	۱۹۴۸	انجمن علوم سیاسی ژاپن
۱۷۰۰	۱۹۵۳	انجمن علوم سیاسی کره
۱۴۶۵	۱۹۷۹	انجمن اجتماعی محققان کره
۷۵	۱۹۹۱	انجمن علوم سیاسی لیتوانی

*	*	انجمن علوم سیاسی مکزیک
۴۰۰	۱۹۶۶ (۱۹۵۰)	انجمن علوم سیاسی هلند
*	۱۹۷۴	انجمن علوم سیاسی نیوزیلند
*	*	انجمن علوم سیاسی نیجریه
۴۰۰	۱۹۵۶	انجمن علوم سیاسی نروژ
۳۰۰	۱۹۵۰	انجمن علوم سیاسی پاکستان
*	۱۹۶۲	انجمن علوم سیاسی فیلیپین
۲۰۰	۱۹۵۰	انجمن علوم سیاسی لهستان
۱۸۸	۱۹۶۸	انجمن علوم سیاسی رومانی
۳۰۰	۱۹۹۱ (۱۹۶۰)	انجمن علوم سیاسی روسیه
۱۱۵	۱۹۹۰	انجمن علوم سیاسی اسلواکی
۲۲۰	۱۹۶۸	انجمن علوم سیاسی اسلونی
۱۸۶	۱۹۷۳	انجمن تحقیقات علوم سیاسی آفریقای جنوبی
۲۵۳	۱۹۹۳ (۱۹۵۸)	انجمن علوم سیاسی و اداری اسپانیا
۲۶۴		انجمن علوم سیاسی سوئد
۱۰۰۰	۱۹۵۰	انجمن علوم سیاسی سوئیس
۳۵۰	۱۹۳۲	انجمن علوم سیاسی چین (تایپه)
*	*	انجمن علوم سیاسی تایلند
۱۲۰	۱۹۶۴	انجمن علوم سیاسی ترکیه
۱۲۰۰	۱۹۵۰	انجمن علوم سیاسی بریتانیا کیبر
۱۳۳۰۰	۱۹۰۳	انجمن علوم سیاسی ارمنستان
*	*	انجمن علوم سیاسی ازبکستان
*	۱۹۷۴	انجمن علوم سیاسی ونزوئلا
*	۱۹۵۴	انجمن علوم سیاسی یوگوسلاوی

جمع کل:

۳۵۱۴۲

منشا: اشتراک (۱۹۹۹) ۲۳/۳: ۴۱-۳۳ . نشریه اطلاعاتی انجمن علوم سیاسی بین الملل. بولتن انجمن بین المللی علوم سیاسی.

ضمیمه ۲

انجمن علوم سیاسی بین الملل حوزه بازرسی (۲۰۰۹)

حوزه های اصلی

زمینه تحصیل
حکومت مرکزی
سیاست های نسبی
سیاست های رشد و توسعه
انتخابات و متد های رای گیری
حقوق بین الملل
روابط بین الملل
سیستم حقوقی
قوه مقننه
سیاست های شهری و محلی
قوه مجریه
حزب های سیاسی
متدهای علوم سیاسی
تنوری سیاسی و فلسفی
گروه های فشار
سیاست عمومی
زنان و سیاست

کمیته های تحقیق (Research Comittees)

RC01 – متد ها و مفاهیم
RC02 – نخبگان سیاسی
RC03 – متحد شدن اروپا
RC04 – بوروکراسی عمومی در گسترش و توسعه جوامع
RC05 – تحقیقات نسبی در حکومت های محلی و سیاسی
RC06 – جامعه شناسی سیاسی
RC07 – زنان، سیاست و گسترش اقوام

- RC08 – متخصصین قانون گذاری
- RC09 – سیستم های قضایی نسبی
- RC10 – دموکراسی الکترونیکی
- RC11 – علم و سیاست
- RC12 – زیست شناسی و امور سیاسی
- RC13 – دموکراسی کردن در چشم انداز نسبی
- RC14 – امور سیاسی و قومیت
- RC15 – جغرافی فرهنگی و سیاسی
- RC16 – اقتصاد – سیاست چنگانگی
- RC17 – حکومت و جهانی شدن
- RC18 – تحقیقات آسیایی و کشورهای اقیانوس آرام
- RC19 – روش و سیاست جنسیتی
- RC20 – اقتصاد سیاسی و رشوه خواری سیاسی
- RC21 – آموزش و یادگیری اجتماعی شدن سیاسی
- RC22 – ارتباطات سیاسی
- RC23 – نیروهای مسلح و جامعه
- RC24 – سیاست بهداشتی تطبیقی
- RC25 – حقوق بشر
- RC26 – ساختار و تشکیلات حکومتی
- RC27 – فدرالیسم و فدراسیون نسبی
- RC28 – سیاست های روانی
- RC29 – فلسفه سیاسی
- RC30 – سیاست عمومی و اداری
- RC31 – تحقیقات علوم سیاسی
- RC32 – نمایندگی نسبی و سیستم انتخابات
- RC33 – تکنولوژی و توسعه
- RC34 – قدرت سیاسی
- RC35 – بازنگری توسعه سیاسی
- RC36 – اصول سیاسی و تجاری
- RC37 – کمک های اجتماعی و گسترش جوامع
- RC38 – نظم دنیای جدید؟
- RC39 – جغرافیای سیاسی
- RC40 – سیستم های یک پارچه و دولل تقسیم شده
- RC41 – سیاست و مذهب
- RC42 – نقش ارتش در دموکراسی
- RC43 – سیاست بین المللی وابسته
- RC44 – تغییرات جهانی محیط زیست
- RC45 – روابط محلی و جهانی
- RC46 – فرهنگ اداری و اجرایی
- RC47 – جامعه گرایی، سرمایه گرایی و دموکراسی
- RC48 – سیاست و زبان
- RC49 – تحقیقات سیاسی در آفریقای شمالی نوین
- RC50 – جنسیت، جهانی کردن و دموکراسی

ماخذ: انجمن علوم سیاسی بین الملل، (2009) www.ipsa.org

ضمیمه ۳

انجمن های علوم سیاسی آمریکا حوزه های بازرسی (۲۰۰۸)

حوزه های کل (اسامی اعضای APSA)

۴۷۷۷	دولت آمریکا
۵۴۵۶	سیاست های نسبی
۴۸۱۲	روابط بین الملل
۱۶۲۹	مندیولوزی (روش شناسی)
۲۷۰۹	فلسفه و تئوری سیاسی
۱۱۴۷	مدیریت
۱۳۸۳	حقوق عمومی
۲۸۸۳	سیاست عمومی

حوزه های زیر مجموعه (اسامی اعضا)

۳۳۶	جامعه صنعتی پیشرفته
۴۴۳	آفریقا
۲۶۴	سیاست های آفریقا - آمریکایی
۶۴	سیاست های آسیا - آمریکا
۲۶	استرالیا
۶۶۵	دیوان سالاری و سازمان ها
۷۱	جزایر کارایب
۱۲۵	آمریکای مرکزی
۷۱	آسیای مرکزی
۷۴۳	حقوق مدنی و آزادی
۸۵۷	پرونده های تعارض
۷۴۳	کنگره آمریکا
۱۰۰۷	حقوق اساسی و نظری
۲۲۰	عدالت کیفری
۴۲۷	وزارت دفاع
۹۰۲	دولت های در حال گسترش
۴۳۷	اروپای شرقی و مرکزی

۱۳	سیاست اقتصادی
۳۹۳	سیاست آموزشی
۵۵۷	سیستم های انتخاباتی
۹۰۵	حرکت های انتخاباتی
۱۱۲	سیاست انرژی
۱۷	سیاست محیط زیست
۸۴۷	سیاست های قومی و نژادی
۱۳۱	تحقیقات ارزشیابی
۲۳۲	قوه مجریه
۷۲۱	فدرالیسم و روابط دولت های ائتلافی
۴۰۲	تنوری فمینیزم
۱۶۶۲	سیاست خارجی
۴۴۳	سیاست جنسیتی و سیاستمداری
۲۸۳	سیاست بهداشت عمومی
۱۳۲۷	استدلال های تاریخ سیاست
۹۹۰	سیاست و تاریخ
۵۶	سیاست مسکن
۲۶۲	سیاست امور مهاجرت
۹۶۹	حقوق بین الملل و سازمانها
۱۱۶۲	اقتصاد سیاسی بین الملل
۱۴۶۳	امنیت بین المللی
۵۹۵	سیاست قضایی
۱۲۳	سیاست کار
۱۵۹	سیاست آمریکای لاتین
۲۰۶	تحقیقات مدیریت و رهبری
۶۹۴	تحقیقات قانون گذاری
۱۲۴	سیاست همجنس گرایان
۸۴	علوم حیات و سیاست
۲۶۳	ادبیات و سیاست
۵۹۳	خاورمیانه
۴۸	سیاست بومی های آمریکا
۱۱۵۴	فرضیه اصول سیاسی
۱۲۲	آمریکای شمالی
۱۱۶۵	رفتارها و حرکت های سیاسی
۶۷۱	سیاست ارتباطات
۵۸۵	سیاست های توسعه
۱۳۸۰	سیاست های اقتصادی
۱۲۲۳	حزب های سیاسی
۷۲۸	روانشناسی سیاسی
۴۳۶	تنوری سیاست های مثبت
۴۱۵	کشورهای ایجاد شده بعد از فروپاشی شوروی
۶۹۳	دوره ریاست جمهوری
۱۸۹	اقتصاد عمومی و بودجه
۹۱۰	افکار عمومی
۲۱۰	سیاست نظم دهنده
۸۳۸	مذهب و سیاست

۷۹۹	مندهای تحقیق
۲۹۴	علو و تکنولوژی
۲۰۲	آسیای جنوب شرقی
۶۵۴	جنبش های اجتماعی
۴۵۴	سیاست رفاه اجتماعی
۴۲۸	آمریکای جنوبی
۱۸۹	آسیای جنوبی
۵۹۶	سیاست دولت
۱۳۰	سیاست بازرگانی
۶۲۶	سیاست شهرنشینی
۱۰۳۱	اروپای غربی
۶۴۸	زنان و سیاست

شعبه ها (اسامی اعضا)

۵۹۷	دموکراسی کردن تطبیقی
۱۵۰۸	سیاست نسبی
۳۹۶	پرونده های تعارض
۸۲۳	انتخابات، افکار عمومی و رای گیری
۵۰۰	جامعه و سیاست اروپا
۲۷۱	فدرالیسم و روابط دولت های ائتلافی
۶۲۱	سیاست خارجی
۷۱۵	اصول تئوری سیاسی
۳۸۱	حقوق بشر
۲۶۵	تکنولوژی اطلاعات و سیاست
۴۴۰	تاریخ بین المللی و سیاست
۵۲۹	امنیت بین المللی و کنترل سلاح ها
۸۰۹	حقوق و محکمه ها
۵۹۴	تحقیقات قانون گذاری
۴۷۸	علوم سیاسی نوین
۴۷۰	ارتباطات سیاسی
۶۵۳	سیاست اقتصادی
۹۴۳	متدلوژی سیاسی
۵۶۲	احزاب سیاسی
۴۰۵	روانشناسی سیاسی
۶۵۴	سیاست و تاریخ
۳۶۱	سیاست و ادبیات و فیلم
۳۸۵	دوره ریاست جمهوری
۵۳۴	مدیریت عمومی
۹۸۱	سیاست عمومی
۹۰۹	روشهای کیفی
۵۶۹	نژاد، قومیت و سیاست
۶۰۳	مذهب و سیاست
۳۷۸	نمایندگان و سیستم های رای گیری
۳۲۵	علم، تکنولوژی و سیاست محیط زیست

۴۷۷	سیاست دولت و سیاستمداری
۴۶۸	آموزش های دانشگاهی
۳۵۴	سیاست شهری و شهرنشینی
۶۳۷	زنان و سیاست

ماخذ: انجمن علوم سیاسی آمریکا، اسامی اعضای مربوط به علوم سیاسی (۲۰۰۸)

ضمیمه ۴

اسامی گروه های مذهبی که به دلایل مذهبی و اعتقادی از ورود به ارتش در آمریکا جنگ جهانی دوم خودداری کردند و خدمت آنها در زمینه های خدمت به جامعه.

۳	ظهور مسیح
۱	کلیسای متدیست آفریقا
۱	نمایندگان مسیح
۱	کلیسای آنتینسکی
۲	وابسته به پاپ (حواریون)
۳	حواریون کلیسای مسیح
۲	حواریون جنبش ایمان
۳۲	گروه ها و انجمن ه در جهت حق
۱	انجمن ها مسیحیان
۱	هیئت عیسی مسیح
۱۷۸	باتست (تعمید دهنده) ساکن شمال
۴۵	باتست (تعمید دهنده) ساکن جنوب
۱	کلیسای برن
۱	دانش آموزان مکتب انجیل
۱	جسم مسیح
۱	گردهمایی برادران
۱	پرستشگاه برودوی
۱	بودایی
۱	پرستشگاه گوسپل کالواری
۱۴۹	کاتولیک , روم

۱۲۷	کریستدلفیانس ^۱
۱	برادران مسیحی
۱	مسیحیان کاتولیک وابسته به پاپ
۱	همپیمانان مسیح
۱	مسیحیان کلیبی
۵	اتحاد مسیحیان و مبلغین مذهبی (میسیونر ها)
۱	جامعه میسیونر های مسیحی
۱۴	دانشمندان مسیحی
۱	کلیسای مسیح
۳	کلیسای مسیح و قاعده زرین
۱	پیروان مسیح
۲	کلیسای مسیح مقدس
۱	کلیسا
۱۳۵۳	کلیسای برادران (Brethern)
۱۹۹	کلیسای مسیح
۱	کلیسای حضرت مسیح مقدس
۱	کلیسای پیروان مسیح
۱	کلیسای انگلستان
۱۱	کلیسای ارشد
۱	کلیسای « فور لیف کلور » ^۱
۱	کلیسای « فول گوسپل ، اینک » ^۲
۱۳	کلیسای خدای ابراهیم مقدس
۴	کلیسای خدای همپیمانان پاپ
۱	کلیسای هیئت خدا
۱۲	کلیسای خدا در مسیح
۵	کلیسای خدا، گوتریه، اوکلاهاما
۶	کلیسای خدای مقدس
۴۳	کلیسای خدا، ایندیانا
۱	کلیسای خدا و روحانیون مسیح
۲۱	کلیسای خدا، ساردیس
۷	کلیسای خدا و هفتمین روز
۲۳	کلیسای خدا، تنسی
۱	کلیسای خدا (اجزای مختلف)
۱	کلیسای سیره مسیح
۱	کلیسای عیسی مسیح
۱۵	کلیسای عیسی مسیح، سولیوان، ایندیانا
۱	کلیسای نور
۲	کلیسای کلیسای جاودانی خداوند

^۱ Christadelphians : member of a Christian sect founded around 1848 by John Thomas in the United States that claim to return to the beliefs and practices of the earliest disciples and anticipating a second coming of Christ

^۱ Church of the Four Leaf Clover

^۲ Church of the Full Gospel, Inc.

۱	کلیسای پیشوایمان عیسی مسیح
۱	کلیسای درهای باز
۱	کلیسای مردم
۱	کلیسای زندگی درخشان
۱	کلیسای حقیقت (فکر جدید)
۱۰	قلمرو میسیون (پدر مقدس)
۱۲	جامعه کلیسا
۲۰۹	گروه های مسیحی
۱	مدافعین
۱	حواریون هیئت های مسیح
۷۸	حواریون مسیح
۳۰	برادران دانکارد
۳	دوگوبور (جامعه پیشرو صلح)
۱	کلیسای الیم کونونات
۱	قاصد نور خدا
۸۸	کلیسای اسقف
۵	راهبان یهودی ^۱
۳	جامعه وابسته به اخلاقیات
۵۰	پروتستان ^۲
۱۱	صومعه میسیونر های پروتستان (سوندی)
۱۰۱	پروتستان ها و ارشاد شدگان
۳	میسیونر های یوحنا
۱۸	جایگاه پرستش
۱	متحدان کلیسا
۱	« فول گوسپل فیلیپینی»
۳	« فایر باپتیز هولینس» ^۳
۱	نخستین وابستگان پاپ
۲۸	اولین سده انجیل
۱۶	نخستین گروه الهی در آمریکا
۲	نخستین کلیسای میسیونری
۴	پیشروان عیسی مسیح
۲	« چهار اسکونر گوسپل»
۳	تقدس آزاد
۶	متدیست های آزاد
۴	نخستین عید پنجاهه ^۴ – عید گلریزان در کلیسای خدا
۲	اراده آزاد باتسیت

^۱ Essene member of an ascetic sect of Judaism which inhabited the area north of the Dead Sea between approximately 200 BC - AD 100

^۲ evangelical of the gospel, of the message of salvation contained in the New Testament

^۳ baptize (Amer.) perform ceremony of baptism by immersing in water (Christian ritual symbolizing admittance into the church); give a name to person during the ceremony of baptism (also baptise

^۴ pentecost. Christian festival celebrated on the seventh Sunday after Easter

۹۵۱	دوستان، جامعه (فرقه کونکر) ^۵
۴	کنفرانس « فول گوسپل » در جهان
۳	هیات اعزامی- میسیون « فول گوسپل»
۱	اتحاد رستگاری کامل
۱	میسیون « گالیلین»
۱۵۷	برادران باتیست آلمان
۴	معاهده باتیست های آلمان
۲	جلال پرستشگاه
۱	مدرسه انجیل خداوند
۱	سده انجیل
۲	کلیسای « گوسپل»
۱	انجمن گردهمایی «گوسپل»
۲	میسیون «گوسپل»
۲	پرستشگاه « گوسپل»
۱	معبد « گوسپل»
۱	کلیسای کوچک مناجات
۱	انجمن حقیقت
۱	انجمن « گریسلوان»
۱	وابستگان یونانی به پاپ
۱	کاتولیک های یونانی
۱	ارتدکس های یونانی
۶	عقیده « هیزبیه» ^۱
۱	هندو جهانی
۱	باتیست های مقدس
۱	مجمع عمومی مقدسین
۲	خانه داوود
۱	خانه دعا
۲	جامعه یاران بشردوست
۱۳	انجمن میسیونر های امانوئل
۲	فرستادگان مستقل خدا
۲	کلیسای مستقل
۱	موسسه جامعه مذهبی و فلسفه
۱۶	مذهب مشترک بین فرقه ها
۲	جامعه میسیونر های بین المللی
۴۰۹	معتقدان به بازگشت مسیح
۹	کلیسای کوچک « جنینگ»
۱۶	یهودی
۱	سلطنت خدا
۱	موالید میسیونر ها

^۵ Quakers Society of Friends, Religious Society of Friends, Christian sect founded in England in 1652 by George Fox having no formal sacraments or priesthood and opposing violence (the basic belief of the Society of Friends is that divine revelation is instantaneous and individual)

^۱ Hezibah Faith

۱	کلیسای مسیحیان آمریکای جنوبی
۹	دوستانان « لمورین»
۱	سرور عدالت
۱۰۸	کلیسای لوتران
۲	برادران لوتران
۱	پیروان دین مزدینی
۱	میسسیون « مجیدو »
۴۶۶۵	مسیحیان مخالف تعمید ^۲
۶۷۳	متدیست ها
۸	انجمن کلیسای متدیست
۲	موسسه انجیل « مودی»
۱۰	مورمونز ^۱
۲	موراویان ^۲
۱	مسلمان
۲	مدرسه انجیل « مولتونماه »
۵	معاهده ملی باتیست ، ایالت متحده آمریکا
۵	کلیسای ملی مسیحیان واقعی
۲۳	کلیسای ناصره جلیل
۳	کلیسای عصر واپس گرا
۲	کلیسای آزاد نروژیان پروتستان
۷	باتیست های قدیمی آلمان
۲	زرتشتیان ارتدکس
۱	جنبش آکسفورد
۱	انجمن عیسی مسیح « پنت کوستال»
۳	انجمن جهانی « پنت کوستال»
۲	انجمن « پنت کوستال»
۲	کلیسای « پنت کوستال»
۱	پروتستان های « پنت کوستال»
۶	مقدسین « پنت کوستال»
۱	مردم کلیسای مسیحی
۳	مردم کلیسا
۳	زائران مقدس
۱	پایه های اشتیاق
۱	ستون های اصلی حقیقت
۱	کلیساهای هینت های آمریکای لاتین
۱۲	برادران « پلیمونت»
۱	مسیحیان « پلیمونت»
۱۹۲	کلیسای مشایخی پروتستان، آمریکا
۲	ظهور اولیه مسیح

^۲ Mennonite member of the Mennonite Protestant sect which advocates a simple lifestyle and is against baptism

^۱ Mormon.member of the Church of Jesus Christ of Latter-day Saints, advocate of Mormonism

^۲ moravian sect of Christianity which views the Bible as the only true source of religious law; dialect of Czechoslovakian spoken in Moravia

۱	برادران ترقی خواه
۱	کلیسای « کواکر توان »
۱	مطالعه راه عبادت
۱۵	کلیسای از نو تشکیل شده آمریکا
۱	میسوین نجات دهنده بازسازی شده
۳	کواکر های « روجرین »
۱	روسیکورسین ^۳
۷۶	« ملوکان » روسی
۱	کلیسای روسی انجیل
۱	میسوین مقد
۱	ارتش ^۱
۱	کلیسای مسیح مقدس
۱	پروتستان های اسکاندیناوی
۱	شوون فلدرز (کلیسای مسیحیان وابسته به پاپ)
۱	مدرسه انجیل
۱	ارتدکس های صربستان
۱۷	معتقدان بازگشت مسیح ^۲
۱	معتقدان به بازگشت مسیح، بازسازی شده
۳	معتقدان به بلزگشت مسیح باتنیست
۱	پرستشگاه « شیلوه »
۱	کلیسای اسپانیایی عیسی مسیح
۱	میسوین معنوی
۱	روحانیون
۱	سوندنبرگ
۱	تائویست
۱۴	حکیمان و عارفان
۱	پرستشگاه تتلیث
۱	پیروزی کلیسا و سلطنت خداوند در مسیح
۱	پیروزی کلیسا واپس گرا
۱	پیشروان حقیقی مسیح
۱	کلیسای نور حقیقی مسیح
۵	مدرسه بیست قرن انجیل
۴۴	یکتاپرستان
۴	کلیسای متحد
	وحدت میسویون
	۱
۱	وحدت باتنیست

^۲ Rosicruciansecret order founded by Christian Rosenkruz dating from the 15th or 17th century (associated with the symbol of the Rose Cross)

^۱ Salvation Army international Christian organization founded in London in 1865 and is known for its evangelical and philanthropic work

^۲ seventh day adventists religious sect of Christians that believes that Second Coming of Jesus is imminent

۲۷	وحدت برادران
۲	اتحاد کلیسای مسیحیان
۱	اتحاد کلیسای مقدسین
۲	اتحاد کلیسای مقدس آمریکا
۲	انجمن بین المللی جوانان متحد
۲	منزلگاه عارفان متحد
۱	اتحاد هیئت پنت کوستال انجمن خدا در آمریکا
۱۲	کلیسای مشایخی پروتستان متحد
۳	اتحاد
۱	انجمن برادری و اخوت جهانی
۲	جهانیان
۴۶	گروه‌های مخالف جنگ
۸	مندیست های وسلی
۲	اتحادیه دانشجویان جهان
۲	اتحادیه مردان جوانیج زرتشتیان
۱۰۸۳۸	تعداد کل اعضای وابسته
۴۴۹	اعضای غیر وابسته
۷۰۹	تعداد شناسایی نشدهگان
۱۱۹۹۶	جمع کل

ماخذ: آندرسون ۶-۲۰۸: ۱۹۹۴

توضیح و یادداشت

(Notes)

Epigraphs: Alfred North Whitehead in Alan L. Mackay, comp., A Dictionary of Scientific Quotations (Bristol, UK: Institute of Physics Publishing, 1991), 262. Chapter 1: Bertrand Russell, Wisdom of the West (New York: Crescent Books, 1977), 10; Jawaharlal Nehru, An Autobiography (New Delhi: Oxford University Press, 1982), 409. Chapter 2: Daniels and Gilula, 1970: 27. Chapter 3: G. Ramachandran, remarks at the Conference on Youth for Peace, University of Kerala, Trivandrum, India, February 23, 1986. Chapter 4: Nobel Prize Winners, 1981: 61. Chapter 5: Alexis de Tocqueville, quoted in Wilson, 1951: 244; Petra K. Kelly, Thinking Green! (Berkeley, Calif.: Parallax Press, 1994), 38. Chapter 6: General Douglas MacArthur in Cousins 1987: 69; Martin Luther King, Jr., "The Future of Integration," pamphlet of speech at a Manchester College convocation, North Manchester, Indiana, February 1, 1968, 9; Max Weber in Weber 1958: 128; Gandhi 1958-1994: Vol. XXVI, 1928, 68. 1. Lest this be regarded as too harsh a portrait of patriotic United States lethality, consider the battle cry introduced into the Congressional Record on April 16, 1917 by Senator Robert L. Owen, Democrat of Oklahoma, in support of American entry into World War I. Mr. President, I found in a western paper a few days ago an editorial in the Muskogee Phoenix, Muskogee Okla., written by Tams Bixby, Esq., former chairman of the Dawes Commission. It breathes a high, pure note of Christian patriotism, which I think deserves a place in our annals at this time. I wish to read it. It is very short. It is entitled: ONWARD, CHRISTIAN SOLDIERS!

The United States of America, given to the world by the Pilgrim Fathers, through their love and devotion to the Omnipotent ruler of the destinies of men, has declared war on the anniversary of our Savior's crucifixion. It is altogether fitting and proper that it should be as it is. Loyal Americans will go forth to war not only as the champions of liberty and freedom and humanity but as soldiers of the cross. As He died upon the cross nearly 2,000 years ago for the salvation of mankind Americans will die upon the field of battle to makethis a better world.

Through America's blood the world is to be purged of a barbaric, heathenish dynasty that in its lust has forgotten the teachings of our Savior. It is a noble thing to die and to suffer that men maybe brought nearer to God. America, unafraid, girded with the armor of righteousness, strides forth to battle. There is no hatred in our hearts; we

bear no malice toward our enemies; we ask no conquest nor material reward. America, true to the traditions that gave her birth, is to wage a noble, Christian war. We are willing to die if need be to bring to all men once more the message of peace on earth, good will.

And in this sacred hour America offers for her enemies the prayer of the cross, "Father, forgive them; they know not what they do."

The call to arms has been sounded. America, champion of righteousness, of civilization, and of Christianity, with a clear heart and willing hand, marches forth.

Amid the clamor and the cries of battle come the strains of the hymn of the united allies of mankind: "Onward, Christian soldier!"

Congressional Record, 65th Cong., 1st sess., 1917, Vol. 55, Pt. 1, 719.

2. The Seville Statement signers were: David Adams, psychology (U.S.A.); S.A. Barnett,

ethology (Australia); N.P. Bechtereva, neurophysiology (U.S.S.R.); Bonnie Frank Carter, psychology (U.S.A.); José M. Rodríguez Delgado, neurophysiology (Spain); José Luis Díaz, ethology (Mexico); Andrzej Elias, individual differences psychology (Poland);

Santiago Genovés, biological anthropology (Mexico); Benson E. Ginsburg, behavior genetics (U.S.A.); Jo Groebel, social psychology (Federal Republic of Germany); Samir- Kumar Ghosh, sociology (India); Robert Hinde, animal behaviour (U.K.); Richard E. Leakey, physical anthropology (Kenya); Taha H. Malasi, psychiatry (Kuwait); J. Martin Ramírez, psychobiology (Spain); Federico Mayor Zaragoza, biochemistry (Spain); Diana L. Mendoza, ethology (Spain); Ashis Nandy, political psychology (India); John Paul Scott, animal behavior (U.S.A.); and Riitta Wahlström (Finland).

3. The Fellowship Party, 141 Woolacombe Road, Blackheath, London, SE3 8QP, U.K.

4. Bündnis 90/Die Grünen, Bundeshaus, Bonn 53113, Germany.

5. The United States Pacifist Party, 5729 S. Dorchester Avenue, Chicago, Illinois 60617, U.S.A. Internet: <http://www.uspacifistparty.org/>.

6. The Sarvodaya Party, Unnithan Farm, Jagatpura, Malaviya Nagar P.O., Jaipur- 302017, Rajasthan, India. Internet: <http://www.sarvodaya.org/frontpage.html>.

7. Transnational Radical Party, 866 UN Plaza, Suite 408, New York, N.Y. 10017, U.S.A. Internet: <http://www.radicalparty.org>.

8. The House of Representatives vote was 373 yeas, 50 nays, and 9 not voting. Representatives voting against war: Edward B. Almon, Democrat of Alabama; Mark R. Bacon, Republican of Michigan; Frederick A. Britten, Republican of Illinois; Edward E. Browne, Republican of Wisconsin; John L. Burnett, Democrat of Alabama; William J. Cary, Republican of Wisconsin; Denver S. Church, Democrat of California; John R. Connelly, Democrat of Kansas; Henry

A. Cooper, Republican of Wisconsin; James H. Davidson, Republican of Wisconsin; Perl D. Decker, Democrat of Missouri; Clarence E. Dill, Democrat of Washington; Charles H. Dillon, Republican of South Dakota; Frederick H. Dominick, Democrat of South Carolina; John J. Esch, Republican of Wisconsin; James A. Frear, Republican of Wisconsin; Charles E. Fuller, Republican of Illinois; Gilbert N. Hauge, Republican of Iowa; Everis A. Hayes, Republican of California; Walter L. Hensley, Democrat of Missouri; Benjamin C. Hilliard, Democrat of Colorado; Harry E. Hull, Republican of Iowa; William L. Igoe, Democrat of Missouri; Royal C. Johnson, Republican of South Dakota; Edward Keating, Democrat of Colorado; Edward J. King, Republican of Illinois; Moses P. Kinkaid, Republican of Nebraska; Claude Kitchin, Democrat of North Carolina; Harold Knutson, Republican of Minnesota; William L. LaFollette, Republican of Washington; Edward E. Little, Republican of Kansas; Meyer London, Socialist of New York; Ernest Lundeen, Republican of Minnesota; Atkins J. McLemore, Democrat of Texas; William E. Mason, Republican of Illinois; Adolphus P. Nelson, Republican of Wisconsin; Charles H. Randall, Prohibitionist of California; Jeannette Rankin, Republican of Montana; Charles F. Reavis, Republican of Nebraska; Edward E. Roberts, Republican of Nevada; William A. Rodenberg, Republican of Illinois; Dorsey W. Shackelford, Democrat of Missouri; Isaac R. Sherwood, Republican of Ohio; Charles H. Sloan, Republican of Nebraska; William H. Stafford, Republican of Wisconsin; Carl C. Van Dyke, Democrat of Minnesota; Edward Voigt, Republican of Wisconsin; Loren E. Wheeler, Republican of Illinois; and Frank P. Woods, Republican of Iowa. *Congressional Record*, 65th Cong., 1st sess., 1917, Vol. 55, Pt. 1, 413.

9. The Senate vote was 82 yeas, 6 nays, and 8 not voting. Senators voting against war: Asle J. Gronna, Republican of North Dakota; Robert M. LaFollette, Republican of Wisconsin; Harry Lane, Democrat of Oregon; George W. Norris, Republican of Nebraska; William J. Stone, Democrat of Missouri; and James K. Vardaman, Democrat of Mississippi. *Congressional Record*, 65th Cong., 1st sess., 1917, Vol. 55, Pt. 1, 261.

10. Nobel prize signers of the Manifesto on the economic "holocaust" were: Vincente Aleixandre (literature, 1977); Hannes Alfvén (physics, 1970); Philip Anderson (physics, 1977); Christian Afinsen (chemistry, 1972); Kenneth Arrow (economics, 1972); Julius Axelrod (medicine, 1970); Samuel Beckett (literature, 1969); Baruj Benacerraf (medicine, 1980); Heinrich Böll (literature, 1972); Norman Ernest Borlaug (peace, 1970); Owen Chamberlin (physics, 1959); Mairead Corrigan (peace, 1976); André Cournaud (medicine, 1956); Jean Dausset (medicine, 1980); John Carew Eccles (medicine, 1963); Odysseus Elytis (literature, 1979); Ernst Otto Fischer (chemistry, 1973); Roger Guillemin (medicine, 1977); Odd Hassel (chemistry, 1969); Gerhard Herzberg (chemistry, 1971); Robert Hofstadter

(physics, 1961); François Jacob (medicine, 1965); Brian Josephson (physics, 1973); Alfred Kastler (physics, 1966); Lawrence R. Klein (economics, 1980); Polykarp Kusch (physics, 1955); Salvador Luria (medicine, 1969); André Lwoff (medicine, 1965); Seán MacBride (peace, 1974); Czesław Miłosz (literature, 1980); Eugenio Montale (literature, 1975); Nevill Mott (physics, 1977); Gunnar Myrdal (economics, 1974); Daniel Nathans (medicine, 1978); Philip Noel-Baker (peace, 1959); Adolfo Pérez Esquivel (peace, 1980); Rodney Robert Porter (medicine, 1972); Ilya Prigogine (chemistry, 1977); Isidor Isaac Rabi (physics, 1944); Martin Ryle (physics, 1974); Abdus Salam (physics, 1979); Frederik Sanger (chemistry, 1958 and 1980); Albert Szent-Györgyi (medicine, 1937); Hugo Theorell (medicine, 1955); Jan Tinbergen (economics, 1969); Nikolas Tinbergen (medicine, 1973); Charles Hard Townes (physics, 1964); Ulf von Euler (medicine, 1970); George Wald (medicine, 1967); James Dewey Watson (medicine, 1962); Patrick White (literature, 1973); Maurice Wilkins (medicine, 1962); Betty Williams (peace, 1976).

بیوگرافی

- ABUEVA, Jose V. 2004. *Towards a Nonkilling Filipino Society: Developing an Agenda for Research, Policy and Action*. Marikina City: Kalayaan College.
- ACKERKNECHT, Erwin H. 1982. *A Short History of Medicine*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- ACKERMAN, Peter and DUVALL, Jack. 2000. *A Force More Powerful: A Century of Nonviolent Conflict*. New York: St. Martin's Press.
- ADAMS, David *et al.* 1989. Statement on violence. *Journal of Peace Research*, 26: 120-21.
- _____. 1997. War is not in our biology: a decade of the Seville statement on violence. In Grisolia *et al.* 1997: 251-56.
- ADAMS, David. 2007. *Why Do They Kill? Men who Murder Their Intimate Partners*. Nashville, TN: Vanderbilt University Press.
- ALMOND, Gabriel A. 1996. Political science: the history of the discipline. In Goodin and Klingemann 1996: 50-96.
- ALPEROVITZ, Gar. 1995. *The Decision to Use the Atomic Bomb*. New York: Alfred A. Knopf.
- AMATO, Joseph A. 1979. Danilo Dolci: a nonviolent reformer in Sicily. In Bruyn and Rayman 1979: 135-60.
- AMNESTY INTERNATIONAL. 2009. *Figures on the death penalty* (access January 2009), <http://www.amnesty.org/en/death-penalty/numbers>.
- ANDERSON, Richard C. 1994. *Peace Was In Their Hearts: Conscientious Objectors in World War II*. Watsonville, Calif.: Correlan Publications.
- AQUINO, Corazón C. 1997. Seeds of nonviolence, harvest of peace: The Philippine revolution of 1986. In Grisolia *et al.* 1997: 227-34.
- ARENDT, Hannah. 1970. *On Violence*. New York: Harcourt, Brace & World.
- _____. 1982. *Lectures on Kant's Political Philosophy*. Chicago: University of Chicago Press.
- ARISTOTLE. 1962. *The Politics*, trans. T.A. Sinclair. Harmondsworth: Penguin.
- ASHE, Geoffrey. 1969. *Gandhi*. New York: Stein and Day.
- AUNG SAN SUU KYI. 1998. *The Voice of Hope*. New York: Seven Stories Press.
- BAHÁ'U'LLÁH. 1983. *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*. Wilmette, Ill.: Baha'i Publishing Trust.
- BANERJEE, Mukulika. 2000. *The Pathan Unarmed*. Karachi & New Delhi: Oxford University Press.

- BARBEY, Christophe. 1989. *Les pays sans armée*. Cormagens, Switzerland: Éditions Pour de Vrai.
- BAXTER, Archibald. 2000. *We Will Not Cease*. Baker, Ore.: The Eddie Tern Press.
- BEBBER, Charles C. 1994. Increases in U.S. violent crime during the 1980s following four American military actions. *Journal of Interpersonal Violence* 9(1): 109-16.
- BEER, Michael. 1994. Annotated bibliography of nonviolent action training. *International Journal of Nonviolence*, 2: 72-99.
- BEISNER, Robert L. 1968. *Twelve Against Empire: The Anti-Imperialists, 1898-1900*. New York: McGraw-Hill.
- BENDAÑA, Alejandro. 1998. "From Guevara to Gandhi." Managua, Nicaragua: Centro de Estudios Internationales.
- BENNETT, Lerone Jr. 1993. *Before the Mayflower: A History of Black America*. New York: Penguin Books.
- BHAVE, Vinoba. 1963. *Shanti Sena*, 2nd ed., trans Marjorie Sykes. Rajghat, Varanasi, India: Sarva Seva Sang Prakashan.
- _____. 1994. *Moved by Love: The Memoirs of Vinoba Bhave*, trans. Marjorie Sykes. Hyderabad: Sat Sahitya Sahayogi Sangh.
- BING, Anthony G. 1990. *Israeli Pacifist: The Life of Joseph Abileah*. Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press.
- BISWAS, S.C. ed. 1990[1969]. *Gandhi: Theory and Practice. Social Impact and Contemporary Relevance*. Shimla: Indian Institute of Advanced Study.
- BONDURANT, Joan V. 1969. *Conquest of Violence: The Gandhian Philosophy of Conflict*. Berkeley: University of California Press.
- BONTA, Bruce D. 1993. *Peaceful Peoples: An Annotated Bibliography*. Metuchen, N.J. and London: Scarecrow Press.
- _____. 1996. Conflict resolution among peaceful societies: the culture of peacefulness. *Journal of Peace Research*, 33: 403-420.
- BOORSTIN, Daniel J. 1983. *The Discoverers*. New York: Random House.
- _____. 1992. *The Creators*. New York: Random House.
- _____. 1998. *The Seekers*. New York: Random House.
- BOSERUP, Anders and MACK, Andrew. 1974. *War Without Weapons: Non-Violence in National Defence*. New York: Schocken Books.
- BOUBALT, Guy; GAUCHARD, Benoît; and MULLER, Jean-Marie. 1986. *Jacques de Bollardière: Compagnon de toutes les libérations*. Paris: Non-Violence Actualité.
- BOULDING, Elise. 1980. *Women, the Fifth World*. New York: Foreign Policy Association.
- _____. 1992. *New Agendas for Peace Research: Conflict and Security Reexamined*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers.
- BOURKE, Joanna. 2001. *An Intimate History of Killing: Face-to-Face Killing in Twentieth Century Warfare*. New York: Perseus Books.
- BOURNE, Randolph S. 1964[1914-1918]. *War and the Intellectuals*. New York: Harper & Row.

- BROCK, Peter. 1968. *Pacifism in the United States: From the Colonial Era to the First World War*. Princeton: Princeton University Press.
- _____. 1970. *Twentieth Century Pacifism*. New York: D. Van Nostrand.
- _____. 1972. *Pacifism in Europe to 1914*. Princeton: Princeton University Press.
- _____. 1990. *The Quaker Peace Testimony 1660 to 1914*. York, England: Sessions Book Trust.
- _____. 1991a. *Studies in Peace History*. York, England: William Sessions Limited.
- _____. 1991b. Conscientious objectors in Lenin's Russia: A report, 1924. Pp. 81-93 in *Studies in Peace History*.
- _____. 1992. *A Brief History of Pacifism: From Jesus to Tolstoy*. Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press.
- BROWN, Lester *et al.* 1997. *State of the World 1997*. New York: W.W. Norton & Co.
- _____, GARDNER, Gary, and HALWEIL, Brian. 1999. *Beyond Malthus: Nineteen Dimensions of the Population Challenge*. New York: W.W. Norton.
- BRUYN, Severyn T. and RAYMAN, Paula M., eds. 1979. *Nonviolent Action and Social Change*. New York: Irvington Publishers.
- BUREAU OF JUSTICE. 2009. *Bureau of Justice Statistics*. Washington: U.S. Department of Justice.
- _____. 1998. *Prisoners in 1997*. Washington, D.C.: U.S. Department of Justice.
- BURGESS, John W. 1934. *Reminiscences of an American Scholar*. New York: Columbia University Press.
- BURNS, James MacGregor. 1978. *Leadership*. New York: Harper & Row.
- BURROWES, Robert J. 1996. *The Strategy of Nonviolent Defense: A Gandhian Approach*. Albany: State University of New York Press.
- BURTON, John. 1979. *Deviance, Terrorism & War: The Process of Solving Unsolved Social and Political Problems*. New York: St. Martin's Press.
- _____. 1984. *Global Conflict: The Domestic Sources of International Crisis*. Brighton: Wheatsheaf Books.
- _____. 1996. *Conflict Resolution: Its Language and Processes*. Lanham, Md.: Scarecrow Press.
- _____. 1997. *Violence Explained: The Sources of Conflict, Violence and Crime and their Prevention*. Manchester: Manchester University Press.
- CAMPBELL, Donald T. and FISKE, Donald W. 1959. Convergent and discriminant validation by the multitrait-multimethod matrix. *Psychological Bulletin* 56 (2): 81-105.
- CANADA, Geoffrey. 1995. *Fist Stick Knife Gun: A Personal History of Violence in America*. Boston: Beacon Press.
- CARNEGIE COMMISSION ON PREVENTING DEADLY CONFLICT. 1997. *Preventing Deadly Conflict: Final Report*. Washington, D.C.: Carnegie Commission on Preventing Deadly Conflict.

- CARROLL, Berenice A. 1998. Looking where the key was lost: feminist theory and nonviolence theory. In Satha-Anand and True 1998: 19-33.
- CASE, Clarence M. 1923. *Non-Violent Coercion: A Study in Methods of Social Pressure*. London: Allen and Unwin.
- CHAPPLE, Christopher K. 1993. *Nonviolence to Animals, Earth, and Self in Asian Traditions*. Albany: State University of New York Press.
- CHARNY, Israel W. 1982. *How Can We Commit the Unthinkable? Genocide the Human Cancer*. Boulder, Colo.: Westview Press.
- CHAUDHURI, Eliana R. 1998. *Planning with the Poor: The Nonviolent Experiment of Danilo Dolci in Sicily*. New Delhi: Gandhi Peace Foundation.
- CHOWDHURY, H.B., ed. 1997. *Asoka 2300*. Calcutta: Bengal Buddhist Association.
- CHRISTIAN, R.F. 1978. *Tolstoy's Letters: Volume II 1880-1910*. New York: Charles Scribner's Sons.
- CLAUSEWITZ, Carl von. 1976 [1832]. *On War*, ed. and trans. Michael Howard and Peter Paret. Princeton: Princeton University Press.
- COMMONER, Barry. 1990. *Making Peace With the Planet*. New York: Pantheon Books.
- COMMAGER, Henry S. 1991. The history of American violence: an interpretation. Pp. 3-28 in *Violence: The Crisis of American Confidence*, ed. Hugh D. Graham. Baltimore: Johns Hopkins Press.
- COMSTOCK, Craig. 1971. Avoiding pathologies of defense. Pp. 290-301 in *Sanctions for Evil*, ed. Nevitt Sanford and Craig Comstock. Boston: Beacon Press.
- CONSER, Walter H., Jr.; MCCARTHY, Ronald M.; TOSCANO, David J.; and SHARP, GENE., eds. 1986. *Resistance, Politics and the Struggle for Independence*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers.
- COOK, Philip J. and LUDWIG, Jens. 1997. Guns in America: national survey on private ownership and use of firearms. *Research in Brief*, no. 1026. Washington: National Institute of Justice.
- COONEY, Robert and MICHALOWSKI, Helen, eds. 1987. *Power of the People: Active Nonviolence in the United States*. Philadelphia, Penn.: New Society Publishers. (Chief Seattle's message pp. 6-7 has been shown to be a screenwriter's fiction.)
- COPPIETERS, Bruno and ZVEREV, Alexei. 1995. V.C. Bonch-Bruевич and the Doukhobors: on the conscientious-objection policies of the Bolsheviks. *Canadian Ethnic Studies/Etudes Ethniques au Canada* 27(3): 72-90.
- COUSINS, Norman. 1987. *The Pathology of Power*. New York: W.W. Norton.
- CRAIG, Leon H. 1994. *The War Lover: A Study of Plato's Republic*. Toronto: University of Toronto Press.
- CROW, Ralph E.; GRANT, Philip; and IBRAHIM, Saad E., eds. 1990. *Arab Nonviolent Political Struggle in the Middle East*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers.

- CROZIER, Frank P. (Brig. Gen.). 1938. *The Men I Killed*. New York: Doubleday.
- DALTON, Dennis. 1993. *Mahatma Gandhi: Nonviolent Power in Action*. New York: Columbia University Press.
- DANGE, S.A.; MUKERJEE, H.; SARDESAI, S.G.; and SEN, M. 1977. *The Mahatma: Marxist Evaluation*. New Delhi: People's Publishing House.
- DANIELS, David N. and GILULA, Marshall F. 1970. Violence and the struggle for existence. In Daniels, Gilula, and Ochberg 1970: 405-43.
- _____; GILULA, Marshall F.; and OCHBERG, Frank M., eds. 1970. *Violence and the Struggle for Existence*. Boston: Little, Brown.
- DAVIDSON, Osha G. 1993. *Under Fire: The NRA and the Battle for Gun Control*. New York: Henry Holt.
- THE DEFENSE MONITOR*. 1972-. Washington, D.C.: Center for Defense Information.
- DELLINGER, Dave. 1970. *Revolutionary Nonviolence*. Indianapolis, Ind.: Bobbs-Merrill.
- DENNEN, J.M.G. van der. 1990. Primitive war and the ethnological inventory project. Pp. 247-69 in *Sociobiology and Conflict*, eds. J. van der Dennen and V. Falger. London: Chapman and Hall.
- _____. 1995. *The Origin of War*. 2 vols. Groningen: Origin Press.
- DENSON, John V., ed. 1997. *The Costs of War: America's Pyrrhic Victories*. New Brunswick, N.J.: Transaction Books.
- DHAWAN, Gopinath. 1957. *The Political Philosophy of Mahatma Gandhi*. Ahmedabad: Navajivan Publishing House.
- DISSERTATION ABSTRACTS INTERNATIONAL*, 1963-99.
- DOGAN, Mattei and PAHRE, Robert. 1990. *Creative Marginality: Innovation at the Intersection of the Social Sciences*. Boulder, Colo.: Westview.
- DRAGO, Antonino. 1996. When the history of science suggests nonviolence. *The International Journal of Nonviolence* 3: 15-19.
- EDGERTON, William, ed. 1993. *Memoirs of Peasant Tolstoyans in Soviet Russia*. Bloomington: Indiana University Press.
- EIBL-EIBESFELDT, Irenäus. 1979. *The Biology of Peace and War: Men, Animals, and Aggression*. New York: Viking Press.
- EISENDRATH, Maurice. 1994. Thou shalt not kill – period. In Polner and Goodman 1994: 139-45.
- EISENHOWER, Dwight D. 1953. Speech to the American Society of Newspaper Editors, April 16, 1953. Full-page excerpt in *The Wall Street Journal*, May 30, 1985, p. 29.
- _____. 1959. BBC TV interview, August 31, 1959. Quoted in Peter Dennis and Adrian Preston, eds., *Soldiers as Statesmen*. New York: Barnes & Noble, 1976, p. 132.
- _____. 1961. Farewell broadcast, January 17, 1961. *The Spoken Word*, SW-9403.
- EVANS, Gwynfor. 1973. "Nonviolent Nationalism." New Malden, Surrey: Fellowship of Reconciliation. The Alex Wood Memorial Lecture, 1973.

- EVANS PIM, Joám, ed. 2009. *Toward a Nonkilling Paradigm*. Honolulu: Center for Global Nonkilling.
- EVERETT, Melissa. 1989. *Breaking Ranks*. Philadelphia, Penn.: New Society Publishers.
- FABBRO, David. 1978. Peaceful societies: an introduction. *Journal of Peace Research* 15: 67-84.
- FEDERAL BUREAU OF INVESTIGATION, U.S. DEPARTMENT OF JUSTICE. 2009. *Crime in the United States 2008*. Washington, D.C.: Federal Bureau of Investigation.
- FINER, Samuel E. 1997. *The History of Government From the Earliest Times*. New York: Oxford University Press. Vol. i, *Ancient Monarchies and Empires*. Vol. ii, *The Intermediate Ages*. Vol. iii, *Empires, Monarchies, and the Modern State*.
- FISHER, Roger and URY, William. 1981. *Getting to Yes*. Boston, Mass.: Houghton Mifflin Company.
- FOGELMAN, Eva. 1994. *Conscience & Courage: Rescuers of Jews During the Holocaust*. New York: Doubleday.
- FOSTER, Catherine. 1989. *Women for All Seasons: The Story of the Women's International League for Peace and Freedom*. Athens: University of Georgia Press.
- FRANK, Jerome D. 1960. Breaking the thought barrier: psychological challenges of the nuclear age. *Psychiatry* 23: 245-66.
- _____. 1993. *Psychotherapy and the Human Predicament*, ed. P.E. Dietz. Northvale, N.J.: Jason Aronson.
- FRIEDRICH, Carl J. 1969[1948]. *Inevitable Peace*. New York: Greenwood Press.
- FROMM, Erich. 1973. *The Anatomy of Human Destructiveness*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- FRY, A. Ruth. [1952]1986. *Victories Without Violence*. Santa Fe, N. Mex.: Ocean Tree Books.
- FRY, Douglas P. 1994. Maintaining social tranquility: internal and external loci of aggression control. In Sponsel and Gregor 1994: 135-54.
- _____. and BJÖRKVIST, Kaj, eds. 1997. *Cultural Variation in Conflict Resolution: Alternatives to Violence*. Mahwah, N.J.: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.
- FULLER, John G. 1985. *The Day We Bombed Utah*. New York: Signet Books.
- FUNG, Yu-Lan. 1952. *History of Chinese Philosophy*, trans. Derke. Bodde. Vol. i. Princeton: Princeton University Press.
- FUSSELL, Paul. 1997. The culture of war. In Denson 1997: 351-8.
- GALTUNG, Johan. 1969. Violence, peace and peace research. *Journal of Peace Research*, 6: 167-91.
- _____. 1984. *There are Alternatives!* Nottingham: Spokesman.
- _____. 1990. *The True Worlds: A Transnational Perspective*. New York: The Free Press.

- _____. 1992. *The Way is the Goal: Gandhi Today*. Ahmedabad: Gujarat Vidyapith, Peace Research Centre.
- _____. 1996. *Peace by Peaceful Means*. London: SAGE Publications.
- _____. 1998. *Conflict Transformation by Peaceful Means: The Transcend Method*. Geneva/Torino: Crisis Environments Training Initiative and Disaster Management Training Programme, United Nations.
- GANDHI, Mohandas K. 1957[1927-1929]. *An Autobiography: The Story of My Experiments with Truth*. Boston, Mass.: Beacon Press.
- _____. 1958-1994. *The Collected Works of Mahatma Gandhi*. Vols. 1-100. New Delhi: Publications Division, Ministry of Information and Broadcasting, Government of India.
- _____. 1969[1936-1940]. *Towards Non-Violent Politics*. Thanjavur, Tamilnad, India: Sarvodaya Prachuralaya.
- _____. 1970. *The Science of Satyagraha*, ed. A.T. Hingorani. Bombay: Bharatiya Vidya Bhavan.
- _____. 1971. *The Teaching of the Gita*, ed. A.T. Hingorani. Bombay: Bharatiya Vidya Bhavan.
- GARA, Larry and GARA, Lenna Mae. 1999. *A Few Small Candles: War Resisters of World War II Tell Their Stories*. Kent, Ohio: Kent State University Press.
- GARRISON, Fielding H. 1929. *An Introduction to the History of Medicine*. Philadelphia, Penn.: W.B. Saunders.
- GIOGLIO, Gerald R. 1989. *Days of Decision: An Oral History of Conscientious Objectors in the Military in the Vietnam War*. Trenton, N.J.: Broken Rifle Press.
- GIORGI, Piero. 1999. *The Origins of Violence By Cultural Evolution*. Brisbane: Minerva E&S.
- GIOVANNITTI, Len and FREED, Fred. 1965. *The Decision to Drop the Bomb*. New York: Coward-McCann.
- GOLDMAN, Ralph M. 1990. *From Warfare to Party Politics: The Critical Transition to Civilian Control*. Syracuse: Syracuse University Press.
- GOODIN, Robert E. and KLINGEMANN, Hans-Dieter, eds. 1996. *A New Handbook of Political Science*. Oxford: Oxford University Press.
- GREENLEAF, Robert K. 1977. *Servant Leadership: An Inquiry into the Nature of Legitimate Power and Greatness*. New York: Paulist Press.
- GREGG, Richard B. 1966[1935]. *The Power of Nonviolence*. New York: Schocken.
- GRISOLÍA, James S. et al., eds. 1997. *Violence: From Biology to Society*. Amsterdam: Elsevier.
- GROSSMAN, Dave (Lt. Col.). 1995. *On Killing: The Psychological Cost of Learning to Kill in War and Society*. Boston, Mass.: Little Brown.
- GUETZKOW, Harold. 1955. *Multiple Loyalties: Theoretical Approach to a Problem in International Organization*. Princeton, N.J.: Center for Research on World Political Institutions, Princeton University.

- GUSEINOV, A.A., ed. 1993. *Nyenasiliye: Filosofiya, Etika, Politika* [Nonviolence: Philosophy, Ethics, Politics]. Moscow: Nauka.
- HALBERSTAM, David. 1998. *The Children*. New York: Random House.
- HALLIE, Philip. 1979. *Let Innocent Blood Be Shed*. New York: Harper & Row.
- HARRIES-JENKINS, Gwyn. 1993. Britain: from individual conscience to social movement. In Moskos and Chambers 1993: 67-79.
- HAWKLEY, Louise and JUHNKE, James C. 1993. *Nonviolent America: History through the Eyes of Peace*. North Newton, Kans.: Bethel College.
- HERMAN, A.L. 1999. *Community, Violence, and Peace*. Albany: State University of New York Press.
- HESS, G.D. 1995. An introduction to Lewis Fry Richardson and his mathematical theory of war and peace. *Conflict Management and Peace Science* 14 (1): 77-113.
- HOBBS. 1968 [1651]. *Leviathan*, ed. C.B. Macpherson. Harmondsworth: Penguin.
- HOFSTADTER, Richard. 1971. Reflections on violence in the United States. Pp. 3-43 in *American Violence: A Documentary History*, ed. Richard Hofstadter and Michael Wallace. New York: Vintage.
- HOLMES, Robert L., ed. 1990. *Nonviolence in Theory and Practice*. Belmont, Calif.: Wadsworth.
- HORIGAN, Damien P. 1996. On compassion and capital punishment: a Buddhist perspective on the death penalty. *The American Journal of Jurisprudence*, 41: 271-88.
- HOREMAN, Bart and STOLWIJK, Marc. 1998. *Refusing to Bear Arms: A World Survey of Conscripted and Conscientious Objection to Military Service*. London: War Resisters International.
- HUSAIN, Tariq. 1997. "The Leadership Challenges of Human Development." Paper presented at the United Nations University/International Leadership Academy, Amman, Jordan, June 1, 1997.
- ISHIDA, Takeshi. 1974[1968]. *Heiwa no Seijigaku* [Political Science of Peace], 7th ed. Tokyo: Iwanami Shoten.
- IYER, Raghavan N. 1973. *The Political and Moral Thought of Mahatma Gandhi*. New York: Oxford University Press.
- JAIN, Sagarmal, ed.; VARNI, Jinendra, comp. 1993. *Saman Suttam*. Rajghat, Varanasi: Sarva Seva Sang Prakashan.
- JOSEPHSON, Harold, ed. 1985. *Biographical Dictionary of Modern Peace Leaders*. Westport, Conn.: Greenwood Press.
- JOSEPHSON, Hannah G. 1974. *Jeannette Rankin: First Lady in Congress*. Indianapolis: Bobbs-Merrill.
- KANO, Takayoshi. 1990. The bonobos' peaceable kingdom. *Natural History*, 11: 62-70.
- KANT, Immanuel. 1939[1795]. *Perpetual Peace*. New York: Columbia University Press.

- KAPUR, Sudarshan. 1992. *Raising Up a Prophet: The African-American Encounter With Gandhi*. Boston, Mass.: Beacon Press.
- KEELEY, Lawrence H. 1996. *War Before Civilization: The Myth of the Peaceful Savage*. Oxford: Oxford University Press.
- KEEVER, Beverly Ann Deepe. 2007. De-escalating Media Language of Killing: An instructional module. *Conflict and Communication Online*, 6 (1).
- KELLY, Petra K. 1984. *Fighting for Hope*. London: Chatto and Winders: The Hogarth Press.
- _____. 1989. Gandhi and the Green Party. *Gandhi Marg*, 11: 192-202.
- _____. 1990. "For feminization of power!" Speech to the Congress of the National Organization for Women, San Francisco, June 30, 1990.
- _____. 1992. *Nonviolence Speaks to Power*. Honolulu: Center for Nonviolence Planning Project, Matsunaga Institute for Peace, University of Hawai'i.
- _____. 1994. *Thinking Green! Essays on Environmentalism, Feminism, and Nonviolence*. Berkeley, Calif.: Parallax Press.
- KEYES, Gene. 1982. Force without firepower. *CoEvolution Quarterly*, 34: 4-25.
- KEYFITZ, Nathan. 1966. How many people have lived on earth. *Demography* 3 (2): 581-2.
- KHAN, Abdul K. 1997. "The Khudai Khidmatgar (Servants of God)/Red Shirt Movement in the North-West Frontier Province of British India, 1927-47." Ph.D. diss., History, University of Hawai'i.
- KING, Martin Luther, Jr. 1998. *The Autobiography of Martin Luther King, Jr.*, ed. Clayborne Carson. New York: Warner Books.
- KISHTAINY, Khalid. 1990. Violent and nonviolent struggle in Arab history. In Crow, Grant, and Ibrahim 1990: 41-57.
- KOHN, Stephen M. 1987. *Jailed for Peace: The History of American Draft Law Violators, 1658-1985*. New York: Praeger.
- KONRAD, A. Richard. 1974. Violence and the philosopher. *Journal of Value Inquiry*, 8: 37-45.
- KOOL, V.K., ed. 1990. *Perspectives on Nonviolence: Recent Research in Psychology*. New York: Springer-Verlag.
- _____, ed. 1993. *Nonviolence: Social and Psychological Issues*. Lanham, Md.: University Press of America.
- KROPOTKIN, Peter. 1972 [1914]. *Mutual Aid: A Factor of Evolution*. New York: New York University Press.
- KUHLMANN, Jürgen and LIPPERT, Ekkehard. 1993. The Federal Republic of Germany: conscientious objection as social welfare. In Moskos and Chambers 1993: 98-105.
- LAFAYETTE Jr., Bernard and JEHNSEN, David C. 1995. *The Briefing Booklet: An Introduction to The Kingian Nonviolence Reconciliation Program*. Galena, Ohio: Institute for Human Rights and Responsibilities.

- _____. 1996. *The Leader's Manual, A Structured Guide and Introduction to Kingian Nonviolence: The Philosophy and Methodology*. Galena, Ohio: Institute for Human Rights and Responsibilities.
- LEWER, Nick and SCHOFIELD, Steven, eds. 1997. *Non-Lethal Weapons: A Fatal Attraction!* London: Zed Books.
- LEWIS, John. 1973[1940]. *The Case Against Pacifism*. Introd. Carl Marzani. New York: Garland.
- LIGT, Barthélemy de. 1972[1938]. *The Conquest of Violence: an Essay on War and Revolution*, introd. George Lakey and Aldous Huxley. New York: Garland.
- LOCKE, Hubert G. 1969. *The Detroit Riot of 1967*. Detroit, Mich.: Wayne State University Press.
- LOCKE John. 1970 [1689]. *Two Treatises of Government*, ed. P. Laskett. Cambridge: Cambridge University Press.
- LOPEZ-REYES, Ramon. 1998. The fight/flight response and nonviolence. In Satha-Anand and True 1998: 34-82.
- LYND, Staughton and LYND, Alice, eds. 1995. *Nonviolence in America: A Documentary History*. Maryknoll, N.Y.: Orbis Books.
- LYTTLE, Bradford. 1982. The apocalypse equation. *Harvard Magazine* (March-April): 19-20.
- MCALLISTER, Pam. 1982. *Reweaving the Web of Life: Feminism and Nonviolence*. Philadelphia, Pa.: New Society Publishers.
- _____. 1988. *You Can't Kill the Spirit*. Philadelphia, Pa.: New Society Publishers. Barbara Deming Memorial Series: Stories of Women and Nonviolent Action.
- MCCARTHY, Colman. 1994. *All of One Peace*. New Brunswick, N.J.: Rutgers University Press.
- MCCARTHY, Ronald M. 1997. Methods of nonviolent action. In Vogeles and Powers 1997: 319-28. New York: Garland Publishing.
- _____. and SHARP, G. 1997. *Nonviolent Action: A Research Guide*. New York and London: Garland Publishing.
- MCGUINNESS, Kate. 1993. Gene Sharp's theory of power: a feminist critique of consent. *Journal of Peace Research* 30: 101-15.
- MCSORLEY, Richard. 1985. *New Testament Basis of Peacemaking*. Scottdale, Penn.: Herald Press.
- MACGREGOR, G.H.C. 1960. *The Relevance of an Impossible Ideal*. London: Fellowship of Reconciliation.
- MACNAIR, Rachel M. 2002. *Perpetration-Induced Traumatic Stress: The Psychological Consequences of Killing*. Westport, Conn.: Praeger Publishers.
- _____. 2003. *The Psychology of Peace: An Introduction*. Westport, Conn.: Praeger Publishers.
- MACHIAVELLI, Niccolo. 1961 [1513]. *The Prince*, trans. G. Bau. Harmondsworth: Penguin.

- MAGUIRE, Mairead Corrigan. 1999. *The Vision of Peace*, ed. John Dear. Maryknoll, N.Y.: Orbis Books.
- MAHAPRAJNA, Yuvacharya. 1987. *Preksha Dhyana: Theory and Practice*. Ladnun, Rajasthan: Jain Vishva Bharati.
- _____. 1994. *Democracy: Social Revolution Through Individual Transformation*. Ladnun, Rajasthan: Jain Vishva Bharati.
- MAHONY, Liam and EGUREN, Luis E. 1997. *Unarmed Bodyguards*. West Hartford, Conn.: Kumarian Press.
- MANN, Coramae Richey. 1996. *When Women Kill*. Albany: State University of New York Press.
- MARTIN, Brian. 1989. Gene Sharp's theory of power. *Journal of Peace Research*, 26: 213-22.
- _____. *et al.* 1991. *Nonviolent Struggle and Social Defence*. Ed. S. Anderson and J. Larmore. London: War Resisters International and the Myrtle Solomon Memorial Fund.
- _____. 1992. Science for non-violent struggle. *Science and Public Policy*, 19: 55-8.
- MARX, Karl and ENGELS, Friedrich. 1976[1848]. *The Communist Manifesto*, introd. A.J.P. Taylor. Harmondsworth: Penguin.
- MAYOR ZARAGOZA, Federico. 1995. *The New Page*. Paris: UNESCO Publishing.
- MERCY, James A. and SALTZMAN, Linda E. 1989. Fatal violence among spouses in the United States 1976-85. *American Journal of Public Health* 79 (5): 595-9.
- MOGIL, Christopher; and SLEPIAN, Ann; with WOODROW, Peter. 1993. *We Gave a Fortune Away*. Gabriola Island, B.C.: New Society Publishers.
- MORGAN, Robin, ed. 1984. *Sisterhood is Global*. Garden City, N.Y.: Anchor Press.
- MORRISEY, Will. 1996. *A Political Approach to Pacifism*. 2 vols. Lewiston, N.Y.: Edwin Mellen Press.
- MORTON, Bruce E. 2000. "The Dual Quadbrain Model of Behavioral Laterality." Dep. of Biochemistry and Biophysics, School of Medicine, University of Hawai'i.
- MOSER-PUANGSUWAN, Yeshua. 1995. From the peace army to the Balkan peace team. *Seeds of Peace*, 11/3: 9-11.
- _____. and WEBER, Thomas. 2000. *Nonviolent Intervention Across Borders: A Recurrent Vision*. Honolulu: Spark M. Matsunaga Institute for Peace, University of Hawai'i.
- MOSKOS, Charles and CHAMBERS, John W. II, eds. 1993. *The New Conscientious Objectors: From Sacred to Secular Resistance*. Oxford: Oxford University Press.
- NAGLER, Michael N. 1982. *America Without Violence*. Covelo, Calif.: Island Press.
- NAHAL, Chaman. 1997. A sister remembered. *The Hindustan Times*, New Delhi, November 10.

- NAKAMURA, Hajime. 1967. Basic features of legal, economic, and political thought in Japan. Pp. 143-63 in *The Japanese Mind*, ed. Charles A. Moore. Honolulu: East-West Center and University of Hawai'i Press.
- NARAYAN, Jayaprakash. 1975. From socialism to sarvodaya, pp. 145-77 in *Jayaprakash Narayan*, A. Bhattacharya. Delhi: Vikas.
- _____. 1978. *Towards Total Revolution*. 4 vols., ed. Brahmanand. Bombay: Popular Prakashan.
- NATHAN, Otto and NORDEN, Heinz, eds. 1968. *Einstein on Peace*. New York: Schocken Books.
- NAUTIYAL, Annpurna. 1996. Chipko movement and the women of Garhwal Himalaya. *Gandhian Perspectives* 9 (2): 9-17.
- NOBEL PRIZE RECIPIENTS. 1981. Manifesto of Nobel prize winners. *IFDA Dossier*, 25: 61-63.
- NORMAN, Liane E. 1989. *Hammer of Justice: Molly Rush and the Plowshares Eight*. Pittsburgh, Pa.: Pittsburgh Peace Institute.
- ORGANIZATION OF AMERICAN HISTORIANS. 1994. Peacemaking in American history. *Magazine of History*, 8(3): 1-96.
- PAIGE, Glenn D. 1968. *The Korean Decision: June 24-30, 1950*. New York: Free Press.
- _____. 1971. Some implications for political science of the comparative politics of Korea. Pp. 139-68 in *Frontiers of Development Administration*, ed. Fred W. Riggs. Durham, N.C.: Duke University Press.
- _____. 1977. *The Scientific Study of Political Leadership*. New York: Free Press.
- _____. 1977. On values and science: *The Korean Decision* reconsidered. *American Political Science Review* 71(4): 1603-9.
- _____. 1986. Beyond the limits of violence: toward nonviolent global citizenship. Pp. 281-305 in *Textbook on World Citizenship*, ed. Young Seek Choue. Seoul: Kyung Hee University Press.
- _____. and GILLIATT, Sarah, eds. 1991. *Buddhism and Nonviolent Global Problem-solving: Ulan Bator Explorations*. Honolulu: Center for Global Nonviolence Planning Project, Matsunaga Institute for Peace, University of Hawai'i.
- _____.; SATHA-ANAND, Chaiwat; and GILLIATT, Sarah, eds. 1993a. *Islam and Nonviolence*. Honolulu: Center for Global Nonviolence Planning Project, Matsunaga Institute for Peace, University of Hawai'i.
- _____. 1993b. *To Nonviolent Political Science: From Seasons of Violence*. Honolulu: Center for Global Nonviolence Planning Project, Matsunaga Institute for Peace, University of Hawai'i.
- _____. and ROBINSON, James A. 1998. In memoriam: Richard Carlton Snyder. *PS: Political Science & Politics*, 31: 241-2.
- _____. 1999. Gandhi as leader: a Plutarchan perspective. *Biography* 22 (1): 57-74.

- _____. 1999. A question for the systems sciences: is a nonkilling society possible? pp. 409-16 in Yong Pil Rhee, ed. *Toward New Paradigm of Systems Sciences*. Seoul: Seoul National University Press.
- _____.; EVANS PIM, Joám, eds. 2008. *Global Nonkilling Leadership First Forum Proceedings*. Honolulu: Center for Global Nonviolence; Matsunaga Institute for Peace, University of Hawai'i.
- PALMER, Stuart H. 1960. *A Study of Murder*. New York: Thomas Y. Crowell.
- PAREKH, Bhikhu. 1989a. *Colonialism, Tradition and Reform: An Analysis of Gandhi's Political Discourse*. Newbury Park: Sage.
- _____. 1989b. *Gandhi's Political Philosophy: A Critical Examination*. London: Macmillan.
- PARKIN, Sara. 1994. *The Life and Death of Petra Kelly*. London: Pandora, HarperCollins Publishers.
- PBS. 1993. "Fame in the 20th Century." Part V.
- PEACE NEWS. 1998. Las Abejas: the Bees continue to fly. July: 12-14.
- PELTON, Leroy H. 1974. *The Psychology of Nonviolence*. New York: Pergamon Press.
- PERRIN, Noel. 1979. *Giving up the Gun*. Boston: David R. Godine Publisher.
- PLATO. 1974. *The Republic*, trans. D. Lee. Harmondsworth: Penguin.
- PLIMAK, E.G. and KARYAKIN, YU.F. 1979. "Lenin o mirnoi i nyemirnoi formakh revolyutsionnogo perekhoda v sotsializmu" [Lenin on peaceful and nonpeaceful forms of revolutionary transition to socialism]. Paper presented to the XIth IPSA World Congress, Moscow University, 12-18 August.
- PLUTARCH. 1967-75. *Plutarch's Lives*. 11 vols. Trans. B. Perrin. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- POLK, Kenneth. 1994. *When Men Kill: Scenarios of Masculine Violence*. New York: Cambridge University Press.
- POLNER, Murray and GOODMAN, Naomi, eds. 1994. *The Challenge of Shalom*. Philadelphia, Penn.: New Society Publishers.
- _____. and O'GRADY, J. 1997. *Disarmed and Dangerous: The Radical Lives and Times of Daniel and Philip Berrigan*. New York: Basic Books.
- POWERS, Roger S. and VOGELE, William B., eds. 1997. *Protest, Power and Change: An Encyclopedia of Nonviolent Action from ACT-UP to Women's Suffrage*. New York & London: Garland Publishing.
- RADHAKRISHNAN, N. 1992. *Gandhi, Youth & Nonviolence: Experiments in Conflict Resolution*. Mithrapuram, Paranthal Post, Kerala, India: Centre for Development & Peace.
- _____. 1997a. *Gandhian Nonviolence: A Trainer's Manual*. New Delhi: Gandhi Smriti and Darshan Samiti.
- _____. 1997b. *The Message of Gandhi through Universities*. New Delhi: Gandhi Smriti and Darshan Samiti.
- RAMACHANDRAN, G. 1984. *Adventuring With Life: An Autobiography*. Trivandrum, India: S.B. Press.

- _____ and MAHADEVAN, T.K., eds. 1970. *Quest for Gandhi*. New Delhi: Gandhi Peace Foundation.
- RAMSEY, L. Thomas. 1999. "How many people have ever lived, Keyfitz's calculation updated." <http://www.math.hawaii.edu/~ramsey/People.html>.
- RANDLE, Michael. 1993. *Civil Resistance*. London: Fontana Press.
- RESTAK, Richard M. 1979. *The Brain: The Last Frontier*. Garden City, N.Y.: Doubleday.
- RIVERA, Joseph de. 2008. *The Paradigm Challenge of Political Science: Delegitimizing the Recourse to Violence*. pp. 71-87 in Joseph de Rivera, ed. Handbook on Building Cultures of Peace. New York: Springer.
- ROBARCHEK, Clayton and ROBARCHEK, Carole. 1998. *Waorani: The Contexts of Violence and War*. Fort Worth, Tex.: Harcourt Brace College Publishers.
- ROBERTS, Adam. 1967. *The Strategy of Civilian Defense: Non-Violent Resistance to Aggression*. London: Faber & Faber.
- _____. 1975. Civilian resistance to military coups. *Journal of Peace Research*, 12(1): 19-36.
- ROLLAND, Romain. 1911. *Tolstoy*, trans. Bernard Miall. New York: E.P. Dutton.
- ROODKOWSKY, Mary. 1979. Feminism, peace, and power. In Bruyn and Rayman 1979: 244-66.
- ROSENBERG, Mark L. and MERCY, James A. 1986. Homicide: epidemiologic analysis at the national level. *Bulletin of the New York Academy of Medicine*, 62: 376-99.
- ROUSSEAU, Jean-Jacques. 1966[1762]. *Du contrat social*, introd. Pierre Burgelin. Paris: Garnier-Flammarion.
- _____. 1994[1762]. *The Social Contract*, trans. C. Betts. Oxford: Oxford University Press.
- ROUSSELL, Vincent. *Jacques de Bollardière: De l'armée à la non-violence*. Paris: Desclée de Brouwer.
- ROYAL SWEDISH ACADEMY OF SCIENCES. 1983. *Ambio* 12. Special issue on environmental research and management priorities for the 1980s.
- ROYCE, Joseph. 1980. Play in violent and non-violent cultures. *Anthropos*, 75: 799-822.
- RUMMEL, Rudolph J. 1994. *Death by Governments*. New Brunswick, N.J.: Transaction Publishers.
- SAGAN, Eli. 1979. *The Lust to Annihilate: A Psychoanalytic Study of Violence in Greek Culture*. New York: Psychohistory Press.
- SALLA, Michael E. 1992. "Third Party Intervention in Interstate Conflict: The International Implications of Groups Committed to Principled Nonviolence in the Thought of M.K. Gandhi, Martin Luther King, Helder Camara & Danilo Dolci." Ph.D. diss., Government, University of Queensland.
- SANTIAGO, Angela S. 1995. *Chronology of a Revolution 1986*. Manila: Foundation for Worldwide People Power.

- SATHA-ANAND, Chaiwat. 1981. "The Nonviolent Prince." Ph.D. diss., Political Science, University of Hawai'i.
- _____. (Qader Muheideen). 1990. The nonviolent crescent: eight theses on Muslim nonviolent action. In Crow, Grant, and Ibrahim 1990: 25-40.
- _____. and TRUE, Michael, eds. 1998. *The Frontiers of Nonviolence*. Bangkok and Honolulu: Peace Information Center and Center for Global Nonviolence. In cooperation with the Nonviolence Commission, International Peace Research Association (IPRA).
- _____. 1999. Teaching nonviolence to the states. In *Asian Peace: Regional Security and Governance in the Asia-Pacific*, ed. Majid Tehranian. London: I.B. Taurus.
- SCHLISSSEL, Louise. 1968. *Conscience in America: A Documentary History of Conscientious Objection in America 1757-1967*. New York: E.P. Dutton.
- SCHMID, Alex P. 1985. *Social Defence and Soviet Military Power: An Inquiry Into the Relevance of an Alternative Defence Concept*. Leiden: Center for the Study of Social Conflict, State University of Leiden.
- SCHWARTZ, Stephen I., ed. 1998. *Atomic Audit: The Costs and Consequences of U.S. Nuclear Weapons Since 1940*. Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
- SCHWARZSCHILD, Steven et al., n.d. *Roots of Jewish Nonviolence*. Nyack, N.Y.: Jewish Peace Fellowship.
- SEBEK, Viktor. 1983. Bridging the gap between environmental science and policy-making: why public policy often fails to reflect current scientific knowledge. *Ambio*, 12: 118-20.
- SELECTIVE SERVICE SYSTEM. 1950. *Conscientious Objection*. Special monograph. No. 11, Vol. i.
- SEMLIN, Jacques. 1994. *Unarmed Against Hitler: Civilian Resistance in Europe, 1939-1943*. Westport, Conn.: Praeger.
- SETHI, V.K. 1984. *Kabir: The Weaver of God's Name*. Punjab, India: Radha Soami Satsang Beas.
- SHARP, Gene. 1960. *Gandhi Wields the Weapon of Moral Power*. Ahmedabad: Navajivan Publishing House.
- _____. 1973. *The Politics of Nonviolent Action*. Boston, Mass.: Porter Sargent.
- _____. 1979. *Gandhi As a Political Strategist*. Boston, Mass.: Porter Sargent.
- _____. 1980. *Social Power and Individual Freedom*. Boston, Mass.: Porter Sargent.
- _____. 1989. "The Historical Significance of the Growth of Nonviolent Struggle in the Late Twentieth Century." Paper presented at the Institute of World History of the Academy of Sciences of the USSR, Moscow, November 21-23.
- _____. 1990. *Civilian-Based Defense: A Post-Military Weapons System*. Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- _____. 1993. *From Dictatorship to Democracy*. Cambridge, Mass.: The Albert Einstein Institution.

- _____. 1994. "Nonviolent Struggle: A Means toward Justice, Freedom and Peace." A presentation during the mass on Public Education Day, January 18, 1994, sponsored by the Justice and Peace Commission of the Union of Superiors General of the Catholic Church, Rome.
- SHRIDHARANI, Krishnalal. 1962[1939]. *War without Violence*. Bombay: Bharatiya Vidya Bhavan.
- SHUB, David. 1976. *Lenin*. Harmondsworth: Penguin Books.
- SIBLEY, Mulford Q., ed. 1963. *The Quiet Battle: Writings on the Theory and Practice of Non-violent Resistance*. Boston, Mass.: Beacon Press.
- SIMON, David. 1991. *Homicide: A Year on the Killing Streets*. Boston, Mass.: Houghton Mifflin.
- SIVARD, Ruth Leger. 1996. *World Military and Social Expenditures 1996*. Washington, D.C.: World Priorities. 16th edition.
- SNYDER, Richard C.; BRUCK, Henry W.; and SAPIN, Burton, eds. 1962. *Foreign Policy Decision-Making: An Approach to the Study of International Politics*. New York: The Free Press of Glencoe, Macmillan.
- _____. and WILSON, H.H. 1949. *Roots of Political Behavior*. New York: American Book Company.
- SOLOMON, George F. 1970. Psychodynamic aspects of aggression, hostility, and violence. In Daniels, Gilula, and Ochberg 1970: 53-78.
- SOROKIN, Pitirim A. 1948. *The Reconstruction of Humanity*. Boston: Beacon Press.
- _____. 1954. *The Ways and Power of Love*. Boston: Beacon Press.
- SOROS, George. 1997. The capitalist threat. *The Atlantic Monthly*, February: 45-58.
- SPONSEL, Leslie E. 1994a. The mutual relevance of anthropology and peace studies. In Sponsel and Gregor 1997: 11-19.
- _____. and GREGOR, Thomas, eds. 1994b. *The Anthropology of Peace and Nonviolence*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner.
- _____. 1996. Peace and nonviolence. Pp. 908-12 in *The Encyclopedia of Cultural Anthropology*, eds. David Levinson and Melvin Ember. New York: Henry Holt.
- STANFIELD, John H., II. 1993. The dilemma of conscientious objection for African Americans. In Moskos and Chambers 1993: 47-56.
- STANNARD, David E. 1992. *American Holocaust: Columbus and the Conquest of the New World*. Oxford: Oxford University Press.
- STEGER, Manfred B. 2000. *Gandhi's Dilemma*. New York: St. Martin's Press.
- _____. and LIND, Nancy S, eds. 1999. *Violence and Its Alternatives*. New York: St. Martin's Press.
- STEIN, Michael B. 1997. Recent approaches to the concept of creativity and innovation in political and social science: a summary assessment. Paper presented to the XVIIth World Congress of the International Political Science Association, Seoul, Korea.
- STEINSON, Barbara J. 1980. "The mother half of humanity": American women in the peace and preparedness movements of World War I. Pp.

- 259-284 in *Women, War, and Revolution*, eds. Carol R. Berkin and Clara M. Lovett. New York and London: Holmes & Meier.
- STEPHENSON, Carolyn M. 1997. Greenpeace. In Voegelé and Powers 1997: 220-2.
- STEVENS, John. 1987. *Abundant Peace: The Biography of Morihei Ueshiba Founder of Aikido*. Boston: Shambala.
- STONE, I.F. 1989. *The Trial of Socrates*. New York: Anchor Books.
- SUMMY, Ralph. 1988. Towards a nonviolent political science. Pp. 161-172 in *Professions in the Nuclear Age*, eds. S. Sewell, A. Kelly and L. Daws. Brisbane: Boolarong.
- _____. 1991. Vision of a nonviolent society: what should be society's aims. *Balance*, 3(4): 3-8.
- _____. 1994. Nonviolence and the case of the extremely ruthless opponent. *Pacifica Review*, 6(1): 1-29.
- _____. and SAUNDERS, Malcolm. 1995. Why peace history? *Peace & Change* 20: 7-38.
- _____. 1997. Australia, a history of nonviolent action. In Powers and Voegelé 1997: 25-32.
- _____. 1998. Nonviolent speech. *Peace Review* 10 (4): 573-8.
- TARASOFF, Koozma J. 1995. Doukhobor survival through the centuries. *Canadian Ethnic Studies/Etudes Ethniques au Canada* 27(3): 4-23. Special Issue: From Russia with Love: The Doukhobors.
- TAYYABULLA, M. 1959. *Islam and Non-Violence*. Allahabad: Kitabistan.
- TENDULKAR, D.G. 1967. *Abdul Ghaffar Khan: Faith is a Battle*. Bombay: Popular Prakashan.
- THOMPSON, Henry O. 1988. *World Religions in War and Peace*. Jefferson, N.C. and London: McFarland & Company.
- TOBIAS, Michael. 1991. *Life Force: The World of Jainism*. Berkeley, Calif.: Asian Humanities Press.
- TOLSTOY, Leo. 1974[1893 and 1894-1909]. *The Kingdom of God and Peace Essays*, trans. Aylmer Maude. London: Oxford University Press.
- TROCMÉ, André. 1974. *Jesus and the Nonviolent Revolution*. Scottsdale, Penn.: Herald Press.
- TRUE, Michael. 1995. *An Energy Field More Intense Than War: The Nonviolent Tradition and American Literature*. Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press.
- TSAI, Loh Seng. 1963. Peace and cooperation among natural enemies: educating a rat-killing cat to cooperate with a hooded rat. *Acta Psychologica Taiwanica*, 3: 1-5.
- TWAIN, Mark. 1970[1923]. *The War Prayer*. New York: Harper & Row.
- UNITED NATIONS. 1978. *Final Document of Assembly Session on Disarmament 23 May – 1 July 1978*. S-10/2. New York: Office of Public Information.
- _____. 1993. *Agenda 21: The United Nations Programme of Action from Rio*. New York: United Nations.

- _____. 1996. *Report of the Fourth World Conference on Women, Beijing, 4-15 September 1995*. New York: United Nations.
- UNNITHAN, N. Prabha; HUFF-CORZINE, Lin; CORZINE, Jay; and WHITT, Hugh P. 1994. *The Currents of Lethal Violence: An Integrated Model of Suicide and Homicide*. Albany: State University of New York Press.
- UNNITHAN, T.K.N. and SINGH, Yogendra. 1969. *Sociology of Non-Violence and Peace*. New Delhi: Research Council for Cultural Studies, India International Centre.
- _____. 1973. *Traditions of Nonviolence*. New Delhi: Arnold-Heinemann India.
- UNREPRESENTED NATIONS AND PEOPLES ORGANIZATION (UNPO). 1998. *Nonviolence and Conflict: Conditions for Effective Peaceful Change*. The Hague: Office of the Secretary General, UNPO. <http://www.unpo.org>.
- _____. 1998. *Yearbook 1997*, ed. J. Atticus Ryan. The Hague: Kluwer Law International.
- VILLAVINCENCIO-PAUROM, Ruby. 1995. Nature/gunless society: utopia within reach. Pp. 146-51 in Emelina S. Almario and Asuncion D. Maramba, eds. *Alay sa Kalinaw: Filipino Leaders for Peace*. Makati City: Aurora Aragon Quezon Peace Foundation and UNESCO National Commission of the Philippines.
- WAAL, Frans de. 1989. *Peacemaking Among Primates*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- _____. 1996. *Good Natured: The Origins of Right and Wrong in Humans and Other Animals*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- _____. 1997. *Bonobo: The Forgotten Ape*. Berkeley: University of California Press.
- WALKER, Charles C. 1979. Nonviolence in Africa. In Bruyn and Rayman 1979: 186-212.
- WAR RESISTERS LEAGUE. 1989. *Handbook for Nonviolent Action*. New York: War Resisters League.
- WASHINGTON, James M., ed. 1986. *A Testament of Hope: the Essential Writings and Speeches of Martin Luther King, Jr.* New York: HarperCollins Publishers.
- WASSERMAN, Harvey. 1982. *Killing Our Own: The Disaster of America's Experience With Atomic Radiation*. New York: Delacorte Press.
- WATSON, Peter. 1978. *War on the Mind: The Military Uses and Abuses of Psychology*. New York: Basic Books.
- WEBER, Max. 1958[1919]. Politics as a vocation. Pp. 77-128 in *From Max Weber: Essays in Sociology*, ed. H.H. Gerth and C. Wright. Mills. New York: Oxford University Press.
- WEBER, Thomas. 1989. *Hugging the Trees: The Story of the Chipko Movement*. New Delhi: Penguin.
- _____. 1996. *Gandhi's Peace Army: The Shanti Sena and Unarmed Peacekeeping*. Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press.
- _____. 1997. *On the Salt March: The Historiography of Gandhi's March to Dandi*. New Delhi: HarperCollins Publishers India.

- WEEKS, John R. 1996. *Population*. 6th edition. Belmont, Calif.: Wadsworth Publishing.
- WEINBERG, Arthur and WEINBERG, Lila. 1963. *Instead of Violence: Writings of the Great Advocates of Peace and Nonviolence throughout History*. Boston, Mass.: Beacon Press.
- WHIPPLE, Charles K. 1839. *Evils of the Revolutionary War*. Boston, Mass.: New England Non-Resistance Society.
- _____. 1860a. *Non-Resistance Applied to the Internal Defense of a Community*. Boston, Mass.: R.F. Wallcut.
- _____. 1860b. *The Non-Resistance Principle: With Particular Attention to the Help of Slaves by Abolitionists*. Boston, Mass.: R.F. Wallcut.
- WHITMAN, Walt. 1855. "Song of myself," *Leaves of Grass*, 42: 33-42. Norwalk, Conn.: The Easton Press.
- WILCOCK, Evelyn. 1994. *Pacifism and the Jews*. Landsdown, Gloucestershire: Hawthorn Press.
- WILSON, H. Hubert. 1951. *Congress: Corruption and Compromise*. New York: Rinehart.
- WITTNER, Lawrence S. 1993. *One World or None: A History of the World Nuclear Disarmament Movement Through 1953*. Stanford, Calif.: Stanford University Press.
- _____. 1997. *Resisting the Bomb: A History of the World Nuclear Disarmament Movement, 1954-1970*. Stanford, Calif.: Stanford University Press.
- WORLD BANK. 1997. *World Development Report 1997: The State in a Changing World*. Oxford: Oxford University Press.
- _____. 1999. Press briefing, "Poverty Update." Washington, D.C., June 2.
- WORLD WILDLIFE FUND. 1986. *The Assisi Declarations: Messages on Man and Nature From Buddhism, Christianity, Hinduism, Jainism & Judaism*. Gland, Switzerland: WWF International.
- WRANGHAM, Richard and PETERSON, Dale. 1996. *Demonic Males: Apes and Origins of Human Violence*. New York: Houghton Mifflin.
- YODER, John H. 1983. *What Would You Do? A Serious Answer to a Standard Question*. Scottsdale, Penn.: Herald Press.
- YOUNG, Andrew. 1996. *An Easy Burden: The Civil Rights Movement and the Transformation of America*. New York: HarperCollins Publishers.
- YOUNG, Art. 1975. *Shelley and Nonviolence*. The Hague: Mouton.
- YOUNGER, Stephen M. 2007. *Endangered Species: Mass Violence and the Future of Humanity*. New York: Ecco.
- YOUTH DIVISION OF SOKA GAKKAI. 1978. *Cries for Peace: Experiences of Japanese Victims of World War II*. Tokyo: The Japan Times.
- ZAHN, Gordon. 1964. *In Solitary Witness: The Life and Death of Franz Jägerstätter*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- ZAVERI, Zetha Lal S. and KUMAR, Mahendra. 1992. *Neuroscience & Karma: The Jain Doctrine of Psycho-Physical Force*. Ladnun, Rajasthan: Jain Vishva Bharati.

- ZHANG, Yi-Ping. 1981. Dui feibaoli zhuyi ying jiben kending [We should positively affirm nonviolence]. *Shijie lishi* [World History], 16(3): 78-80.
- ZIMRING, Franklin E. and HAWKINS, Gordon E. 1986. *Capital Punishment and the American Agenda*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ZINN, Howard. 1980. *A People's History of the United States*. New York: Harper.
- ZUNES, Stephen; KURTZ, Lester R.; and ASHER, Sarah Beth, eds. 1999. *Nonviolent Social Movements: A Geographical Perspective*. Oxford: Blackwell Publishers.